

امام علی بن  
الحسین علیه السلام

# سکینه

با ترجمه فارسی  
آیه الله حسن مملوحي کرمانشاهی

# بوستان کتاب

## صحیفه سجادیه

امام علی بن الحسین علیهم السلام با ترجمه فارسی

• ترجمه: آیت الله حسن ممدوحی کرمانشاهی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: ششم / ۱۳۹۲ • شمارگان: ۱۰۰۰ • بها: ۲۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائیة)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۳۷۴۲۱۵۵-۷، شماره: ۳۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۴۳۴۷۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (هرچه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۸۸۹۵۹۹۲۲

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۷۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

♦ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲

♦ فروشگاه کودک و نوجوان: قم، چهارراه شهدا، نیش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۴۳۱۷۹

♦ پخش پکتا (بخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ انقلاب، بین ابوریحان و فلسطین، بن بست سروش، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۹۷۳۲۰۳

پست الکترونیک مؤسسه: [E-mail:info@bustaneketab.com](mailto:E-mail:info@bustaneketab.com)

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشتند:

اعضای شورای بررسی آثار • مدیر شورای کتاب: جواد آهنگر • ویراستار: ابوالفضل طریقه دار • چکیده عربی: سهیله حائقی • چکیده انگلیسی: عبدالحمید مطوریان  
• فیه: مصطفی محطوفی • مسئول واحد حرفه نگاری: اصلاحات حرفه نگاری و صفحه آرا: احمد مؤتمنی • کارشناس و کنترل نمونه طواری: محمدجواد مصطفوی  
• نمونه طواری: ابوالحسن مسهمیزاد و سید رضا هدایتی • کنترل فنی صفحه آرای: حسین عبدیان • کارشناس طراحی و گرافیک و طراحی جلد: مسعود نجاحتی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماض سازی: حمید رضا نموری • اداره چاپخانه: حمید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

رئیس طرح  
اسماعیل اسماعیلی

## فهرست مطالب

مقدمه	۹
دعای اوّل: در ستایش خداوند	۱۳
دعای دوم: درود بر پیامبر اکرم ﷺ	۲۳
دعای سوم: دعا برای حاملان عرش و فرشتگان مقرب	۲۹
دعای چهارم: دعا برای پیروان انبیای الهی	۳۷
دعای پنجم: دعا برای خود و دوستان	۴۳
دعای ششم: دعا هنگام صبح و شام	۴۹
دعای هفتم: دعا هنگام گرفتاری و ناراحتی	۵۹
دعای هشتم: پناه بردن به خدا از اخلاق و افعال ناهنجار	۶۵
دعای نهم: آرزوش خواهی از درگاه خدا	۷۱
دعای دهم: دعا هنگام پناه بردن به خدا	۷۵
دعای یازدهم: دعا برای حسن عاقبت	۷۹
دعای دوازدهم: توبه و اعتراف به درگاه خداوند	۸۳
دعای سیزدهم: درخواست حوائج	۹۱
دعای چهاردهم: دعا به هنگام مظلوم واقع شدن و مشاهده کردار ستمگران	۹۹

- دعای پانزدهم: دعا به هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری..... ۱۰۵
- دعای شانزدهم: طلب عفو و آمرزش از درگاه خداوند..... ۱۱۱
- دعای هفدهم: پناه بردن به خدا از شیطان و دشمنی‌ها و نیرنگ‌های آن..... ۱۲۳
- دعای هجدهم: دعا به هنگام دفع ناگواری‌ها و اجابت خواسته‌ها..... ۱۳۱
- دعای نوزدهم: دعای درخواست بارش باران..... ۱۳۳
- دعای بیستم: دعای درخواست مکارم اخلاق و کردارهای پسندیده..... ۱۳۹
- دعای بیست و یکم: دعا به هنگام پیش آمد اندوه و غصه اشتباهات..... ۱۵۷
- دعای بیست و دوم: دعا در حال سختی، گرفتاری و پیچیدگی امور..... ۱۶۵
- دعای بیست و سوم: دعا برای عافیت..... ۱۷۳
- دعای بیست و چهارم: دعا برای پدر و مادر..... ۱۷۹
- دعای بیست و پنجم: دعا برای فرزندان..... ۱۸۷
- دعای بیست و ششم: دعا برای همسایگان و دوستان..... ۱۹۵
- دعای بیست و هفتم: دعا برای مرزداران..... ۲۰۱
- دعای بیست و هشتم: دعا هنگام پناه بردن به خدا..... ۲۱۵
- دعای بیست و نهم: دعا به هنگام تنگ‌دستی..... ۲۱۹
- دعای سی‌ام: دعا برای پرداخت بدهی..... ۲۲۳
- دعای سی و یکم: دعای درخواست توبه..... ۲۲۷
- دعای سی و دوم: دعای اعتراف به گناه بعد از نماز شب..... ۲۳۹
- دعای سی و سوم: دعای استخاره..... ۲۵۵
- دعای سی و چهارم: دعا هنگام مشاهده حال گرفتاران و رسواشدگان در اثر گناه..... ۲۵۹
- دعای سی و پنجم: دعا برای خشنودی از داده‌ها..... ۲۶۳
- دعای سی و ششم: دعا به هنگام دیدن ابر و شنیدن صدای آذرخش..... ۲۶۷

۲۷۱	دعای سی و هفتم: اعتراف به کوتاهی در ادای شکر خدا
۲۷۹	دعای سی و هشتم: پوزش خواهی از کوتاهی در حقوق مردم
۲۸۳	دعای سی و نهم: درخواست عفو و رحمت الهی
۲۹۱	دعای چهلم: دعا هنگام شنیدن خبر مرگ دیگران و گاه یادکرد مرگ
۲۹۵	دعای چهل و یکم: درخواست پوزش و نگاهداری
۲۹۹	دعای چهل و دوم: دعای ختم قرآن
۳۱۳	دعای چهل و سوم: دعا هنگام رؤیت هلال
۳۱۷	دعای چهل و چهارم: دعا هنگام ورود ماه رمضان
۳۲۷	دعای چهل و پنجم: دعای وداع با ماه رمضان
۳۴۷	دعای چهل و ششم: دعای عید فطر و روز جمعه
۳۵۵	دعای چهل و هفتم: دعای روز عرفة
۳۹۵	دعای چهل و هشتم: دعای روز عید قربان و جمعه
۴۰۷	دعای چهل و نهم: دعای برای دفع کید و مکر دشمنان
۴۱۷	دعای پنجاهم: دعای به هنگام بیم و خشیت
۴۲۳	دعای پنجاه و یکم: دعا به هنگام زاری و تضرع
۴۳۱	دعای پنجاه و دوم: دعا به هنگام اصرار و پافشاری به درگاه خدا
۴۳۹	دعای پنجاه و سوم: دعا به هنگام اظهار خاکساری در درگاه خدا
۴۴۵	دعای پنجاه و چهارم: دعا برای برطرف شدن ناراحتی ها





## مقدمه

ذات اقدس ربوبی راستایشی سزااست که از حدّ و وصف و وهم و قیاس برتر و از افق خیال فراتر و بلکه فوق بلندای عقل، هم چون ثنای خاتم المخلصین و المرسلین باشد و صلوات و تحیات پیوسته بر افضل رسل و سلطان سریر «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» نثار باد.

و درود بی پایان خداوندی بر اهل بیت نبوت، به ویژه خاتم الولا، حضرت امام مهدی - صلوات الله علیهم اجمعین - همواره نازل و شامل باشد. صحیفه هستی از عظیم ترین آیات جبروتی و ملکوتی و اجرام عظیم کیهانی تا ذری ترین موجودات جهان، جملگی صفحه علم فعلی خدای رب العالمین است.

این حقیقت گسترده وجودی در گفتار معصومان حضرت سیدالاجدین و امام المقربین، تبلوری بس حکیمانه و عارفانه یافته است که از نقش حیرت آفرین دایره وجود آن امام معصوم با اشارت های لطیف خود حکایت می کند و نفوس صالحان و پاکان را به همراه خود به سیر سماوات و ارضین می کشاند؛ گاهی رازهایی از قعر دریاها و هنگامی از سپهر سماوات و شگفتی های فلکی سخن گوید و هنگامی هم با ساکنان سر حرم ملکوت همنشین می گردد.

و نیز آن امام معصوم در این صحیفه مکرمه به نظاره قامت انسانیت نشسته و

آنچه را که برای تکامل وجودی او ضروری است و در حرکت الهی وی دخیل است به زبان دعا از خدای متعال درخواست کرده و به راهیان نور آگاهی می‌دهد که تخلّق و تلبّس به آن کمالات، زینده آنان است و مقامات عالی انسانیت، مستلزم طئی طریق بندگی و زیور زیبای صفای دل و جان است. و از هر نقطه که بر دامن شرافت و کرامت انسانی سزاوار نیست تقاضای تیزی شدید نموده‌اند، و با مقال دل‌نشین و زیبای نیایشی، امت خود را از آن عیب و نقص‌ها برحذر می‌دارد.

و در گزاره‌هایی بس کوتاه و پر معنا و به کارگیری واژه‌های کم‌نظیر، با خلّاقیت هنری و ادبی از بلندترین مراتب کمال و معرفت حجاب برگیرد و راستی، فوق استعداد آدمیان، حکمت و ادب و کرامت آفریند و جملگی را بر حسب ذوق و فهم امت در قالب الفاظ و کلمات به پرداخت اعجازی شگفت‌انگیز دست می‌زند.

و این متن عظیم در زاویه‌های گوناگون می‌درخشد و در هر سوی به تمام ظرفیت ممکن جلوه‌ی خاص خود را دارد، آن چنان که تفصیل کلماتش عرصه را از متفکران و دانشمندان و فیلسوفان برگرفته و در فضای ویژه خود برای احدی عرض اندام باقی نگذارد.

چنان‌که اجمال آن تفصیل نیز در ترجمه کوتاه آن خزاین علمی نمونه‌ای از خرمن عظیم معرفت و شعور الهی است. و جملگی را به صورت رمز در این فرقان صاعد برای امت خود به ودیعه گذاشته است، که با ذهنی آماده باید بهره‌برداری بود. از این روی فرصتی مفتنم را مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی) به دست داد و با سوژه جدید دیگری به ارائه خدمت چشم‌گیر دیگری پرداخت و مجموعه این صحیفه مکرمه سجاده را همراه با ترجمه‌ای که این حقیر معمول داشته چاپ و نشر فرمودند و دسته گلی عطرآگین که واجد همه رانحه‌های بهشتین آن بوستان محمدی بوده و از الطاف و زیبایی‌های پطرأوت آن



خرمن فیض الهی حکایت‌ها دارد، به شما خواننده مکرم تقدیم می‌دارد.  
امتیاز این ترجمه، واژه‌نامهٔ خاص صحیفه است که در ذیل هر فصل به صورت  
جداگانه، معانی واضح و روشن واژه‌ها به خوانندگان محترم ارائه گردیده است.  
امید آن‌که مورد قبول خوانندگان محترم باشد و خطاها و کمبودها را به چشم  
عطوفت مغفور دارند. الطاف خاصه حضرات معصومین دست‌گیر امت اسلامی باشد  
و گوشه‌ای از آن همه فضل و رحمت، نصیب این فقیر نیز گردد.

حسن مهدوحی



## التَّحْمِيدُ لِلَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالْدُّعَاءِ بِدَأً بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ  
وَالشَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلُهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدُهُ، الَّذِي  
قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْيِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ.

(٢) ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَاخْتَرَهُمْ عَلَى مَشِيئِهِ اخْتِرَاعاً، ثُمَّ  
سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَنْلِكُونَ تَأْخِيراً عَمَّا  
قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدِماً إِلَى مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ.

(٣) وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَغْلُوماً مَقْسُوماً مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ  
زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ.

(٤) ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجْلاً مَوْقُوتاً، وَنَصَبَ لَهُ أَسْداً مَخْدُوداً.  
يَنْخَطَأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَزْهَقُهُ بِأَغْوَامِ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى  
أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبِضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ "مِنْ مَوْقُورٍ"  
تَوَابِهِ، أَوْ مَخْدُورٍ عِقَابِهِ.

## دعای اول

### در ستایش خداوند

(۱) تمامی ستایش‌ها از آن خدایی است که پیش از همه موجودات است و هیچ چیز قبل از او امکان وجود ندارد و او غایت همه موجودات است و هرگز پس از او موجودی نیست، چشمان بینندگان در حدی نیست که او را ببینند و او هام و اصفان از وصفش ناتوان است.

(۲) خلق را به قدرت و مشیت خود بدون نمونه برداری آفرید، سپس بر حسب اراده‌ازلی، آنان را آن چنان که می‌خواست در مسیر خواست خود قرار داد و در طریق محبت خود برانگیخت، لذا هرگز آنان از آن جاکه تقدم داشته قدرت بر تأخیر ندارند و از آن جاکه مؤخر داشته قدرت بر تقدیم ندارند.

(۳) خداوند متعال برای هر روح و نفسی روزی خاصی قرار داده است؛ به گونه‌ای که به هر کس روزی فراوان عنایت کرد، کسی را قدرت بر کم کردن آن نیست و هر کس را روزی اندک عنایت کرد، کسی را قدرت بر افزودن آن نیست.

(۴) سپس خداوند متعال برای انسان، سرآمد عمر معین و مشخصی قرار داد که او این مسیر عمر را با قدم‌های خود طی می‌کند و با گذراندن سال‌ها در روزگار خود تمام می‌نماید تا این که به آخرین مرحله برسد و حساب زندگی را کاملاً طی کند، سپس خداوند متعال او را به طرف ثواب بسیار یا عقاب بیمناک می‌خواند.



(٥) (يَجْزِي الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى)،  
عَذَابًا مِنْهُ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ آوَاؤُهُ، (لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ  
يُسْأَلُونَ).

(٦) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا  
أَبْلَاهُمْ<sup>٢</sup> مِنْ مَنِيهِ الْمُتَابَعَةِ<sup>٤</sup>، وَاسْتَبَعَ عَلَيْهِمْ<sup>٥</sup> مِنْ نَعْيِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ<sup>٦</sup>،  
لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِيهِ فَلَمْ يَخْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَكَوْ  
كَانُوا كَذَلِكَ، لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ<sup>٧</sup>، فَكَانُوا  
كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: (إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ  
سَبِيلًا).

(٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ  
أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْجِيدِهِ، وَجَنَّبَنَا مِنَ  
الْإِلْحَادِ وَالشُّكِّ فِي أَمْرِهِ، حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فَيَمُنَّ حِمْدُهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَتَسْبِيحُهُ بِهِ مَنْ  
سَبَّحَ إِلَى رِضَاهُ وَغَفْوِهِ.

(٨) حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرَزَخِ<sup>٨</sup>، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمُنَبِّثِ،  
وَيُشْرَفُ بِهِ مَنَازِلُنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، (يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا  
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)، (يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ  
يُنْصَرُونَ).

(۵) تا بدکاران را به کیفر رساند و آنان را که رفتاری نیکو داشته‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، به کرامت و فضیلت اکرام فرماید، زیرا اقتضای عدل خداوند متعال همین است. اسمای او منزّه از هرگونه نقص و نعمت‌های او در کمال ظهور است و هرگز از او سؤال نشود، بلکه همهٔ مکلفان مورد سؤال قرار می‌گیرند.

(۶) سپاس خداوندی را که اگر معرفت شکر نعمت‌های خود را - که پیوسته بر بندگان فرو می‌آیند و یکی پس از دیگری به ظهور می‌پیوندند - به آنان عطا نمی‌کرد، بسندگان در نعمت‌های او تصرف فراوان نموده و به توسعهٔ زندگی خویش می‌پرداختند، بدون آن که به منعم توجه کنند و در این صورت از فطرت و حدود انسانیت خارج شده و همانند بهایم زندگی می‌کردند و آن چنان می‌گردیدند که خداوند متعال فرموده است: «آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌تر از آنها هستند».

(۷) ستایش خدایی را که خود را به ما شناسانده و شکر نعمت‌های خود را در فطرت ما قرار داد و درهای آگاهی و شناخت ربّانیت خود را به روی ما گشود و به سوی اخلاص در توحید راهنمایی فرمود و از الحاد در اعتقاد و شک در توحید ذات و صفات بر حذر داشت، آن چنان سپاسی که ما را در زمرهٔ شاكران قرار دهد و به وسیلهٔ آن همانند کسانی گردیم که به سوی عفو و رضای او پیشی گرفته‌اند.

(۸) خداوند متعال را چنان ستایش می‌کنیم که بدان وسیله، تاریکی‌های عالم برزخ را بر ما روشن سازد و راه ورود به قیامت را آسان نماید و منازل و وقوف در محضر حضرت حق را در روزی که جز عمل انسان جزای دیگری در کار نیست، به کرامت محل و شرافت موقف تبدیل فرماید؛ روزی که هیچ دوستی نمی‌تواند به دوست خود یاری رساند و از ناحیهٔ غیر خدا به هیچ کس کمکی میسر نیست.

(٩) حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ<sup>١</sup> يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ،  
حَمْدًا تَقْرُؤُهُ غُيُوثُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ<sup>٢</sup>، وَتَبْيَضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ  
الْأَبْصَارُ.

(١٠) حَمْدًا نُثَقِّتُ<sup>٣</sup> بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ، حَمْدًا نُزَاجِمُ بِهِ  
مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامُ<sup>٤</sup> بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي  
لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

(١١) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَبِيبَاتِ  
الرِّزْقِ، وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ<sup>٥</sup> عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ<sup>٦</sup>  
لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

(١٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ<sup>٧</sup> عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ<sup>٨</sup>  
حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِي<sup>٩</sup> شُكْرَهُ؟ لَا، مَتَى؟

(١٣) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ<sup>١٠</sup>، وَجَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ  
الْقَبْضِ<sup>١١</sup>، وَمَتَعَنَا<sup>١٢</sup> بِأَزْوَاجِ الْحَيَاةِ<sup>١٣</sup>، وَاثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ، وَغَدَّانا  
بِطَبِيبَاتِ الرِّزْقِ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَفْنَانَا<sup>١٤</sup> بِعَمَلِهِ.

(١٤) ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتُنَا، وَنَهَانَا لِيُتَبَلَى<sup>١٥</sup> شُكْرُنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ  
أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مَثُونَ<sup>١٦</sup> زَجْرِهِ، فَلَمْ يَتَذَرْنَا<sup>١٧</sup> بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ  
تَأَنَّنَانَا<sup>١٨</sup> بِرُوحَتِهِ تَكَرُّمًا، وَانْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ جِلْمًا.

(۹) خداوند متعال را آن چنان حمد می‌کنیم که بتوانیم بدان سپاس، به بالاترین مراحل هستی که مقربان در بلندای لوح مرقوم مشاهده کرده‌اند، راه یابیم و در زمانی که روشنایی از چشم و دیدگان می‌رود، موجب روشنایی دیدگان ما گردد و آن‌گاه که گونهٔ بدکاران سیاه می‌گردد، سبب نورانی و شفاف‌شدن چهرهٔ ما شود.

(۱۰) و آن حمدی را به جای می‌آوریم که با آن از آتش سوزان و دردناک جهنم، به کرامت جوار رحمت الهی آرمیده و در کنار ملائکهٔ مقرب و در قرب انبیای مرسلین، در سرای جاویدان و محل کرامت غیر قابل زوال، قرار گیریم!

(۱۱) سپاس خدایی را که ما انسان‌ها را به بهترین چهره آفرید و بهترین نوع روزی‌ها را برای ما و به سوی ما روان گردانید و آن فضیلت را به ما عطا کرد که می‌توانیم بر نظام خلقت مسلط باشیم و از آن در خدمت به خود بهره‌برگیریم، بلکه همه را تحت تسخیر و اطاعت خود درآوریم.

(۱۲) و ستایش سزاوار آن خدایی است که درهای فقر و نیاز را به روی ما بسته و فقط ما را به درگاه خود متوجه فرموده است و ما چگونه می‌توانیم سپاس گوی او باشیم؟ نه، هرگز نمی‌توانیم!

(۱۳) و ستایش خدایی را که عضلاتی را در بدن ما قرار داده که توان باز و بسته شدن را دارند و ما را از آسایش‌های زندگی برخوردار نمود و به ما جوارح و اندام‌هایی عطا کرده که امور خویش را با آنها انجام دهیم و با انواع غذاهای پاکیزه ما را بی‌نیاز ساخت و به منت و بخشش خود، سرمایهٔ زندگی ما را فراهم نمود.

(۱۴) سپس به ما امر فرمود تا اطاعت ما را بیازماید و از بعضی اشیاء نهی کرد تا میزان شکر ما را به ما بفهماند، ولی ما با دستورهای او مخالفت نموده و چیزهایی را که نهی کرده بود، مرتکب شدیم. با این حال، او به کیفر ما مبادرت نفرمود و با رحمت با ما رفتار کرد و از روی بردباری و مهربانی خود، چشم به راه توبهٔ ماست.



(١٥) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفْذِهَا<sup>٣٧</sup> إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَذِرْ<sup>٣٨</sup> مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسَنَ بِلَاؤُهُ<sup>٣٩</sup> عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجَسَمُ<sup>٤٠</sup> فَضْلُهُ عَلَيْنَا.

(١٦) فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُحْشِمْنا<sup>٤١</sup> إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِمَّا حُجِّجَ وَلَا عُدْرًا؛ فَالْهَالِكُ مِمَّا مِنْ هَلَكٍ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِمَّا مِنْ رَغَبٍ إِلَيْهِ.

(١٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَذْنِي مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ، حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ.

(١٨) ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا<sup>٤٢</sup> مُضَاعَفَةٌ أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(١٩) حَمْدًا لَا مُسْتَهْتَنَ لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمْرِهِ، حَمْدًا يَكُونُ وَضْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَغُفْرًا، وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَرِيعَةً<sup>٤٣</sup> إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا مِنْ نِعَمَتِهِ.

(٢٠) وَأَشْنَأُ مِنْ غَضَبِهِ، وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَحَاجِرًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيتِهِ حَقَّهُ وَظَانِيهِ، حَمْدًا تَسْعُدُ بِهِ فِي السَّعَادَةِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَغْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.



(۱۵) سپاس خدایی را که ما را به بازگشت و توبه به سوی خود هدایت فرمود؛ بازگشتی که دست یابی به آن فقط با فضل او میسر است، به حدّی که اگر به جز توبه سایر نعمت‌های او را به شمار نیاوریم، احسان او بر ما تمام و نعمت و فضلش بر ما بزرگ است.

(۱۶) در امت‌های گذشته، سنت الهی در پذیرش به این صورت نبود که در امت ما جاری است، اما خداوند منت گذارد و از ما مجازات فوق طاقّت را برداشت و تکالیف را در حدّ وسع و طاقّت ما قرارداد و بر ما آسان گرفت و هیچ‌گونه عذر تراشی و بهانه‌ای را برای ما باقی نگذاشت. بنابراین، زیان‌کار کسی است که طفیان‌گری نموده و در خط هلاکت قدم بردارد و خوشبخت کسی است که در خط فرمان او گام بردارد.

(۱۷) و حمد و سپاس خدا را به تمام آن چه مقرب‌ترین فرشتگان و گرامی‌ترین آفریده‌ها و بهترین ستایش‌گران بدان و سیله او را سپاس گزارده‌اند، ستایشی که نسبت به سایر حمدها، همانند برتری خداوند متعال بر تمام بندگان باشد.

(۱۸) پس ستایش خدا را در مقابل همه نعمت‌هایی که بر ما و تمام بندگان گذشته و آینده‌اش ارزانی داشته است، به شماره علم و آگاهی او به همه اشیا، بلکه چندین برابر آنها به طور ابدی تار و ز قیامت.

(۱۹) ستایشی که حد، شماره، مقدار و نهایی ندارد و موجب رسیدن به اطاعت و عفو و خشنودی او و وسیله‌ای برای آمرزش او و راهی برای بهشت او و پناهگاهی از کیفر اوست.

(۲۰) ستایشی که با آن از خشم خدا در امان باشیم و کمک بر اطاعت و مانع از معصیت و یاری‌کننده بر ادای حق و وظایف گردد، ستایشی که با آن در صف اولیای نیک‌بخت قرار گیریم و در نظام شهیدانی که به وسیله شمشیر دشمنان دین به لقای حق پیوسته‌اند، قرار گیریم، که او ولیّ و یاری دهنده ستوده است.



## واژه‌ها

۱. ابتداء: ایجاد بدون سابقه.
۲. اختراع: نوآوری.
۳. قوت: روزی.
۴. موقت: دارای زمان معین.
۵. آفت: درازای زمان.
۶. یثقلًا: قدم برمی دارد.
۷. یرقه: تمام می‌کند.
۸. اعرام: سال‌ها.
۹. اقصی اثره: آخرین لحظات طی شود.
۱۰. استوعب: فراگیر نماید.
۱۱. ندهه الیه: او را بخواند.
۱۲. موفور: فراوان.
۱۳. ابلاهم: بیاموزد.
۱۴. المتابعه: پشت هم.
۱۵. اسخ علیهم: اعطای نعمت‌های بی‌دریغ.
۱۶. المظاهره: به ظهور پیوسته.
۱۷. بهیمه: حیوانیت.
۱۸. برزخ: عالم پس از دنیا و قبل از آخرت.
۱۹. کتاب مرقوم: لوحی که همه چیز در آن رقم خورده است.
۲۰. برقت الابصار: نور از چشمان برود.
۲۱. نعتی: آزاد گردیم.
۲۲. تُضام: ضمیمه شویم.
۲۳. السلکة: تسلط یافتن به خدمت در آوردن.
۲۴. منقاد: مطیع.
۲۵. افلق: فروبست.
۲۶. نطق: طاقت آوریم.
۲۷. متی نودی: چگونه ادا کنیم؟
۲۸. آلات بسط: افزاری که بدان وسیله اعضا باز شوند.
۲۹. ادوات القبض: وسایلی که بدان‌ها اعضا جمع و بسته شود.
۳۰. متعنا: بهره‌مندمان نمود.
۳۱. ارواح الحیاء: آسایش‌های زندگی.
۳۲. اقنانا: بی‌نیازمان ساخت.
۳۳. لیبتلی: آزمایش کند.
۳۴. متون: واقعیت‌های امور.
۳۵. لم یبتدرنا: سرعت نگرفت.
۳۶. تاتاننا: به ما صبر نمود و مهلت داد.
۳۷. تُفدها: به دست آوردیم و استفاده کردیم.
۳۸. نعتد: به شماره درآوریم.
۳۹. حُسن بلانه: احسان او فراوان است.

۴۰. جَسْمٌ عَظِيمٌ اسْت.

۴۲. اَضْعَافٌ: چند برابر.

۴۱. وَلَمْ يَجْعَلْنَا: ما را مکلف نساخت.

۴۳. ذَرِيعَةٌ: وسیله.



## الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

(١) وَالْخُحْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَ لَا يَقُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطُفَ، فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِنْ ذُرَا، وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ، وَ كَثَّرْنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قَلَّ.

(٢) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَ نَجِيِّكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيِّكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَ قَائِدِ الْخَيْرِ، وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ، كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَ عَرَّضَ فِيكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ.

(٣) وَ كَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَاسَتَهُ<sup>١</sup>، وَ حَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ<sup>٢</sup>، وَ قَطَعَ فِي إِخْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ، وَ أَقْصَى الْأَذْنَيْنِ<sup>٣</sup> عَلَى جُحُودِهِمْ، وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ<sup>٤</sup> عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ.

(٤) وَ الْوَالِي فِيكَ الْأَبْعَدِينَ<sup>٥</sup>، وَ عَادِي فِيكَ الْأَقْرَبِينَ<sup>٦</sup>، وَ أَذَابَ نَفْسَهُ فِي

## دعای دوم

### درود بر پیامبر اکرم ﷺ

(۱) ستایش خدایی را که پیامبر خاتم را در بین همه امت‌ها نصیب ما فرمود، با قدرتی که از هیچ چیز - اگر چه بسیار عظیم باشد - عاجز نیست و از کوچک‌ترین موجود غفلت نمی‌کند و بدین ترتیب، ما را فرزندان پیامبر خاتم همه آفریده‌هایش قرار داد و گواه بر منکران گردانید و مدت ایام ما را در امامت و رهبری بر همه امت‌های گذشته که مدت آنان کوتاه بود، برتری داد.

(۲) خدایا، بر حضرت محمد درود فرست، هم او که امین وحی و نجیب‌ترین و برگزیده‌ترین بندگان تو است؛ او که پیشرو در رحمت و رأفت و خیر و کلید برکات و خیرات بود و تن و جان خود را در راه اوامر و فرمان تو به رنج انداخت.

(۳) در راه رسالت، از حامیان و قبیله خود جدا شد و با آنان جنگید و به خاطر دین تو رابطه خود را با آنان قطع نمود و نزدیکان خود را که شرک می‌ورزیدند دور ساخت و آنان را که به ظاهر از اهل و عشیره او نبودند، به خود نزدیک فرمود.

(۴) آنان را که دور بودند و تحت ولایت دین در آمدند، به خود نزدیک کرد و نزدیکان مشرک خویش را از خود دور نمود و در راه ابلاغ رسالت تو، خود را به



تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ، وَاتَّعْبَهَا بِالْدُعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ، وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ.  
(٥) وَ هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ، وَ مَحَلَّ النَّاسِ<sup>١١</sup> عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رَحْلِهِ، وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ<sup>١٢</sup>، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِزَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنْصَاراً عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ.

(٦) حَتَّى اسْتَسَبَّ<sup>١٣</sup> لَهُ مَا حَاوَلَ<sup>١٤</sup> فِي أُعْدَائِكَ، وَ اسْتَسَمَّ<sup>١٥</sup> لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ؛ فَتَهَدَّ<sup>١٦</sup> إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحاً بِعَوْنِكَ، وَ مُتَقَوِّياً عَلَى ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ، فَغَزَاهُمْ فِي غُفَرِ دِيَارِهِمْ<sup>١٧</sup>، وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُخْبُوحَةٍ<sup>١٨</sup> قَرَارِهِمْ، حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوَكِرَ الْمُشْرِكُونَ.

(٧) اَللَّهُمَّ فَارْقَعُهُ بِمَا كَدَحَ<sup>١٩</sup> فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، حَتَّى لَا يُسَاوِيَ فِي مَنَزَلَةٍ، وَ لَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ، وَ لَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ.

(٨) وَ عَرَّفَهُ فِي أَهْلِيهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِيهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلَ مَا وَعَدْتَهُ. يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا وَافِيَ الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنْ الْحَسَنَاتِ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

رنج انداخت و در راه دعوت مردم و نصیحت آنان، در زحمت و مشقت فراوان قرار گرفت.

(۵) پیامبر اکرم ﷺ به خاطر عزت دین و پیروزی بر کفر، از وطن خود (مکه) که بستگان و خاندان او در آن جا می‌زیستند و زادگاه و مرکز پرورش و انس او بود، دوری جست.

(۶) خدایا، پیامبر تو آن چنان به جهاد و کوشش اقدام فرمود که آن چه اراده کرد در دشمنان تو مستقر شد و آن چه را خواست در دوستان تو برقرار گردید و به کمک تو و یاری جستن از تو، به قیام قدرت‌مندی دست زد که بر ضعف آنها غالب آمد؛ در عمق خانه‌های شان با آنان جنگید و بر آنان هجوم آورد تا آن که خواسته‌ات ظاهر و کلمه تو غالب گردید، اگر چه با کراهت مشرکان تمام شد.

(۷) خدایا، مقام پیامبر را به واسطه مجاهده‌های او، به جایگاهی آن چنان رفیع از بهشت خود برسان که هیچ کس در منزلت و مقام و رتبه، با او یک‌سان و مساوی نباشد و هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسلی هم طراز وی قرار نگیرد.

(۸) خدایا، به پیامبر اکرم شفاعتی درباره اهل بیت مکرم او و افراد ایمان آورنده به او از امتش کرامت فرما که بر تر از آن چه به پیامبر اکرم وعده داده‌ای باشد! ای کسی که وعده‌ات قطعی و به قول خود وفادار هستی، ای کسی که بدی‌ها را به چندین برابر نیکی تبدیل می‌کنی، به راستی که تو دارای تفضل عظیم هستی.



## واژه‌ها

۱. نصب لأمرک: خود را آماده فرمانبرداری ساخت.
۲. عرض: خود را در معرض قرار داد.
۳. حاتته: قبیله و خویشان.
۴. أَسْرَه: فامیل.
۵. اقصى الادنین: نزدیکان خود را دور کرد.
۶. قَرَب الأقصین: دورها را به خود نزدیک ساخت.
۷. والی فیک الایمعدین: در راه تو، به افراد دور از خود دل بست.
۸. و عادی فیک الاقربین: در راه تو نزدیکان را از خود براند.
۹. أدأب: کوشش کرد.
۱۰. الثأی: دور.
۱۱. مسقط رأسه: وطن خود.
۱۲. استب: برقرار شد.
۱۳. حاول: اراده کرده.
۱۴. استم: اتمام پذیرد.
۱۵. نهد: حرکت به سوی دشمن.
۱۶. عھر دیارهم: داخل خانه.
۱۷. بهجوحة: وسط.
۱۸. کدح: رنج کشید.





## الصَّلَاةُ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَكُلِّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ:

(١) اَللّٰهُمَّ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِيْنَ لَا يَفْتُرُوْنَ<sup>١</sup> مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسْأَمُوْنَ<sup>٢</sup> مِنْ تَقْدِيْسِكَ، وَلَا يَسْتَحْسِرُوْنَ<sup>٣</sup> مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤَيِّزُوْنَ<sup>٤</sup> التَّقْصِيْرَ عَلَى الْجِدِّ فِيْ أَمْرِكَ، وَلَا يَغْفُلُوْنَ عَنِ الْوَلِيَّةِ إِلَيْكَ.

(٢) وَإِسْرَافِيْلُ صَاحِبُ الصُّوْرِ، الشَّاخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ وَحُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَنْبِئُهُ بِالنَّفْخَةِ صَرَعَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ، وَمِيكَائِيْلُ ذُو الْجَاوِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ.

(٣) وَ الرُّوْحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَ الرُّوْحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلَّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِيْنَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ، وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ، وَ الَّذِيْنَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَاعَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ<sup>٥</sup>، وَلَا إَغْيَاءٍ<sup>٦</sup> مِنْ لُغُوبٍ<sup>٧</sup> وَلَا فُتُورٍ<sup>٨</sup>.

## دعا برای حاملان عرش و فرشتگان مقرب

(۱) خدایا، درود خود را بر حاملان عرش خود روا دار که در تسبیح تو سستی نمی‌کنند و از تقدیس تو خسته نمی‌گردند و از عبادت تو آزرده نمی‌شوند و از عشق و محبت تو غفلت نمی‌ورزند.

(۲) خدایا، بر فرشته مقرب خود اسرافیل - صاحب صور - درود بفرست، هم او که آماده اذن و رسیدن امر از طرف تو است و با نفخه خود آنان را که در گورها قرار دارند، بیدار می‌کند و نیز به میکائیل فرشته مقرب، مطیع و صاحب جلال و مقام رفیع خود درود فرست و نیز بر جبرائیل، امین وحی و صاحب مقام که همه آسمانیان در اطاعت او کوشا هستند و نزد تو مقام بلند و مرتبه‌ای مقرب دارد، درود فرست.

(۳) و درود فرست بر روح، فرشته‌ای که بر ملائکه حاجب مأمور است و نیز بر آن فرشته‌ای که با عالم امر در ارتباط می‌باشد و نیز درود فرست بر سایر فرشتگان که مقامشان پایین تر از آنان است و از ساکنان آسمان‌ها هستند و بر آنان که واسطه پیام‌ها و امانت‌های تو می‌باشند و بر تمامی ملائکه‌ای که هرگز خستگی و سستی و زحمت در جد و کوشش خود احساس نمی‌کنند.

(٤) وَلَا تَسْغُلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ، وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ  
الْفَقَلَاتِ، الْأَخْشَعُ الْأَبْصَارُ فَلَا يُزَوِّمُونَ<sup>١١</sup> النَّظَرَ إِلَيْكَ، النَّوَكِسُ الْأَذْهَانُ<sup>١٢</sup>،  
الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ<sup>١٣</sup> بِذِكْرِ آلَايِكَ، وَ  
الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبَرِيَانِكَ.

(٥) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ<sup>١٤</sup> عَلَى أَهْلِ مَفْصِيكَ:  
«سُبْحَانَكَ مَا عَبْدُنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ!»، فَصَلَّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ  
مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الرُّؤْفَةِ<sup>١٥</sup> عِنْدَكَ، وَ حُمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَ الْمُؤْتَمِنِينَ  
عَلَى وَحْيِكَ.

(٦) وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ  
الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَغْذِيكَ، وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ، وَ الَّذِينَ  
عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ، وَ خَزَائِنِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ<sup>١٦</sup>  
السَّحَابِ.

(٧) وَ الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ<sup>١٧</sup>، وَ إِذَا سَبَحْتَ بِهِ خَفِيفَةً  
السَّحَابِ<sup>١٨</sup> اتَّمَعْتَ<sup>١٩</sup> صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ<sup>٢٠</sup>، وَ مُسَيِّمِ<sup>٢١</sup> الشَّلْجِ وَ السَّبَرْدِ، وَ  
الْهَابِطِينَ<sup>٢٢</sup> مَعَ قَطْرِ<sup>٢٣</sup> الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ الْقَوَامِ<sup>٢٤</sup> عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَاحِ، وَ  
الْمُؤَكِّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ.

(٨) وَالَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَنَاقِبَ<sup>٢٥</sup> الْبَيَاءِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِي<sup>٢٦</sup> الْأَمْطَارِ وَ  
عَوَالِجِهَا<sup>٢٧</sup>، وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنْ  
الْبَلَاءِ وَ مَخْشَوْبِ الرَّخَاءِ<sup>٢٨</sup>.

(۴) و درود فرست بر آن دسته از فرشتگان که خواهش‌ها، آنان را از تسبیح تو باز نمی‌دارند و غفلت، آنها را از بزرگداشت تو جدا نمی‌سازد. آنان که چشم به زمین دوخته و سر به زیر انداخته و هرگز طالب نظر به سوی تو نیستند و تمام شوق به نعمت‌های تو دارند و همواره در کنار عظمت و جلال کبریایی تو خود را حقیر و خوار می‌شمارند.

(۵) و نیز بر آن دسته از فرشتگان درود فرست که در آن هنگام که به جهنم می‌نگرند و آن را فروخته بر اهل معصیت می‌بینند، تو را تسبیح نموده و می‌گویند: «ما تو را آن چنان که سزاوار تو است عبادت نکرده‌ایم!» پس بر همه آنان و تمامی مجردات و روحانیون از ملائکه و اهل رحمت و پیام آوران غیب که بر پیامبران نازل می‌شوند و امین و وحی تو می‌باشند، رحمت و درود خود را نازل فرما!

(۶) و نیز بر آن دسته از ملائکه که فقط در محضر خاص تو هستند و آنان را به سبب تقدیس خود، از نوشیدنی و خوردنی بی‌نیاز کرده‌ای و آنها را در باطن آسمان‌ها جا داده‌ای درود فرست و نیز بر آن دسته از فرشتگان که در اطراف آسمان گسترده هستند و منتظر امر و وعده تو می‌باشند، درود فرست که آنان خزانة داران باران و محرک ابرها برای بارندگی هستند.

(۷) و درود فرست بر آن فرشته‌ای که با صدای فراخوانی ابرها، صدای مهیب ابرها را به شنوندگان می‌رساند و آن گاه که ابرها در فضا شناگرند، شعله‌های برق می‌درخشد و نیز بر آن دسته از فرشتگانی که همراه برف، تگرگ و قطره‌های باران نازل می‌شوند و همین طور بر متولیان خزاین باده‌ها و مأموران نگاه داری کوه‌ها از ریزش، درود فرست.

(۸) خدایا، بر آن دسته از ملائکه که وزن آب‌ها و مقدار قطرات درشت و متراکم باران‌ها را به آنها آموخته‌ای درود فرست و نیز به آن دسته از فرشتگانت که آنان را برای نزول بلا یا اهدای آرامش و رحمت به سوی زمین گسیل می‌داری، درود فرست.



(٩) وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةَ، وَالْحَفَظَةَ الْكِرَامِ السَّائِبِينَ، وَمَلِكِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَرُومَانَ<sup>٢٢</sup> قَسَّانِ<sup>٢٣</sup> الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكٍ، وَالْخَزَنَةَ، وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ<sup>٢٤</sup> الْجَنَانِ.

(١٠) وَالَّذِينَ لَا يَغْضُونَ اللَّهُ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ، وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ)، وَالرَّابَّانِيَّةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: (خُذُوهُ فَغُلُّوهُ \* ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ) ابْتَدَرُوهُ<sup>٢٥</sup> سِرَاعاً، وَلَمْ يُنْظَرُوهُ<sup>٢٦</sup>.

(١١) وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَبَايَ أَمْرٍ وَكَلْتَهُ، وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي (كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ<sup>٢٧</sup> وَشَهِيدٌ).

(١٢) وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ. اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَبَلَغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ، فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ، إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٍ.

(۹) خدایا، بر آن دسته از فرستادگان که دارای کرامت و نیکی بوده و نیز نویسندگان گرامی که هرگز اشتباه نمی‌کنند و ملک الموت و دستیاران او و دو فرشته سؤال‌کننده در قبر و فرشته‌ای به نام «رومان» که قبور را می‌شکافد و آنان که در بیت‌المعمور طواف می‌کنند و آنان که مالک دوزخ و خازن‌های جهنم و فرشته «رضوان» و خدمت‌گزاران در بهشت هستند، درود فرست.

(۱۰) و نیز درود فرست بر آن دسته از فرشتگان که هرگز فرمان تو را معصیت نکرده و آن چه را دستور می‌دهی، به جای می‌آورند و نیز بر آن دسته از فرشتگان که بر واردشوندگان به بهشت سلام و تهنیت می‌گویند که این سرای جاودانه، جالب و دلنشین است و بر ملائکه جهنم که هرگاه به آنها گفته شود، تبهکاران را بگیرد و آنان را به زنجیر بکشید و به سوی جهنم ببرید، به سرعت عمل نموده و به جهنمیان مهلت نمی‌دهند.

(۱۱) و درود بر آن دسته از فرشتگان که نام آنان را نیاورده و موقعیت آنان را نمی‌شناسیم که به چه چیز مأمور هستند و سلام بر ساکنان فضا، زمین، آب‌ها و آنان که بر خلائق مسلط‌اند. پس درود فرست بر آنان، در آن دم که همگان به سوی قیامت می‌آیند در حالی که با هر کس دو مأمور از پس و پیش همراه خواهد بود.

(۱۲) و درود فرست بر تمامی فرشتگان، آن چنان درودی که بر کرامت و طهارت آنان بیفزاید و هرگاه که صلوات خود را بر فرشتگان و فرستادگانت نثار فرمودی و درودها را بر آنان ابلاغ نمودی به سبب گشایش زبان ما به ذکر ایشان، بر مانیز تحیت و تهنیت خود را روا دار، که تو جواد و کریم هستی.



## واژه‌ها

۱. لایفترون: خسته نشوند.
۲. لایسئون: ناراحت نشوند، ملال نیابند.
۳. لایستحسرون: به زحمت نیفتند.
۴. لایؤثرن: انتخاب نکنند.
۵. الوله: شوق.
۶. رهائن: گروگان‌ها.
۷. دئوب: کوشش.
۸. اعیاء: خسته شدن.
۹. لغوب: ملال.
۱۰. فتور: سستی.
۱۱. یرومون: طلب کنند.
۱۲. النواکس الاذقان: سرافکنندگان.
۱۳. مستهترون: حریص‌ها.
۱۴. تزفر: شعله‌ها کشش یابد.
۱۵. الزلفة: اهل قرب و اطاعت.
۱۶. زواجر: برانگیزندگان.
۱۷. زجل الزعود: صداهای گوناگون ابرها.
۱۸. سیحت السحاب: ابرها صدای آرامی سر دهند.
۱۹. التمت: می‌درخشد.
۲۰. صواعق البروق: آتش از پیدایش برق‌ها.
۲۱. مشیح: تشییع کننده.
۲۲. هابط: فرو آمده.
۲۳. قطر: جمع قطره.
۲۴. القوام: مأموران.
۲۵. مثاقیل: وزن‌ها.
۲۶. لواعج: شدیده‌ها.
۲۷. عوالج: متراکم‌ها.
۲۸. الرخاء: وسعت در زندگی.
۲۹. رومان: نام ملک.
۳۰. فتان: تمیز دهنده قبرها.
۳۱. سدنه: خدمت‌گزاران.
۳۲. استدره: به سرعت به سوی او می‌شتابند.
۳۳. لم‌نظروه: مهلتش ندهند.
۳۴. السائق: سوق دهنده به سوی آخرت.





## الصَّلَاةُ عَلَى مُصَدِّقِي الرُّسُلِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقِيهِمْ:  
 (١) اَللّٰهُمَّ وَاتَّبَاعُ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ  
 عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَايِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَالْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ  
 بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَأَقِمْتَ لِأَهْلِهِ  
 دَلِيلًا، مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ أُنْمَةِ  
 الْهُدَى، وَقَادَةِ أَهْلِ التَّقَى - عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ - فَادْكُؤْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ  
 رِضْوَانٍ.

(٢) اَللّٰهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَلَّوْا  
 الْبَلَاءَ الْحَسَنَ<sup>١</sup> فِي نَصْرِهِ، وَكَانَفُوهُ<sup>٢</sup>، وَأَسْرَعُوا إِلَى وَفَادَتِهِ<sup>٣</sup>، وَسَابَقُوا  
 إِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ، وَفَارَقُوا الْأَرْوَاجَ  
 وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَقَاتَلُوا الْآبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَنْفِيتِ نُبُوتِهِ،  
 وَانْتَصَرُوا بِهِ.

## دعا برای پیروان انبیای الهی

(۱) خدایا، به آمرزش و خشنودی یاد فرما از پیروان راستین انبیا، آنان که تمامی دعوت‌ها و فرمان‌های پیامبران را تصدیق نموده و بدان عمل کرده و به غیب ایمان آوردند و آن‌گاه که ملحدان و کافران به عناد و لجاج با پیامبران برخاستند و پیوسته در تکذیب آنان کوشیدند، اینان هرگز صحنه را خالی نکرده و گرداگرد آنان را گرفتند و با ایمان حقیقی به آنان عشق ورزیدند. خدایا، تو از زمان حضرت آدم تا عصر پیامبر اسلام، در هر برهه‌ای از زمان، رسولی را فرستادی که همگی پیشوایان هدایت و تقوا بودند که درود تو بر همه آنان باد. پس همه آنان را مشمول مغفرت و رضوان خود بفرما!

(۲) خداوندا، به ویژه بر اصحاب پیامبر اسلام ﷺ، آنان که به بهترین وجه یار و یاور پیامبر اکرم ﷺ بودند و در یاری او از هیچ کوششی دریغ نکردند و در امتحان‌های سخت به بهترین وجه موفق شدند و آن‌گاه که پیامبر اکرم ﷺ به آنان روی آورد، به سوی او شتافته و دعوت او را پذیرفتند و آن‌گاه که نشانه‌های رسالت خود را به آنان ارائه نمود، به نبوت او اقرار کردند و برای پیشرفت رسالت او از خاندان و خانمان خود جدا شدند و در راه تثبیت رسالت او با پدران و فرزندان کافر خود جنگیدند و او را یاری کردند.

(٣) وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ بَحَارَةَ لَنْ تَبُورَ<sup>٦</sup> فِي مَوَدَّتِهِ، وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُزَّتِهِ<sup>٧</sup>، وَانْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ، فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ، وَارْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ<sup>٨</sup> عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةَ لَكَ إِلَيْكَ، وَاشْكُوهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ<sup>٩</sup> فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ، وَمَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.

(٤) اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: (رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ) خَيْرَ جَزَائِكَ. الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ<sup>١٠</sup>، وَتَحَرَّوْا<sup>١١</sup> وَجْهَهُمْ، وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ<sup>١٢</sup>. لَمْ يَنْتَبِهْ<sup>١٣</sup> رَبُّ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ<sup>١٤</sup> شَكٌّ فِي قَفْرِ<sup>١٥</sup> آثَارِهِمْ، وَالْإِسْتِمَامِ<sup>١٦</sup> بِهَدَايَةِ مَنَارِهِمْ، مُكَانِفِينَ<sup>١٧</sup> وَ مُوَازِرِينَ<sup>١٨</sup> لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّقُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يَنْتَهُمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ.

(٥) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ، صَلَاةً تَفْصِيهِمْ بِهَا مِنْ مَفْصِيَّتِكَ، وَ تَفْسُحُ<sup>١٩</sup> لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَسْتَعْمُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُبْعِثُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ<sup>٢٠</sup> اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، وَ تَبْنِعُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ تَرِكَ التُّهْمَةَ فِيمَا تَخَوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ.

(۳) خدایا، آن دسته از اصحاب پیامبر ﷺ را که به دوستی آن بزرگوار دل بسته بودند و به سبب دوستی پیامبر اکرم ﷺ در جان آنان امید به تجارتی بود که هرگز ضررپذیر نبود، زیرا چنان به پیامبر اکرم گرویدند که در سایه قرابت و خویشاوندی با او هر گونه علاقه خویشاوندی دیگری را بریدند. خدایا، آن چه آنان به خاطر تو و در راه تو از آن گذشتند، از نظر دور مدار و آنان را با رضای خود خوشنود گردان، زیرا آنان از خلق بریدند و به تو گرویدند و همراه با پیامبر تو خلق را به سوی تو خواندند و به خاطر مهاجرت از دیارشان و به جهت ظلم زیادی که در راه تو تحمل کردند، شکرانه خود را نصیبشان گردان.

(۴) خداوند، بهترین پاداش خود را بر پیروان صحابه نازل بفرما که پیوسته در حق گذشتگان یاد خیر داشته و دعا می کردند و می گفتند: «خدایا، ما و برادران ایمانی ما را که بر ما پیشی گرفته اند، مشمول رحمت و مغفرت خود قرار ده.» هم آنان که در راه صحابه قدم گذاشته و از سیره حسنه آنان پیروی کردند و آن چه را که آنان انتخاب کرده بودند، انتخاب نمودند و مانند ایشان رفتار کردند و هیچ گاه در بصیرت و بینایی آنان شک نداشته و در پیروی و اقتدا به آثار آنها تردیدی به خود راه ندادند، با آنان هم آهنگ و مساعد بوده و به دین آنان معتقد و هم چنان در راه مستقیم آنان حرکت نموده و شک در صدق و درستی آنان نداشتند.

(۵) خداوندگارا، درود فرست بر تابعین در این زمان و آنان که تا روز قیامت خواهند آمد و بر همسران و فرزندان آنان و بر همه پیروان آنها، آن چنان درودی که آنها را از گناه باز دارد و باغستان های بهشت را برای آنان فراخ گرداند و آنان را از کید شیطان باز داشته و در آن چه از تو کمک خواسته اند، در انجام نیکی ها مدد و کمک کار آنان باشد و آنها را از پی آمدهای ناگوار شب و روز نگاه دارد و آنها را به حسن اعتقاد و طمع بر عطایای تو و بدبین نبودن به آن چه در دست مردم است، وادارد.

(٦) لِيَرْتُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَتُرْهَدَّهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ،  
وَتُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ"، وَالْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَتَهَوَّنَ" عَلَيْهِمُ  
كُلَّ كَرْبٍ يَحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا، وَتُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ  
الْفِتْنَةُ" مِنْ مَخْذُورَاتِهَا، وَكَيْتَى" النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا، وَتُصَيِّرَهُمْ إِلَى  
أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ.



(۶) خدایا، درودی بر آنان فرست که آنها را به خوف و رجای از تو موفق گرداند و به دنیای زودگذر بی‌رغبت و به گسترش آن با پارسایی بی‌اعتنا باشند و در عمل و رغبت به آخرت شوق زیاد پیدا کنند و برای زندگی بعد از مرگ آماده باشند و تمام گرفتاری‌های لحظه خروج از دنیا را بر آنان آسان گردانی و از آزمایش‌های سنگین و پی‌آمدهای آن معاف فرمایی و نیز از فرو افتادن در آتش جهنم و خلود در آن، رهایشان نمایی و آنان را به جایگاه امن تقواییشان منتقل فرمایی.

## واژه‌ها

۱. قاده: رهبران.
۲. اهلوا البلاء الحسن: امتحان‌های سنگین را
۳. کاتفوه: یاری کردند.
۴. وفادته: نازل و وارد شدن.
۵. منطوبین: در دل داشتند.
۶. لن تیور: بدون خسران است.
۷. عروة: دست‌گیره.
۸. حاشوا الخلق: ترغیب کردند مردم را.
۹. هجر: ترک.
۱۰. ست: مقصد راه.
۱۱. تحروا: طلب کردند.
۱۲. شاکلتهم: نیت و طریقه آنان.
۱۳. لم یثنهم: اضطراب نیافتند.
۱۴. لم یسختلج: در آنان شک و تردید راه
- نیافت.
۱۵. قفو: تبعیت.
۱۶. ایشام: اقتدا.
۱۷. مکائف: یار.
۱۸. موازر: تقویت کننده.
۱۹. نفع: گشایش دهی.
۲۰. طوارق: حوادث ناگوار.
۲۱. الرهبة: خوف.
۲۲. الأجل: آخرت.
۲۳. تهون: آسان کنی.
۲۴. فته: امتحان.
۲۵. کبة: شدت.



## دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَلِأَهْلِ وَبَنِيهِ:

(١) يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُنَا عَنْ  
الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ، وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ  
أَغْنِنِي رِقَابَتَاكَ مِنْ نَقَمَتِكَ، وَيَا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيباً فِي رَحْمَتِكَ.

(٢) وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَيْهِ الْأَبْصَارُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْنِنَا  
إِلَى قُرْبِكَ، وَيَا مَنْ تَصَغَّرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ  
كَوِّمْنَا عَلَيْكَ، وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ.

(٣) اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ، وَاكْفِنَا وَخْشَةَ الْفَاطِمِيِّينَ بِصَلَاتِكَ  
حَتَّى لَا تَزْغَبَ إِلَيْنَا أَحَدٌ مَعَ بَذْلِكَ، وَلَا نَسْتَوْجِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.

(٤) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكِذِّ لَنَا، وَلَا تَكِذِّ عَلَيْنَا، وَامْكُرْ لَنَا  
وَلَا تَمْكُرْ بِنَا، وَادِلْ لَنَا، وَلَا تُدِلْ مِنَّا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَا



## دعا برای خود و دوستان

(۱) ای خدایی که شگفتی‌های خلقت تو پایان ندارد، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ما را از انکار عظمت خود باز دار و ای آن که سلطنت و قدرت تو بی‌پایان است. بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ما را از آتش جهنم آزاد گردان و ای خدایی که خزاین تو فنا نمی‌پذیرد بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و نصیبی از رحمت خود بر ما ارزانی دار.

(۲) ای خدایی که چشم از دیدن تو باز می‌ماند، بر محمد و آل او درود فرست و ما را به قرب و رحمت خود نزدیک فرما و ای خدایی که هر بزرگی در کنار قدرت تو کوچک است، بر محمد و آل او درود فرست و ما را در نزد خود گرامی بدار و ای کسی که خبرهای پوشیده بر تو آشکار است، بر محمد و آل محمد درود فرست و هرگز ما را در نزد خود رسوا مگردان.

(۳) خدایا، ما را از بخشش بخشنندگان بی‌نیاز گردان و از ترس و بیم آنان که از ما بریده‌اند، نگاه دار به گونه‌ای که بعد از تو، به هیچ فردی رغبت نورزیم و با وجود فضل تو از هیچ کس هراس به دل راه ندهیم.

(۴) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و به سود ما تدبیر فرمانه به زیان ما و مکر خود را نه بر ما، بلکه بر دشمنان ما قرار بده و ما را پیروز گردان و آنان را بر ما پیروز مگردان، نیز بر محمد و آل او درود فرست و ما را از خشم خود نگاه دار

مِنْكَ<sup>١١</sup>، وَاحْفَظْنَا بِكَ، وَاهْدِنَا إِلَيْكَ، وَلَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ؛ إِنَّ مِنْ تَقِيهِ<sup>١٢</sup> يَسْلَمُ، وَ مِنْ تَهْدِيهِ يَفْلَحُ، وَ مِنْ تُقَرِّبُهُ إِلَيْكَ يَنْقُصُ.

(٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ<sup>١٣</sup> الزَّمَانِ، وَ شَرَّ مَصَائِدِ<sup>١٤</sup> الشَّيْطَانِ، وَ مَرَارَةَ صَوْلَةِ<sup>١٥</sup> السُّلْطَانِ.

(٦) اَللّٰهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا، وَ إِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَغْنِنَا، وَ إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنَا.

(٧) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرُّهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ، وَ مَنْ أُعْطِيَتْ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ، وَ مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ<sup>١٦</sup> إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْتَنِعْنَا بِعُرْكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِزَادِكَ<sup>١٧</sup>، وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِزَادِكَ.

(٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَ فَرَاغَ أَبْدَانِنَا<sup>١٨</sup> فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَ انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَ هُذَاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و ما را محفوظ بدار و به سوی خود راهنمایی فرما و از خود دور مگردان، زیرا هر کس را که تو حافظی، سالم است و هر که را هدایت کنی آگاه است و هر کس را که به خود نزدیک فرمایی، به غنیمت تمام می‌رسد.

(۵) خداوند، بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از شداید و گرفتاری‌های زمانه و دام‌های زشت و بد شیطان و تلخی غضب و ظلم آن‌که بر انسان‌ها چیره است، نگاه دار.

(۶) خدایا، آنان که در حدیثی نیازی از همه چیز قرار دارند، در پناه کفایت تو به سر می‌برند، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را هم کفایت بفرما و هر کس که دست بخشنده دارد به فضل جود تو است؛ پس بر محمد و آل او درود فرست و به ما هم عطا بفرما و هر کسی که به راه راست راه یافت به نور وجه تو بود، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را به هدایت خود در صراط مستقیم قرار ده.

(۷) خدایا، هر که را که تو سرپرستی کنی، از خذلان دیگران در امان است و آن کس را که تو اعطا کنی، اگر همه خیر خود را باز دارند، منقصتی برای او پیش نمی‌آید و هر کس را تو هدایت کنی، اضلال گمراه‌کنندگان او را گمراه نخواهد کرد. پس تو بر محمد و آل او درود فرست و به عزّت و جلال خود ما را از شرّ بندگان محفوظ بدار و با عطای خود ما را بی‌نیاز گردان و به راهنمایی و ارشاد خود ما را در سبیل حق و هدایت قرار ده.

(۸) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و سلامت قلوب ما را در یادکردِ عظمت خود قرار ده و راحتی جسم و تن ما را در شکر نعمت خود تضمین فرما و بازگویی زبان ما را در وصف منت‌های خود قرار ده و بر محمد و آل او درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که خلق را به سوی تو می‌خوانند و هدایت می‌کنند و ما را از خاضّان درگاهت قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.



### واژه‌ها:

۱. العاد: روی گردانی از حق.
۲. ادتنا: ما را نزدیک کن.
۳. خطر: منزلت.
۴. اخطار: جمع خطر، منزلت‌ها.
۵. کِذْ لَنَا: به نفع ما دشمنان ما را به کید خود مبتلا کن.
۶. و لا تکد علینا: کیدت را متوجه ما نکن.
۷. وامکر لَنَا: به نفع ما مکر خود را به دشمنان ما متوجه کن.
۸. ولاتمکر بنا: مکر را متوجه به ما نفرما.
۹. و اذل لَنَا: ما را به پنهانی‌های دشمن آگاه کن.
۱۰. و لاتدل مَنَا: دشمن را به اسرار ما آگاه نکن.
۱۱. و قنا منك: ما را به حفظ خود مصون بدار.
۱۲. من تته: کسی که تو او را نگه داری.
۱۳. نوائب: مصائب.
۱۴. مصادد: دام‌ها.
۱۵. صوله: قدرت.
۱۶. لم یفوه: به ضلالت نیفکند.
۱۷. ارفاده: کمک و اعطا.
۱۸. فراخ ابداننا: آمادگی بندهایمان.



## دَعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ:  
 (١) اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ، وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ، وَ  
 جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حُدًّا مَخْدُودًا، وَ اَمَدًا مَمْدُودًا، يُرِلُّجُ كُلَّ وَاحِدٍ  
 مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ يُرِلُّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْدُوهُمْ بِهِ، وَ  
 يُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ؛ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ النَّعْبِ وَ نَهَضَاتِ  
 النَّصَبِ، وَ جَعَلَهُ لِيَأْسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا  
 وَ قُوَّةً، وَ لِيَسْأَلُوا بِهِ لَذَّةً وَ شَهْوَةً.

(٢) وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَتَنَبَّهُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ لِيَتَسَبَّحُوا إِلَى رِزْقِهِ،  
 وَ يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكُ الْآجِلِ  
 فِي آخِرَاهُمْ.

(٣) بِكُلِّ ذَلِكَ يُضْلِعُ شَأْنَهُمْ، وَ يَبْلُو أَخْبَارَهُمْ، وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي  
 أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ قُرُوبِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَخْكَامِهِ، (بِجَزْئِ الَّذِينَ أَسَاؤُوا  
 بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى).

## دعا هنگام صبح و شام

(۱) ستایش خدایی را که به قدرت خود شب و روز را آفرید و هر یک را از دیگری ممتاز ساخت و برای هر یک حدّ خاصی را معلوم ساخت و مدت معینی را تعیین فرمود؛ در فصول مختلف، مدتی از روز را با شب جا به جا می‌کند [در زمستان از روز می‌کاهد و به شب اضافه می‌کند و در تابستان از شب کاسته و به روز می‌افزاید] و این خود تقدیری الهی است که در تغذیه مناسب و پرورش بندگان ضروری است. بدین ترتیب، شب را آفرید تا از حرکات رنج‌آمیز و خستگی آور روز آرامش یابند و هم چون پوشش آرام بخشی است که به راحتی می‌خوانند و موجب رفع خستگی و بازیافت قدرت از دست رفته است و نیز بدین وسیله به لذت‌ها و خواسته‌های خود می‌رسند.

(۲) و روز را برای ایشان روشن آفرید تا از روشنایی آن استفاده کنند و در زمین گردش نموده و در جست و جوی فضل و احسان خدا برآیند و در تأمین دنیا و آخرت خود بکوشند.

(۳) خداوند متعال با این تدابیر (آفرینش شب و روز و فصول چهارگانه و کوه و بلند شدن روزها و شب‌ها و آسایش شب و فعالیت روز) زندگی مردم را سامان می‌دهد و رفتار و کردار آنان را می‌آزماید تا معلوم شود که اینان در اوقاتی که طاعت الهی واجب است و مواردی که می‌بایست به تکالیف عمل کنند و امتثال امر نمایند و در مورد احکام الهی که باید اهمیت به آنها دهند، چگونه عمل می‌نمایند. بنابراین، تمامی این اعمال زیر نظر دقیق خداوند است تا نیکوکاران را به پاداش و بدکاران را به کیفر رساند.

(٤) اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْخَدُّ عَلَى مَا فَلَقْتَ<sup>١١</sup> لَنَا مِنَ الْاُصْبَاحِ، وَ مَتَّعْتَنَا<sup>١٢</sup> بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَ بَصَّرْتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْاَقْوَاتِ، وَ وَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ<sup>١٣</sup> الْاَفَاتِ.

(٥) اَصْبَحْنَا وَ اَصْبَحَتِ الْاَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَ اَرْضُهَا، وَ مَا بَنَيْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مَخْرَجُهُ، وَ مُقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ، وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى<sup>١٤</sup>.

(٦) اَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ، يَحْيَا<sup>١٥</sup> مَلِكُكَ وَ سُلْطَانُكَ، وَ تَضُمُّنَا<sup>١٦</sup> مَيْمَنَتِكَ، وَ تَنْصَرِّفُ عَنْ اَمْرِكَ، وَ تَنْقَلِبُ<sup>١٧</sup> فِي تَذْيِيرِكَ، لَيْسَ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ اِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَ لَا مِنْ الْخَيْرِ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ.

(٧) وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ<sup>١٨</sup>، اِنْ اَحْسَنَّا وَ دَعْنَا<sup>١٩</sup> بِحَمْدِكَ، وَ اِنْ اَسَانَا فَارَقْنَا بِذَمِّكَ.

(٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اغْصِنْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِازْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، اَوْ اَقْتِرَافِ<sup>٢٠</sup> صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ.

(٩) وَ اَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ اَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اَمْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ اَجْرًا وَ ذُخْرًا<sup>٢١</sup> وَ فَضْلًا وَ اِحْسَانًا.

(١٠) اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوُوتِنَا<sup>٢٢</sup>، وَ اَمْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَافَتَنَا، وَ لَا تُخْزِنَا<sup>٢٣</sup> عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا.

(١١) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَقًّا مِنْ عِبَادِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ، وَ شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ.



(۴) خدایا، پس سپاس فقط تو را که باشکافتن و شکستن تاریکی ها، صبح را به ما مرحمت فرمودی و ما را از نعمت روشنائی روز بهره مند ساختی و به ما آگاهی دادی که چگونه و از کجا به روزی دست یابیم و در تهیه مایحتاج زندگی ما را از آفت ها، حوادث و بلاها حفظ کردی.

(۵) هستی ما و همه کائنات چه آسمان و چه زمین و آن چه در آسمان ها آفریدی و آن چه در زمین خلق کردی و آن چه ساکن و پابرجاست و آن چه ناآرام و پیوسته در دگرگونی است و آن چه در گوشه ای مقیم و یا از نقطه ای به نقطه ای دیگر حرکت می کند و آن چه در بلندای هوا و فضا جا دارد و یا در خاک و گل این عالم مدفون است، همه و همه از تو است.

(۶) خدایا، خویش را در قبضه اقتدار و سلطه تو یافته ایم و مشیت تو همواره بر ما مسلط است و هر جنبش و جوششی که از ما نشأت می یابد، از امر توست و هر گونه حرکت و سکونی به حکم تو و هر خیر و نعمتی از توست.

(۷) خدایا، امروز، روز نو و جدید است که گواه بر اعمال و کردار ماست، اگر نیکوکردار باشیم، با سپاس با ما وداع می کند و اگر به زشتی و ناهنجاری و بدی رفتار مبتلا شویم، با نگوشت تمام از ما جدا می شود.

(۸) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و همراهی نیک با این روز را نصیب ما فرما و ما را از جدایی پلید از آن، که در اثر ارتکاب گناه و گرفتار شدن در گناهان صغیره یا کبیره پیدا می شود، محفوظ بدار.

(۹) در این روز حسنات بزرگ را نصیب ما بفرما و ما را از گناهان دور بدار و سراسر این روز را به ستایش، شکر، اجر، پاداش، فضیلت و کرامت به پایان برسان.

(۱۰) خدایا، تحمل، زحمت و رنج ما را بر کاتبان اعمال آسان گردان و نامه اعمال ما را از نیکی ها آکنده بدار و ما را به واسطه اعمال زشت در نزد آنان رسوا مگردان.

(۱۱) خدایا، در هر ساعتی از ساعت های شبانه روز، بهره ای از بندگانت و نصیبی

(١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ  
أَيْمَانِنَا وَعَنْ شِمَانِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاجِينَا، حِفْظاً عَاصِماً مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِياً  
إِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعِلاً لِمَحَبَّتِكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ فِي  
جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانِ<sup>١</sup> الشَّرِّ، وَشُكْرِ النُّعْمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ،  
وَمُجَانَبَةِ الْبِدْعِ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَحِاطَةِ<sup>٢</sup> الْإِسْلَامِ،  
وَانْتِقَاصِ<sup>٣</sup> الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ، وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ<sup>٤</sup>، وَإِرْشَادِ الضَّالِّ، وَ  
مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَإِذْرَاكِ<sup>٥</sup> اللَّهِيبِ.

(١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ يَوْمٍ عَهْدَنَاهُ<sup>١</sup>، وَأَفْضَلَ  
صَاحِبِ صَحْبَانَاهُ، وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَلْنَا<sup>٢</sup> فِيهِ.  
(١٥) وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ،  
أَشْكُرْهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ<sup>٣</sup> مِنْ نِعَمِكَ، وَأَقْوَمَهُمْ<sup>٤</sup> بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ، وَ  
أَوْفَقَهُمْ<sup>٥</sup> عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ.

(١٦) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ  
وَمَنْ أَشْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ  
وَلَيْلَتِي هَذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هَذَا، أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا  
أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ<sup>١</sup>، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، زُؤُوفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْمُلْكِ، رَجِيمٌ  
بِالْخَلْقِ.

(١٧) وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتُهُ رِسَالَتَكَ

از سپاست و گواه راستی از فرشتگان به ما عطا بفرما.

(۱۲) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از معاصی و دام‌هایی که شیطان از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و چپ و از همهٔ جوانب گسترانیده حفظ فرما و نیز محفوظمان بدار تا بتوانیم به طرف اطاعت تو روی آوریم و در محبت به تو موفق باشیم.

(۱۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را موفق بدار در این شب و روز، بلکه در تمامی ایام زندگی، در پی به دست آوردن خیر و دور بودن از شرّ و سپاس از نعمت‌ها و پیروی از سنت الهی و دوری از بدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و شکستن و از بین بردن باطل و یاری و بزرگداشت حق و ارشاد گمراهان و کمک به درماندگان و رسیدگی به ستم دیدگان باشیم.

(۱۴) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و امروز ما را بهترین و مبارک‌ترین روزی قرار ده که تاکنون دیده‌ایم و بهترین یاری که تاکنون با او مصاحبت داشته‌ایم و بهترین روزی که آن را به شب رسانیده‌ایم.

(۱۵) خدایا، مرا از راضی‌ترین و مرضی‌ترین آفریده‌های خود که شب و روز بر آنان گذشته است، قرار بده و از سپاس‌گزارترین ایشان در حق نعمت‌هایی که عطا کرده‌ای و از پایدارترین کسان دربارهٔ فرمان هایت و از خوددارترین کسان نسبت به آنچه نهی فرموده‌ای، قرار ده.

(۱۶) خدایا، تو را گواه می‌گیرم و تو بر این گواهی کافی هستی و نیز آسمان و زمین و ساکنان آن دو و سایر آفریده‌های تو را در همین امروز و امشب و همین ساعت‌ها و همین مکان شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم که تو یگانه‌ای و جز تو خدای دیگری نیست و قائم به عدل و عادل در حکم و مهربان به بندگان و مالک و مسلط بر آنها هستی و بر خلق خود رحیمی.

(۱۷) خدایا، تو را گواه می‌گیرم که پیامبر اسلام بهترین بنده و فرستاده و



فَأَذَاهَا، وَ أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِيهِ فَتَصَحَّ لَهَا.

(١٨) اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ  
آتِيهِ عَنَّا اَفْضَلَ مَا آتَيْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ اجْزِهِ عَنَّا اَفْضَلَ وَ اَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ  
اَحَدًا مِنْ اَنْبِيَائِكَ عَنْ اُمَّتِيهِ.

(١٩) اِنَّكَ اَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ<sup>٣٠</sup>، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ، وَ اَنْتَ اَرْحَمُ مِنْ كُلِّ  
رَحِيمٍ، فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ الْاَنْجَبِيِّنَ.



برگزیده‌ترین خلق توست که رسالت تو را بر دوش گرفت و آن را ادا فرمود و نیز او را امر به ارشاد و نصیحت بندگان فرمودی و او نیز اطاعت کرد.

(۱۸) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، درودی که از تمام تحیت‌هایی که بر خلق خود نثار فرموده‌ای برتر باشد و بهترین سلام ما را که برتر از تمامی درودها بر بندگان باشد، بر او عرضه بدار و بهترین پاداشی را که همه پیامبران درباره هدایت امت‌هایشان داشته‌اند، به پیامبر اکرم ﷺ اهدا بفرما.

(۱۹) خدایا، تو بر بندگان منت فراوان داری و بخشاینده گناهان بزرگی و از هر مهربانی مهربان‌تر هستی؛ پس بر محمد و خاندان پاک و برگزیده‌ترین او درود فرست.



## واژه‌ها:

۱. امداً: نهایت، درازای زمان.
۲. یولج: داخل کرد.
۳. یغذوهم: آنان را تغذیه می‌کند.
۴. ینشهم: آنان را ایجاد کند و می‌پروراند.
۵. نهضات: به پا شدن.
۶. نصب: تعب.
۷. جمام: نشاط.
۸. یسرحو: شتاب کنند.
۹. یلو: آزمایش می‌کند.
۱۰. فروض: واجبات.
۱۱. فلق: شکافته‌ای.
۱۲. متعتا: به ما سود رسانیدی.
۱۳. طوارق: حوادث.
۱۴. ثری: خاک مرطوب.
۱۵. یحوینا: احاطه کرده است ما را.
۱۶. تضنا: جمع کرده ما را.
۱۷. نصرّف و نغلب: از حالی به حالی می‌شویم.
۱۸. عتید: تیز، باهوش.
۱۹. ودعنا: ما را وداع کند.
۲۰. اقتراف: اکتساب.
۲۱. ذخرا: ذخیره.
۲۲. مؤونت: سنگینی و زحمت ما.
۲۳. لاتخرنا: ما را خوار مگردان.
۲۴. هجران: دوری.
۲۵. حیاطة: نگه‌داری.
۲۶. انتقاض: معیوب دیدن.
۲۷. اعزاز: تقویت.
۲۸. لهیف: درمانده.
۲۹. عهدناه: ملاقات کردیم.
۳۰. ظللنا: شب آن را گذرانیدیم.
۳۱. أولیت: عطا کردی.
۳۲. اقوم: پایدارتر.
۳۳. اوقف: آگاه‌تر.
۳۴. قسط: عدل.
۳۵. جسم: عظیم.





## دَعَاؤُهُ فِي الْمُهَمَّاتِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ:

(١) يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ الْعَقْدُ الْكَارِهَ<sup>٢</sup>، وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ خُدَّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرْجِ<sup>٣</sup>، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصُّعَابُ<sup>٤</sup>، وَتَسَبَّيْتُ<sup>٥</sup> بِلَطْفِكَ الْأَشْيَاءَ.

(٢) وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ<sup>٦</sup> عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ؛ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ<sup>٧</sup>، وَإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ<sup>٨</sup>. أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ<sup>٩</sup>، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ.

(٣) وَقَدْ نَزَلَ بِي - يَا رَبِّ - مَا قَدْ تَكَادَنِي<sup>١٠</sup> بِقُوَّتِهِ، وَالْمَ<sup>١١</sup> بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي<sup>١٢</sup> حَنْلَهُ وَبَقْدَرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ، وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ؛ فَلَا مُصْدِرَ<sup>١٣</sup> لِمَا أَوْرَدْتَ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ<sup>١٤</sup> لِمَا فَتَحْتَ، وَلَا مُبَسِّرَ<sup>١٥</sup> لِمَا عَسَرْتَ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ.



## دعا هنگام گرفتاری و ناراحتی

(۱) ای خدایی که پیچیدگی ناگواری‌ها فقط به وسیله تو حل می‌گردد و ای خدایی که بر زندگی سختی‌ها را می‌شکنی و ای کسی که روی آوردن به سوی آسایش را از تو تمنا می‌کنیم. فقط به قدرت تو هر دشواری هموار است و تنها سبب ساز، لطف عام تو می‌باشد.

(۲) تنها به قدرت و حاکمیت تو همه چیز برقرار است و با اراده تو تمام موجودات در مجاری خود جای دارند و در صورت اراده تو، همه آنها بدون آن که نهی‌شان کرده باشی، از کار باز می‌ایستند و در امر مهم زندگی و گرفتاری‌های دردآور فقط تو فریادرس آنها هستی و تنها آن چه را که تو دور کنی و موانعی را که تو بر طرف کنی، رهایی از آنها حاصل می‌شود.

(۳) خدایا، گرفتاری‌های وارد شده بر من، سخت مرا به زحمت انداخته و باری که بر دوشم فرود آمده و امانده‌ام ساخته و تو با تمام قدرت و تسلط خود آنها را متوجه من ساخته‌ای و آن چه را که تو اراده فرمایی، هیچ کس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و هر دری را که تو بسته‌ای هیچ کس نمی‌تواند بگشاید و هر چه را تو آسان فرمایی، مشکل نباشد و هر فردی که تو پریشان سازی یاری نخواهد داشت.



(٤) فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحَ لِي - يَا رَبِّ - بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ<sup>١</sup>، وَ  
اَكْبَسَ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَبْلَسَ حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَأَذَقَنِي  
خِلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبَ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرْجاً هَيِّئاً، وَاجْعَلْ لِي  
مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَجِيئاً.

(٥) وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ<sup>٢</sup> فُرُوضِكَ<sup>٣</sup>، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ  
صِفْتُ<sup>٤</sup> لِمَا نَزَلَ بِي - يَا رَبِّ - دَرْعاً<sup>٥</sup>، وَامْتَلَأْتُ<sup>٦</sup> بِحِمْلِ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً،  
وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُيِّتُ بِهِ، وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ  
إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.



(۴) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به قدرت خود گشایش را نصیبم فرما و فراگیری پریشانی و غم را در هم شکن و به شکوه‌های من حسن نظر بفرما و شیرینی اجابت درخواست‌هایم را به من بچشان و از درگاه منبع خود رحمت و گشایش گوارایی نصیب من فرموده و گشایش دشواری‌ها را بر من سریع و آسان بگردان.

(۵) خدایا، به سبب دشواری‌های زندگی مرا از به جای آوردن تکالیف واجب و دستورهای مستحب باز مدار؛ که اکنون گرفتاری طاقتم را از دست برده و دل و جانم آکنده از غم و اندوه گشته است و تو توانایی که تمام ناگواری‌ها و غم‌های مرا برطرف کنی. تقاضایم آن است که با لطف خود مرا به عافیت برسانی، اگرچه لایق فضل و عنایت تو نیستم، ای صاحب عرش بزرگ.



## واژه‌ها:

۱. تَحَلَّ به: به وسیله او باز شود.
۲. عَقْد: گره‌ها.
۳. مَکاره: مشکلات.
۴. یَفْأ: شکسته شود.
۵. حَدَّ الشَّدَائِد: تیزی و تندی مشکلات.
۶. مَخْرَج: راه خلاص.
۷. رُوح: راحت.
۸. صَعَاب: مشکلات.
۹. تَسْبِیْت: سبب‌سازی شود.
۱۰. و مَضَتْ: انجام گیرد.
۱۱. مَوْثَرَة: انجام یافته.
۱۲. مَنزَجَة: ممنوع.
۱۳. مَلَقَات: حوادث مهاجم.
۱۴. تَكَادَنِي: خسته‌ام کرده.
۱۵. أَلَمَ: هجوم آورد.
۱۶. بَهْظَنِي: برایم سنگین است.
۱۷. فَلَأ مُصَدِّر: کسی او را بر ندارد.
۱۸. مَفْلَق: قفل کننده.
۱۹. مِشَرَّ: آسان کننده.
۲۰. طُول: قدرت.
۲۱. تَعَاهَد: متعهد بودن.
۲۲. فَرُوضَك: واجبات.
۲۳. ضِيقُ: به تنگ آمدن.
۲۴. ذَرَعاً: طاقت.
۲۵. وَاِمْتَلَأَتْ: آکنده شدم.







## دَعَاؤُهُ فِي الاسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الاسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحَرِيصِ، وَ سُوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلِيَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ اِلْحَاحِ الشُّهُوَةِ، وَ مَلَكَهٖ الْحَمِيَّةِ، وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَةِ الْغَفْلَةِ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ، وَ اِيْثَارِ الْبَاطِلِ عَلٰى الْحَقِّ.

(٢) وَ الْاِضْرَارِ عَلٰى النَّاسِ، وَ اسْتِضْغَارِ الْمَغْصِيَةِ، وَ اسْتِجْبَارِ الطَّاعَةِ، وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْبِرِيْنَ، وَ الْاِزْرَاءِ بِالْمُقْلِيْنَ، وَ سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ اَيْدِيْنَا، وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اَصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا.

(٣) اَوْ اَنْ نَفْضُدَ ظَالِمًا، اَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا، اَوْ نَرْوِمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، اَوْ نَقُوْلَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ.

(٤) وَ نَعُوْذُ بِكَ اَنْ نَنْطَوِيَّ عَلٰى غِشٍّ اَخَذَ، وَ اَنْ نُغَيِّبَ بِاَعْمَالِنَا، وَ نَمُدَّ فِيْ اَمَالِنَا، وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيْرَةِ، وَ اخْتِقَارِ الصَّغِيْرَةِ.

## پناه بردن به خدا از اخلاق و افعال ناهنجار

(۱) خدایا، به تو پناه می‌برم از طغیان حرص و تندى غضب و خشم و تسلط حسد و رشک و سستی صبر و شکیبایی و قلت قناعت و کجی خلق و افراط در شهوات و عصبيت شدید و پیروی از هوا و هوس و مخالفت با هدایت و سستی غفلت و روا داشتن تکلف‌ها و انتخاب باطل در مقابل حق.

(۲) خدایا، به تو پناه می‌برم از این که بر گناه اصرار ورزم و معصیت را کوچک و طاعت را بزرگ شمارم و نیز به تو پناه می‌برم از فخر فروشی ثروت‌مندان و تحقیر نیازمندان و سوء سرپرستی در حق زیردستان و ناسپاسی درباره آنان که به ما نیکی کرده‌اند.

(۳) و به تو پناه می‌بریم از کمک به ظالمان و ظلم به ستم‌دیدگان و این که آن‌چه را که حق ما نیست از تو درخواست کنیم، یا این که در معارف الهی بدون علم سخن بگوییم.

(۴) و به تو پناه می‌بریم که در باطن جان با کسی نفاق ورزیم، یا در اعمال خود با عجب بنگریم و آرزوی دور و دراز داشته باشیم و نیز به تو پناه می‌بریم از بدی ذات و کوچک شمردن گناه صغیره.



(٥) وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ<sup>٢٧</sup> عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكُبَنَا<sup>٢٨</sup> الزَّمَانُ، أَوْ يَسْتَهْضِمَنَا<sup>٢٩</sup> السُّلْطَانُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ<sup>٣٠</sup> الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ<sup>٣١</sup>، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ<sup>٣٢</sup>، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَمَيِّتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ<sup>٣٣</sup>.

(٦) وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَسْرَةِ الْعَظْمَى، وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْمَأَبِ<sup>٣٤</sup>، وَجُزْأَنِ الثَّوَابِ، وَخُلُولِ الْعِقَابِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.





(۵) به تو پناه می‌بریم از غلبه شیطان و مصیبت‌های زمان و ستم شاهان و به تو پناه می‌بریم از آلودگی به اسراف و نداشتن کفاف زندگی و به تو پناه می‌بریم از شماتت دشمنان و فقر در مؤونه زندگی و زندگی سخت و مردن بدون داشتن آمادگی.

(۶) به تو پناه می‌بریم از حسرت و مصیبت بزرگ در قیامت و بدترین شقاوت و سوء عاقبت و محروم ماندن از ثواب و راهیابی عقاب. خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و من و تمام زنان و مردان مؤمن را در تمامی این آفات در پناه خود محفوظ بدار. ای مهربان‌ترین مهربانان.



## واژه‌ها:

۱. همچان: طغیان.
۲. سورة: شدت.
۳. شکاسته: صعوبت و گرفتگی.
۴. الحاح: دوام و پیوستگی و افراط.
۵. ملکه: نهادینه شدن.
۶. حمیه: استکبار.
۷. سته: سستی.
۸. تعاطی الکلفة: انجام دادن امور مشکل و خسته کننده.
۹. ایثار: برگزیدن.
۱۰. مانم: گناهان.
۱۱. استصغار: کوچک دیدن.
۱۲. استکبار: بزرگ دیدن.
۱۳. مهااة: خود فروختن.
۱۴. مکثرین: ثروتمندان.
۱۵. ازراء: کوچک شمردن.
۱۶. مقلین: کم‌دستان.
۱۷. سوء الولاية: بد سرپرستی کردن.
۱۸. اصطنع العارفة: کار خوبی انجام داد.
۱۹. نعضد: کمک کنیم.
۲۰. ملهوف: بی‌چاره.
۲۱. نروم: میل کنیم.
۲۲. نطوی: در دل نگاه داریم.
۲۳. غش: خیانت.
۲۴. نعجب: عجب پیدا کنیم.
۲۵. نمد: بلند کنیم، گسترش دهیم.
۲۶. احتقار: کوچک شمردن.
۲۷. یستحوذ: مسلط شود.
۲۸. ینکبتا: مصیبت آفرینند.
۲۹. ینقضنها: ظلم کند او را.
۳۰. تناول: انجام دادن.
۳۱. الکفاف: مقدار کافی، به قدر حاجت.
۳۲. اکفاء: هماناندا.
۳۳. عذة: ذخیره انحروی.
۳۴. مأب: عاقبت.



## دَعَاؤُهُ فِي الْاِسْتِثْقَا إِلَى طَلَبِ الْمَغْفِرَةِ مِنْ اللَّهِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ ﷺ فِي الْاِسْتِثْقَا إِلَى طَلَبِ الْمَغْفِرَةِ مِنَ اللَّهِ جَلُّ جَلَالِهِ:  
 (١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَيِّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ، وَأَزِلْنَا  
 عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِضْرَارِ. اللَّهُمَّ وَمَتْنِ وَقَفْنَا<sup>١</sup> بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا،  
 فَأَوْقِعِ<sup>٢</sup> النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَاجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً.  
 (٢) وَإِذَا هَمَمْنَا بِهَمَيْنٍ<sup>٣</sup> يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَيُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا،  
 فَعَمَلْنَا<sup>٤</sup> بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا، وَأَوْهِنُ<sup>٥</sup> قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا، وَلَا تُخَلِّ<sup>٦</sup>  
 فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَاخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ<sup>٧</sup> لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَقَفْتَ، أَمَّارَةٌ  
 بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ.

(٣) اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعِيفِ خَلَقْتَنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ<sup>٨</sup> بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ  
 مِهِينٍ<sup>٩</sup> ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ<sup>١٠</sup> لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ، فَأَيِّدْنَا  
 بِتَوْفِيقِكَ، وَسَدِّدْنَا<sup>١١</sup> بِتَسْدِيدِكَ.

(٤) وَأَعْمِ<sup>١٢</sup> أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَلَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ  
 جَوَارِحِنَا نَفْوَذًا فِي مَفْصِيَّتِكَ.

## آمرزش خواهی از درگاه خدا

(۱) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به توبه که محبوب تو است، برسان و از اصرار بر گناه که مبعوض تو است برهان. خدایا، هرگاه یکی از دو نقصان (یکی در دین و دیگری در دنیا) به ما روی کند، آن را که زودتر مرتفع می شود، نصیب ما بگردان و از بلایی که بقای بیشتری دارد، توفیق توبه عنایت بفرما.

(۲) خدایا، هرگاه همت به یکی از دو کار داشته باشیم که یکی موجب ناخشنودی و خشم و دیگری موجب رضای توست، آن را که خشنودیت را جلب می نماید، نصیب ما گردان و اراده و توان ما را در آنچه موجب غضب توست، سست گردان و ما را به حال خود رها مکن، زیرا نفس چون به خود واگذار شود در باطل می کوشد و میل زیادی به کارهای نکو هیده دارد، مگر آن که تو ترحم فرمایی.

(۳) خدایا، ما را از ضعف آفریدی و از سستی بنیان نهادی و از نطفه بی ارزش بنا نهادی، پس هیچ حول و قوه ای جز قوه و کمک تو نداریم. بنابراین، ما را به توفیق خود مؤید گردان و استحکام و جودی و ایمانی ما را تشدید فرما.

(۴) و چشم دل ما را بر آنچه خلاف محبت توست، کور گردان و اعضا و جوارح ما را در عصیان خود نافذ مگردان.

(٥) اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَّسَاتِ<sup>١٢</sup> قُلُوْبِنَا، وَحَرَكَاتِ  
اَغْضَانِنَا، وَلَمَحَاتِ<sup>١٣</sup> اُغْيَيْنَا، وَلَهَجَاتِ<sup>١٤</sup> اَلْسِنَتِنَا، فِى مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتّٰى  
لَا تَقُوْتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَهَا، وَلَا تَبْقٰى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ<sup>١٥</sup> بِهَا عِقَابَكَ.



(۵) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و تمام خاطرات قلبی و حرکات اعضا و به هم خوردن چشم و حرکات زبان ما را در راهی قرار ده که ثواب تو را جلب کند، به طوری که هیچ حسنه و عمل نیکی را که ممکن است بدان برسیم از دست ندهیم و بدان وسیله مستحق جزای خیر تو گردیم و هیچ گناهی را که موجب عقاب و کیفر توست برای ما باقی نگذار.

### واژه‌ها:

۱. وقفنا: واقع شدیم.
۲. أوقع: وارد ساز.
۳. هتین: دو مقصد.
۴. فعل بنا: ما را تمایل ساز.
۵. و أوهن: سست ساز.
۶. لا تخلص: رها مکن.
۷. مختارة: اختیار کننده.
۸. ألوهن: سست.
۹. مهین: پست.
۱۰. حول: قدرت بر خورداری.
۱۱. سنقنا: ما را محکم کن.
۱۲. اعم: کور کن.
۱۳. هسات: خاطره‌های ذهنی.
۱۴. لمحات: نظر کردن و دیدن.
۱۵. لهجات: تلفظ‌ها.
۱۶. نستوجب: مستحق شویم.



## دَعَاؤُهُ فِي اللَّجَاءِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

- وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اللَّجَاءِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:
- (١) اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ تَغْفُ عَنَّا فَبِغْضِكَ، وَإِنْ تَشَاءُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَذْلِكَ.
- (٢) فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ، وَأَجِرْنَا<sup>١</sup> مِنْ عَذَابِكَ بِجَاوِزِكَ<sup>٢</sup>؛ فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذْلِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِمَّا دُونَ عَفْوَكَ.
- (٣) يَا غَنِيِّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبِرْ<sup>٣</sup> فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنِّكَ، فَتَكُونُ قَدْ أَشْقَيْتَ مَنْ اسْتَسَعَدَّ<sup>٤</sup> بِكَ، وَ حَرَمْتَ مِنْ اسْتَرْفَدَ<sup>٥</sup> فَضْلَكَ.
- (٤) قَالِي مَنْ جِئْتِزِ مُنْقَلَبُنَا<sup>٦</sup> عَنْكَ، وَ إِلَى أَيْنَ مَذْهَبُنَا<sup>٧</sup> عَنْ بَابِكَ، سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ، وَ أَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ.
- (٥) وَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ، رَحْمَةً مِنْ اسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ<sup>٨</sup> مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا إِلَيْكَ، وَ أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا<sup>٩</sup> أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ.



## دعا هنگام پناه بردن به خدا

(۱) خدایا، اگر اراده کنی و از مادر گذری، با تفضل عمل کرده‌ای و اگر اراده کنی و ما را کفر نمایی، به عدل و داد رفتار نموده‌ای.

(۲) خدایا، بر ما منت گذارده و عفو خود را نصیب ما گردان و ما را از عذاب خود رهایی بخش، زیرا اگر در حساب رسی به عدل معامله کنی هیچ یک از ما نجات نخواهیم یافت؛ گذشته از آن که هیچ کس طاقت عذاب تو را نخواهد داشت.

(۳) ای بی نیاز بی نیازان. هان! اینک ما بندگان هستیم که در پیشگاه تو ایستاده‌ایم و من نیازمندترین نیازمندانم؛ پس بیچارگی و نیاز ما را به قدرت خود بر طرف گردان و هرگز امید ما را به نومیذی مبدل نکن، زیرا اگر ما را نومیذ فرمایی، آنان را که از تو طلب نیک بختی کرده‌اند به شقاوت مبتلا نموده‌ای و آنان را که از تو طلب فضل و رحمت نموده‌اند، محروم ساخته‌ای.

(۴) خداوند، از درگاه تو به کجا برویم؟ و به چه کسی روی آوریم؟ تو پاک و منزهی و ما در نهایت اضطرابیم و خود وعده داده‌ای که دعای درماندگان را اجابت نمایی و گرفتاریم و تو وعده داده‌ای که اندوه گرفتاران را بگشایی.

(۵) خدایا، نزدیک‌ترین چیز به مشیت تو و مناسب‌ترین امر به عظمت تو، نزول رحمت و برکات تو بر هر کسی است که از حضرت درخواست رحمت نموده و فریاد رسی نسبت به کسی است که با دادخواهی به تو روی آورده است.

(٦) اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا<sup>١١</sup> اِذْ شَايَعْنَاهُ<sup>١٢</sup> عَلٰى مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلٰى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُشْمِتْهُ بِنَا<sup>١٣</sup> بَعْدَ تَرْكِنَا اِيَّاهُ لَكَ، وَرَغَبِنَا عَنْهُ اِلَيْكَ<sup>١٤</sup>.



ای مهربان‌ترین مهربانان، ما با تمام تضرع و زاری، خود را پیش روی تو افکنده و به تو پناهنده هستیم، پس ناله‌های ما را دریاب.

(۶) خدایا، شادمانی شیطان در این است که ما از او اطاعت کنیم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و اکنون که توفیق داده‌ای تا از او دوری کنیم و به سوی تو شوق پیدا کنیم، هرگز وسایل خوشحالی شیطان را برای ما فراهم نفرما و توفیق دوری از او را به ما کرامت گردان.

### واژه‌ها:

- |                                    |  |
|------------------------------------|--|
| ۱. آجرنا: ما را پناه ده.           | ۹. طرحنا: ساقط کردیم.                        |
| ۲. بتجاوزلا: به گذشت و عفو.        | ۱۰. شمت بنا: ما را شمات کند.                 |
| ۳. فاجبر: جبران کن.                | ۱۱. شاهنا: به دنبال او رویم.                 |
| ۴. استسعد: خوش‌بخت شود.            | ۱۲. لاتشمت بنا: او را موفق به شمات ما        |
| ۵. استرفد: طلب کند عطا و کرامت را. | نفرماید به وسیله پیدایش مصیبت‌ها.            |
| ۶. منقلبا: پناه گاه.               | ۱۳. رغبتنا عنه اليك: بیزاریم از او و رغبت به |
| ۷. مذهب: راه نجات.                 | سوی تو داریم.                                |
| ۸. غوث: پناه.                      |  |



## دعاؤه بخواتم الخير

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ:

(١) يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ شُكْرُهُ قَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ.

(٢) صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالْهِنْتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوِّدْنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ.

(٣) فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَوَاعًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَوَاعًا<sup>٢</sup> سَلَامَةً لَا تُذَرِّكُنَا فِيهِ تَبِيعَةً<sup>٣</sup>، وَلَا تَلْحَقْنَا فِيهِ سَامَةٌ<sup>٤</sup>، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كُتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا.

(٤) وَإِذَا انْقَضَتْ<sup>٥</sup> أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ<sup>٦</sup> مَدَدُ أَعْمَارِنَا، وَاسْتَخَصَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُخَصِّي عَلَيْنَا كِتَابَةً أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ<sup>٧</sup>، وَلَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا<sup>٨</sup>.

## دعا برای حسن عاقبت

(۱) ای کسی که یاد او مایه برتری ذاکران و سپاس وی سبب پیروزی شاکران و فرمان‌بری از او موجب نجات اطاعت‌کنندگان است.

(۲) خدایا! قلب‌های ما را با ذکر و توجه به خودت از هر گونه فکر و یادی تهی فرما و زبان‌های ما را با شکر خود از سپاس‌گویی دیگران باز دار و اعضای ما را با اطاعت خود از سلطه فرمان‌بری دیگران رها ساز.

(۳) خدایا! اگر وقت فراغتی برای ما مقدر فرموده‌ای، آن را فراغت توأم با سلامت قرار ده؛ به گونه‌ای که هیچ گونه آفتی به ما نرسد و بلایی دامن‌گیر ما نشود، تا فرشتگان مأمور نوشتن گناهان، گناهی را در نامه عمل ما ثبت نکنند، ولی فرشتگان ثبت اعمال نیک، برای ثبت اعمال نیک در نامه عمل ما، بخشنود از ما، از ما جدا شوند.

(۴) خدایا! اگر ایام زندگی و مدت عمر ما سپری شد و تو ما را احضار فرمودی که ماگزیری از اصل احضار و اجابت آن نداریم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و آخرین عمل ما را که کاتبان اعمال ما می‌نویسند، پذیرفته قرار ده، به گونه‌ای که پس از آن دیگر ما را در برابر گناه و معصیتی که مرتکب شده‌ایم، برای کیفر و عقوبت باز نداری.

(٥) وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُغُ أَعْيَانُ عِبَادِكَ.

(٦) إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.



(۵) بار پروردگارا! در آن روز که به حساب بندگانت رسیدگی می‌کنی، پرده‌ای را که بر گناهان کشیده‌ای و آن را از دید دیگران مستور داشته‌ای، از ما برمگیر.

(۶) خدایا! تو در حق آن که تو را بخواند، مهربانی و نسبت به کسی که تو را به فریادرسی بطلبد، پاسخ گویی.

### واژه‌ها:

۱. جوارح: اعضای ظاهری انسان.
۲. فراغ: رهایی از مشکلات مهم.
۳. تبعه: پی آمدهای مذموم.
۴. سامة: ملال.
۵. انقضت: بگذرد.
۶. تصرمت: نابودی را به تدریج پذیرفت.
۷. اجترخا: به دست آوردیم.
۸. اقترفا: کسب کرده‌ایم.
۹. تهلو: آشکار شود.



## دعاؤه في الاعتراف و طلب التوبة إلى الله تعالى

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ وَ طَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:  
(١) اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَخْجُبُنِي ' عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالُ ثَلَاثٍ، وَ تَخَذُونِي عَلَيْهَا خَلَّةً  
وَاحِدَةً: يَخْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ ' عَنْهُ، وَ نَهَى نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ  
إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا.

(٢) وَ يَخَذُونِي ' عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلُكَ عَلَيَّ مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ  
وَقَدْ بَحْسَنَ ظَنَّهُ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفْضُلٌ، وَ إِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ.

(٣) فَهَذَا أَنَا ذَا، يَا إِلَهِي، وَاقِفُ بِنَابِ عِزِّكَ وَ قُوفُ الْمُسْتَسْلِمِ ' الدَّلِيلِ، وَ  
سَائِلُكَ عَلَى الْخِيَاءِ مِنْ سُؤَالِ الْبَائِسِ ' الْمُعِيلِ '، مُقَرِّدُكَ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أَتَسَلِّمْ  
وَقَتَّ إِحْسَانِكَ إِلَّا بِالْإِفْلَاحِ ' عَنْ عِضْيَانِكَ، وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ  
امْتِنَانِكَ.

(٤) فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِفْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي  
مِنْكَ اغْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا أَزْكَبْتُ؟ أَمْ أَوْجِبَتْ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطُكَ؟  
أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَايَ مَقْتُكَ؟



## توبه و اعتراف به درگاه خداوند

(۱) خدایا! سه چیز است که مانع توفیق دعا به درگاهت می‌شود، یک چیز مرا به طرف درخواست از تو می‌کشاند. آن چه مرا از درخواست از تو باز می‌دارد، عبارت است از: کندی در اجرای فرمان تو؛ شتاب به سوی آن چه از آن نهی کرده‌ای و کوتاهی در شکر نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای.

(۲) و آن چه مرا به درخواست از تو و ا می‌دارد، آن است که می‌دانم هر کس به تو روی کند و با گمان نیک به درگاه تو توجه کند، مورد تفضل تو قرار می‌گیرد، زیرا هر چه تو عطا می‌کنی، تفضل و هر نعمتی که می‌بخشی، بی‌سابقه است.

(۳) اکنون این منم - ای معبود من! - که بر درگاه عزتت تسلیم و خوار ایستاده‌ام و شرمگینانه چون تهی دست عیال‌مند، دست‌نیاز به سویت گشوده‌ام و اعتراف می‌کنم که در هنگام احسان تو از معصیت برکنار بوده و هیچ‌گاه از منت تو برون نبوده‌ام.

(۴) ای معبود من! آیا اعتراف به سوء کردارم به حال سودمند خواهد بود؟ و آیا اقرار به زشتی رفتارم باعث نجات من می‌گردد؟ یا آن‌که در این حال مستوجب خشم تو هستم یا آن‌که به هنگام دعایم هم چنان مورد غضب تو می‌باشم؟



- (٥) سُبْحَانَكَ، لَا أَيَّاسُ<sup>١١</sup> مِنْكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، بَلْ أَقُولُ  
مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ<sup>١٢</sup> بِخُزْمَةِ رَبِّهِ.
- (٦) الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ<sup>١٣</sup>، وَأُذْبِرَتْ<sup>١٤</sup> أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ<sup>١٥</sup>، حَتَّى إِذَا رَأَى  
مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ<sup>١٦</sup>، وَغَايَةَ الْعُمُرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَآمَنَ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ<sup>١٧</sup> لَهُ  
مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ<sup>١٨</sup> لَهُ عَنْكَ، تَلَقَّاكَ<sup>١٩</sup> بِالْإِنَابَةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ  
بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ<sup>٢٠</sup>، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتِ حَائِلٍ<sup>٢١</sup> خَفِيٍّ.
- (٧) قَدْ تَطَاطَأَ<sup>٢٢</sup> لَكَ فَاثْنَيْنِ، وَنَكَّسَ<sup>٢٣</sup> رَأْسَهُ فَاثْنَيْنِ<sup>٢٤</sup>، قَدْ أَرَعَشَتْ<sup>٢٥</sup>  
خَشْيَتُهُ رِجْلَيْهِ، وَغَرَّقَتْ<sup>٢٦</sup> دُمُوعُهُ خَدَّيْهِ<sup>٢٧</sup>، يَدْعُوكَ: يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا  
أَرْحَمَ مِنَ اثْنَابِهِ<sup>٢٨</sup> الْمُسْتَزْجِمُونَ.
- (٨) وَيَا أَعْطَفَ مِنْ أَطَافٍ<sup>٢٩</sup> بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفُوهُ أَكْثَرُ مِنْ نَقَمَتِهِ،  
وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ<sup>٣٠</sup> مِنْ سَخَطِهِ، وَيَا مَنْ تَحَمُّدُ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ، وَ  
يَا مَنْ عَوْدٌ<sup>٣١</sup> عِبَادَةٍ قَبُولَ الْإِنَابَةِ.
- (٩) وَيَا مَنْ اسْتَضَلَّ<sup>٣٢</sup> فَاسَدَهُمُ بِالتَّوْبَةِ، وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ  
بِالْيَسِيرِ<sup>٣٣</sup>، وَمَنْ كَافَى<sup>٣٤</sup> قَلِيلَهُمُ بِالْكَثِيرِ، وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِبْرَاجَةَ الدُّعَاءِ، وَيَا  
مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضِيلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.
- (١٠) مَا أَنَا بِأَعْصَى مِنْ عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ، وَمَا أَنَا بِأَلْوَمٍ<sup>٣٥</sup> مِنْ اغْتَدَرِ إِلَيْكَ  
فَقَبِلْتَ مِنْهُ، وَمَا أَنَا بِأَظْلَمٍ مِنْ تَابٍ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ<sup>٣٦</sup>، أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي  
هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ<sup>٣٧</sup> عَلَى مَا قَرِطَ مِنْهُ<sup>٣٨</sup>، مُشْفِيٍّ<sup>٣٩</sup> مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصٍ الْخِتَاءِ  
مِمَّا وَقَعَ فِيهِ.

(۵) خدایا! تو منزهی و من از تو نومید نیستم، زیرا در توبه را به رویم گشودهای، بلکه چونان بنده خوار و بر خود ستم کرده و حرمت خدای خود پاس نداشته، با تو سخن می‌گویم.

(۶) من هم چون کسی با تو سخن می‌گویم که مرتکب گناهان بزرگی شده و روزگار به او پشت کرده است، تا آن جاکه چون می‌بیند ایام مهلت او به سر آمده و فرجام عمر او نزدیک شده و به این باور رسیده که نه گریزگاهی از تو دارد و نه فرارگاه دیگری فرا روی اوست، چاره‌ای جز انابه و توبه خالص ندارد. از این رو، تو را با قلبی پاک و بی‌آلایش و با صدایی حزین و آهسته می‌خواند.

(۷) خدایا! من همانند کسی هستم که در نهایت خضوع خم شده و سر بر درگاهت فرود آورده و به استانت تعظیم کرده و خشیت از تو، هر دو پای او را لرزانده و اشک‌های او، گونه‌هایش را فرا گرفته و تو را با «یا ارحم الراحمین» می‌خواند و مهربان‌ترین کسی می‌داند که بیچارگان پی در پی به او روی می‌آورند.

(۸) ای مهرورزترین کسی که توبه کاران به گرد او طواف می‌کنند! ای کسی که عفوش بیش از غضب و رضایش افزون بر سخط است! ای کسی که از رهگذر عفو و بخشش نیکو، محبوب و مستوجب سپاس بندگان خود است! ای کسی که به بندگان خویش وعده پذیرش توبه و انابه داده است.

(۹) ای کسی که بندگان سیه کار را با توبه به سوی صلاح و سداد می‌کشانی! و ای که به کردار اندک آنان خشنود می‌گرددی و اعمال اندک آنان را به جزای کثیر جبران می‌فرمایی! و ای آن که اجابت دعاها را تضمین فرموده و از راه تفضل و کرم، پاداش نیکو را به بندگان وعده فرموده‌ای!

(۱۰) من نه نافرمان‌ترین گناه‌کاری هستم که او را بخشیده‌ای و نه سزاوارترین سرزنش شدگان که به درگاهت عذر تقصیر آورده‌اند و تو آنان را پذیرفته‌ای و نه



(١١) عَالِمٌ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ<sup>١٠</sup>، وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِنِّمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضْعِبُكَ<sup>١١</sup>، وَأَنَّ اخْتِمَالَ الْجَنَائِيَّاتِ الْفَاجِسَةِ لَا يَسْتَكَادُكَ<sup>١٢</sup>، وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانَبَ<sup>١٣</sup> الْأِضْرَارَ، وَلَرِمَ<sup>١٤</sup> الْإِسْتِغْفَارَ.

(١٢) وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ<sup>١٥</sup> مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ<sup>١٦</sup>، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَصِرَّ<sup>١٧</sup>، وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَرْتُ فِيهِ<sup>١٨</sup>، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ، وَعَافِنِي مِمَّا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، وَأَجِرْنِي<sup>١٩</sup> مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ<sup>٢٠</sup>، فَإِنَّكَ مَلِيٌّ<sup>٢١</sup> بِالْعَفْوِ، مَرْجُوٌّ<sup>٢٢</sup> لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، خَاشَاكَ<sup>٢٣</sup>.

(١٤) وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى<sup>٢٤</sup>، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حَاجَتِي، وَأُنْجِجْ<sup>٢٥</sup> طَلِبَتِي، وَاغْفِرْ ذَنْبِي، وَآمِنْ خَوْفَ نَفْسِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ستم‌کارترین توبه‌کنندگان که به آنان روی کرده‌ای. حال در جایگاه کنونی‌ام از آن‌چه از من سرزده توبه می‌کنم و از آن‌چه اوج حیا و خجالت بر آن حتمی است، در هراسم. (۱۱) خدایا! می‌دانم که گذشت تو از گناه بزرگ و مهم، هرگز برایت دشوار نیست و صبر بر جنایات علنی و از حد گذشته، تو را خسته نمی‌کند و بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد تو، کسی است که خود را بزرگ نبیند و پیوسته از اصرار بر گناه دوری گزیند و بر استغفار مداومت ورزد.

(۱۲) من به تو پناه می‌برم از این که خود را بزرگ ببینم و از اصرار بر عصیان، به تو پناه می‌جویم و از تمامی کوتاهی‌هایم طلب مغفرت دارم و بر انجام اموری که از به جا آوردن آن ناتوانم، از تو مدد می‌جویم.

(۱۳) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن‌چه را که بر من واجب بوده است [و در آن کوتاهی کرده‌ام]، بر من ببخشای و از آن‌چه در اثر تقصیر و گناه مستحق آن هستم معاف بدار و از آن‌چه اهل عصیان و خطا از آن بیم دارند، در امان خود نگاه بدار، که تو آکنده از عفو و همگان به آمرزش تو امید بسته‌اند و در گذشت و بخشش نیک شناخته شده‌ای و من هرگز جز تو، حاجتی ندارم و حاشاکه بخشنده‌ای جز تو گناهانم را بیامرز.

(۱۴) و جز تو از دیگری نمی‌هراسم، چرا که فقط تویی که باید جانب رعایت شود و تو اهل بخشش و مغفرتی. بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و حاجتم روادار و طلب مراقبین نو میدی مساز و از گناهانم در گذر و از ترس و وحشت در امانم دار، که تو بر همه چیز توانایی و همه چیز بر تو آسان است. اجابت بفرمای پروردگار جهانیان.



## واژه‌ها:

۱. یحیی: حجابم می‌شود.
۲. ابطا: کندی نمودم.
۳. یحدونی: سوقم می‌دهد.
۴. وفد: وارد شده است.
۵. السنسلم: منقاد.
۶. البائس: بیچاره.
۷. الممل: محتاج.
۸. اقلاع: کنده شدن و بریدن.
۹. سخط: غضب.
۱۰. مقت: غضب.
۱۱. لا ایش: نومید نمی‌شوم.
۱۲. المستخف: بی تفاوت و کوچک و ناچیز دیدن.
۱۳. جلت: بزرگ و کهن است.
۱۴. ادبرت: تمام شده است.
۱۵. ولت: روی گردانیده.
۱۶. انتقضت: تمام شده است.
۱۷. لامحیی: پناهی نیست.
۱۸. لامهرب: فرارگاهی نیست.
۱۹. تلقاك: روی آورده.
۲۰. نقی: پاکیزه.
۲۱. صوت حائل: صدای تغییر یافته از ترس.
۲۲. تطاطا: سر فرو افکنده.
۲۳. نكس: سر به زیر است.
۲۴. فانتی: سر به شانه متمایل است.
۲۵. أرعشت: لرزانده است.
۲۶. غزقت: قرار گرفته.
۲۷. خدیه: دو گونه او را.
۲۸. انتاب: مکرر برگشته است.
۲۹. أطاف: اصرار ورزد.
۳۰. أوفر: بیشتر.
۳۱. عود: عادت داده است.
۳۲. اسصلح: آنان را به صلاح می‌خواند، وادار می‌کند.
۳۳. پسر: کم و مختصر.
۳۴. کافئ: جزا می‌دهد.
۳۵. ألوم: ملامت پذیر تر.
۳۶. فعذت علیه: او را پذیرفتی.
۳۷. نادم: پشیمان.
۳۸. فرط منه: سبقت کرده در آن.
۳۹. مشفق: برحذر است.
۴۰. لا یتعاطلك: برای تو مهم نیست.
۴۱. لا یتصمك: برای تو مشکل نیست.

۴۲. لا یتکاذه: تو را خسته نمی‌کند.  
۴۳. جانب: دوری می‌کند.  
۴۴. لزم: به کنار نمی‌رود، دست بر نمی‌دارد.  
۴۵. ابرأ الیک: به تو پناه می‌برم.  
۴۶. استکبر: خود را بزرگ بینم.  
۴۷. أصر: اصرار ورزم.  
۴۸. قشرت فیه: کوتاهی کنم.  
۴۹. أجرنی: پناه ده.  
۵۰. إساءة: بدی کردن.  
۵۱. ملی: آکنده.  
۵۲. مرجو: مورد امید.  
۵۳. حاشاله: منزه می‌تو.  
۵۴. أهل التقوی: اهل تقوا.  
۵۵. أنصح: حاجت را برآورد.



## دَعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

- (١) اَللّٰهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ، وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ<sup>١</sup>.  
 (٢) وَيَا مَنْ لَا يَسْبِغُ نِعْمَتُهُ بِإِلْتِمَانٍ<sup>٢</sup>، وَيَا مَنْ لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ  
 بِإِلْتِمَانٍ<sup>٣</sup>.  
 (٣) وَيَا مَنْ يُسْتَغْنَى بِهِ وَلَا يُسْتَغْنَى عَنْهُ، وَيَا مَنْ يُزْعَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُزْعَبُ  
 عَنْهُ.

- (٤) وَيَا مَنْ لَا تُغْنِي خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ.  
 (٥) وَيَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ.  
 (٦) وَيَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ  
 الدَّاعِينَ، تَمَدَّخْتُ<sup>٤</sup> بِالْفَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ، وَنَسَبْتَهُمْ إِلَى  
 الْفَقْرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ.  
 (٧) فَمَنْ حَاوَلَ<sup>٥</sup> سَدَّ خَلَّتِيهِ<sup>٦</sup> مِنْ عِنْدِكَ، وَرَامَ<sup>٧</sup> صَوْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ،  
 فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا، وَأَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا.



## درخواست حوایج

(۱) خداوند! ای آن‌که منتهای همه درخواست‌هایی و ای کسی که رسیدن به همه آرزوها فقط در محضر تو میسر است!

(۲) ای خدایی که نعمت‌هایش را به بهایی نمی‌فروشد و ای کسی که با بذل احسان خود، بار منت به دوش خلق ننهد تا احسان خود را تباه گرداند!

(۳) ای کسی که نیازمندان به او بی‌نیاز می‌گردند و بی‌نیازی از او امکان‌پذیر نیست و ای کسی که مخلوقات به او روی می‌آورند و محال است از او روی‌گردان شوند!

(۴) ای کسی که زیادی درخواست سائلان و عطای وی، خزائن و گنجینه‌های او را تهی نمی‌سازد!

(۵) ای کسی که کارهای حکمت‌آمیز او به علت‌ها و وسایل وابسته نیست!

(۶) ای کسی که درخواست‌های نیازمندان هیچ‌گاه از تو قطع نخواهد شد و ای کسی که هرگز دعای حاجت‌مندان او را خسته نمی‌سازد! تو خویش را به بی‌نیازی از خلق ستوده‌ای و تو از خلق خود بی‌نیاز مطلق و بندگان را در فقر و نیاز به خود نسبت داده‌ای و آنان با تمام وجود به تو محتاج هستند.

(۷) خداوند! پس هر کس که برای رفع گرفتاری‌ها و برطرف شدن نگرانی‌ها به در خانه تو آمد و زدودن فقر و بیچارگی را از درگاه تو خواست، راه حقیقی را یافت و به جایگاه مناسب قدم نهاد.



(٨) وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا<sup>١١</sup> دُونَكَ، فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْجُزْأَيْنِ، وَاشْتَقَقَ مِنْ عِنْدِكَ قُوَّةَ الْإِحْسَانِ.  
(٩) اَللَّهُمَّ وَلِيَّ إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي<sup>١٢</sup>، وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا جَبَلِي<sup>١٣</sup>، وَسَوَّلْتُ<sup>١٤</sup> لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَلَا يَسْتَغْنِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنْكَ، وَهِيَ رَلَّةٌ<sup>١٥</sup> مِنْ رَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَعَشْرَةٌ مِنْ عَشْرَاتِ<sup>١٦</sup> الْمُذْنِبِينَ.

(١٠) ثُمَّ انْتَبَهْتُ<sup>١٧</sup> بِتَذَكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي، وَنَهَضْتُ<sup>١٨</sup> بِتَوْفِيقِكَ مِنْ رَلَّتِي، وَرَجَعْتُ وَنَكَصْتُ<sup>١٩</sup> بِتَسْدِيدِكَ<sup>٢٠</sup> عَنْ عَشْرَتِي<sup>٢١</sup>، وَقُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ مُخْتَاجٌ مُخْتَاجًا؟ وَأَنْتَى يَرْغَبُ مُعْذِمٌ<sup>٢٢</sup> إِلَى مُعْذِمٍ؟  
(١١) فَقَصَدْتُكَ - يَا إِلَهِي - بِالرَّغْبَةِ، وَأَوْفَدْتُ<sup>٢٣</sup> عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ، وَعَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرُ<sup>٢٤</sup> فِي وَجْدِكَ<sup>٢٥</sup>، وَأَنَّ خَطِيرَ<sup>٢٦</sup> مَا أَسْتَوْهَبُكَ حَقِيرٌ فِي وَسْعِكَ، وَأَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ.

(١٢) اَللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْلُصْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى الشُّفُطَلِ، وَلَا تَخْلُصْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِخْفَاقِ، فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتُهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنَعَ، وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْجُزْأَيْنِ<sup>٢٧</sup>.

(١٣) اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا، وَمِنْ زِدَائِي قَرِيبًا، وَلِتَضَرِّعِي رَاجِمًا، وَلِصَوْتِي سَامِعًا.

(۸) خداوندگارا، هرگاه یکی از بندگان خواسته خود را نزد آفریده تو برد یا گمان کند که او حاجتش را روا می‌کند، سرانجام نصیبش نومیدی است و شایسته از دست دادن احسان تو می‌گردد.

(۹) خداوند! حاجت‌هایی را به درگاهت آورده‌ام که فراتر از توانایی من است و هیچ یک از چاره‌جویی‌هایم آنها را حل نمی‌کند، ولی نفس و سوسه‌گر مرا بر آن می‌دارد که آن نیازها را به کسانی ابراز کنم که آنان خود، به تو نیازمندند و نیاز آنان را بر طرف می‌کنی و آنان هرگز خود را از تو بی‌نیاز نمی‌بینند، ولی این تسویلات همگی لغزش‌هایی است که از خطاکاران و گنه‌کاران سر می‌زند.

(۱۰) پروردگارا، با هشداری تو از خواب غفلت بیدار شدم و با توفیق تو از بستر لغزش برخاستم و به تأیید تو از خطای خود برگشتم و با خود گفتم: سبحان الله چگونه نیازمندی از نیازمند دیگری درخواست می‌کند؟ و چه طوری بی‌نوابی به مانند خویش روی می‌آورد؟ (۱۱) خداوند! از این رو، با رغبت به درگاهت روی آورده و امیدهایم را با اعتماد کامل بر ساحت قدس فروذ آوردم و دانستم که نیازهای فراوانم در برابر گستره شکوه تو کوچک است و کلان‌ترین خواسته‌هایم در کنار بی‌توانایی‌ات ناچیز است و کرم‌تر هرگز در برابر درخواست خلاق، مضایقه روا نمی‌دارد و دست تو در دهش برتر از هر دستی است.

(۱۲) پروردگارا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و کوتاهی مرا با کرم و با تفضل خود جبران فرما و به مقتضای عدلت و بر مبنای استحقاق با من رفتار مکن، زیرا من نخستین کسی نیستم که به درگاهت روی آورده و با آن که مستحق منع تفضل بوده، از عطایای تو بهره‌مند گردیده‌ام و نیز نخستین نیازمندی نیستم که مستوجب حرمان بوده، ولی رحمت تو شامل حالش شده است.

(۱۳) خداوند! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و دعایم را اجابت فرما و از ندایم دوری مگزین و بر تضرع رحمت آر و صدایم را گوش فراده.

(١٤) وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ، وَلَا تَبْتُ<sup>٢٨</sup> سَبِيَّ مِنْكَ، وَلَا تَوَجَّهْنِي<sup>٢٩</sup> فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرَهَا إِلَى سِوَاكَ.

(١٥) وَتَوَلَّيْتُ<sup>٣٠</sup> بِنُجْحِ<sup>٣١</sup> طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَنَيْلِ سُؤْلِ قَبْلِ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَنْبِيهِكَ<sup>٣٢</sup> لِي الْعَمِيرِ<sup>٣٣</sup> وَحُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبَدِهَا وَلَا مُسْتَهْنِ لِأَمَدِهَا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَسَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ. وَمِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَكَذَا. - وَتَذَكُّرُ حَاجَتِكَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ -: فَضْلُكَ آتَسْنِي<sup>٣٤</sup>، وَإِحْسَانُكَ دَلِّي، فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ - أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا<sup>٣٥</sup>.



(۱۴) الهی! امیدم را قطع مکن و رشته پیوندم را از خود مگسل و در این حاجت و غیر آن، مرا از درگاهت به سوی دیگری روانه مساز.

(۱۵) خدایا! با برآوردن حاجت‌هایم و اجابت درخواستم، خود مرا سرپرستی و کفایت فرما و پیش از آن که از دعا فارغ شوم، با آسان نمودن مشکلات و نیک مقدر داشتن همه مقدرات زندگی، با برآوردن خواسته‌ام مرا کام‌روا گردان و بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست؛ درودی پیوسته فزاینده که تا ابد منقطع نگردد و محدود به زمانی نشود و این درود را وسیله‌ای برای رسیدن به حاجت‌ها و کمک در مشکلات من قرار ده که تو کریمی و رحمت گسترده است. آن‌گاه پس از ادای این کلمات و با ذکر حاجت‌های خود، سجده کن و در حال سجده بگو: تَفَضَّلْ تُو مونس من است و احسان تو مرا راهنمایی کرده است، پس به حق خودت و به حق محمد و آل محمد، ناامیدم بر مگردان.



## واژه‌ها:

۱. نهل: رسیدن.
۲. طلبات: خواسته‌ها.
۳. ائمان: قیمت‌ها.
۴. لایکتر: بی‌صفا نمی‌کند.
۵. امتان: منت‌گذاری.
۶. لایغیه: او را خسته نمی‌کند.
۷. تمدت: خود را مدح گفتی.
۸. حاول: طلب کرد.
۹. خلّة: حاجت.
۱۰. رام: درخواست کرد.
۱۱. نبع: رستگاری.
۱۲. جهد: طاقت.
۱۳. حیل: تدبیرها.
۱۴. سؤلت: زیبا نمایاند.
۱۵. زلّة: لغزش.
۱۶. هترات: سقوط‌ها.
۱۷. انتیه: آگاه شدم.
۱۸. نهضت: برخاستم.
۱۹. نکست: تصمیم به سوی مقصود گرفتم.
۲۰. تسدید: دیگری را به عزم محکم واداشتن.
۲۱. عثره: سقوط.
۲۲. معدوم: فاقد همه چیز.
۲۳. اوفدت: بر تو وارد شدم.
۲۴. یسیر: آسان.
۲۵. وُجد: قدرت.
۲۶. خطر: مهم، عظیم.
۲۷. حرمان: نومیدی.
۲۸. ولایت: قطع مکن.
۲۹. ولا تو جهتی: مرا متوجه دیگری و حواله به غیر مکن.
۳۰. تولئی: ولی و صاحب اختیار من باش.
۳۱. نبع: به ثمر رساندن و موفق گردانیدن.
۳۲. تسیر: آسان کردن.
۳۳. عسر: مشکل.
۳۴. آنسنی: مرا مانوس به تو گردانیده.
۳۵. غائب: ناامید، بیچاره.



## دعاؤه في الظلمات

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اغْتَدَى عَلَيْهِ أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ:  
(١) يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّينَ<sup>١</sup>، وَيَا مَنْ لَا يَخْتَاJ فِي  
قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ.

(٢) وَيَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ، وَيَا مَنْ بَعُدَ غَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ.  
(٣) قَدْ عَلِمْتَ - يَا إِلَهِي - مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ<sup>٢</sup>، وَانْتَهَكْتُ  
مِنِّي<sup>٣</sup> مِمَّا حَجَرْتَ<sup>٤</sup> عَلَيْهِ، بَطَرًا<sup>٥</sup> فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَاغْتِرَارًا<sup>٦</sup> بِنِكَيرِكَ<sup>٧</sup> عَلَيْهِ.  
(٤) اَللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي  
بِقُوَّتِكَ، وَافْلُلْ حَدَّ<sup>٨</sup> عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا بَيْنَهُ<sup>٩</sup>، وَعَجْزًا عَمَّا  
يُنَاوِيهِ<sup>١٠</sup>.

(٥) اَللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُسَوِّغْ<sup>١١</sup> لَهُ ظُلْمِي، وَأَخْسِنْ عَلَيْهِ  
غَوْنِي، وَاغْصِنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ خَالِهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِدْنِي عَلَيْهِ<sup>١٢</sup> عَدُوِّي<sup>١٣</sup> حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ  
شِفَاءً، وَمِنْ حَتْفِي<sup>١٤</sup> عَلَيْهِ وَفَاءً.



## دعای چهاردهم

### دعا به هنگام مظلوم واقع شدن و مشاهده کردار ستمگران

(۱) ای خدایی که اخبار ستم کشیدگان بر او پوشیده نیست و در دادرسی مظلومان، به گواهی شاهدان نیازمند نیست!

(۲) ای کسی که یاری اش به ستم دیدگان نزدیک و نصرتش از ظالمان دور است.

(۳) خدایا! تو می دانی که از سوی فلانی چه ستم ها که به من شده است، در حالی که تو آنها را منع کرده بودی، ولی او با جسارت به آنها هجوم برد و حدود تو را در مورد من شکست و با استفاده از موهبت های طفیان کرد و از هشدارهای تو نترسید و فریب نفس سرکش خود را خورد.

(۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و با قدرت خود، دشمن و ظالم را از ستم به من بازدار و به نیروی خود، تیزی و صلابت غضب او را درهم شکن و به کاری در خور احتیاجش مشغول دار تا از اراده ستمگری ناتوان گردد.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هرگز راه را برای ستم کاری او به من آسان مکن و در برابرش به من کمک فرما و هرگز مرا در افعال و احوال همانند او قرار مده و بر پیامبر خود و خاندان او درود فرست و هم اکنون مرا بر او پیروز گردان تا قلبم شفا یابد و از غضبم نسبت به او بکاهد.



(٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوَكَ،  
وَأُبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ<sup>١١</sup> بِرَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مَكْرُومٍ جَلَلٌ<sup>١٢</sup> دُونَ سَخَطِكَ، وَكُلُّ  
مَرْزُوقَةٍ<sup>١٣</sup> سِوَاكَ<sup>١٤</sup> مَعَ مَوْجِدَتِكَ<sup>١٥</sup>، اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فِقْنِي مِنْ أَنْ  
أُظْلِمَ، اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ<sup>١٦</sup>.

(٧) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَاقْرَأْ شِكَايِي  
بِالتَّغْيِيرِ، اللَّهُمَّ لَا تَقْنِئَنِي<sup>١٧</sup> بِالْقَنُوطِ<sup>١٨</sup> مِنْ إِنْصَافِكَ، وَلَا تَفْتِنَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ  
إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَ<sup>١٩</sup> عَلَى ظُلْمِي، وَيُحَاضِرَنِي<sup>٢٠</sup> بِحَقِّي، وَعَوْفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا  
أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَعَوْفِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

(٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ وَ  
رَضِي<sup>٢١</sup> بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمَنِي، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ  
أَسْلَمُ، اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخِيَرَةُ<sup>٢٢</sup> إِلَيَّ عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ  
مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ وَمَجْمَعِ الْخَصْمِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ  
أُبْدِنِي مِنْكَ بَيِّنَةً صَادِقَةً وَصَبْرَ دَائِمٍ.

(٩) وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعِ<sup>٢٣</sup> أَهْلَ الْجَوْصِ، وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ  
مَا ادَّخَرْتَ<sup>٢٤</sup> لِي مِنْ ثَوَائِكَ، وَأَعِزَّنِي لِيَخْصِمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ، وَاجْعَلْ  
ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقَتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ  
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(۶) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و عفو را در حق من، جبران ظلم او قرار ده و رحمت خود را جایگزین بدرفتاری وی نسبت به من بفرما، زیرا هر مشکلی در برابر خشم تو ناچیز است و هر مصیبتی در مقایسه با غضب تو آسان است. بارالها! پس هم چنان که راضی نیستی به من ظلم شود، مرا از ستم کردن باز دار. پروردگارا! من شکایت را به احدی جز تو عرضه نمی‌کنم و جز تو از هیچ حکمرانی کمک نمی‌طلبم، هرگز.

(۷) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و دعایم را نزدیک اجابت فرما و شکایت را با دگرگونی اوضاع و از بین بردن ظلم همراه ساز. کریما! مرا با نو میدی از عدل خود مورد آزمایش قرار مده و آن ستمکار را با پیدایش امن و امان مغرور مگردان، تا بر ظلم من اصرار ورزد و مرا از حقم باز دارد و او را از آنچه به ظالمان وعده داده‌ای به زودی آگاه ساز و مژده اجابت در ماندگان را به من ابلاغ فرما.

(۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا در آنچه برای من مقرر فرموده‌ای، موفق گردان و به آن چه از من گرفتی و یا به من عنایت فرمودی، راضی بدار و به بهترین راه هدایت نما و به سالم‌ترین کار وادار. پروردگارا! اگر خیر در آن است که من در برابر جور ستم‌گران صبر کنم و انتقام از ظالمان را به روز حشر - که در آن بدخواهان را گرد می‌آوری و خود حکم می‌رانی - واگذارم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به نیت صادق و صبر دائم تأیید فرما.

(۹) خدایا! مرا از رغبت‌های ناپسند و حرص آزمندان در پناه خود بدار و پاداشی را که برای آخرت ذخیره کرده‌ای در قلبم به من بنما و سزا و کیفری را که برای دشمنان من آماده کرده‌ای، در خاطر من ترسیم نما و این امر را سبب قناعت و خشنودی من به مقدراتی که اراده فرمودی، قرار ده. آمین ای پروردگار جهانیان که تو دارای فضل عظیمی و بر همه چیز توانایی.

## واژه‌ها:

۱. انباء: خبرها.
۲. متظلم: ظلم پذیرها.
۳. حظرت: دور کردی.
۴. انتبهکه متی: به من جسارت و هتاکی کرد.
۵. حجزت: دور کردی.
۶. بطر: طغیان در نعمت.
۷. اغترار: انکار و جهل و عدم احتیاط.
۸. نکیر: بازداری.
۹. افلل حده: بشکن قدرت او را.
۱۰. مایله: آنچه به او نزدیک می‌شود.
۱۱. یناویه: قصد کرده و دنبال می‌کند.
۱۲. لاتسوخ: آسان مکن.
۱۳. أعذنی علیه: مرا بر او غالب گردان.
۱۴. عذوی: نصرت.
۱۵. حنّی: غیظ من.
۱۶. صنیهه: فعل او، کار او.
۱۷. جلال: سبک و آسان.
۱۸. مرزئة: مصیبت.
۱۹. سواء: سهل و آسان.
۲۰. موجدتك: غضب تو.
۲۱. حاشاله: به غیر از تو.
۲۲. لانتفتی: مبتلایم مکن.
۲۳. قنوط: نومیدی.
۲۴. فیصر: اصرار ورزد.
۲۵. یحاصرني: به من سخت گیرد و در محاصره خود درآورد.
۲۶. رضنی: مرا راضی گردان.
۲۷. الغيرة: اختیار.
۲۸. هلع: حرص.
۲۹. ما اذعرت: ذخیره ساخته‌ای.



١٥

## دعاؤه إذا مرض أو نزل به كرب أو بليّة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرَضَ أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ:  
(١) اَللّٰهُمَّ لَكَ الْخُذُّ عَلَى مَا لَمْ أَرْزُ أَنْ تُصَرِّفْ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ  
الْخُذُّ عَلَى مَا أَخَذْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي، فَمَا أَدْرَى - يَا إِلَهِي - أَيُّ  
الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْخُذِّ لَكَ.  
(٢) أَوْفَتْ الصُّحَّةَ الَّتِي هَتَأْتِي<sup>١</sup> فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشْطُتِي<sup>٢</sup> بِهَا  
لِإِتِّعَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتُ مَعَهَا عَلَى مَا وَقَّعْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟  
(٣) أَمْ وَقَّتُ الْعِلَّةَ<sup>٣</sup> الَّتِي مَحَضَّتِي<sup>٤</sup> بِهَا، وَ النَّعَمَ الَّتِي أَتَحَفَّتِي<sup>٥</sup> بِهَا،  
تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا انْعَمَسْتُ<sup>٦</sup> فِيهِ  
مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ<sup>٧</sup> التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوَاثِلِ<sup>٨</sup> بِقَدِيمِ  
النُّعْمَةِ؟

(٤) وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ رِزْكِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ  
فَكَرَّ فِيهِ، وَ لَلِلسَانُ نَطَقَ بِهِ، وَ لَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ، بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَ  
إِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ.

## دعای به هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری

(۱) پروردگارا! تو را بر تندرستی ای که تاکنون از آن بهره برده‌ام، سپاس می‌گویم و نیز تو را بر بیماری که گاه در بدنم پدید آورده‌ای شکر گزارم. ای معبود من! نمی‌دانم بر کدام یک از این دو - سلامتی یا بیماری - بیشتر شکر کنم و کدام یک از دو وقت برای سپاس‌گزاری سزاوارتر است.

(۲) خدایا! آیا شکرگزار آن روز باشم که در نعمت سلامتی، عطایای پاکیزه‌ات را بر من گوارا فرمودی و مرا نیرو بخشیدی تا در پی کسب رضایت و فضل تو برآیم و بر ادای طاعتی توانا گردم که توفیقش را نصیبم ساخته‌ای؟

(۳) [بار خدایا! نمی‌دانم شاکر عافیت باشم] یا سپاس‌گزار زمانی که با بیماری مرا از ناخالصی‌های گناه پاک کردی؟ و این ارمغان را به جهت سبک کردن گناهانی که بر دوشم سنگینی می‌کرد و تطهیر از بدی‌هایی که مرا فرا گرفته بود و گوشزد نمودن لزوم توبه با یادآوری نعمت سلامتی دراز مدت به من اهدا فرمودی.

(۴) و در این میان، آن دو فرشته‌کاتب، برای من چندان عمل صالح نوشتند که نه جان دراندیشه آن بود و نه زبان بدان مترنم گشت و نه هیچ کدام از اندام‌های من، رنجی برای آن عمل متحمل شدند، بلکه تنها تفضل حضرت و محض احسان جانب تو به من بود.

(٥) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيتَ لِي، وَيَسِّرْ لِي مَا  
أَخْلَلْتَ بِي<sup>١١</sup>، وَطَهِّرْ لِي مِنْ دَنَسٍ<sup>١٢</sup> مَا أَشْلَقْتُ<sup>١٣</sup>، وَامْنَعْ<sup>١٤</sup> عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ، وَ  
أَوْجِدْ لِي خَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَأَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ.

(٦) وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَتَحَوَّلِي<sup>١٥</sup> عَنْ صَرَغَتِي<sup>١٦</sup> إِلَى  
تَجَاوُزِكَ، وَخَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ<sup>١٧</sup>، وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى  
فَرَجِكَ.

(٧) إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ<sup>١٨</sup> بِالْإِمْتِنَانِ<sup>١٩</sup>، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ، ذُو  
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ<sup>٢٠</sup>.





(۵) بار خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن چه را که برای من پسندیده‌ای، محبوب من گردان و تحمّل مقدّراتی را که بر من فرو می‌فرستی، برای من آسان فرما و از ناپاکی‌های پیشینم پاکیزه گردان و شرّ کارهای گذشته‌ام را از من دور ساز و شیرینی عافیت را در کامم پدیدار نما و خنکی تندرستی را به من بچشان.

(۶) پروردگارا! برون رفت از بیماریم را سوی عفو قرار ده و بازگشت از لغزشم را به گستره گذشتت منتهی ساز و از اندوه و گرفتاری رهایم نما و سلامتی من از سختی‌ها را به گشایش خودت ختم فرما.

(۷) تویی که بدون استحقاق احسان می‌کنی و بی‌دریغ و الزام، نعمت می‌بخشی و تویی که بخشاینده و کریم و از هر نقص و عیبی مبرا و کانِ جود و کر می.



### واژه‌ها:

۱. لك الحمد لم ازل: پیوسته تو را حمد می‌کنم.
۲. هتاتی: گوارایم داشتی.
۳. نطنتی: به نشاطم در آوردی.
۴. وقت العلة: به هنگام درد و مرض.
۵. محنتی: پاکیزه کردن از گناه.
۶. اتحننتی: تحفه‌ام دادی.
۷. انفسنت: فرو رفته بودم.
۸. تناول: نازل شدن.
۹. حوبة: گناه.
۱۰. أحللت بی: بر من وارد کردی.
۱۱. دنی: چرک و پلیدی.
۱۲. أسلفت: در گذشته به جای آوردم.
۱۳. واضح: پاک گردان.
۱۴. متحولی: جایگاه برگشت.
۱۵. صرعة: زمین خوردن.
۱۶. رزحك: رحمت.
۱۷. مطول: عطا کننده.
۱۸. امتان: منت نهادن.
۱۹. ذوالجلال و الاكرام: صاحب صفات جلالیه و جمالیه.



### دعاؤه فى الاستقالة

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ، أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ  
الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ:

(١) اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ، وَ يَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ  
يَفْرَعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَ يَا مَنْ لِخِفَتِهِ يَسْتَجِبُ الْخَاطِئُونَ، يَا أَنْسَ كُلِّ  
مُسْتَوْحِشٍ<sup>١</sup> غَرِيبٍ، وَ يَا فَارِجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَثِيبٍ<sup>٢</sup>، وَ يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ  
فَرِيدٍ، وَ يَا عَضُدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ<sup>٣</sup>.

(٢) أَنْتَ الَّذِى وَسَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا، وَ أَنْتَ الَّذِى جَعَلْتَ لِكُلِّ  
مَخْلُوقٍ فِي نَعْمِكَ سَهْمًا، وَ أَنْتَ الَّذِى عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ، وَ أَنْتَ الَّذِى  
تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ، وَ أَنْتَ الَّذِى عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ، وَ أَنْتَ الَّذِى  
اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ، وَ أَنْتَ الَّذِى لَا يَزْغِبُ فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ، وَ  
أَنْتَ الَّذِى لَا يُفْرِطُ<sup>٤</sup> فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ.

(٣) وَأَنَا - يَا إِلَهِي - عَبْدُكَ الَّذِى أَمَرْتَهُ بِالِدُّعَاءِ فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ<sup>٥</sup>.  
هَآ أَنَا ذَا، يَا رَبِّ، مَطْرُوحٌ<sup>٦</sup> بَيْنَ يَدَيْكَ، أَنَا الَّذِى أَوْقَرْتُ<sup>٧</sup> الْخَطَايَا ظَهْرَهُ، وَأَنَا  
الَّذِى أَفْنَيْتَ<sup>٨</sup> الذُّنُوبَ عُمْرَهُ، وَأَنَا الَّذِى بِجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِدَاكَ.

## طلب عفو و آمرزش از درگاه خداوند

(۱) بارالها! ای آن که گنه کاران از رحمت او طلب یاری می‌کنند و بیچارگان با ییادآوری احسان او آرام می‌گیرند و ای کسی که گنه کاران از ترس او به شدت می‌گیرند و ای آن که هر غریب و حشت زده با او انس می‌گیرد و هر گرفتار بیچاره با او به گشایش می‌رسد و ای مدد هر درمأنده تنها و ای بازوی هر نیازمند آواره!

(۲) تویی که رحمت و علمت همه چیز را فرا گرفته و برای تمام مخلوقات از نعمت‌های خود سهمی قرار داده‌ای و تویی که عفو از عقابت برتر و پیوسته رحمت بر غضبت چیره است و بخشش از امساک و منعت بیشتر است و سفره خلایق همه از خوان رحمت تو گشوده است و تویی که هرگز از بندگان روزی‌خوار خود عوضی نخواسته‌ای و تویی که در کیفر کردن متخلفان، از اندازه در نمی‌گذری.

(۳) و من ای خدا! بنده‌ای هستم که او را به دعا امر فرموده‌ای و او در مقابل تو ابراز تسلیم و فرمان بری قطعی کرد. اکنون من این جا بر درگاهت ایستاده‌ام. من آن کسی هستم که لغزش‌ها بر پشش سنگینی می‌کند و گناهان، عمر او را به باد داده است. من آنم که جاهلانه از فرمانت سرپیچی کردم و حال آن که تو هرگز سزاوار گردن کشی نبوده‌ای.

(٤) هَلْ أَنْتَ - يَا إِلَهِي - رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأَبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكََاكَ فَاسْتَرَعَ فِي الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَرَ<sup>١٢</sup> لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟ أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ، فَفَرَهُ تَوَكُّلاً؟ إِلَهِي، لَا تُخَيِّبْ<sup>١٣</sup> مَنْ لَا يَجِدُ مُغْطِياً غَيْرَكَ، وَلَا تَخْذُلْ<sup>١٤</sup> مَنْ لَا يَسْتَعِينِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونِكَ.

(٥) إِلَهِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُغْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تَحْرِئْنِي وَقَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْنِهْنِي<sup>١٥</sup> بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ، أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي.

(٦) قَدْ تَرَى - يَا إِلَهِي - فَيْضَ دَمْعِي<sup>١٦</sup> مِنْ خِيفَتِكَ، وَوَجِبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَانْتِقَاصَ<sup>١٧</sup> جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ، كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي، وَلِذَلِكَ خَمَدَ<sup>١٨</sup> صَوْتِي عَنِ الْجَارِ<sup>١٩</sup> إِلَيْكَ، وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاةِكَ.

(٧) يَا إِلَهِي، فَلَكَ الْخُذُلُ فَكَمْ مِنْ عَائِيَةِ<sup>٢٠</sup> سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي<sup>٢١</sup>، وَكَمْ مِنْ شَائِيَةِ<sup>٢٢</sup> أَلَمْتُ بِهَا<sup>٢٣</sup> فَلَمْ تَهْنِكْ<sup>٢٤</sup> عَنِّي سِتْرَهَا، وَلَمْ تُقْلِدْنِي<sup>٢٥</sup> مَكْرُوهَ سَنَارِهَا<sup>٢٦</sup>، وَلَمْ تُبْدِ سَوْءَ آيَتِهَا<sup>٢٧</sup> لِمَنْ يَلْتَمِسُ<sup>٢٨</sup> مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي، وَحَسَدَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي، ثُمَّ لَمْ يَنْهَيْ<sup>٢٩</sup> ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَاهَدْتُ<sup>٣٠</sup> مِنِّي.

(۴) خدایا! آیا تو داعیان درگاهت را مورد رحمت قرار می دهی تا هم چنان در دعا تلاش کنم؟ یا آنان را که بر تقصیر خود می گیرند، می آمرزی تا با اشک ریختن، گذشته ها را جبران کنم؟ یا کسانی که از روی ذلت و بندگی صورت بر خاک می گذارند، عفو می فرمایی؟ یا آنان را که از فقر و تهی دستی بر تو شکایت می آورند، بی نیازشان می کنی؟ خدایا! کسی را که جز تو کسی را عطا بخش نمی شمارد، محروم مکن و کسی را که با پناهنده نشدن به غیر تو از تو بی نیازی نمی جوید، خوار مساز.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و از من روی مگردان، زیرا من به تو رو آورده ام و محروم نفرما، زیرا من به تو مشتاقم و دست رد بر پیشانی ام مزن که در پیشگاه تو ایستاده ام. تویی که خود را به رحمت ستوده ای، پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و بر من رحم کن و تویی که خود را به عفو ستوده ای، پس عفو را شامل حالم بفرما.

(۶) ای معبود من! می نگری که چگونه سرشکم از ترس تو روان و دلم از بیم تو هراسان و اندامم از هیبت حضرت لرزان است، اینها همگی ره آورد شرمساری من از بدی اعمالم می باشد و از این سبب صدایم گرفته و زبانم در مناجات با تو کند شده است.

(۷) ای معبود من! حمد فقط تو را سزا است، چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و مرا رسوا نساختی و چه بسیار گناهانی که پنهان داشتی و مرا به آنها میان مردم مشهور نکردی و چه خلاف احتیاط ها که مرتکب شدم و تو پرده دری نفرمودی و عیب و عار آن را بر دوش من نگذاشتی و حریم مرا در برابر همسایگان عیب جوی و حسودانی که بر موهبت های تو رشک می برند حفظ فرمودی، ولی تمام این رحمت ها و عنایت ها مانع آن نشد که من از بدی هایی که تو می دانی، خودداری کنم.



(٨) فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي - يَا إِلَهِي - بِرُشْدِهِ؟ وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ<sup>٢١</sup>؟  
وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِضْلَاحٍ<sup>٢٢</sup> نَفْسِهِ حِينَ أَنْفِقُ مَا أُجْرَيْتُ عَلَى مِنْ  
رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَغْصِيَّتِكَ؟ وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا<sup>٢٣</sup> فِي الْبَاطِلِ  
وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ  
فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَى مِنِّي فِي مَعْرِفَةِ بِهِ وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي  
لَهُ؟

(٩) وَأَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى  
النَّارِ، شُبْحَانِكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَأَعَدُّهُ<sup>٢٤</sup> مِنْ مَكْتُومٍ<sup>٢٥</sup>  
أَمْرِي، وَأَعْجَبَ مِنْ ذَلِكَ أَنَّكَ<sup>٢٦</sup> عَنِّي، وَإِنِّ طَاوُكَ<sup>٢٧</sup> عَنْ مُعَاجَلَتِي، وَلَيْسَ  
ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْنِيًا مِنْكَ لِي، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ<sup>٢٨</sup> عَنْ  
مَغْصِيَّتِكَ الْمُسْخِطَةِ<sup>٢٩</sup>، وَأَقْلَعُ<sup>٣٠</sup> عَنْ سَيِّئَاتِي الْمَخْلِقَةِ<sup>٣١</sup>، وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي  
أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي.

(١٠) بَلْ أَنَا - يَا إِلَهِي - أَكْثَرُ ذُنُوبًا، وَأَقْبَحُ آثَارًا، وَأَشْنَعُ<sup>٣٢</sup> أَفْعَالًا، وَأَشَدُّ فِي  
الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا<sup>٣٣</sup>، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَبْقُطًا<sup>٣٤</sup>، وَأَقْلُّ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا<sup>٣٥</sup>، وَ  
ازْتِبَاقًا<sup>٣٦</sup> مِنْ أَنْ أُخْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي، وَإِنَّمَا أُؤْبِخُ<sup>٣٧</sup>  
بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَافِقِكَ الْيَتَّى بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ  
الَّتِي بِهَا فَكَأُكُ<sup>٣٨</sup> رِقَابَ الْخَاطِئِينَ.

(١١) اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرْقَنْتَهَا<sup>٣٩</sup> الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَأَغْتِفْهَا بِعَفْوِكَ، وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتُهُ<sup>٤٠</sup> الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،



(۸) ای معبود من! چه کسی از من به رشد خود ناآگاه‌تر است؟ و چه کسی از من به بهره‌ خویش غافل‌تر است؟ و چه کسی از اصلاح جان خود دورتر از من است؛ آن‌گاه که با کفران نعمت، رزق تو را در معصیتی که از آن نهی کرده‌ای، صرف می‌کنم؟ و چه کسی بیش از من در عمق باطل فرو رفته است و چه کسی در بدی کردن از من کوشاتر است؛ آن‌گاه که بر سر دو راهی انتخاب بین فرمان تو و دعوت شیطان قرار می‌گیرم و به دنبال شیطان روان می‌شوم، با آن که دیده‌ عقلم بر شناخت وی بسته نبود و از کید او غافل نبودم.

(۹) و من در این هنگام می‌دانم که سرانجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت شیطان به سوی دوزخ است. منزّهی تو، چه شگفت است که من به زیان خود شهادت می‌دهم و تمام مکونات قلبی خود را آشکارا بر می‌شمرم، ولی عجیب‌تر صبر تو در برابر من و به تأخیر انداختن عقوبت من است و این نه برای آن است که من پیش تو گرامی و عزیزم، بلکه از جهت حلم و تفضّل تو بر من است که با من این چنین معامله می‌کنی، تا شاید از نافرمانی خشم آور باز ایستم و از گناهانی که آبرو را می‌برد، پشیمان شوم، زیرا می‌دانم تو عفو را بیشتر از عقوبتم دوست داری.

(۱۰) بلکه معبود! گناهان من از این هم بیشتر، آثارش از این نیز زشت‌تر و کردارم به مراتب ناپسندیده‌تر است. خود در باطل سخت بی‌باک ترم تا در فرمان برداری تو، خواب غفلتم عمیق‌تر و نسبت به هشدارهای تو کم‌هوش‌تر و فراموش‌کارتر از آنم که بتوانم کاستی‌هایم را برایت بشمارم یا گناهانم را بر زبان آورم و اکنون تنها برای جهت جلب رأفت تو خود را توبیخ می‌کنم. می‌دانم که راه اصلاح امور تبه‌کاران، پناه آوردن به رأفت و رحمت حضرتت می‌باشد و نیز به جهت امیدواری به رحمتت - که رهایی بخش خطاکاران از آتش است - خود را سرزنش می‌کنم.

(۱۱) خداوند! گناهان گردنم را به بند کشیده‌اند، پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به عفو خود آزادش گردان. گناهان بسیار بر دوشم سنگینی



وَحَفَّتْ عَنْهُ بِمَنِّكَ، يَا إِلَهِي، لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَاؤُ عَيْنَيَّ،  
وَأَنْتَ حَبِيتُ<sup>١٠</sup> حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَقُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَنَشَّرَ<sup>١١</sup> قَدَمَايَ، وَرَكَعْتُ  
لَكَ حَتَّى يَنْخَلِيعَ<sup>١٢</sup> صُلْبِي<sup>١٣</sup>، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ<sup>١٤</sup> حَدَقَتَايَ<sup>١٥</sup>، وَأَكَلْتُ  
تُرَابَ الْأَرْضِ طَوْلَ عُمْرِي، وَشَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي  
خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ<sup>١٦</sup> لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَزِفْ طَرْفِي<sup>١٧</sup> إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِخْيَاءً  
مِنْكَ، مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي.

(١٢) وَإِنْ كُنْتُ تُغَيِّرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ  
أَسْتَحِقُّ عَفْوَكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِخْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلُ لَهُ  
بِاسْتِيجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَأَنْتَ  
غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.

(١٣) إِلَهِي، فَإِذَا قَدْ تَعَمَّدْتَنِي<sup>١٨</sup> بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَتَأَنِّيتِي<sup>١٩</sup>  
بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي، وَخَلُمْتَ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعَمَتَكَ عَلَيَّ،  
وَلَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي، فَارْحَمْ طَوْلَ تَضَرُّعِي وَشِدَّةَ مَسْكِنَتِي، وَسُوءَ  
مَوْقِفِي.

(١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنِي مِنَ الْمَقَاصِي، وَاسْتَعْمِلْنِي  
بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَانِيَّةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَ  
اسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَادْفِنِي خِلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ<sup>٢٠</sup> عَفْوِكَ، وَ  
عَيِّقَ<sup>٢١</sup> رَحْمَتِكَ، وَاكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ<sup>٢٢</sup>  
دُونَ الْآجِلِ<sup>٢٣</sup>، بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَعَرَفْنِي فِيهِ عَلَامَةٌ أَنْبِئْتُهَا، إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ

می‌کنند، پس بر حضرت محمد و دودمان او درود فرست و به فضل خود پشتم را سبک بارگردان. معبود من! اگر آن قدر بگرم که مزگانم بریزد و آن قدر فریاد ززم تا صدایم قطع شود و آن قدر در محضرت بایستم تا پاهایم متورم گردد و آن چنان برایت رکوع کنم که کمرم بشکند و آن قدر سجده کنم که دیدگانم از حلقه برون شود و در تمام عمر خوراکم خاک و نوشیدنی‌ام آب خاکستر باشد و پیوسته - تازیان از کار بایستند - تو را بخوانم و از شرم محضرت چشم به سوی آسمان بر ندارم، هرگز شایسته زدودن یکی از گناهانم نخواهم بود.

(۱۲) و اگر تو مرا شایسته بخشودن بدانی و ببخشایی، یا مرا سزاوار عفو دانی و درگذری، نه چنین است که من مستحق این شایسته انگاری و بخشودگی‌ام، چون نخستین بار که جرأت خلاف فرمان را از من دیدی، جزای من - همان وقت - جهنم بوده است، پس اگر هم اکنون مرا عذاب کنی، هرگز بر من ستم نراند. ای

(۱۳) ای معبود من! اکنون که من [سیه روی] را در پس پرده خطا پوشت پنهان ساختی و رسوایم نکردی و به کرم خود در عقوبتم درنگ روا داشتی و شتاب نکردی و به فضل و رحمت با من صبری کردی و زلال همیشه جاری و دیر آشنای احسانت را تیره نساختی، پس بر زاری دیر پای، اوج درماندگی و جایگاه ناپسندم رحمت آر.

(۱۴) خدا یا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از گناهان نگاهدار و بر اطاعت خود بگمار و بازگشت از گناه را به بهترین وجه نصیب گردان و با آب توبه پاکم ساز و با حفظ و مصونیت بخشی خود تأییدم فرما و با عافیت و سلامت، از اهل صلاح و سدادم قرار ده و شیرینی مغفرت را به من بچشان و مرا را شده عفو و آزاد شده رحمت قرار ده و خطّ امانی برایم بنگار تا از غضبت مصون باشم و نویدت را در همین دنیا - نه آخرت - به من برسان؛ نویدی که آن را بشناسم و برایم نشانه قابل

عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ، وَلَا يَنْكَأُكَ<sup>١٦</sup> فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَنْصَعِدُكَ<sup>١٧</sup> فِي أُنَاتِكَ<sup>١٨</sup>، وَ  
لَا يُؤْوِدُكَ<sup>١٩</sup> فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ  
تَخْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.



فهمی در آن تعبیه کن تا به درستی آن را بشناسم. اینها که می‌خواهم برای تو مشکل نیست و با وجود قدرت غیر متناهی تو، هرگز تو را خسته نمی‌کند و از حوصله حلم تو بیرون نیست و عطایای فراوان که با نشان‌های بسیار ظاهر می‌شود برای تو خستگی نمی‌آورد؛ که تو هر چه اراده فرمایی، می‌کنی و به هر چه بخواهی فرمان می‌دهی، چرا که بر همه چیز توانایی.

### واژه‌ها:

۱. یفزع: پناه می‌برد و التماس می‌کند.
۲. مستوحش: وحشت کننده.
۳. کثیب: دارای حزن شدید (حزین).
۴. غوث: پناه.
۵. عضد: بازو.
۶. طرید: طرد شده.
۷. لا یفرط: اسراف نکند.
۸. لیسک و سعدیک: حتماً اجابت و مساعدت می‌کنم.
۹. مطروح: روی زمین افتاده.
۱۰. اوقرت: سنگین کردم.
۱۱. اَلْتَنَتْ: نابود کرد.
۱۲. عَفَر: به خاک مالیده.
۱۳. لا تَحْتِیْب: نومید نکن.
۱۴. و لا یغْذِل: بیچاره مگردان.
۱۵. و لا تَجِیْهِن: در صورت مزن.
۱۶. فیض دمی: ریزش اشکم.
۱۷. انتقاض: تحرک و لرزش اعضا.
۱۸. خمد: ضعیف و کوتاه شد.
۱۹. الجأر: بلند صدا.
۲۰. عائبه: کار معیوب.
۲۱. لم تشهرنی: مرا مشهور نکردی.
۲۲. شائبه: قذارت و پلیدی.
۲۳. أَلَمْتُ بها: به جای آوردم.
۲۴. لم تهتك: پرده سرم بر نداشتی.
۲۵. و لم تقلدنی: به گردنم نیاویختی.
۲۶. شنارها: عیب و عارها.
۲۷. سوء آنها: بدی‌ها.
۲۸. یلتس: جست و جو کند.
۲۹. لم ینهنی: مرا باز نداشت.
۳۰. عَهْدَتْ: می‌شناختی.
۳۱. حظه: نصیب او.



۵۱. اُشْفار: پلک چشم.  
 ۵۲. اَنْتَمَتْ: بلند گریه کنم.  
 ۵۳. تَنْتَر: مفاصل از هم بگسلد.  
 ۵۴. یَنْخَلج: جدا شود.  
 ۵۵. صُلب: پشت.  
 ۵۶. تَنْفَقًا: کور شود.  
 ۵۷. حدقَتای: سیاهی چشم.  
 ۵۸. یَکَلُّ: باز ماند.  
 ۵۹. طَرف: چشم.  
 ۶۰. تَغْتَد: پوشید.  
 ۶۱. تَأْتِث: مهلت دادی.  
 ۶۲. طَلِیق: آزاد شده.  
 ۶۳. عَتِیق: آزاد شده.  
 ۶۴. عاجِل: دنیا.  
 ۶۵. آجَل: آخرت.  
 ۶۶. لَا یَتَکَادُ: خسته نشود.  
 ۶۷. یَتَصَدَّد: مشکل است.  
 ۶۸. اُنَاتَک: حلم تو.  
 ۶۹. لَا یُؤَوِّدُک: بر تو مشکل نیست.
۳۲. اسْصَلَح: طلب اصلاح.  
 ۳۳. غَوْرًا: قعر و عمق.  
 ۳۴. اَعَدَّ: او را شمرد.  
 ۳۵. مَکُوم: پنهان.  
 ۳۶. اِنَاتَک: تجاوز و گذشت.  
 ۳۷. اِطَاء: تحمّل و صبر.  
 ۳۸. اُرْتَدَع: برگشت کنم.  
 ۳۹. الْمَسْخُطَة: به غضب آورنده.  
 ۴۰. اَقْلَع: رها کرد.  
 ۴۱. الْمَخْلُقَة: کهنه.  
 ۴۲. اُشْنَع: قبیح تر.  
 ۴۳. تَهَوَّر: حرکت بدون حساب.  
 ۴۴. تَبَقَط: بیداری.  
 ۴۵. اِنْتَاه: آگاهی.  
 ۴۶. اِرْتَقَاب: انتظار.  
 ۴۷. اُوْبَحُّ: سرزنش کنم.  
 ۴۸. فَکَاک: باز شدن.  
 ۴۹. اُرْقَها: به بند کشیده.  
 ۵۰. اِنْقَلَبه: سنگین کرده است.



## دعاؤه إذا ذكر الشيطان فاستعاذ منه

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عَذَاوَتِهِ وَكَيِّدِهِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ<sup>١</sup> وَكَيِّدِهِ وَمَكَائِدِهِ، وَ مِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيَّتِهِ<sup>٢</sup> وَمَوَاعِيدِهِ<sup>٣</sup> وَغُرُورِهِ وَمَصَانِيدِهِ<sup>٤</sup>.

(٢) وَأَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا بِمَغْصِيَّتِكَ، أَوْ أَنْ يَخْسَنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ الْإِنْسَانُ.

(٣) اَللّٰهُمَّ اخْسَأْهُ<sup>٥</sup> عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَاكْبِتْهُ<sup>٦</sup> بِدُؤُونِنَا<sup>٧</sup> فِي مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُكُهُ، وَرَدْمًا<sup>٨</sup> مُضْمِتًا<sup>٩</sup> لَا يَفْتُقُّهُ<sup>١٠</sup>.

(٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ عَنَّا بِبَغْضِ أَغْدَائِكَ، وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِخُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَشْرَهُ<sup>١١</sup>، وَوَلِّنَا<sup>١٢</sup> ظَهْرَهُ، وَاقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ<sup>١٣</sup>.

(٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِنْنَا مِنَ السُّهُدَى بِمِثْلِ صَلَاتِيهِ، وَرَوِّدْنَا<sup>١٤</sup> مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ<sup>١٥</sup>، وَاسْلُكْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرُّودَى<sup>١٦</sup>.



## پناه بردن به خدا از شیطان و دشمنی‌ها و نیرنگ‌های آن

(۱) خدایا! از وسوسه‌های شیطان رانده شده، حيله و مکرهای او و از آن که به دروغ‌ها و وعده‌ها و فریب‌ها و دام‌های او اعتماد کنیم، به تو پناه می‌بریم.

(۲) خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که در گمراه ساختن ما در طریق بندگی تو طمع ورزد و ما را از راه مخالفت با تو خوار کند و یا این که هر چه را در نظر ما زیبا جلوه دهد، نیکو ببینیم؛ یا آن چه را متفور جلوه دهد، برایمان دشوار باشد.

(۳) خدایا! شیطان را با بندگی خود، از حریم زندگی ما بران و با پایداری در دوستی خود وی را منکوب ساز و بین ما و شیطان چنان حجابی قرار ده که نتواند آن را بدرد و سدی استوار برقرار ساز که قدرت شکافتن آن را نداشته باشد.

(۴) بار خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و شیطان را با برخی دشمنانت مشغول گردان [تا فرصت هجوم بر ما پیدا نکند] و با حسن بنده پروریات ما را از گزند او محفوظ بدار و خدعه و مکر او را از ما دور کن و فرار او و غلبه ما را مقدر گردان؛ آن چنان که جای پایش در حریم ما بر جای نماند.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و بهره‌مندی از هدایت را - به اندازه گمراهی شیطان - به ما عطا فرما و تقوا را که در مقابل اغوای او قرار دارد، توشه راه ما بگردان و ما را در پیمودن طریق پرهیزگاری که برخلاف گمراهی او است، موفق بدار.

(٦) اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهٗ فِي قُلُوْبِنَا مَدْخَلًا وَلَا تُسَوِّطَنَّ<sup>١١</sup> لَهٗ فِيْمَا لَدَيْنَا مِنْزَلًا.

(٧) اَللّٰهُمَّ وَمَا سَوَّلَ<sup>١٢</sup> لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَا<sup>١٣</sup>، وَإِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فَقَيْنَاهُ<sup>١٤</sup>، وَبَصَّرْنَا مَا نَكَايِدُهُ بِهِ، وَآلِهْمُنَا مَا نَعُدُّهُ لَهٗ، وَآيِقُنَّا عَنْ سَيِّئَةِ<sup>١٥</sup> الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ<sup>١٦</sup> إِلَيْهِ، وَأَحْسِنِ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ.

(٨) اَللّٰهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوْبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ، وَالطُّفَّ لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ.

(٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَادْرَأْهُ<sup>١٧</sup> عَنِ الْوُلُوعِ<sup>١٨</sup> بِنَا.

(١٠) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهَالِيَنَا وَذَوَى أَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي جِزْرِ<sup>١٩</sup> حَارِزٍ، وَجِصْنِ<sup>٢٠</sup> حَافِظٍ، وَكَهْفِ<sup>٢١</sup> مَانِعٍ، وَالْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَّتًا<sup>٢٢</sup> وَاقِيَةً<sup>٢٣</sup>، وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً.

(١١) اَللّٰهُمَّ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَعَادَاهُ<sup>٢٤</sup> لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَاسْتَظْهَرَ بِكَ<sup>٢٥</sup> عَلَيْهِ فِي سَفَرِ قَةِ الْمُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ.

(١٢) اَللّٰهُمَّ اخْلُصْ مَا عَقَدَ، وَافْتَقِ<sup>٢٦</sup> مَا رَتَقَ<sup>٢٧</sup>، وَافْسَحْ<sup>٢٨</sup> مَا دَبَّرَ<sup>٢٩</sup>، وَتَبَيَّطْهُ<sup>٣٠</sup> إِذَا عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ<sup>٣١</sup>.

(١٣) اَللّٰهُمَّ وَاهْرَمِ<sup>٣٢</sup> جُنْدَهُ<sup>٣٣</sup>، وَأَبْطِلْ كَيْدَهُ، وَاهْدِمِ كَهْفَهُ<sup>٣٤</sup>، وَأَزْغِمِ أَنْفَهُ<sup>٣٥</sup>.

(۶) خداوند! دریچه‌ای برای ورود شیطان به قلب‌های ما قرار مده و منزل گاهی برایش در آن چه نزد ماست، مگستر.

(۷) خداوند! و ما را از آن چه می‌آراید و خوشایند جلوه می‌دهد، آگاه ساز و پس از شناسایی، ما را از آن نگاه‌دار و به ما بصیرت چگونگی مقابله با او را عطا فرما و ابزارهای لازم را برای نبرد با او در خاطر ما منقوش ساز و ما را از خواب غفلتی - که بستر تمایل به او را فراهم می‌کند - بیدار کن و با حسن توفیق ما را در رویارویی با او مدد رسان.

(۸) خداوند! جان ما را از بی‌زاری جستن از کردار او سیراب گردان و به لطف خود ما را موفق کن که حيله‌های او را باطل کنیم و نقشه‌های او را بر باد دهیم.

(۹) خداوند، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و سلطه شیطان را از ما بازگیر و امید او را از ما قطع فرما و حرص او را بر اغوا و گمراهی ما دفع بنما.

(۱۰) خداوند! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و پدران و مادران و هم‌وطنان و خاندان و نزدیکان و همسایگان مؤمن ما - اعم از مرد و زن - را از شر شیطان در قلعه‌ای استوار و دژی نفوذناپذیر و پناه گاهی امن قرار ده و سپرهای نگه‌دارنده بر آنها بپوشان و آنان را به سلاح برنده مسلح ساز!

(۱۱) خداوند! هر کس به ربوبیت تو شهادت داده و خالصانه به وحدانیت اقرار کرده و با حقیقت بندگی به دشمنی شیطان برخاسته و در شناخت معارف الهی از حضرت یاری جسته تا بر وی ظفر یابد؛ همگی را مشمول درخواست من - حفظ از مکاید شیطان - قرار ده!

(۱۲) خدایا! آن چه را شیطان گره زده، بگشا، آن چه را پیوند داده، بگسل و آن چه تدبیر کرده، باطل گردان! اگر آهنگ امری کرد، بازش دار و بنیادهایی که برای گمراهی مردم استوار ساخته، ویران ساز!

(۱۳) خدایا! یاران شیطان را مغلوب گردان، حيله‌های او را باطل کن، سنگرش را ویران نما و او را نزد ما خوار و بیچاره ساز!



(١٤) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِيْ نَظْمِ اَعْدَائِهِ، وَ اغْرِقْنَا عَنْ عِدَادِ اَوْلِيَّائِهِ، لَا نَطِيْعُ لَهُ  
اِذَا اسْتَهْوَانَا<sup>١٤</sup>، وَلَا نَسْتَجِيْبُ لَهُ اِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمَنَآوَاتِهِ<sup>١٥</sup> مِنْ اطَاعِ اَمْرِنَا، وَ  
نَعْظُ عَنْ مَّنَاقِبَتِهِ مِنْ اتِّبَاعِ رَجْوَانَا<sup>١٦</sup>.

(١٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ عَلَى اَهْلِ  
بَيْتِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ، وَ اَعِزَّنَا وَ اَهْلِيْنَا وَ اِخْوَانَنَا وَ جَمِيْعَ الْمُؤْمِنِيْنَ  
وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعْدْنَا مِنْهُ، وَ اَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا<sup>١٧</sup> بِكَ مِنْ خَوْفِهِ.

(١٦) وَ اسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَ اَعْطِنَا مَا اَغْفَلْنَا، وَ اَحْفَظْ لَنَا مَا نَسِيْنَا، وَ  
صَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِيْ دَرَجَاتِ الصَّالِحِيْنَ وَ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِيْنَ، آمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.



(۱۴) خداوند! ما را در زمره دشمنان شیطان قرار ده و از جمع دوستان او جدا ساز تا اگر در صدد فریب ما برآمد، از او پیروی نکنیم و اگر ما را به خود خواند، جواب مثبت ندهیم، توفیق عطا کن تا کسانی که از ما پیروی می‌کنند، به دشمنی او فرمان دهیم و کسی که بانهی ما از عمل باز می‌ایستد، از متابعت او باز داریم.

(۱۵) خدایا! بر حضرت محمد، خاتم پیامبران و سرور رسولان و خاندان پاک و پاکیزه او درود فرست و ما و خاندان و برادران ما و همه مردان و زنان با ایمان را در آن چه به تو پناه بردیم، حمایت فرما و از شر، مصون دار و از آسیب تمامی آن چه از بیم آنها به تو پناه آورده‌ایم، محفوظمان بدار!

(۱۶) خدایا! درخواست مان را اجابت فرما و آن چه را طلب نکردیم و از آن غافل بودیم، به ما ارزانی دار و آن چه را فراموش کردیم، برای ما نگاه دار و از رهگذر آن، ما را در درجه نیکان و مرتبه شایستگان جای ده. ای پروردگار جهانیان اجابت فرما!

### واژه‌ها:

۱. نزغات: وسوسه و فساد.
۲. رجیم: رانده شده.
۳. امانی: آرزوها.
۴. مواعید: وعده‌ها.
۵. مصائد: دام‌ها.
۶. امتهان: به خدمت گرفتن.
۷. إغصاء: او را طرد کن.
۸. إکیته: مأیوسانه برگردان.
۹. دؤوب: جدیت.
۱۰. رذماً: مانع محکم.
۱۱. مصیئا: بسته و غیر قابل نفوذ.
۱۲. لا یفتقه: نشکند آن را.
۱۳. ختره: خدعه.
۱۴. وُلّنا: او را فرار بده که پشت به ما کند.
۱۵. إثره: آثار.
۱۶. رزّونا: به ما توشه راه کرامت کن.
۱۷. غوایه: ضلالت.
۱۸. الرّذی: هلاکت.

۱۹. لا تُوطِنَنَّ: آماده مکن.  
 ۲۰. سؤل: تزیین کرد.  
 ۲۱. فقنا: ما را نگاهدار.  
 ۲۲. سِنَة: سستی قبل از خواب.  
 ۲۳. ركون: میل.  
 ۲۴. ادراء: او را دفع کن.  
 ۲۵. ولوع: گول زدن.  
 ۲۶. حرز: حفظ.  
 ۲۷. حصن: دژ.  
 ۲۸. كهف: پناهگاه.  
 ۲۹. جن: سپر ها.  
 ۳۰. واقية: نگاهدارنده.  
 ۳۱. عاده: با او به دشمنی برخاست.  
 ۳۲. استظهر بك: از تو کمک خواست.  
 ۳۳. وأفتق: و باز کن.
۳۴. ما رتی: آنچه بسته است.  
 ۳۵. وافسخ: و فاسد کن.  
 ۳۶. مادبر: آنچه را تدبیر کرده.  
 ۳۷. تطله: زمین گیر کن.  
 ۳۸. ماهرم: آنچه را محکم ساخته.  
 ۳۹. واهزم: و شکست بده.  
 ۴۰. چند: لشکر.  
 ۴۱. واهدم كهفه: و کمین گاه او را منهدم کن.  
 ۴۲. أرغم أنفه: مأیوس کن - دماغ او را به خاک بمال.  
 ۴۳. استخوانا: به میل گناه وادارد.  
 ۴۴. مناواة: دشمنی.  
 ۴۵. زجرنا: منع ما.  
 ۴۶. استجرنا: پناه آوردیم.



### دعاؤه في المحظورات

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَخْذَرُ، أَوْ عَجَلَ لَهُ مَطْلَبُهُ:

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي<sup>١</sup> مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَلْتُ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أُخْبِتُ وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ.

(٢) وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ<sup>٢</sup> أَوْ بَتْ فِيهِ<sup>٣</sup> مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بِلَايٍ لَا يَنْقَطِعُ وَوِزْرٍ<sup>٤</sup> لَا يَزْتَفِعُ، فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ، وَأَخَّرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ.

(٣) فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ، وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.



## دعا به هنگام دفع ناگواری‌ها و اجابت خواسته‌ها

(۱) خدایا! تو را بر نظام نکویی که در خلقت مقرّر داشتی، سپاس می‌گویم و حمد بی‌پایان تو را که بلا و گرفتاری را از من دور فرمودی؛ پس بهره‌ مرا از رحمت خود در عافیت این جهان محدود مکن تا مبادا با رسیدن به آرزوهای دنیایی‌ام به شوربختی گرفتار شوم و اولیای تو با صبر در برابر ناملایماتی که من از آنها دوری می‌گزیدم، به سعادت نایل شوند.

(۲) خداوند! اگر شب و روزهایی که در عافیت گذرانده‌ام، بلای غیر قابل زوال و بار سنگین دایمی [حاصل از گناه] در پیش دارند، آن بلاها را مقدم ساز و این عافیت را ذخیره‌ روزگار باقی عمرم قرار ده.

(۳) زیرا آن چه به نیستی انجامد، بسیار نیست و آن چه به بقا و پایداری انجامد، اندک نمی‌باشد و بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست.

### واژه‌ها:

- |                               |                                 |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ۱. صرفت عتی: از من برداشتی.   | ۳. پتّ فیه: شب را به روز آوردم. |
| ۲. ظللتّ فیه: روز را گذراندم. | ۴. وزر: گناه.                   |

### دعاؤه في الاستسقاء

- وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الاسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَذْبِ:
- (١) اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ، مِنْ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ، لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُورِقِ، فِي جَمِيعِ الْآفَاقِ.
- (٢) وَامْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِإِنْعَاقِ الثَّمَرَةِ، وَأَخِي بِلَادِكَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَةِ، وَ أَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ، بِسُقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُرُورُهُ، وَاسِعِ دَرُورُهُ، وَابِلٍ سَرِيعِ عَاجِلٍ.
- (٣) تُخَيِّ بِه مَا قَدْ مَاتَ، وَتَرُدُّ بِه مَا قَدْ فَاتَ، وَتُخْرِجُ بِه مَا هُوَ آتٍ، وَتُوسِّعُ بِه فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَاباً مُتَرَكَماً، هَنِيئاً مَرِيئاً، طَبَقاً مُجَلْجَلاً، غَيْرَ مُلْبِثٍ وَذَقَّةً، وَلَا خَلْبٍ بَرَقَّةً.
- (٤) اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً، مَرِيئاً مُفْرِعاً، عَرِيضاً وَاسِعاً، غَزِيئاً، تَرُدُّ بِه النَّهِيضَ، وَتَجْبُرُ بِه الْمَهِيضَ.

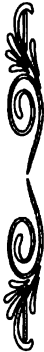
## دعای درخواست بارش باران

(۱) خدایا! بارانی گوارا به ما بنوشان. بار الها! رحمت را به واسطه باران‌های  
ریزان از ابرهایی که در آسمان روان‌اند و مأمور باریدن بر گل و گیاهان زمین گشته‌اند،  
بر ما فرو بار.

(۲) خدایا! بر بندگان بارسیدن میوه‌ها منت نه و شهرها را با پیدایش گل‌ها و  
سبزه‌ها زنده نما و آن دسته از فرشتگان گرامی را که ویژه نزول باران هستند حاضر  
گردان تا باران‌های نافع بسیار و باریزش پیوسته و پر دامنه و تند و با شتاب ببارند.

(۳) خداوند! بارانی بفرست که زمین‌های مرده را زنده کند و زیان‌های پیشین را  
جبران نماید و بدین سان آن چه باید به دست آید، مرحمت فرمایی و در روزی مردم  
گشایش کرامت کنی. ابری را سوق ده که فشرده باشد و آبی گوارا و صحت‌افزا ببارد؛  
ابری که طبقاتش روی هم قرار گیرد و رگباری مبارک به همراه آورد؛ ابری که صدای  
غررش رعد از آن به گوش رسد و بارانش دائمی و بر قش بی‌باران نباشد.

(۴) پروردگارا! ما را به بارانی کامل و فراوان که قحطی را بزداید و رویاننده و  
پرورنده گیاهان و پر آب و فراگیر باشد - آن گونه که گیاهان و سبزه‌های پژمرده را  
شاداب کند و به حال اول برگرداند و کم آبی‌ها را جبران کند - سیراب فرما.



(٥) اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الطَّرَابَ<sup>٢٧</sup>، وَتَمَلَأُ مِنْهُ الْجَنَابَ<sup>٢٨</sup>، وَتُفَجِّرُ<sup>٢٩</sup>  
 بِهِ الْاَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ بِهِ الْاَشْجَارَ، وَ تُرْخِصُ<sup>٣٠</sup> بِهِ الْاَسْعَارَ<sup>٣١</sup> فِى جَمِيعِ  
 الْاُمَصَارِ<sup>٣٢</sup>، وَ تَنْعَشُ<sup>٣٣</sup> بِهِ الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ  
 تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الرِّزْعَ، وَ تُدْرِئُ<sup>٣٤</sup> بِهِ الصَّرْعَ<sup>٣٥</sup>، وَ تَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً اِلَى قُوَّتِنَا.  
 (٦) اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلُّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا<sup>٣٦</sup>، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدُهُ عَلَيْنَا حُسُومًا<sup>٣٧</sup>، وَ  
 لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ<sup>٣٨</sup> عَلَيْنَا رُجُومًا<sup>٣٩</sup>، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا اُجَاجًا<sup>٤٠</sup>.  
 (٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ  
 الْاَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.



(۵) پروردگارا! بارانی بر ما ببار که کوهساران را از آن جاری کنی و چاه‌ها و قنات‌ها را با آن پر سازی و نهرها را با آن جوشان نمایی و درختان را بدان برویانی و قیمت‌ها به برکت آن فرو بارد و ارزانی به بار آرد و از این راه چهارپایان، بلکه همه خلق در آسایش شوند و بدین وسیله روزی پاکیزه به اندازه کافی به همگان برسد و کشته‌ها به خوبی رشد کنند و شیر دام‌ها ریزان گردد و از این رهگذر، نیرویی بر نیروی ما بیفزایی.

(۶) خداوندگارا! سایه ابرها را بر ما طوفانی زهر آگین قرار مده و سرمای آن را بر ما منحوس و نامبارک مگردان و قطراتش را به صورت ریگ‌های رجم و لعنت بر ما نازل مفرما و آب‌هایش را در کام ما شور و ناگوار مگردان.

(۷) پروردگارا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و از برکات آسمان‌ها و زمین روزی‌مان گردان، که تو بر هر چیز توانایی.



## واژه‌ها:

۱. الفیث: باران.
۲. مفدیق: پر آب.
۳. سحاب: ابر.
۴. السناق: فرستاده شده.
۵. مونیق: دارای حُسن فراوان.
۶. ایناع: رسیده شدن.
۷. زَفَرَة: گل.
۸. السَفَرَة: فرستادگان برای ضبط و نوشتن.
۹. سقی: آب دادن.
۱۰. غَزَر: کثیر.
۱۱. دور: پر منفعت.
۱۲. وابل: باران دانه درشت.
۱۳. متراکم: پشت در پشت.
۱۴. هنیء: لذیذ.
۱۵. مریء: خوش عاقبت.
۱۶. مجلجل: ابر پر رعد و برق.
۱۷. مُثِث: برقرار.
۱۸. ودق: باران.
۱۹. خُلُث: ابر بی باران.
۲۰. غیثاً مغيثاً: ابر پر باران.
۲۱. مرع: سبز و خرم.
۲۲. مُشْرِع: فراوان کننده علف و سبزه.
۲۳. عریضاً واسعاً: گسترده.
۲۴. غزیراً: پر آب.
۲۵. انھیض: برپا ایستاده.
۲۶. مہیض: شکسته و خمیده.
۲۷. ظراب: کوه‌ها.
۲۸. جباب: چاه‌ها.
۲۹. تَفْجَر: بجوشد.
۳۰. تَرَحُّص: ارزان شود.
۳۱. اَسعار: قیمت‌ها.
۳۲. اَمْصار: شهرها.
۳۳. تَنْعَش: اشباع شوند.
۳۴. تَفَر: فراوان شود.
۳۵. ضَرع: پستان حیوانات.
۳۶. سَوم: باد داغ.
۳۷. حُوماً: پرنده وقاطع.
۳۸. صَوه: نزول باران.
۳۹. رُجوماً: بارانی که موجب عذاب باشد.
۴۰. اُجاج: بدطعم.



## دعاؤه في مكارم الأخلاق

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَرْضَى الْأَفْعَالِ:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِيْنِي أَفْضَلَ الْيَقِيْنِ، وَانْتِهَ بِنَبِيِّيْ إِلَى أَحْسَنِ النَّبِيَّاتِ، وَبِعَمَلِيْ إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

(٢) اَللّٰهُمَّ وَفِّزْ لِطُفْلِكَ نَبِيِّيْ، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِيْنِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّيْ.

(٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِيْ مَا يَشْغُلُنِي الْإِهْمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسَالِي عِدَا عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ<sup>١</sup> أَيْامِيْ فِيمَا خَلَقْتَنِيْ لَهُ، وَأَغْنِنِيْ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيْنِي بِالْكِبَرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَأَجِرْ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِيْ<sup>٢</sup> مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ<sup>٣</sup>، وَاعْصِنِي<sup>٤</sup> مِنَ الْفَخْرِ.



## دعای درخواست مکارم اخلاق و کردارهای پسندیده

- (۱) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ایمان مرا به عالی‌ترین مرتبه ایمان و یقینم را به بالاترین درجه یقین و نیت مرا به بهترین نیت‌ها و عملم را به خالص‌ترین اعمال مبدّل و نائل فرما.
- (۲) خدایا! نیت مرا تامّ و خالص قرار ده و یقینم را صحیح و مطابق با واقع گردان و کاستی‌ها و تبه‌کاری‌های مرا با رفق و مدارا اصلاح فرما.
- (۳) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از اقدام به آن‌چه مرا به خودش مشغول می‌سازد، بی‌نیاز گردان و به کاری که در فردای قیامت از آن سؤال می‌فرمایی، مشغول گردان و فراغت بی‌من‌ارزانی دار تا در ایام عمرم به آن‌چه مرا آفریده‌ای، بپردازم و روزی مرا وسیع قرار ده و نسبت به آن‌چه از دنیا در دست دیگران است، بی‌نیاز گردان تا آن‌که چشم داشتی از کسی نداشته باشم و مفتون آنها نگردم و به من عزّت بدون کبر و عبادت خالی از عجب عنایت فرما تا عبادتم را فاسد نکند و مرا مجرای خیر و نیکی بی‌منت نسبت به مردم قرار ده و اخلاق برتر به من عطا فرما و از فخر فروشی باز دار.

(٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَرْفَعْنِي فِي السَّائِسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِيْ عِنْدَ نَفْسِيْ مِثْلَهَا، وَلَا تُخْذِثْ لِيْ عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَذْتَنِيْ لِيْ ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِيْ بِقَدَرِهَا.

(٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَسْتَغْنِيْ بِهْدَى صَالِحٍ لَا أُسْتَبْدِلُ<sup>١١</sup> بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَتَّى لَا أَرْيَغُ عَنْهَا<sup>١٢</sup>، وَنَيْتَةٍ رُّشْدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمْرُنِيْ مَا كَانَ عُمْرِيْ بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِيْ مَرْتَعًا<sup>١٣</sup> لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِيْ إِلَيْكَ<sup>١٤</sup> قَبْلَ أَنْ يَنْسَبِقَ مَقْتُكَ<sup>١٥</sup> إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَخْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ.

(٦) اَللّٰهُمَّ لَا تَدْعَ<sup>١٦</sup> خَصْلَةً<sup>١٨</sup> تُعَابُ مِنِّيْ<sup>١٩</sup> إِلَّا أَصْلَحْتُهَا، وَلَا عَائِبَةً<sup>٢٠</sup> أُوْنِبُ<sup>٢١</sup> بِهَا إِلَّا حَسَنْتُهَا، وَلَا أَكْرُومَةً<sup>٢٢</sup> فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتَمَمْتُهَا.

(٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْدِلْنِيْ مِنْ بَغْضَةٍ<sup>٢٣</sup> أَهْلِ الشَّنَانِ<sup>٢٤</sup> إِلَى الْمَحَبَّةِ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ<sup>٢٥</sup> إِلَى الْمَوَدَّةِ<sup>٢٦</sup>، وَمِنْ ظَنَّةٍ<sup>٢٧</sup> أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَةِ<sup>٢٨</sup>، وَمِنْ عِدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ<sup>٢٩</sup> إِلَى الْوَلَايَةِ<sup>٣٠</sup>، وَمِنْ عُقُوقِي<sup>٣١</sup> ذَوِي الْأَرْحَامِ<sup>٣٢</sup> إِلَى الْمَحَبَّةِ<sup>٣٣</sup>، وَمِنْ خِدْلَانِ<sup>٣٤</sup> الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةِ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِبِينَ<sup>٣٥</sup> تَضْجِيحِ الْيَقَةِ<sup>٣٦</sup>، وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ<sup>٣٧</sup> كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَارَةِ<sup>٣٨</sup> خَوْفِ الظَّالِمِينَ حِلَاوَةِ الْأَمْنَةِ<sup>٣٩</sup>.

(۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هرگز مقام مرا نزد مردم بالا میر، مگر آن که به همان میزان مرا نزد خویش پایین بیاوری و هیچ گاه سربلندی آشکار [در میان مردم] روزی ام مکن مگر آن که توفیق عطا کنی به همان مقدار در باطن به خواری خود آگاه شوم.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هدایت شایسته‌ای به من مرحمت فرما که چیز دیگری را جای‌گزین آن نکنم و راه حق را به من بنما که هرگز به روش دیگری تمایل نکنم و عزم قلبم را بر چنان رشدی استوار ساز که گرفتار شک نگردم و عمرم را تا آن زمان دراز ساز که در اطاعت تو صرف گردد و هرگاه عمر من چراگاه شیطان قرار گیرد قبل از آن که مورد خشم و غضب تو واقع گردم، اجل و سرآمد عمر مرا برسان و به سوی خویشم بخوان.

(۶) خدایا! هیچ خصلتی که موجب سرزنش من باشد، در من باقی منه و هیچ عیبی را که مورد ملامت باشد، در قلب من و امگذار جز آن که تو آن را به صفت پسندیده‌ای تبدیل فرمایی و هیچ صفت کریمه ناقصی در من باقی نگذار مگر آن که آن را کامل گردانی.

(۷) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به جای کینه دشمنان و عداوت بدخواهان، به من محبت عنایت فرمای و به جای حسد ستم‌گران، از مودت خود نصیب ساز و به جای بی‌اعتمادی صالحان، اعتماد و اطمینان آنان را ارزانی‌ام دار و در برابر دشمنی نزدیکان، دوستی آنها را عطا کنم و به جای بدرفتاری خویشان، رسیدگی و نیکویی آنان را مرحمت نما و بی‌وفایی و بی‌مهری نزدیکان را به یاری مبدل ساز و به جای دوستی ظاهری مدارایی، محبت راستین آنان را روزی‌ام فرما و به جای راندن یاران و روی برتافتن معاشران، پذیرش و روی‌کرد و نرمش معاشرت آنان را به من عطا فرما و تلخی ترس از ظالمان را به شیرینی امن و امان مبدل ساز.

(٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمْتَنِي، وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي<sup>١</sup>، وَظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي<sup>٢</sup>، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي<sup>٣</sup>، وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي<sup>٤</sup>، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي<sup>٥</sup>، وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَوَقْفَنِي لِطَاعَةِ مَنْ سَدَدَنِي، وَمُتَابَعَةٍ مِّنْ أَرْشَدَنِي.

(٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدِّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ<sup>٦</sup> مَنْ غَشَّيَنِي<sup>٧</sup> بِالنُّصْحِ، وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي<sup>٨</sup> بِالنِّبْذِ<sup>٩</sup>، وَأُثِيبَ<sup>١٠</sup> مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدَلِ، وَأَكْفَى<sup>١١</sup> مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ، وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُغْضِيَ<sup>١٢</sup> عَنِ السَّيِّئَةِ.

(١٠) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي<sup>١٣</sup> بِجَلِيلَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي<sup>١٤</sup> زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ<sup>١٥</sup> الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِزَةِ<sup>١٦</sup>، وَصَمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ<sup>١٧</sup>، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ<sup>١٨</sup>، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ<sup>١٩</sup>، وَسِتْرِ الْعَائِنَةِ<sup>٢٠</sup>، وَلِيْنِ الْعَرِيكَةِ<sup>٢١</sup>، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ<sup>٢٢</sup>، وَحُسْنِ السَّيْرِ<sup>٢٣</sup>، وَسُكُونِ الرِّيحِ<sup>٢٤</sup>، وَطِيبِ الْمَخَالِقَةِ<sup>٢٥</sup>.

(١١) وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِيثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ<sup>٢٦</sup>، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ<sup>٢٧</sup>، وَاسْتِفْلَالِ الْخَيْرِ<sup>٢٨</sup>، وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِكْتَارِ الشَّرِّ<sup>٢٩</sup>، وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَأُحْمِلَ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ<sup>٣٠</sup>، وَرَفْضِ<sup>٣١</sup> أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ<sup>٣٢</sup>.

(۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من قدرتی عطا فرما که بتوانم ستم را از خود دور گردانم و زبانی که به وسیله آن با خصم جدال نمایم و مرا بر کسی که با من دشمنی می‌کند، پیروز گردان. بارِ اِلهَا! مکر علیه آن کسی که دام کید فرا را هم گسترانیده، ارزانی‌ام کن و نیرو و چیرگی بر کسی که بر من ستم رانده، عطایم فرما و دروغ‌گویی را که به من ناسزا می‌گوید و ناروایم بنده افشاکن و سلامتی نسبت به تهدیدهای دیگران را به من ارزانی فرما و موفقم دار که در اطاعت از ناصح مشفق و ارشاد و راهنمایی‌های به حق او بکوشم.

(۹) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من آن قدرت روحی را عطا فرما که بتوانم در حق کسی که با من رفتار نفاق‌آمیز دارد، ناصح و مشفق باشم و به آن که مرا ترک کرده، رسیدگی و نیکویی کنم و به کسی که خیر خود را از من منع کرده، خیر رسانم و پاداش کسی را که از من بریده، بخردانه عطا کنم و از آن که پشت سرم غیبت می‌کند، به خوبی و نیکی یاد کنم و بر بدی چشم پوشم.

(۱۰) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا به زیور صالحان و زینت تقواییشان بیآرا، تا مانند ایشان در گسترش عدالت و فرو بردن خشم و خاموش کردن شعله غضب و گرد آوردن آنان که از یک‌دیگر جدا شده‌اند و اصلاح روابط متخاصمان و نشر معروف و پوشاندن منکرات و نرمش در خلق و تواضع و نیک رفتاری و ملایمت و آرامش و خوش خلقی بکوشم.

(۱۱) مرا در پیشی گرفتن در کسب فضایل موفق بدار و یاریم کن تا بخشایش و بذل احسان را برگزینم و سرزنش دیگران را ترک گویم و تفضل خود را در حق کسانی که شایسته آن نیستند، ترک کنم و بر سخن حق اصرار ورزم - اگر چه قایل به آن کم باشد [یا گفتن آن مشکل باشد] - و اعمال خیر خود اعم از گفتار و کردارم را اندک شمارم، اگر چه بسیار باشد و همه این خواسته‌ها را همراه با توفیق بخشیدن در پایداری بر عبادت و بندگی خود، در حق من کامل فرما و عنایتی کن تا با عموم



(١٢) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ اِذَا كَبُرْتُ، وَ اَقْوَى قُوَّتِكَ فَيَّ اِذَا نَصَبْتُ<sup>٧٢</sup>، وَ لَا تَبْتَلِيْنِيْ بِالْكَسَلِ<sup>٧٣</sup> عَنْ عِبَادَتِكَ، وَ لَا اَلْعَمَى عَنْ سَبِيْلِكَ، وَ لَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَ لَا مُجَامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَ لَا مُفَارَقَةِ مَنْ اجْتَمَعَ اِلَيْكَ.

(١٣) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَصُوْلُ بِكَ<sup>٧٤</sup> عِنْدَ الضَّرُوْرَةِ، وَ اَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَ اَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكِنَةِ، وَ لَا تَقْتِنِيْ<sup>٧٥</sup> بِالْاِسْتِغَاثَةِ بِغَيْرِكَ اِذَا اضْطُرِرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوْعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ اِذَا افْتَقَرْتُ، وَ لَا بِالْتَضَرُّعِ اِلَى مَنْ دُونَكَ اِذَا رَهَبْتُ<sup>٧٦</sup>، فَاسْتَحَقِّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ<sup>٧٧</sup> وَ مَنَعَكَ وَ اِغْرَاضَكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

(١٤) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي<sup>٧٨</sup> الشَّيْطَانُ فَي رُوْعِي مِنَ التَّمَنَّى وَ التَّظَنِّي<sup>٧٩</sup> وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فَي قُدْرَتِكَ، وَ تَذِيْبًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَ مَا اُجْزَى عَلَى لِسَانِيْ مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ اَوْ هُجْرٍ اَوْ شَتْمٍ عِزْضٍ اَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ اَوْ اِغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ اَوْ سَبٍّ<sup>٨٠</sup> حَاضِرٍ وَ مَا اَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ اِغْرَاقًا فَي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فَي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَ اِعْزَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَ اِخْصَاءً<sup>٨١</sup> لِمَنِّكَ.

(١٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ لَا اُظْلَمَنَّ وَ اَنْتَ مُطِيقٌ<sup>٨٢</sup> لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَ لَا اُظْلَمَنَّ وَ اَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَ لَا اُضِلَّنَّ وَ قَدْ اَمَكَّنْتَنِيْ هَذَا بَيْتِي، وَ لَا اُفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُسْعِي<sup>٨٣</sup>، وَ لَا اُطْفِئَنَّ<sup>٨٤</sup> وَ مِنْ عِنْدِكَ وُجْدِي<sup>٨٥</sup>.

مسلمانان همگام باشیم و نوای ناهم خوانی، ساز نکنم و از هرگونه بدعت گذاری و دسته بندی در حاشیه جامعه مسلمانان برحذر باشم.

(۱۲) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و وسیع ترین روزی را به هنگام کهن سالی نصیبم فرما و بیشترین تاب و توان را به هنگام پیری عنایت کن و به کسالت در بندگی و کوری در تشخیص راه مبتلایم مگردان و اقدام بر خلاف مقتضای محبت و دوستی با دشمنان و جدایی از دوستان را برایم مقدّر فرما.

(۱۳) خدایا! چنان تقدیر فرما که هنگام ضرورت و حاجت از تو درخواست کنم و در گرفتاری و مسکنت، به تو تضرع کنم و مراد در وقت اضطرار گرفتار کمک خواستن از غیر خود مفرما و هنگام فقر به کرنش درخواست از غیر مبتلایم مکن و از زاری نزد دیگران در هنگام خوف و درم بدار که مبدا مستحق منع و اعراض و دورافتگی از تو گردم. ای مهربان ترین مهربانان!

(۱۴) خدایا! خواهش ها، سوءظن و حسدی را که شیطان در روح من القا می کند، سبب یادآوری عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر نسبت به دشمنان خود قرار بده و اگر کلمه ناسزا یا پرگویی ناروا یا هتک عرض مردم یا شهادت باطل یا غیبت مؤمن و یا جسارتی به شخص حاضر و مانند اینها بر زبانم جاری کند، همگی را به سپاس گویی خود و کوشش در ثناگویی حضرتت و حرکت در بزرگداشت و شکر نعمت و اعتراف به احسانت و شمارش منت های تبدل فرما.

(۱۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا ظلم پذیر قرار مده که تو بر دفاع از من توانایی و هرگز مرا ستم پیشه قرار مده که تو قادری مرا از خطا بازداری و گمراهم مپسند که هدایت من برای تو میسر است و بی نوایم مخواه که روزی فراخم به دست توست و سرکش و عصیان گرم قرار مده که تو می توانی مرا نگاه داری.

(١٦) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ مَغْفِرَتِكَ وَفَذْتُ<sup>٨٦</sup>، وَ اِنِّىْ عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ اِنِّىْ تَجَاوُزِكَ  
اِسْتَشَفْتُ<sup>٨٧</sup>، وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ<sup>٨٨</sup>، وَ لَيْسَ عِنْدِيْ مَا يُوْجِبُ لِيْ مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِى  
عَمَلِيْ مَا اَسْتَحِقُّ بِهٖ عَفْوَكَ، وَ مَا لِيْ بَعْدَ اَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِيْ اِلَّا فَضْلُكَ،  
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهٖ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ.

(١٧) اَللّٰهُمَّ وَ اَنْطِقْنِيْ بِالْهَدْيِ، وَ اَلْهِنِّيْ التَّقْوَى، وَ وَفَّقْنِيْ لِلَّذِيْ هِيَ اَرْكَى،  
وَ اسْتَعْمِلْنِيْ بِمَا هُوَ اَرْضَى.

(١٨) اَللّٰهُمَّ اسْلُكْ بِيْ الطَّرِيْقَةَ الْمَثْلَى<sup>٨٩</sup>، وَ اجْعَلْنِيْ عَلَى مِلَّتِكَ اُمُوْتُ  
وَ اَحْيَا.

(١٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهٖ، وَ مَسْتَعْنِيْ بِالْاِقْتِصَادِ<sup>٩٠</sup>، وَ اجْعَلْنِيْ  
مِنْ اَهْلِ السَّدَادِ<sup>٩١</sup>، وَ مِنْ اَدْلَةِ الرَّشَادِ<sup>٩٢</sup>، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَ اَرْزُقْنِيْ  
فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ<sup>٩٣</sup>، اَللّٰهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيْ مَا يُخَلِّصُهَا<sup>٩٤</sup>،  
وَ اَبْقِ لِنَفْسِيْ مِنْ نَفْسِيْ مَا يُضْلِكُهَا، فَإِنَّ نَفْسِيْ هَالِكَةٌ اَوْ تَقْصِمُهَا<sup>٩٥</sup>، اَللّٰهُمَّ  
اَنْتَ عُدَّتِيْ<sup>٩٦</sup> اِنْ حَزِنْتُ، وَ اَنْتَ مُنْتَجِعِيْ<sup>٩٧</sup> اِنْ حُرِمْتُ، وَ بِكَ اسْتِغَاثَتِيْ اِنْ  
كَرِهْتُ<sup>٩٨</sup>، وَ عِنْدَكَ مِمَّا قَاتَ خَلْفٌ، وَ لِمَا فَسَدَ صِلَاحٌ، وَ فِيمَا اُذْكَرْتُ تَغْيِيْرٌ،  
فَاَمُنْتُ عَلَى قَبْلِ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَ قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَ قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ،  
وَ اَكْفَيْتَنِيْ مَوُوْنَةً<sup>٩٩</sup> مَعَرَّةَ الْعِبَادِ، وَ هَبْ لِيْ اَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ، وَ اخِيْجْنِيْ<sup>١٠٠</sup> حُسْنُ  
الْاِزْشَادِ.



(۱۶) خدایا! به مغفرت و عفو تو روی آورده‌ام و به گذشت تو مشتاق و به فضل تو امیدوارم و هیچ چیز که مرا لایق مغفرت تو یا مستحق عفو تو گرداند، در من و اعمالم نیست، بلکه پس از واری خود، جز فضل تو هیچ چیز را مایه امید نمی‌بینم، پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و بر من تفضل فرما.

(۱۷) خدایا! زبانم را به هدایت مردم گویا گردان و تقوا را به قلبم الهام فرما و به نیکوترین کارها موقفم بدار و در پسندیده‌ترین کارها بگمار. خدایا! منش و سیره مرا در عالی‌ترین و روشن‌ترین راه‌ها قرار ده؛ آن چنان که در مسیر دین و آیین تو بهیمرم و زنده گردم.

(۱۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از میانه‌روی بهره‌مند ساز و از بندگان شایسته و راهنمایان به سوی رشد و صالحان و رستگاران در قیامت قرار ده و از وارستگان از کمین‌گاه رستاخیز مقدر فرما. خدایا! از خودت برایم بهره‌ای قرار ده که مرا خالص سازد و از خودم برای نفسم واعظی مقرر فرما که آن را اصلاح کند. به درستی که جان من در هلاکت است، مگر آن که تو نگاهش داری.

(۱۹) خدایا! در حزن و اندوهم، اندوخته‌ام تویی و در نومیدی‌ام، فریاد رس‌ام تویی و در شدت گرفتاری‌هایم پناه من تویی. آن چه تباہ شود، جای‌گزینش نزد توست و آن چه را نپسندی، بر دگرگونی آن توانایی. پس قبل از بلا، عافیت و پیش از درخواست، عطا و قبل از گمراهی، ارشاد و هدایت خود را به من کرامت فرما و مرا مورد عیب‌جویی و شماتت بندگان قرار مده و امنیت روز قیامت را نصیب فرما و بهترین طریق ارشاد را نصیبم ساز.

(٢٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْ<sup>١١١</sup> عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَاعْذُرْنِي<sup>١١٢</sup>  
بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ، وَادْرَأْ عَنِّي بِصُنْعِكَ، وَأُطْلِنِّي<sup>١١٣</sup> فِي ذَرَاكَ<sup>١١٤</sup>، وَ  
جَلِّ لِي رِضَاكَ، وَوَقِّنِي إِذَا اشْتَكَتْ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْلَائِهَا، وَإِذَا تَشَابَهَتْ  
الْأَعْمَالُ لِأَرْكَائِهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمِلَلُ لِأَرْضَائِهَا.

(٢١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجِّنِي<sup>١١٥</sup> بِالْكِفَايَةِ، وَسُغِّنِي<sup>١١٦</sup> حُسْنَ  
الْوِلَايَةِ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ، وَامْنِخِنِي حُسْنَ  
الدَّعَةِ<sup>١١٧</sup>، وَلَا تَجْعَلْ عَيْنِي كَذًّا<sup>١١٨</sup> كَذًّا، وَلَا تُرَدِّدْ عَائِي عَلَى رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ  
لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَذْغُرُ مَعَكَ نِدًّا<sup>١١٩</sup>.

(٢٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنِغِنِي مِنَ السَّرَفِ، وَحَصِّنْ<sup>١٢٠</sup> رِزْقِي  
مِنَ التَّلَفِ، وَفَرِّ<sup>١٢١</sup> مَلَكِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ، وَأَصِبْ بِي<sup>١٢٢</sup> سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبَرِّ فِيمَا  
أُنْفِقُ مِنْهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْكِفِنِي مَسْؤُونََةَ الْاِكْتِسَابِ<sup>١٢٣</sup>، وَ  
ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَخْتَمِلُ إِضْرًا<sup>١٢٤</sup>  
تَبِعَاتِ<sup>١٢٥</sup> الْمَكْسَبِ.

(٢٣) اللَّهُمَّ فَاطِلِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَاجْزِنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ<sup>١٢٦</sup>،  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ<sup>١٢٧</sup> وَجْهِي بِالْيَسَارِ<sup>١٢٨</sup>، وَلَا تَبْتَذِلْ جَاهِي  
بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْطِ شِرَارَ خَلْقِكَ، فَاقْتِنِ بِحَمْدِ مَنْ  
أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِ بِذِمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ.

(۲۰) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ناگواری‌ها را به لطف خود از من دور گردان و به نعمت خود مرا پرورش ده (در نعمت‌های خود پناهم بده) و به کرم، اصلاح‌کن و به صنع حکیمانه‌ات، مرض جهل و تباهی مرا مداوا فرما و در سایه رحمت خود پناهم ده و باخشنودی خود، بزرگم دار و در مشکل‌ترین امور، توفیق بهترین انتخاب را مرحمت کن و در بین رفتارها و کارهای متشابه به پاک‌ترین روش رهنمون باش و آن‌گاه که مذاهب گوناگون بر خلاف یک‌دیگر برخیزند، مرا به آن‌چه پسندیده‌تر است، هدایت فرما.

(۲۱) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و تاج بی‌نیازی از غیر را بر سرم گذار و توفیق در زندگی را نصیبم گردان و هدایت راستین و واقعی را ارزانی‌ام دار و هرگز به ثروت گرفتارم مگردان و به من توفیق آسایش در زندگی را کرامت فرما و زندگی‌ام را سخت و پریشان مکن و دعایم را رد مگردان، که من هرگز برای تو ضد و میل قرار نداده‌ام.

(۲۲) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از اسراف بازدار و روزیم را در دژ مستحکم خود از هرگونه اتلاف محفوظ بدار و در اموالم برکت و فزونی عطا کن و چون از آن اتفاق کنم راه خیر پیش پایم گذار. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و زحمت کسب مال را از عهده من بردار و بی حساب روزی‌ام ده تا به جای بندگی و عبادت تو، سرگرم درخواست از حضرت نشوم و متحمل وبال کسب و کار نگردم.

(۲۳) بارِ اِلهَا! به قدرت خود حاجتم را روا ساز و به عزّت، مرا از آن‌چه می‌ترسم، پناه ده. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و با گشایش در روزی، آبرویم را حفظ نما و عزّت و کرامتم را با تنگ‌دستی مگیر، مبدا که از روزی‌خواران تو روزی طلبم و از بد سرشتان خلق عطا خواهم و گرفتار سپاس‌گویی آن شوم که به

(٢٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغاً<sup>١١١</sup> فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْماً فِي اسْتِغْمَالٍ، وَوَرَعاً فِي إِجْمَالٍ<sup>١١٢</sup>، اللَّهُمَّ اخْتِم بِعَفْوِكَ أَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَسَهِّلْ لِي بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِيَّ جَمِيعَ أَخْوَالِي عَمَلِي.

(٢٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَفْعِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهِلَةِ<sup>١١٣</sup>، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلاً سَهْلاً<sup>١١٤</sup>، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلٍّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً<sup>١١٥</sup> وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً<sup>١١٦</sup>، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.



من چیزی بخشیده‌اند و یا نکوهش آنان که از من دریغ کرده است، با آن که فیض و بخشش و منع و دریغ تنها به دست توست.

(۲۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من سلامتی در عبادت و فراغت در زهد و علم با عمل و پرهیزکاری همراه با میانه‌روی کرامت بفرما. پروردگارا! عمرم را با عفو خود پایان بخش و آرزویم را با امید به رحمتت جامعه عمل ببوشان و منش و شیوه‌هایم را به رضایت خود ختم فرما و تمامی کارهایم را نیکو و خالی از عیب قرار ده.

(۲۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به هنگام غفلت با یاد خودت آگاهم کن و در ایام زندگی این جهان به طاعت خود وادارم ساز و راهی آسان به سوی محبت خود به من ارائه فرما که خیر دنیا و آخرت با آن کامل گردد. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست؛ چونان بهترین درودی که پیش از این بر کسی نثار فرموده‌ای یا پس از این نثار می‌فرمایی و نیکی و خیر دنیا و آخرت را روزی‌ام گردان و به رحمت خود از عذاب آتش در امان بدار.

### واژه‌ها:

۱. وُفِّر: فراوان کن.
۲. صَمَح: خالی از خطا گردان.
۳. اسْتَفْرَغ: خالی گردان.
۴. وَلَا تَنْتَقِ: مراد در فتنه قرار نده.
۵. لَا تَمْحَقْ: نابودش مگردان.
۶. هَبْ لِي: به من ببخاش.
۷. معالی الاخلاق: اخلاق شریف و بلند پایه.
۸. وَاَعِصْنِي: مرا ننگه دار.
۹. حَطَطْتَنِي: مرا به انحطاط خودم آگاه کن.
۱۰. لَا تُعِدْ: ایجاد مکن.
۱۱. مَتَّعْنِي: مرا بر نصیب کن.
۱۲. لَا أَسْتَبْدِلُ: عوضش نکنم.
۱۳. لَا أُزِیغْ عَنْهَا: روی برنگردانم.
۱۴. مَرَّتَع: چراگاه.

۱۵. فاقبضنی إلیک: مرا به مرگ نصیب کن و  
سوی خود ببر.
۱۶. مقت: غضب.
۱۷. لاتدع: واماگذار.
۱۸. خصلة: خُلُق.
۱۹. ثُغاب مَنّ: مورد عیب قرار گیرم.
۲۰. عاثبه: صفت پلید.
۲۱. أَوْتَبْ: ملامت شوم.
۲۲. أکرومة: صفتی که نیاز به تکمیل دارد.
۲۳. بفضة: بغض.
۲۴. أهل شأن: کینه.
۲۵. أهل البی: اهل ستم.
۲۶. المودة: دوستی.
۲۷. ظَنّة: تهمت.
۲۸. ثقة: اطمینان.
۲۹. أدنین: نزدیکان.
۳۰. الولاية: دوستی.
۳۱. عقوق: بریدن.
۳۲. ذوی الارحام: بستگان.
۳۳. المیزة: نیکویی.
۳۴. خذلان: رها کردن و یاری نکردن.
۳۵. مدارین: با محبت ها و مداراگرها.
۳۶. مقة: محبت.
۳۷. ملاسین: نزدیکان.
۳۸. مرارة: تلخی.
۳۹. الأمانة: امن و امان.
۴۰. خاصصنی: با من دشمنی کند.
۴۱. عائدنی: با من ستیز کند.
۴۲. کایدنی: با من فکر کند.
۴۳. اضطهدنی: بر من غلبه کند.
۴۴. قصصنی: از من عیب گوئی کند.
۴۵. اعارض: مقابله کنم.
۴۶. غشّی: حيله کند.
۴۷. هجرنی: مرا دور می کند. از من دوری می کند.
۴۸. پَر: نیکویی.
۴۹. أئیب: جزا دهم.
۵۰. اکافی: تلافی کنم.
۵۱. أفضی: چشم بپوشم.
۵۲. حَلّی: مرا زینت ده.
۵۳. البسنى: بپوشان.
۵۴. کظم: فرو بردن غضب.
۵۵. اطفأ نائرة: خاموش کردن فتنه.
۵۶. ضمّ اهل القرّة: جمع کردن دل های از هم دور شده.
۵۷. اصلاح ذات البین: اصلاح بین [مردم].

۵۸. انشاء العارفة: بازگو کردن خوبی‌ها. ۸۰. سبّ: دشنام.
۵۹. ستر العائیه: پنهان کردن عیب‌ها. ۸۱. إحصاء: شمارش.
۶۰. لین المریکة: نرم خویی. ۸۲. مطبق: توانا.
۶۱. خفض الجناح: تواضع. ۸۳. وُسع: گشایش.
۶۲. حسن السيرة: خوش رفتاری. ۸۴. اطفین: طغیان و سرکشی کنم.
۶۳. سکون الريح: وقار. ۸۵. وُجدي: ثروت.
۶۴. طيب المخالفة: خوش اخلاقی. ۸۶. وفدت: فرود آمدم.
۶۵. ترلا التصیر: ترک سرزنش. ۸۷. اشتقت: مشتاق شدم.
۶۶. مرّ: قلیل الوجود و مشکل. ۸۸. وقتت: اطمینان کردم.
۶۷. استغلال الغير: خیر خود را کم دیدن. ۸۹. الثنلی: بهترین.
۶۸. استکار الشّر: شر خود را زیاد دیدن. ۹۰. اقتصاد: میانه روی در هر امور.
۶۹. لزوم الجساعة: همراه مردم بودن. ۹۱. سداد: استحکام.
۷۰. رفض: طرد و رد کردن. ۹۲. ادلة الرشاد: دلیلان راه رشد.
۷۱. رأی الماخترع: از خود در آوردن (بدعت). ۹۳. مرصاد: کمینگاه - کنایه از قیامت.
۷۲. نصب: هنگامی که به ضعف مبتلا شوم. ۹۴. یغفلها: آن را پاکیزه کند.
۷۳. کسل: کسالت. ۹۵. تصنها: آن را نگه‌داری.
۷۴. أصول بلد: به تو پیوندم. ۹۶. عدّتی: ذخیره من.
۷۵. ولاتفتی: به فتنه و امتحان مبتلایم نکن. ۹۷. منتجمی: امید خیر منی.
۷۶. رهت: بترسم. ۹۸. کرثت: گرفتار شوم.
۷۷. خذلان: بیچارگی. ۹۹. مؤونة: کفایت امور.
۷۸. ألقى: به من القا کن. ۱۰۰. وامنحني: عطاایم کن.
۷۹. تظنّی: بدگمانی. ۱۰۱. وادراً: دور کن.
۱۰۲. واغذنی: مرا پروران.



۱۰۳. اظنّنی: مرا بیوشان.  
 ۱۰۴. ذرّاک: پناه و حمایت تو.  
 ۱۰۵. توجّنی: عظمت نصیبم کن.  
 ۱۰۶. شمنی: انتخابم کن.  
 ۱۰۷. دعة: راحت.  
 ۱۰۸. کدّا: سخت.  
 ۱۰۹. ندّ: مثل.  
 ۱۱۰. حصّن: نگاه دار.  
 ۱۱۱. وقرّ: زیاد کن.  
 ۱۱۲. أصیب بی: مرا برسان.  
 ۱۱۳. مؤونة الاکتساب: سختی کسب و کار.  
 ۱۱۴. إصر: سختی.
۱۱۵. تبعات: مشکلات.  
 ۱۱۶. ما لرهب: آن چه را از آن می ترسم.  
 ۱۱۷. صُنّ: نگاه دار.  
 ۱۱۸. یسار: گشایش.  
 ۱۱۹. فراغ: خلاص.  
 ۱۲۰. ورعاً فی إجمال: تقوای پنهان و بدون افراط و تفریط.  
 ۱۲۱. ایام المهلة: دنیا.  
 ۱۲۲. سبیل سهل: راه آسان.  
 ۱۲۳. فی الدنيا حسنة: خوبی های دنیا.  
 ۱۲۴. فی الاخرة حسنة: درجات اخروی.





## دعاؤه إذا حزنه أمر وأهَمَّتْهُ الخطايا

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَأَهَمَّتْهُ الْخَطَايَا:

(١) اَللّٰهُمَّ يَا كَافِيَ الْفُرْدِ الضَّعِيفِ، وَوَاقِيَ الْأُمْرِ الْمَخُوفِ، أَفْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ، وَضَعَفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي، وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي<sup>٢</sup>.

(٢) وَمَنْ يُؤْمِنُنِي مِثْلَكَ وَأَنْتَ أَخَفَّتَنِي؟ وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي؟ وَمَنْ يَقْوِيَنِي وَأَنْتَ أضعَفْتَنِي؟

(٣) لَا يُجِيرُ - يَا إِلَهِي - إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ.

(٤) وَبِيَدِكَ - يَا إِلَهِي - جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَإِلَيْكَ الْمَفْعُ وَالْمَهْرَبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْزِ هَرَبِي<sup>١</sup>، وَأَنْجِجْ<sup>٢</sup> مَطْلَبِي.

(٥) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ إِذَا صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ، أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ<sup>١</sup>، أَوْ خَطَرْتَ<sup>٢</sup> عَلَيَّ رِزْقَكَ، أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيلَكَ، لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ، وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِسَمْعُونَةٍ سِوَاكَ، فَأَيُّ

## دعای بیست و یکم

### دعا به هنگام پیش آمد اندوه و غصه اشتباهات

(۱) معبودا! ای بی نیاز کننده ناتوانان و ای حافظ بندگان از امور بیمناک! گناهان موجب تنهایی ام شده و هیچ یاری ندارم و در برابر خشم تو ناتوانم و در این پریشانی یآوری ندارم و به لقای پر مهابت تو نزدیک شده‌ام، بی آن که تسکین دهنده‌ای برای دل نگرانی‌هایم داشته باشم.

(۲) ای خدای من! کیست که مرا ایمن سازد، آن گاه که تو مرا پترسانی و کیست که یاری‌ام کند، آن گاه که تو مرا تنها گذاری و کیست که توانایم سازد، اگر تو مرا ناتوان سازی؟  
(۳) خدایا! کسی جز پروردگار، بندگان را پناه نمی‌دهد و جز شخص پیروز، کسی فرد شکست خورده را امان نمی‌بخشد و فرد طلب شده، کسی جز فرد یاری خواسته را مدد نمی‌رساند.

(۴) خدایا! تمامی علت‌ها و اسباب هستی به دست توست و فرار از هر امر نامطلوب فقط به سوی تو می‌باشد و تنها ملجأ و پناه تو هستی، پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و پناهم باش و حاجتم را روا کن.

(۵) خدایا! اگر روی پر مهر و باکرامت خود را از من بگردانی، یا فضل بزرگ خود را از من دور کنی، یا روزی خود را قطع فرمایی، یا راه‌های پیوند به خویش را بر من ببندی، هرگز راهی به هیچ یک از آرزوهایم نخواهم داشت و هرگز با کمک دیگران نمی‌توان به خزانن برکاتی که نزد توست، دست یابم، زیرا من بنده تو هستم و در



عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ<sup>٦</sup>، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ<sup>٧</sup>.

(٦) لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَذْلٌ فِي قَضَاؤِكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ، وَلَا أَشْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ، وَلَا أَشْتَمِيلُ<sup>٨</sup> هَوَاكَ، وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ، وَلَا أَتَأَلُّ<sup>٩</sup> مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ.

(٧) إِلَهِي، أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ<sup>١٠</sup> عَبْدًا دَاحِرًا<sup>١١</sup> لَكَ، لَا أَهْلِكَ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَأَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَبِقِلَّةِ جِيلَتِي<sup>١٢</sup>، فَأَنْجِزْ لِي<sup>١٣</sup> مَا وَعَدْتَنِي، وَتَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكَيْنُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ<sup>١٤</sup> الْحَقِيرُ الْمُهِينُ<sup>١٥</sup> الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ<sup>١٦</sup>.

(٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي<sup>١٧</sup>، وَلَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي<sup>١٨</sup>، وَلَا آيِسًا<sup>١٩</sup> مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأْتُ<sup>٢٠</sup> غَنَى<sup>٢١</sup> فِي سَرَاءٍ<sup>٢٢</sup> كُنْتُ أَوْ ضَرَاءً<sup>٢٣</sup>، أَوْ شِدَّةً أَوْ رَخَاءً<sup>٢٤</sup>، أَوْ عَافِيَةً أَوْ بَلَاءً<sup>٢٥</sup>، أَوْ بؤْسًا<sup>٢٦</sup> أَوْ نِعْمَاءً، أَوْ جِدَةً<sup>٢٧</sup> أَوْ لَأْوَاءً<sup>٢٨</sup>، أَوْ فَقْرًا أَوْ غِنَى.

(٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَمَذْحِي إِثْبَاكَ، وَخَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي، حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَى مَا مَتَّعْتَنِي فِيهَا، وَأَشِعِّرْ قَلْبِي<sup>٢٩</sup> تَقْوَاكَ، وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقَبَّلُهُ مِنِّي، وَاشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَحِبَّ شَيْئًا مِنْ سُخْطِكَ، وَلَا أَسْخَطَ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ.

اختیار توام و مرا از این حال رهایی نیست.

(۶) خدایا! با وجود اراده تو مرا اختیاری نیست و فقط فرمان تو بر من جاری است و تقدیر تو برای من عادلانه است و هرگز از حیطه قدرتت، راه خروجی برای من متصور نیست و هرگز از دایره مشیت نافذت برون رفتی نخواهم داشت و جلب نظر تو در وسیع من نمی گنجد و به خشنودی تو نمی رسم و هرگز به نعیم جاودان نزد تو دست نخواهم یافت، مگر با اطاعت از تو و برخورداری از رحمت بی شائبه حضرتت.

(۷) معبودا! شب و روز را در حالی سپری می کنم که کوچک و ناتوانم و به جز خواست و مشیت تو، بر سود و زیان خود قدرت و اختیاری ندارم و بر آنچه عرض کردم، خود گواهم و اقرار می کنم که توان مندی من اندک است و بر چاره جویی توانا نیستم، پس آنچه را به من وعده فرموده ای، محقق ساز و آنچه را عطا کرده ای، به طور کامل ارزانی دار که خود می دانی من بنده ای مسکین و فروتن و ناتوان و پریشان حال و کوچک و حقیر و فقیر و ترسان و پناهنده ام.

(۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و فراموشی ذات اقدس را در حال گشایش نصیب من مگردان و در حال آزمایش و بلا مرا از احسانت غافل مخواه و در هیچ حال - در گشایش یا تنگی، در سختی یا عافیت، در بلا و بیچارگی، یا نعمت و فراخی و سرانجام در حال تهیدستی یا توان گری - از پاسخ خود نومیدم مکن، هر چند پاسخ گویی ات به تأخیر افتد.

(۹) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ثنا و ستایش و نیایش مرا در همه حالات، من و ویژه خود گردان تا هیچ گاه از موهبت های دنیوی ای که به من ارزانی داشته ای، سرور نشوم و از آنچه به من عطا نکرده ای نگران نباشم و پرهیزگاری را به قلبم بچشان و بفهمان و بدمن را به آنچه از من می پذیری، وادار و روانم را چنان به طاعت خود مشغول دار تا آنچه را که پسند تو نیست، دوست نداشته باشم و به آنچه تو خشنودی، من نیز راضی باشم.



(١٠) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَانْعَشْهُ<sup>٢١</sup> بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ<sup>٢٢</sup> مِنْكَ، وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَمِلْهُ<sup>٢٣</sup> إِلَيَّ طَاعَتِكَ، وَاجْرِ بِهِ<sup>٢٤</sup> فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ، وَذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا.

(١١) وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَيَّ رَحْمَتِكَ رِخْلِي<sup>٢٥</sup>، وَفِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي، وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ<sup>٢٦</sup>، وَهَبْ لِي قُوَّةَ اخْتِمَالٍ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ، وَاجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ، وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَلِيسْ<sup>٢٧</sup> قَلْبِي الْوَحْشَةَ<sup>٢٨</sup> مِنْ شَرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ وَبِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ.

(١٢) وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِثَّةً، وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا<sup>٢٩</sup>، وَلَا يَسِ إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلْ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ.

(١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا، وَامْتُنْ عَلَيَّ بِشَوْقِي إِلَيْكَ، وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

(۱۰) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و قلبم را برای محبت خود از دل مشغولی‌ها تهی ساز و به یاد خود مشغول‌دار و با خوف از خود آماده و هوشیارش ساز و با تمایل ساختن به خود، توانش بخش و فرمان برداری از خود را برایش دل‌پذیر فرما و سرانجام، قلبم را راهی مسیری کن که بیش از همه خوشایند حضرتت باشد و با اشتیاق همیشگی و در همه عمر به آنچه نزد خودداری، آن را فروتن نما و تربیت کن.

(۱۱) خدایا! پروای خودت را زادم و حرکت به طرف خود را سفرم و رضایت را مقصدم و بهشت را جایگاهم قرار ده و نیرویی به من عطا کن که همه آنچه را که از آن خشنودی به جای آورم و فرارم را از هر ناملایمات به سوی خودت مقدر فرما و رغبتم را در آنچه نزد تو است قرار ده و روحم را از شرور خلق بی‌زار کن و با من انس به خود و اولیا و اهل طاعتت را کرامت فرما.

(۱۲) خدایا! هرگز مرا همین منت فاجران و کافران مکن و هیچ نعمتی را از دست آنان به من مرسان، بلکه آرامش قلب و انس جان و بی‌نیازی و کفایت زندگی مرا خود به وسیله اولیایت روزی‌ام کن.

(۱۳) خدایا! بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا همراه و یار آنان قرار ده و بر من منت نه و مرا مشتاق خود گردان و توفیق عمل مورد پسند خود را نصیبم ساز، که تو بر همه چیز توانایی و همه امور بر تو آسان است.



## واژه‌ها:

۱. اوقی: نگه دارنده.
۲. اشرف: سایه افکنده‌ام.
۳. رزق: خوف.
۴. هزب: فرار.
۵. وانجیع: اجابت کن.
۶. الجسم: عظیم.
۷. حظرت: منع کنی.
۸. فی قبضتک: در اختیار توست.
۹. ناصیتی بیدک: در سیطره و قدرت تو هستم.
۱۰. لا استمیل: جلب دوستی تو را نتوانم.
۱۱. انال: نائل می شوم.
۱۲. اصیحت و امیت: پیوسته و همیشه (در همه عمر).
۱۳. داخراً: ذلیل.
۱۴. قلّة حیلتی: بیچارگی‌ام.
۱۵. انجزلی: وعده خود را برای من وفا فرما.
۱۶. الضریر: فقیر.
۱۷. مهین: کوچک، ناتوان.
۱۸. مستجیر: پناهنده.
۱۹. اولیتی: به من عطا کردی.
۲۰. ابلیتی: احسان نمودی.
۲۱. آنس: نوید.
۲۲. أبطأت: به کندی انجام دادی.
۲۳. سراء: خوشی و گشایش.
۲۴. ضراء: تنگی و شدت.
۲۵. رخاء: سعه زندگی.
۲۶. بؤس: بیچارگی.
۲۷. چدة: غنی.
۲۸. لاواء: فقر و سختی.
۲۹. واشعر قلبی: قلبم را متوجه کن.
۳۰. فرّغ: آماده ساز.
۳۱. وانعشه: تدارک و جبران کن.
۳۲. وجل: ترس.
۳۳. أمله: او را متوجه کن.
۳۴. أجز به: او را پر تلاش کن.
۳۵. رحلة: انتقال.
۳۶. مئوی: جایگاه.
۳۷. ألبس: بپوشان.
۳۸. وحشة: دوری و بیزارى.
۳۹. لا له عندی پدا: منشی از او بر من روا مدار.





## دعاؤه عند الشدة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَالْجَهْدِ وَتَعَسَّرِ الْأُمُورِ:  
(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلَكَ<sup>١</sup> بِهِ مِنِّي، وَقَدَّرْتَكَ عَلَيْهِ وَ  
عَلَيَّ أَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي، فَأَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَخُذْ لِنَفْسِكَ  
رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ.

(٢) اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ<sup>٢</sup>، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى  
الْفَقْرِ، فَلَا تَخْطُرْ<sup>٣</sup> عَلَيَّ رِزْقِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي، وَ  
تَوَلَّ<sup>٤</sup> كِفَايَتِي.

(٣) وَانْظُرْ إِلَيَّ وَانْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي<sup>٥</sup> إِلَى نَفْسِي  
عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ أَقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا، وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي<sup>٦</sup>،  
وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي<sup>٧</sup> إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا قَلِيلًا نَكِدًا<sup>٨</sup>، وَمَتُوا<sup>٩</sup>  
عَلَيَّ طَوِيلًا، وَذَمُّوا كَثِيرًا.

(٤) قَبِضْ لِكَ - اللَّهُمَّ - فَأَغْنِنِي، وَبِعَظَمَتِكَ فَأَنْعَشِنِي<sup>١٠</sup>، وَبِسَعَتِكَ فَأَبْسُطْ<sup>١١</sup>  
يَدِي، وَبِمَا عِنْدَكَ فَأَكْفِنِي.

## دعا در حال سختی، گرفتاری و پیچیدگی امور

(۱) خداوند! مرا به اموری تکلیف فرمودی که تو خود در آنها صاحب اختیار تر از من هستی و بر آن امور و نیز بر من توانا تر از منی، پس کمکم کن که بتوانم تو را از خویش راضی کنم و تمام وجود مرا با عافیت کامل در طریق خشنودی خود قرار ده.

(۲) خدایا! مرا تاب تحمل سختی‌ها و محنت‌ها و شکیبایی بر بلاها و توان تحمل تهیدستی و فقر نیست، پس در روزی دهی بر من سخت مگیر و مرا به آفریده‌هایت وامگذار، بلکه تو خود حاجتم را روا و نیازم را کفایت فرما.

(۳) خدایا! از روی رأفت به من نظر فرما و بر همه امورم ناظر باش که اگر مرا به خویش واگذاری، از عهده کارها بر نمی‌آیم و مصلحت امور از من فوت می‌شود و اگر به غیر خود واگذاری، روی از من درهم می‌کشند و اگر به خویشاوندانم محتاج سازی، مرا بیگانه وار محروم می‌سازند و اگر هم چیزی به من ببخشایند، اندک و همراه با منت و سرزنش بسیار خواهد بود.

(۴) خدایا! به فضل خود توان گرم گردان و به عظمت خود مرا نگاه دار و به خوان گسترده رحمت به من گشایش و آسایش ببخش و به آن چه در خزائن غیبت هست، نیازهای مرا برآورده فرما.



(٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ، وَخَلِّصْنِى مِنَ الْخَسَدِ، وَ اخْصُرْنِى عَنِ الذُّنُوْبِ، وَ زَرِّعْنِى عَنِ الْمَحَارِمِ، وَلَا تُجَرِّثْنِى " عَلٰى الْمَعَاصِى، وَ اجْعَلْ هَوَاىْ عِنْدَكَ، وَ رِضَاىْ فِيمَا يَرِدُ عَلٰى مِنْكَ، وَ بَارِكْ لِىْ فِيمَا رَزَقْتَنِى وَ فِيمَا حَوَّلْتَنِى " وَ فِيمَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلٰى، وَ اجْعَلْنِى فِى كُلِّ حَالَتِى مَحْفُوْظًا مَّكْلُوْمًا " مَشْهُورًا مَّثْمُوْعًا مُعَاذًا " مُجَارًا " .

(٦) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ، وَ اقْضِ عَنِّى كُلَّ مَا اَلَزَمْتَنِيْهِ " وَ قَرِّضْتُهُ عَلٰى لَكَ فِى وَجْهِ مِنْ وُجُوْهِ طَاعَتِكَ، اَوْ لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِكَ بَدَنِى، وَ وَهَنْتَ عَنْهُ قُوَّتِى " ، وَ لَمْ تَنْلُهُ " مُقْدَرَتِى " ، وَ لَمْ يَسْغُهُ مَالِىْ وَلَا ذَاتِىْ بَدِى، ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيْتُهُ .

(٧) هُوَ - يَا رَبِّ - مِمَّا قَدْ اَخْصِيْتُهُ عَلٰى وَ اَغْفَلْتُهُ اَنَا مِنْ نَفْسِى، فَادِّهِ عَنِّى " مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيْرٍ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيْمٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلٰى شَيْءٍ مِنْهُ تُرِيْدُ أَنْ تُقَاصِنِى " بِهٖ مِنْ حَسَنَاتِى، اَوْ تُضَاعِفَ " بِهٖ مِنْ سَيِّئَاتِى يَوْمَ الْقَاكَ يَا رَبِّ .

(٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ، وَ ارْزُقْنِى الرُّغْبَةَ فِى الْعَمَلِ لَكَ لِاٰخِرَتِى حَتَّى اَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِى، وَ حَتَّى يَكُوْنَ الْعَالِبُ عَلٰى الرَّهْدِ فِى دُنْيَاى، وَ حَتَّى اَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا، وَ اَمَنْ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا " وَ خَوْفًا، وَ هَبْ لِى نُوْرًا اَمْشِىْ بِهٖ فِى النَّاسِ، وَ اَهْتَدِىْ بِهٖ فِى الظُّلُمَاتِ، وَ اَسْتَضِىْ " بِهٖ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ .

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از حسد رها کن و از گناهان بازدار و به محرمات بی رغبتم ساز و بر گناهان دلیرم مگردان و میلیم را سوی خود و خشنودی‌ام را در مقدرات خود قرار ده و آن چه به من کرامت فرموده و روزی‌ام گردانیده‌ای و از نعمت خود ارزانی داشته‌ای، گوارایم گردان و مرا در هر حال از بلاها و سختی‌ها، مصون و محفوظ و پوشیده نگاهدار و در حفظ و پناه خود قرار ده.

(۶) بارِ اِلها! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن چه را که بر عهده من گذاشته‌ای، خواه طاعت خودت یا خدمت‌گزاری یکی از بندگان، توفیق عمل بدان راه من کرامت فرما و براثت عهده مرا مقرر نما، اگر چه تنم از آن ناتوان و قدرتم بر آن اندک باشد و در وسع من نباشد یا دست و دست‌مایه‌ام بدان پایه نرسد، چه آن تکلیف را به یاد داشته باشم و چه فراموش کرده باشم.

(۷) پروردگارا، آن تکلیف که من فراموش کرده و از آن غفلت ورزیدم، در علم تو ثبت شده است، پس از فضل سترگ و خزانه بزرگ و بی‌پایان خویش، تکالیفی را که بر من است، ادا فرما، تا آن که چیزی که به واسطه آن مؤاخذه‌ام می‌فرمایی، باقی نماند و از حسناتم به جبران گناهانم نکاهی و بر گناهانم نیفزایی. ای پروردگار من!

(۸) بار خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و رغبت در عمل برای آخرت را روزی‌ام فرما تا آن جا که این شوق را در قلب خود احساس کنم و موجب زهد من در دنیا گردد و اعمال نیکو را با شوق تمام به جا آورم و اعمال زشت را با ترس و بیم از عاقبت آن ترک کنم و به من نوری کرامت کن که با آن در میان مردمان معاشرت کنم و در تاریکی‌های عالم خاک به وسیله آن راه خود را بیابم و با فروغ آن از شک و شبهه‌ها رها شوم.



(٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِیْهِ، وَارْزُقْنِیْ خَوْفَ غَمِّ السَّوْعِیْدِ<sup>١١</sup>،  
وَسَوْقِ ثَوَابِ الْمُؤْعُوْدِ، حَتّٰی اَجِدَ لَذَّةَ مَا اَدْعُوْكَ لَهٗ، وَكَآبَةَ<sup>١٢</sup> مَا اُسْتَجِیْرُ بِكَ  
مِنْهُ.

(١٠) اَللّٰهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا یُضِلُّعِیْ مِنْ اَمْرِ دُنْیَایَ وَآخِرَتِیْ فَكُنْ بِحَوَائِجِیْ  
حَفِیَّتًا<sup>١٣</sup>.

(١١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِیْ الْحَقَّ عِنْدَ تَفْصِیْرِ  
فِی الشُّكْرِ لَكَ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ فِی الْیُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّعَةِ وَالسَّهْلِ<sup>١٤</sup>، حَتّٰی  
اَتَعْرِفَ مِنْ نَفْسِی رَوْحَ الرِّضَا وَطُمَآئِنَئَةَ<sup>١٥</sup> النَّفْسِ مِنْیْ بِمَا یَجِبُ لَكَ فِیْمَا  
یَخْدُثُ فِی خَالِ الْغَوْفِ وَالْاَمْنِ وَالرِّضَا وَالسُّخْطِ<sup>١٦</sup> وَالصَّرِّ وَالنَّفْعِ.

(١٢) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِیْهِ، وَارْزُقْنِیْ سَلَامَةَ الصَّدْرِ<sup>١٧</sup> مِنْ الْحَسَدِ  
حَتّٰی لَا اُخْشِدُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلٰی شَیْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَحَتّٰی لَا اَرٰی نِعْمَةً مِنْ  
نِعْمِكَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِی دِیْنٍ اَوْ دُنْیَا اَوْ عَافِیَةِ اَوْ تَقْوٰی اَوْ سَعَةِ اَوْ  
رَخَاءٍ<sup>١٨</sup> اِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِی اَفْضَلَ ذَلِكَ، بِكَ وَ مِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ.

(١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِیْهِ، وَارْزُقْنِیْ التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ  
الْاِخْتِرَاسَ<sup>١٩</sup> مِنَ الزَّلَلِ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ فِی خَالِ الرِّضَا وَالْعُصْبِ، حَتّٰی  
اُكُوْنَ بِمَا یَرُدُّ عَلٰی مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةِ سَوَآءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤَثِّرًا<sup>٢٠</sup> لِرِضَاكَ عَلٰی  
مَا سَوَاهُمَا فِی الْاَوْلِیَاءِ وَالْاَغْدَاءِ، حَتّٰی یَأْمَنَ عَدُوّی مِنْ ظُلْمِیْ وَجَوْرِی، وَ  
یَأْتِسَ<sup>٢١</sup> وَلِیّی مِنْ مِثْلِی وَانْحِطَاطِ<sup>٢٢</sup> هَوَاِی.

(۹) خداوند! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هراسناکی از اندوه و عده‌های عقوبت خود و شوق به پاداش مورد بشارت را نصیبم فرما، تا لذت آن چه را که دوست دارم و از درگاهت طلب کرده‌ام و سختی آن چه را که از آن باید به تو پناهنده شوم، دریابم.

(۱۰) خدا یا! تو به همه عوامل دنیوی و عناصر آخروی که مرا به صلاح و سداد می‌رساند، آگاهی؛ پس از تو می‌خواهم که به نیازهای من عنایت و اهتمام فرمایی.

(۱۱) خدا یا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن گاه که در شکر و سپاس تو کوتاهی می‌ورزم، توفیقم ده که در آسایش و رنج و تندرستی و بیماری حق‌گرا باشم، تا آسایش و نسیم رضا و طمأنینه را در جان خود به خوبی بشناسم؛ آن چنان که به تکلیف خود در همه حال - خوف و امن و ایمنی و خشنودی و خشم و نفع و ضرر - عمل کنم.

(۱۲) خدا یا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من سلامتی از حسد را کرامت فرما؛ آن چنان که بر هیچ یک از بندگان حسادت نورزم و هیچ نعمتی - دینی یا دنیوی، از عافیت گرفته تا تقوا و وسعت روزی و آسایش - را در دست فردی از آدمیان نبینم، مگر آن که برای خویش بهتر از آن را از تو و به مدد عنایت تو درخواست نمایم، زیرا که تو در نظام هستی یگانه مؤثری و در هیچ زمینه‌ای شریک نداری.

(۱۳) خدا یا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و کناره‌گیری از خطاها و خودداری از لغزش‌ها را در دنیا و آخرت و در حال غضب و خشنودی نصیب من گردان؛ آن چنان که هر یک از آن دو حال نزد من مساوی باشد و پیوسته مطیع تو باشم و رضای تو را بر خشنودی و خشم خود مقدم دارم، خواه به دوستان و چه نسبت به دشمنان، تا آن که دشمنم از ظلم و ستم من در امان باشد و دوستم از عمل کردن من بر خلاف حق و مبتنی بر هوا و هوس تو مأیوس باشد.

(١٤) وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصاً فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ  
الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.





(۱۴) و مرا از کسائی قرار ده که تو را در حال گشایش، با اخلاص تمام می خوانند و چنان کن که هر گاه تو را می خوانم، همانند مخلصانی باشم که در خواندن تو مضطربند، که تو بس پسندیده و بلند پایه ای.

### واژه ها:

۱. أنت أملك: تو تواناتری.
۲. جهد: مشقت.
۳. لا تنظر: منع نکن.
۴. تولّ: متولّی باش.
۵. وکلّتی: واگذارم کنی.
۶. تجهّونی: به من حمله ور شوند.
۷. الجاتنی: مضطربم کنی.
۸. نکدأ: عسرت بدون خیر.
۹. متّوا: منت گذارند.
۱۰. فانتشی: مرا تدارک فرما (فقرم را بردار).
۱۱. فابسط: باز گذار.
۱۲. ولا تجرّتی: به من جرأت مده.
۱۳. خولّتی: نعمت به من دادی.
۱۴. مكلوه: محفوظ.
۱۵. معاذ: پناه داده شده.
۱۶. مجاراً: در امان و حمایت قرار داده شده.
۱۷. ألزمتیه: به من واجب و لازم کردی.
۱۸. وهنّ قوتی: قدرت من ضعیف و کم است.
۱۹. لم تلّه: نمی رسد.
۲۰. مقدرة: توانایی.
۲۱. فاده عتی: از جانب من ادا کن.
۲۲. تقاضی: تقاضی کنی مرا.
۲۳. تضاعف: فراوان شود.
۲۴. فرقا: خوف.
۲۵. اسئی: طلب روشنایی کنم.
۲۶. وعید: وعده به شرف.
۲۷. کآبه: سختی.
۲۸. حقیّاً: توجّه کن با اعتنا.
۲۹. نقم: مرض.
۳۰. طمانیة: آرامش.
۳۱. سخط: غضب.
۳۲. صدر: قلب.
۳۳. رخاء: گشایش.
۳۴. احتراسی: نگه داری.
۳۵. مؤثراً: اختیار کننده.
۳۶. یایس: مأیوس شود.
۳۷. انحطاط: میل من به سوی دوست.



## دَعَاؤُهُ بِالْعَافِيَةِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَشُكْرَهَا:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَابْسِئْنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلِّئِي عَافِيَتَكَ، وَخَصِّنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ، وَأَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ، وَأُضِلِّحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

(٢) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً غَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي، وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَالتَّفَافُ فِي أُمُورِي، وَالْخَشْيَةِ لَكَ، وَالْخَوْفِ مِنْكَ، وَالْقُوَّةَ عَلَى مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَالْإِجْتِنَابَ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ.

(٣) اَللّٰهُمَّ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَآلِ رَسُولِكَ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مُشْكُورًا، مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ.

## دعا برای عافیت

(۱) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و لباس عافیت را در برم کن و سراپای در آن مستغرقم ساز و مرا با جای دادن در دژ عافیت محفوظ دار و بدان گرامی و بی نیاز نما و به عافیت بر من تصدق فرما و آن را به من ببخشای و مرا مرهون عافیت گستری خود قرار ده و بدان منتفع گردان و هرگز بین من و عافیت در دنیا و آخرت جدایی مینداز.

(۲) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من عافیتی کرامت کن که کفایت کننده از دیگران و سلامتی بخش و رو به فزونی باشد و بدن مرا عافیت دنیوی و آخروی بخشد و بر من منت نه و سلامتی و امنیت و تندرستی و تدبیر راستین و روشن بینی در جان و تسلط بر کارها و خشیت و خوف از خودت و توانایی بر فرمان هایت و دوری از منتهیات و گناهان را روزی ام فرما.

(۳) خدایا! توفیق ادای حج و عمره و زیارت قبر رسولت - که درود و رحمت و برکات تو بر او و خاندان او باد - و زیارت قبور خاندان پیامبرت علیهم السلام را پیوسته در این سال و همه سال ها به من عطا فرما و آن را مقبول و مورد سپاس و مورد نظر خودت و ذخیره ای برای من قرار ده.

(٤) وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي، وَ  
اشرح لِمَرَاثِدِ دِينِكَ قَلْبِي.

(٥) وَأَعِزَّنِي<sup>٥</sup> وَذُرِّيَّتِي<sup>٦</sup> مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ<sup>١</sup>، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ<sup>٢</sup> وَ  
الْهَامَةِ وَالْعَمَامَةِ<sup>٣</sup> وَاللَّامَةِ<sup>٤</sup>، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ<sup>٥</sup>، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
سُلْطَانٍ غَبِيذٍ<sup>٦</sup>، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفٍ<sup>٧</sup> خَفِيذٍ<sup>٨</sup>، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ<sup>٩</sup>،  
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ<sup>١٠</sup>، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ حَزْبًا<sup>١١</sup> مِنَ الْجِنِّ وَ  
الْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ<sup>١٢</sup> أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

(٦) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَ  
ادْخُرْ<sup>١٣</sup> عَنِّي مَكْرَهُهُ، وَادْرَأْ<sup>١٤</sup> عَنِّي شَرَّهُ، وَرُدَّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ<sup>١٥</sup>، وَاجْعَلْ بَيْنَ  
يَدَيْهِ<sup>١٦</sup> سَدًّا حَتَّى تُغْفِيَ عَنِّي بَصَرَهُ، وَتُصِمَ<sup>١٧</sup> عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ، وَتُقْفِلَ<sup>١٨</sup> دُونَ  
إِخْطَارِي<sup>١٩</sup> قَلْبَهُ، وَتُخْرِسَ<sup>٢٠</sup> عَنِّي لِسَانَهُ، وَتَقْمَعَ<sup>٢١</sup> رَأْسَهُ، وَتُذِلَّ عِزَّهُ، وَتَكْسِرَ  
جَبَرُوتَهُ، وَتُذِلَّ رَقَبَتَهُ، وَتَفْسَخَ<sup>٢٢</sup> كِبَرَهُ، وَتُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَ  
غَمَزِهِ<sup>٢٣</sup> وَهَمَزِهِ<sup>٢٤</sup> وَلَمَزِهِ وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحَبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ وَرَجْلِهِ<sup>٢٥</sup> وَ  
خَنِيلِهِ<sup>٢٦</sup>، إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

(۴) زبانم را به حمد و یاد و شکر و ستایش نیک خود گویا گردان و قلبم را برای پذیرش هدایت‌های دین و دستورهای آیین خود بگشای.

(۵) خدایا! من و فرزندانم را از شر شیطان رانده شده، در پناه خود قرار بده و از شر هر جانور گزنده و کشنده و غیر کشنده و همه جانوران و وحوش و از شر هر شیطان سرکش و هر سلطان ظالم و از شر مُتَرَفَانِ مخدوم و از شر هر ضعیف و قوی و از هر فرد شریف و پست و از شر هر نزدیک و دور و از شر آن دسته از افراد جن و انس که در حق رسول تو و خاندان او عداوت می‌ورزند و از شر هر جنبنده‌ای که در اختیار توست، حفظ فرما؛ که تو بر طریق حق و مستقیم حاکم و ناظر هستی.

(۶) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هر کس اراده بدی درباره من دارد، او و مکر و شزش را از من دور گردان و نیرنگش را به خودش باز گردان و در برابرش آن چنان مانعی قرار ده که چشم او را کور و گوش او را کر و قلب او را قفل و زبانش را گنگ سازی و او را سرافکنده کنی و عزتش را به خواری مبدل نمایی و سطوتش را بشکنی و طوق خواری برگردنش اندازی و کبرش را زایل کنی و مرا از زیان‌ها و شرورش و نیز عیب جوئی و عیب‌جویی و نکوهش‌گری وی در حضور من یا پشت سرم و هم‌چنین حسد و عداوت وی در امان دار و از شر کمندها و دام‌ها و اطرافیان و دستیارانش محافظت فرما که تو عزیز و توانایی.



### واژه‌ها:

۱. جلّنی: مرا بزرگ بدار.
۲. وافرشی: برای من بگستران.
۳. النفاذ: گذرا.
۴. مقبول: مورد قبول.
۵. مشکور: مورد شکر و پسندیده.
۶. مذخور: ذخیره شده.
۷. اعذنی: پناهم ده.
۸. ذریّة: فرزندان، اعضای خانواده.
۹. رجم: رانده شده.
۱۰. السّامة: سم‌هایی که نمی‌کشد.
۱۱. الهامة و العاة: سم‌های کشنده، حشرات موذی.
۱۲. الالاة: آن‌چه موجب ترس است.
۱۳. المرید: سرکش.
۱۴. عنید: ظالم کینه ورز.
۱۵. مترف: ثروت مند اسراف‌گر بی‌باک.
۱۶. حنید: مخدوم، مطاع.
۱۷. شدید: قوی.
۱۸. وضع: ساقط بی‌ارزش.
۱۹. نَصَب... حرباً: اعلان عداوت.
۲۰. دابة: جنبنده.
۲۱. وادحر: دور کن.
۲۲. وادرا: دفع کن.
۲۳. ردّ کیده فی نحره: کیدش را به خودش برگردان.
۲۴. بین پدیه: در مقابلش.
۲۵. تصمّ: کر شود.
۲۶. تقفل: قفل شود.
۲۷. اخطاری: خطور کردن من در فکر او.
۲۸. تخرس: لال شود.
۲۹. تقمع: بزنی او را.
۳۰. تنسخ: از او بگیری.
۳۱. غمز: اشاره.
۳۲. همز: ذکر عیوب پشت سر.
۳۳. رَجِلِه: پیادگان.
۳۴. خَیْلُه: سوارگان.



## دعاؤه لأبويه عليهما السلام

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبَوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ، وَ اخْصُصِ اَللّٰهُمَّ وَالدِّيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَلْهِنِّي عِلْمَ مَا يَجِبُ لهُمَا عَلَى الْإِهَامَا<sup>١</sup>، وَ اجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَغْفِرْنِي بِمَا تَلْهَيْتَنِي مِنْهُ، وَ فَقِّنِي لِلتَّقْوَى فِيمَا<sup>٢</sup> تَبَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَقُوتَنِي اسْتِغْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتَنِيهِ، وَ لَا تَشْقُلْ أَرْكَانِي عَنِ الْخُفُوفِ<sup>٣</sup> فِيمَا اَلْهَمْتَنِيهِ.

(٢) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَاهُ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابًا<sup>٤</sup> هُمَا هَيْبَةً<sup>٥</sup> السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ<sup>٦</sup>، وَ أَبْرَهُمَا<sup>٧</sup> بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِقَاتِي<sup>٨</sup> مِنْ رَقْدَةٍ<sup>٩</sup> الْوَشْتَانِ<sup>١٠</sup>، وَ أَتْلُجْ<sup>١١</sup> لِي صُدْرِي مِنْ شَرِيَةِ الظَّنَانِ<sup>١٢</sup> حَتَّى أُوَيِّزَ<sup>١٣</sup> عَلَى هَوَائِي هَوَاهُمَا، وَ أَقْدَمَ عَلَى رِضَائِي رِضَاهُمَا، وَ أَشْتَكِي<sup>١٤</sup> بِرَّهْمَا بِي وَ إِن قَلَّ، وَ أَسْتَقِلَّ<sup>١٥</sup> بِرِّي<sup>١٦</sup> بِهِمَا وَ إِن كَثُرَ.



## دعای بیست و چهارم

### دعا برای پدر و مادر

(۱) خدایا! بر حضرت محمد، بنده و فرستاده‌ات و اهل بیت پاک او درود فرست و بهترین درودها و رحمت و برکات خود را به آنان اختصاص ده و پدر و مادر مرا به درود و کرامت نزد خود ویژه گردان. ای مهربان‌ترین مهربانان! بار الها! درود خود را بر حضرت محمد و خاندان او نثار فرما و دانش خدمت‌گزاری آن دو را به قلب من الهام فرما و تمام آگاهی لازم در این زمینه را نصیب ساز و توفیق به کار بستن آنها را عطا کن و تیز بینی و خبیرگی در این آموزه‌ها را روزی‌ام گردان تا کاربرد هیچ یک را از کف ندهم و ارکان وجودم هرگز به تساهل و تسامح در دانسته‌هایم مبتلا نگردد.

(۲) خدایا! همان گونه که ما به وسیله رسول گرامی تو به شرافت ایمان نایل آمدیم، تو نیز بر او و خاندانش درود فرست و چنان که با هدایت او حقوقی برای ما بر عهده خلق نهادی، درود و تحیت خود را بر او و خاندانش نثار فرما. خدایا! جلالت پدر و مادرم را در خاطر من به سان سلطه شاهان ستم‌کار قرار ده تا همانند مادری مهربان آنان را دوست بدارم و اطاعت آنان در نظر من از خواب برای خواب آلوده، آرامش بخش‌تر بوده و از خنک‌ترین نوشیدنی برای شخص تشنه، گواراتر باشد؛ به طوری که خواسته آنان را بخواسته خود و رضای آنان را بر رضای خود مقدم بدارم و نیکی آنان را - اگر چه کم باشد - بسیار شمارم و خدمت خود را - اگر چه بسیار باشد - کم ببینم.



(٣) اَللّٰهُمَّ خَفِّضْ<sup>١٤</sup> لَّهُمَا صَوْتِيْ، وَاطْبُبْ<sup>١٥</sup> لَّهُمَا كَلَامِيْ، وَارْسِلْ<sup>١٦</sup> لَّهُمَا غَرِيْبِيْ، وَاعْطِفْ عَلَيْهِمَا<sup>١٧</sup> قَلْبِيْ، وَصَيِّرْنِيْ بِهِمَا رَفِيْقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيْقًا<sup>١٨</sup>، اَللّٰهُمَّ اشْكُرْ لَّهُمَا تَرْبِيَّتِيْ، وَارْتَبِّهُمَا<sup>١٩</sup> عَلَيَّ تَكْرِمِيْ<sup>٢٠</sup>، وَاحْفَظْ لَّهُمَا مَا حَفِظَا<sup>٢١</sup> مِنِّيْ فِيْ صَغَرِيْ.

(٤) اَللّٰهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا<sup>٢٢</sup> مِنِّيْ مِنْ اَذَى<sup>٢٣</sup>، اَوْ خَلَصَ اِلَيْهِمَا عَنِّيْ مِنْ مَكْرُوِهٍ<sup>٢٤</sup>، اَوْ ضَاعَ قِبَلِيْ لَّهُمَا مِنْ حَقٍّ، فَاجْعَلْهُ حِطَّةً<sup>٢٥</sup> لِدُنُوْبِهِمَا، وَاعْلُوا فِيْ دَرَجَاتِهِمَا، وَزِيَادَةً فِيْ حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِاَضْعَافِهَا<sup>٢٦</sup> مِنَ الْحَسَنَاتِ.

(٥) اَللّٰهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا<sup>٢٧</sup> عَلَيَّ فِيْهِ مِنْ قَوْلٍ، اَوْ اَسْرَفَا عَلَيَّ فِيْهِ مِنْ فِعْلٍ، اَوْ ضَيَعَا<sup>٢٨</sup> لِيْ مِنْ حَقٍّ، اَوْ قَصَّرَا<sup>٢٩</sup> بِيْ عَنْهُ مِنْ وَّاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَّهُمَا، وَجُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا، وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فِيْ وَضْعِ تَبِعِيَّةِ عَنْهُمَا، فَإِنِّيْ لَا اَتَّهِمُهُمَا<sup>٣٠</sup> عَلَيَّ نَفْسِيْ، وَلَا اَسْتَبْطِئُهُمَا<sup>٣١</sup> فِيْ بَرِيْ، وَلَا اَكْزُهُ<sup>٣٢</sup> مَا تَوَلَّيَا<sup>٣٣</sup> مِنْ اَمْرِيْ يَا رَبُّ.

(٦) فَهَمَا اَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ، وَاقْدُمُ اِحْسَانًا اِلَيَّْ، وَاعْظُمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ اَنْ اَقْصَهُمَا<sup>٣٤</sup> بِعَدَلٍ، اَوْ اُجَازِيَهُمَا عَلَيَّ بِمِثْلِ، اَيْنَ اِذَا - يَا اِلٰهِيْ - طُوْلُ شُغْلِهِمَا يَتَرَبَّيِّيْ؟ وَ اَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِيْ حِرَاسَتِيْ؟ وَ اَيْنَ اِقْتَارُهُمَا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ؟ هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّيْ حَقَّهُمَا، وَلَا اَذْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَّهُمَا، وَلَا اَنَا بِقَاضٍ وَظِيْفَةٌ خِدْمَتِهِمَا.

(٧) فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْنِيْ يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعِيْنُ بِهِ، وَوَفَّقْنِيْ

(۳) خدایا! گفتار مرا دربارهٔ آنان آرام و کلامم را مؤدبانه و خوی و طبعم را نرم گردان و قلبم را چنان متوجه آنان فرما که با آنها رفیق و مهربان باشم و جزای تربیت و کرامت و حفظ و مراقبت آنها را عطا فرما و آن چه را که در کودکی برای من نگاه داشتند، بر ایشان محفوظ بدار.

(۴) خدایا! آزارها و بدکاری‌ها و تضییع حقوقی را که از من در حق پدر و مادرم صورت گرفته است، موجب مغفرت و ریزش گناهان آنان و علوٗ درجاتشان و افزایش حسناتشان قرار ده، ای کسی که می‌توانی سیئات را به حسناتی ده چندان مبذل سازی!

(۵) خدایا! اگر در سخن یا کردار از آنها در حق من کوتاهی سر زده یا تضییع حق یا نادیده گرفتن امر واجب صورت گرفته است، من همهٔ آنها را می‌بخشم و از آنها در می‌گذرم و مایلم تو نیز آنان را ببخشی؛ چرا که من آنان را به تقصیر متهم نمی‌کنم و به مسامحه و کم‌کاری منسوب نمی‌سازم و سرپرستی آنان دربارهٔ خود را ناخوش ندارم. ای پروردگار من!

(۶) بار خدایا! حق و احسان و منت‌های پدر و مادرم عظیم‌تر و واجب‌تر از آن است که من اکنون در برابر آنها ایستاده و تلافی و دادخواهی کنم. پس ای معبود من! آن همه رنج‌های طولانی که در راه تربیت من تحمل کردند و آن همه زحمات‌ها که در نگاه‌داری من و تحمل مشکلات برای آسایش من برخود هموار کردند، چگونه فراموشم شود؟ نه، من هرگز نمی‌توانم حق آنها را ادا کنم و هرگز نمی‌توانم واجبات خود را در برابرشان باز شناسم و هرگز نمی‌توانم وظیفهٔ خدمت‌گزاری به آنان را ادا کنم.

(۷) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا - ای بهترین کسی که از او مدد می‌طلبم - در انجام وظیفه‌ام یاری فرما و مرا - ای کسی که بهترین هدایت‌گر

يَا أَهْدِيْ مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ<sup>١</sup> لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ  
تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ<sup>٢</sup> وَ  
ذُرِّيَّتِهِ<sup>٣</sup>، وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
أُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٨) اَللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْيَارِ صَلَوَاتِي، وَفِي أَثْنِي مِنْ آثَاءِ لَيْلِي، وَ  
فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اغْفِرْ لِي  
بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةٍ حَتْمًا، وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي  
لَهُمَا رِضًى عَزْمًا، وَ بَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ، اَللّٰهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ  
مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعُهُمَا<sup>٤</sup> فَيَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا، حَتَّى  
نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ، وَ الصَّنِ الْقَدِيمِ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

مشتاقانت هستی - در روز قیامت که هر کسی به جزای کردار خود می‌رسد و هرگز به کسی ستم نخواهد شد، در بین کسانی که به عاق والدین گرفتارند، قرار مده. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و والدین مرا به بالاترین درجه رحمت و کرامتی که به پدران و مادرانِ بندگان صالح و پاک خود عطا فرموده‌ای، نایل بگردان. ای مهربان‌ترین مهربانان.

(۸) خدایا! مرا به فراموشی یاد آنان پس از نمازهایم و در هیچ آن و لحظه‌ای از لحظه‌های عمرم مبتلا مفرما و بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به سبب دعاهایم در حق ایشان بیمارز و آنان را به سبب نیک‌رفتاری با من مورد عفو قرار ده و از من این شفاعت را بپذیر و آنان را در بهترین محل کرامت و آسایش قرار ده. خدایا! اگر پدر و مادرم مورد مغفرت تو هستند، شفاعت آنها را در حق من بپذیر و اگر مرا بخشیده‌ای، شفاعت مرا درباره آنان بپذیر باش، تا همه با هم در سایه کرامت و مغفرت تو گرد هم آییم، که فضل تو عظیم و احسان تو دیرینه و قدیم است و مهربان‌ترین مهرورزانی.

### واژه‌ها:

۱. الهام: شعوری الهی که به انسان افاضه شود.
۲. نفوذ فیه: توان انجام عمل.
۳. لا یغوتنی: از دستم نرود.
۴. خفوف: خدمت کردن.
۵. اهاب: اجلال و بزرگداشت.
۶. اهابهما: از پدر و مادر بترسم.
۷. هیبة: جلالت و عظمت.
۸. المصروف: ظالم.
۹. ابرهما: به آن دو نیکی کنم.
۱۰. اقر لعینی: خوش آیندتر و لذیذتر.
۱۱. رقة: خواب آرام.
۱۲. الوستان: کسی که در سستی و آرامش قبل از خوابیدن است.



۱۳. اُتلع: سرور آورتر.  
 ۱۴. الظَّان: تشنه.  
 ۱۵. اُوثر: مقدم بدارم.  
 ۱۶. اُستکر: زیاد بدارم.  
 ۱۷. اُستَل: کم ببینم.  
 ۱۸. پُری: نیکویی من.  
 ۱۹. خُض: کوتاه کن.  
 ۲۰. اُطب: پاکیزه کن.  
 ۲۱. اُن: نرم کن.  
 ۲۲. عریکه: طبیعت.  
 ۲۳. واعطف علیهما: مهربان کن بر آن دو.  
 ۲۴. شفیقا: مهربان.  
 ۲۵. اُیهما: جزا به آن دو بده.  
 ۲۶. تکرمتی: گرامی داشتن من.  
 ۲۷. متهما: به آن دو رسیده است.  
 ۲۸. اذی: آزار.
۲۹. مکروه: ناپسند.  
 ۳۰. حَلّة: ریزش.  
 ۳۱. باضمافها: چندین برابر آن.  
 ۳۲. ما تعذبا: آنچه را از حد تجاوز کردند.  
 ۳۳. ضیعا: ضایع کردند.  
 ۳۴. قصرا: تقصیر نمودند.  
 ۳۵. لا اُتهمها: متهم نکنم آن دو را.  
 ۳۶. لا اُستطیعها: آنان را به کنندی نسبت ندهم.  
 ۳۷. لا اکره: ناپسند ندانم.  
 ۳۸. ماتوئها: آنچه عهده‌دار بودند.  
 ۳۹. اُفاصهما: از آنها تقاص نکنم.  
 ۴۰. العوق: عدم رضایت.  
 ۴۱. آل: قوم و عشیره.  
 ۴۲. ذرّیه: فرزندان.  
 ۴۳. شَفَّتها فی: آنان را شفیع من قرار ده.



## دعاؤه لولده

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِوَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

(١) اَللّٰهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وَلَدِي وَ بِاِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِاِمْتَاعِي بِهِمْ<sup>١</sup>.

(٢) اَللّٰهُمَّ اِنْدُدْ لِيْ فِيْ اَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِيْ فِيْ اَجَالِهِمْ<sup>٢</sup>، وَ رَبِّ لِيْ صَغِيرَهُمْ، وَ قَوْلِيْ ضَعِيفَهُمْ، وَ اَصِحَّ لِيْ اَبْدَانُهُمْ وَ اَذْيَانُهُمْ وَ اَخْلَاقُهُمْ، وَ عَافِيَهُمْ فِيْ اَنْفُسِهِمْ وَ فِيْ جَوَارِحِهِمْ وَ فِيْ كُلِّ مَا غَشِيَتْ<sup>٣</sup> بِهِ مِنْ اَمْرِهِمْ، وَ اَذِرْ لِيْ<sup>٤</sup> وَ عَلَيَّ يَدَيَّ اَرْزَاقَهُمْ.

(٣) وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتَقِيَاءَ بُصْرَاءَ<sup>٥</sup> سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لَا وِلِيَّائَكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ<sup>٦</sup>، وَ لِجَمِيعِ اَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ<sup>٧</sup>، آمِينَ.

(٤) اَللّٰهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِيْ<sup>٨</sup>، وَ اَقِمْ بِهِمْ اَوْدِي<sup>٩</sup>، وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِيْ، وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَخْضَرِيْ<sup>١٠</sup>، وَ اَخِيْ بِهِمْ ذِكْرِيْ<sup>١١</sup>، وَ اكْفِنِيْ<sup>١٢</sup> بِهِمْ فِيْ غَشِيَّتِيْ، وَ اَعْنِيْ<sup>١٣</sup> بِهِمْ عَلَيَّ حَاجَتِيْ، وَ اجْعَلْهُمْ لِيْ مُحِبِّينَ، وَ عَلَيَّ حَدِيثِينَ<sup>١٤</sup> مُثْبِلِينَ مُسْتَقْبِلِينَ، لِيْ مُطِيعِينَ، غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا عَاقِبِينَ<sup>١٥</sup>، وَ لَا مُخَالِفِينَ وَ لَا خَاطِبِينَ.



## دعا برای فرزندان

(۱) خداوندگار! بر من منت گذار و فرزندانم را نگاه دار و آنان را فرزندانی صالح قرار ده و مرا از آنان بهره مند ساز.

(۲) خدایا، برای آرامش و مسرت من، عمر فرزندانم را طولانی گردان و أجل و سرآمد عمر آنان را به تأخیر افکن. کودکان مرا پرورش و فرزندان ناتوانم را نیرومند ساز و برای دل خوشی من، اولاد مرا سالم و دین و اخلاق آنان را نیکو بدار و در جان و بدن و در تمام اموری که برای آنان در آن می‌کوشم عافیت مقدر کن و روزی فراوان به من عطا کن که فرزندانم را در رفاه و آسایش قرار دهم.

(۳) و فرزندانم را از صالحان و پرهیزکاران قرار ده تا با روشن بینی، گوش به فرمان و مطیع تو و اولیای ناصح و مشفق تو و با دشمنان تو، سرستیز و دشمنی داشته باشند. آمین.

(۴) خدایا پشت مرا به آنان محکم کن و کجی‌ها را به وسیله آنان استوار گردان و خویشاوندان مرا بسیار گردان و مجلس مرا با ایشان بیار و یادم را به سبب آنان زنده بدار و در زمان نبودن من امور آنان را کفایت فرما و آنها را در نیازهایم کمک‌کار من بکن و آنان را دوست دار من قرار ده که کاملاً به من توجه کنند و در انجام امور استقامت داشته باشند، در حالی که مطیع من باشند و سرکش و آزار رسان و گناه کار و خطاکار نباشند و سرستیز با من نداشته باشند.

(٥) وَ أَعْنَى عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ.

(٦) وَ أَعْذِنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا، وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا، وَ رَغَبْتَنَا فِي نَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهَبْتَنَا<sup>١٨</sup> عِقَابَهُ، وَ جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا<sup>١٩</sup>، سُلْطَةً مَنَا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَشْكَنْتَهُ<sup>٢٠</sup> صُدُورَنَا، وَ أَجْرَيْتَهُ<sup>٢١</sup> مَجَارِي<sup>٢٢</sup> دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَ لَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يُؤْمِنُنَا<sup>٢٣</sup> عِقَابَكَ، وَ يُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ.

(٧) إِنْ هَمَمْنَا<sup>٢٤</sup> بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا<sup>٢٥</sup> عَلَيْهَا، وَ إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّتْنَا<sup>٢٦</sup> عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَ يَنْصَبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذَبْنَا، وَ إِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا، وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا، وَ إِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ يَسْتَرْ لَنَا.

(٨) اَللّٰهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَخْبِسَهُ عَنَّا بِكِبْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ، فَتُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَغْضُومِينَ بِكَ.

(٩) اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَ اَقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَ لَا تَمْنَعْنِي الْاِجَابَةَ وَ قَدْ ضَمِنْتَهَا<sup>٢٧</sup> لِي، وَ لَا تَغْضَبْ دُعَائِي عَنْكَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ<sup>٢٨</sup> أَوْ أَخْفَيْتُ<sup>٢٩</sup>، أَوْ أَغْلَنْتُ<sup>٣٠</sup> أَوْ أَسْرَرْتُ<sup>٣١</sup>.

(۵) خداوندگارا، یاری‌ام کن که فرزندان خود را تأدیب و تربیت کنم و به آنان نیکی نمایم و به من پسرانی کرامت فرما که در وجود آنان خیر تقدیر نموده و آنان را یاور من بر تربیت خود آنان قرار ده.

(۶) خداوندگارا، مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده در پناه خود قرار ده، زیرا تو ما را آفریدی و امر کردی و از زشتی‌ها باز داشتی و به ثواب‌ها ترغیب فرمودی و از عذاب‌ها ترساندی و در میدان تکلیف، دشمنی بر ما گماردی که بر ما مسلط است؛ به گونه‌ای که ما آن گونه تسلط را بر او نداریم و جایگاه آن دشمن را سینه‌ما قرار دادی و مانند خون در رگ‌های ما جاری ساختی و او را در وجود ما نفوذ دادی و در حال غفلت ما، غافل نیست و هنگام نسیان ما، فراموش‌کار نیست و ما را از عقاب تو ایمن می‌سازد و از غیر تو می‌ترساند.

(۷) شیطان در فساد به ما جرأت می‌دهد و ما را از عمل صالح باز می‌دارد و با شهوات و سوسه می‌کند و پیوسته در سر راه معتقدات، شبهات بسیار قرار می‌دهد و وعده‌های دروغ بسیار دارد و ما را به آرزوهای بسیار دور و دراز سرگرم می‌کند و سپس تخلف می‌کند. خداوندگارا، اگر نیرنگ او را نگر دانی، گمراهی ما حتمی است و اگر ما را از فساد و تبه‌کاری او نگاه نداری، لغزش ما قابل اجتناب نیست.

(۸) خداوند، سلطه شیطان بر ما را مقهور قدرت خود گردان؛ به طوری که با دعا و نیایش فراوان ما به درگاه تو، او را حبس گردانی و به لطف ما را از کید او نگاه داری.

(۹) خدا یا، هر چه از تو خواستم، عطایم کن و حاجاتم روا فرما و مرا از اجابت دعا منع مکن، در حالی که اجابت را برای سائلان ضامن گردیدی و موانع اجابت دعایم را که به آن امر کرده‌ای، بردار و بر من منت بگذار و هر چه را به صلاح دنیا و آخرت من می‌دانی، اعم از آن که به یاد داشته باشم یا فراموش کرده باشم، اظهار کنم یا پنهان بدارم، آشکار باشد یا در دل نهان بدارم، به من ارزانی دار.



(١٠) وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ<sup>٢٢</sup>  
بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمُثْنُو عَيْنَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، الْمُتَعَوِّدِينَ<sup>٢٣</sup> بِالتَّعَوُّذِ بِكَ،  
الرَّابِحِينَ<sup>٢٤</sup> فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِينَ<sup>٢٥</sup> بِعَزِّكَ، الْمُوسِعَ عَلَيْهِمْ<sup>٢٦</sup> الرِّزْقَ  
الْخَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَاسِعَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، الْمُغْزِينَ<sup>٢٧</sup> مِنَ الدُّلِّ بِكَ، وَ  
الْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ.

(١١) وَالْمُعَافِينَ<sup>٢٨</sup> مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُغْنِينَ<sup>٢٩</sup> مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ، وَ  
الْمَغْصُومِينَ<sup>٣٠</sup> مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ<sup>٣١</sup> وَالْخَطَا بِتَقْوَاكَ، وَالْمُؤَقِّعِينَ<sup>٣٢</sup> لِلْخَيْرِ وَ  
الرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمَحَالِ<sup>٣٣</sup> بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ،  
الَّتَارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَةٍكَ، أَلْسَاكِينَ فِي جَوَارِكَ.

(١٢) اَللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَاعِزَّنَا مِنْ عَذَابِ  
السَّعِيرِ، وَأَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ  
الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ  
مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ غَفُورٌ رَوْوفٌ رَحِيمٌ.

(١٣) وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

(۱۰) خدایا، با تمام عنایت خاصی که به من فرمودی و من نیازهای خود را از تو درخواست نمودم، مرا از کسانی قرار ده که اصلاح طلب هستند و با دعا و درخواست از تو رستگار می گردند و به خاطر توکل بر تو از رحمت تو محروم نمی گردند و پیوسته در پناه تو خو گرفته اند و در تجارتشان با تو سود کرده اند و در جوار عزت تو قرار گرفته اند، در حالی که روزی حلال از فضل گسترده تو نصیب گردد و از خواری خود رها گردم و در کنار سربلندی تو قرار گیرم و در جوار عدل تو از ظلم در امان باشم.

(۱۱) خدایا، به رحمت مرا از بلاها در عاقبت و از فقر در غنا قرار بده و از گناهان و لغزش ها و خطاها با حفظ خاص خود نگاه دار و به سبب اطاعت به راه خیر و رشد و راه درست موفق گردان و مرا از کسانی قرار ده که با قدرتت بین آنان و گناهان مانع گردیده ای و از تارکان معاصی و ساکنان در حرم امن تو گردیده اند.

(۱۲) خدایا، به توفیق و رحمت همه آنچه را که از تو درخواست نمودم، کرامت فرما و از عذاب جهنم در امان بدار و آنچه را که برای خود و فرزندانم خواستم به همه مؤمنان اعم از مرد و زن عطا فرما، خواه نیازهای دنیایی و یا حوایج آخرتی، زیرا که تو به من نزدیکی و جواب گوی من هستی و می شنوی و دانایی و از بدی می گذری و پرده پوش مهرورز و مهربان هستی.

(۱۳) پروردگارا، فضایل و امتیازهای دنیایی و کرامت ها و مقام های اخروی را به ما کرامت فرما و ما را از عذاب آتش جهنم برکنار فرما.

### واژه ها:

۱. امتاعی بهم: بهره برداری و لذت از آنها.
۲. امدد: عمرش فزونی بخش.
۳. آجال: مدت های عمرها.
۴. ما عنیت: آنچه مورد عنایت من است.

۵. وأمر لی: فراوان کن.
۶. ابرار: نیکان.
۷. بصراء: بینا در امور، عالم.
۸. مناصح: توصیه کننده به نیکی.
۹. مبغضین: کینه داران.
۱۰. عصد: بازو.
۱۱. اوده: کجی.
۱۲. محضر: مکان حضور.
۱۳. ذکری: یادم.
۱۴. واکنفی: مرا کفایت کن.
۱۵. ائنی: کمکم کن.
۱۶. (علیّ) حدین: (بر من) عطوف و مهربان باشند.
۱۷. (لهر) هائین: بدون خروج از رضایت.
۱۸. رهتا: ترسانیدی ما را.
۱۹. یکیدنا: به ما کید می ورزد، و ما را گول می زند.
۲۰. اسگنه: جای دادی.
۲۱. اهریته: جاری ساختی.
۲۲. مجاری دمانا: راه های عبور خون مان.
۲۳. یؤمننا: ما را خاطر جمع می کند.
۲۴. هسنا: همت و رزم.
۲۵. شجنا: ما را و می دارد و جرأت می دهد.
۲۶. ثظنا: ما را باز می دارد.
۲۷. ضنتها: ملتزم شد (ضمانت کرده ای).
۲۸. اظهرث: به زبان آوردم.
۲۹. اغثت: در دل پنهان داشتم.
۳۰. اعلت: آن را آشکارا به جا آوردم.
۳۱. اسررت: پنهانی انجام دادم.
۳۲. (یسن) السنجمین: از رستگاران - کامروایان.
۳۳. المعوذین: در پناه قرار داده شدگان.
۳۴. الزابحین: سود برندگان.
۳۵. المجارین: پناهندگان.
۳۶. السوشع هلبهم: گشایش یافتگان در روزی.
۳۷. المعزّ: دارای عزّت.
۳۸. المعافین: صاحبان عافیت.
۳۹. السفین: بی نیازان.
۴۰. المصرمین: نگهداشته شدگان.
۴۱. الزلال: لغزش ها.
۴۲. مرفقین: توفیق یافتگان.
۴۳. المحال: حائل شده.



## دعاؤه لجيرانه وأوليائه

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ وَأُولِيَائِهِ إِذَا ذَكَرَهُمْ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّى<sup>١</sup> فِي جِيرَانِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقَّتَا، وَالْمُنَابِذِينَ<sup>٢</sup> لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَا يَتَكَ<sup>٣</sup>.

(٢) وَفَقَّهُمْ لِإِقَامَةِ سُتَيْكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ<sup>٤</sup> أَدَبِكَ، فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ<sup>٥</sup>، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِيهِمْ<sup>٦</sup>، وَمُنَاصَحَةِ<sup>٧</sup> مُسْتَشِيرِهِمْ<sup>٨</sup>، وَتَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ<sup>٩</sup>، وَكَيْثَمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَسِتْرِ غَوَارِيهِمْ، وَنُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَحُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ<sup>١٠</sup> بِالْمَاعُونَ<sup>١١</sup>، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ<sup>١٢</sup> وَالْإِفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ.

(٣) وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْرِي بِالْإِحْسَانِ مُسَيِّئُهُمْ، وَأَعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنِ ظَالِمِهِمْ، وَاسْتَفْعِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافِّيهِمْ<sup>١٣</sup>، وَاتَوَلَّى بِالنِّبْرِ<sup>١٤</sup> عَامَّتَهُمْ، وَأَعْصِ<sup>١٥</sup> بَصَرِي عَنْهُمْ عِفَّةً، وَأَلَيْنُ جَانِبِي<sup>١٦</sup> لَهُمْ تَوَاضُعاً، وَأَرِقُ<sup>١٧</sup> عَلَى أَهْلِ



## دعا برای همسایگان و دوستان

(۱) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا درباره همسایگان و دوستانم که حقوق ما را شناخته‌اند و بدان پای‌بند هستند و نیز دشمنان ما را شناخته‌اند و با آنان به مخالفت برخاسته‌اند، به بهترین صورت سرپرستی کن و امور مرا عهده‌دار شو.

(۲) خدایا! همسایگان و دوستان مرا موفق گردان که روش‌ها و فرمان‌های تو را انجام دهند و به زیباترین آداب زندگی متخلّق گردند؛ به گونه‌ای که با ضعیفان جامعه، مدارا کنند و در رفع حوایج‌شان بکوشند و از مریض‌ها عیادت کنند و کسانی را که طالب نصیحت هستند، هدایت کنند و مشورت‌کنندگان را خیرخواهانه و ناصحانه پاسخ دهند و از سفر رسیده‌ها دیدار نمایند و اسرار آنان را حفظ نموده و در پوشاندن عیب‌های آنان جدّی باشند و به مظلومان یاری رسانند و در شرایط سخت زندگی، از کمک به آنان برای برآوردن حوایج‌شان دریغ نکنند و با آنان پیوسته با نیکویی و بخشش برخورد کنند و با گشایش دست و کُرم و بخشش به آنان سرکشی کنند و آن‌چه را که مورد حاجت و ضروری زندگی آنان است، پیش از آن که آنان درخواست کنند، تأمین کنند.

(۳) خدایا! مرا آن چنان کن که به بدی همسایگان و دوستان، جواب نیک دهم و از ظالم آنان بگذرم و خوش‌گمانی خود را در بین جمعیت حفظ کنم و در کمال نیکی از همگی سرپرستی کنم و چشم خود را از روی عفت بر آنان ببوشانم و با نرمش و

الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَأُسْرُ<sup>١٨</sup> لَهُمْ بِالْعَيْنِ مَوَدَّةً، وَأُجِبُ بَقَاءِ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ  
نُضْحًا، وَأُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامِي<sup>١٩</sup>، وَأُزْعَى لَهُمْ مَا أُزْعَى لِخَاصَّتِي<sup>٢٠</sup>.  
(٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ لِي  
أَوْفَى<sup>٢١</sup> الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَمَعْرِفَةً بِفَضْلِي،  
حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَأَسْعَدَ بِهِمْ<sup>٢٢</sup>، آمِينَ<sup>٢٣</sup> رَبِّ الْعَالَمِينَ.



تواضع با آنان بر خورد کنم و بانر می قلب، گرفتارها را یار باشم و در غیاب آنان، با محبت، سرشان را ببوشانم و بقای نعمت را برای آنان دوست بدارم و آن چه را برای نزدیکان خود می خواهم برای آنان نیز بخواهم و هر چه را برای خویشانم رعایت می کنم، برای آنان نیز رعایت کنم.

(۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا روزی کن که آن چه را من برای مردم می خواهم، آنان نیز برای من بخواهند و بهترین خلق و خو و رعایت محاسن و آدابی را که به این امت، کرامت فرموده ای، به من ارزانی دارد و به این امت توفیق ده که مرا بشناسند و به فضایل و امتیازهای وجودی و واقعی من معرفت پیدا کنند و به وسیله من به نیک بختی برسند و من نیز در این خدمات به پاداش بزرگ الهی نایل گردم.



## واژه‌ها:

۱. توتنی: مرا مُعین و مدافع مصالح قرار ده.
۲. الصابذین: طرد کنندگان.
۳. الولاية (بالکسر): سلطنت و حاکمیت.
۴. الولاية (بالتفتح): نصرت و یاری.
۵. المحاسن: نیکویی‌ها.
۶. خُتْهم: حاجت آنان.
۷. المسترشد: طالب هدایت.
۸. النصيحة: نصیحت کردن.
۹. المستشير: مشورت کننده.
۱۰. قادمهم: مسافر وارد.
۱۱. مواساتهم: یاری رساندن به آنان.
۱۲. الماعون: کمک و یاری‌رسان.
۱۳. الجدة: ثروت.
۱۴. کانتهم: تمامی آنها.
۱۵. اتوتنی بالیو: برای آنان نیکویی را پیشه سازم.
۱۶. اغض: چشم بپوشم.
۱۷. ألین جانی: خود را متواضع سازم.
۱۸. أرق: رقت قلب پیدا کنم.
۱۹. أسر: پنهان دارم.
۲۰. لعاشی: خواص من.
۲۱. لغاشی: نزدیکان من.
۲۲. أوفی: کامل ترین.
۲۳. أسعد بهم: به وسیله آنان به سعادت برسم.
۲۴. آمین: اجابت بفرما.



## دعاؤه لأهل الثغور

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِسِعْرَتِكَ، وَ  
أَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ، وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَاشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ  
اخْرُسْ حُوزَتَهُمْ، وَامْنَعْ حَوْسَتَهُمْ، وَآلِفْ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ  
وَائِزْ بَيْنَ مَيَرِهِمْ<sup>١</sup>، وَتَوَخَّذْ بِكِفَايَةِ مُؤْنِهِمْ<sup>٢</sup>، وَاعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَأَعِزَّهُمْ  
بِالصَّبْرِ، وَالطُّفِّ<sup>٣</sup> لَهُمْ فِي الْمَكْرِ.

(٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرِّفُهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمُهُمْ مَا  
لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ<sup>٤</sup>.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ<sup>٥</sup> عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ  
الْخَدَاعَةِ<sup>٦</sup> الْعَرُورِ<sup>٧</sup>، وَامْنَعْ<sup>٨</sup> عَنْ قُلُوبِهِمْ حَظَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ<sup>٩</sup>.

## دعا برای مرزداران

(۱) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و عزّت خود را حافظ و نگهبان مرزهای مسلمانان قرار بده و مرزبانان را به قوّت خود تأیید و عطایای آنان را از قدرت خود فراوان گردان.

بر محمد و آل او درود فرست و عدهٔ آنان را بسیار و اسلحهٔ آنان را بُزَن و حوزهٔ حفاظتی‌شان را محفوظ و اطرافشان را نگاه دار و جمع آنان را پیوند ده و به آنان الفت عطا فرما و امورشان را تدبیر فرما و آذوقه‌هایشان را مرتّب گردان و هزینهٔ جمع آنان را کفایت بنما و با یاری خود کمکشان کن و با صبر خود اعانت بفرما و با فریفتن دشمن آنان، لطف خود را شامل حال آنان بگردان [ظرافت و زیرکی و سیاست نهانی در برخورد با دشمن را با لطف خود شامل حالشان بگردان].

(۲) خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن چه را که [از فنون جنگی] مرزداران بدان محتاج‌اند و آن را نمی‌دانند به آنان بیاموز و آنان را به گمراهی‌های پنهان، بینا گردان.

خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و آن‌گاه که مرزبانان به مصاف دشمنان می‌روند، دنیای نیرنگ باز را از یاد آنان ببر و خطر مال فتنه‌گر را از قلوب آنان محو گردان.

(٣) وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصْبًا أَعْيُنِهِمْ، وَلَوْحًا مِنْهَا لَا يُبْصَرُ مِنْهَا مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ<sup>٢٢</sup> وَمَنَازِلِ الْكَرَامَةِ وَالْحُورِ<sup>٢٣</sup> الْحِسَانِ<sup>٢٤</sup>، وَالْأَنْهَارِ الْمُطَرَّدَةِ<sup>٢٥</sup> بِأَنْوَاعِ الْأَشْرَبَةِ<sup>٢٦</sup>، وَالْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ<sup>٢٧</sup> بِصُوفِ<sup>٢٨</sup> الثَّمَرِ، حَتَّى لَا يَبُغِ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِذْبَارِ<sup>٢٩</sup>، وَلَا يُحَدِّثَ نَفْسُهُ عَنْ قُرْبِهِ<sup>٣٠</sup> بِفِرَارٍ.

(٤) اللَّهُمَّ أَقْلُ<sup>٣١</sup> بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَأَقْلَمُ<sup>٣٢</sup> عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَفَرَّقْ<sup>٣٣</sup> بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَشْلَحَتِهِمْ، وَاخْلَعْ<sup>٣٤</sup> وَثَائِقَ<sup>٣٥</sup> أَفْنِدَتِهِمْ<sup>٣٦</sup>، وَبَاعِدْ<sup>٣٧</sup> بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَزْوَدَتِهِمْ<sup>٣٨</sup>، وَخَيَّرْهُمْ<sup>٣٩</sup> فِي سُبُلِهِمْ<sup>٤٠</sup>، وَصَلِّهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ<sup>٤١</sup>، وَانْقُصْ<sup>٤٢</sup> مِنْهُمْ الْعَدَدَ، وَامْلَأْ<sup>٤٣</sup> أَفْنِدَتَهُمُ الرُّغْبَ<sup>٤٤</sup>، وَأَقْبِضْ<sup>٤٥</sup> أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ<sup>٤٦</sup>، وَاخْزِمْ<sup>٤٧</sup> أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ الثُّطْقِ، وَشَرِّدْ<sup>٤٨</sup> بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ<sup>٤٩</sup>، وَنَكِّلْ<sup>٥٠</sup> بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَاقْطَعْ بِخَزِيرِهِمْ<sup>٥١</sup> أَطْمَاعَ<sup>٥٢</sup> مَنْ بَعْدَهُمْ.

(٥) اللَّهُمَّ عَقِّمْ<sup>٥٣</sup> أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَيَبِّسْ<sup>٥٤</sup> أَصْلَابَ<sup>٥٥</sup> رِجَالِهِمْ، وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوَائِبِهِمْ<sup>٥٦</sup> وَأَنْعَامِهِمْ<sup>٥٧</sup>، لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ<sup>٥٨</sup>، وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ. اللَّهُمَّ وَقُوْ<sup>٥٩</sup> بِذَلِكَ مَحَالَّ<sup>٦٠</sup> أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَخَصَّنْ<sup>٦١</sup> بِهِ دِيَارَهُمْ، وَثَمَّرْ<sup>٦٢</sup> بِهِ أَمْوَالَهُمْ، وَفَرِّغْهُمْ<sup>٦٣</sup> عَنْ مَخَارِبَتِهِمْ<sup>٦٤</sup> لِعِبَادَتِكَ، وَعَنْ مُتَابَذَتِهِمْ<sup>٦٥</sup> لِلْخُلُوعِ بِكَ، حَتَّى لَا يُغْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ<sup>٦٦</sup> غَيْرُكَ<sup>٦٧</sup>، وَلَا تُعَفَّرَ<sup>٦٨</sup> لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَنَّتُهُ دُونَكَ.

(٦) اللَّهُمَّ اغْرِ<sup>٦٩</sup> بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَارِائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَآمِدْهُمْ<sup>٧٠</sup> بِمَلَائِكَتِكَ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ، حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ<sup>٧١</sup> إِلَى مُنْقَطِعِ الثَّرَابِ<sup>٧٢</sup> قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا<sup>٧٣</sup>، أَوْ يُجِئُوا بِأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَذَكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ.



(۳) خداوند، بهشت برین را نصب العین مرزداران اسلامی گردان و منازل جاویدان و باکرامت و حوریان زیبا قامت را در مقابل دیدگان و قلب آنان جلوه گر ساز و نیز نهرهای روان بهشتی را که آکنده از انواع نوشیدنی هاست و درختان پوشیده از میوه های گوناگون را به آنان ارائه فرما، تا فکر برگشت و یا فرار از رقیب در خاطر هیچ یک از آنان راه نیابد.

(۴) خداوند، دشمنان مرزداران اسلامی را پراکنده و پریشان ساز و چنگالشان را بچین و آنان را از سلاحشان دور گردان و اطمینان و اعتماد به نفس آنان را از نهادشان برگیر و آذوقه و تدارک جنگی را نصیب آنها مگردان و در اندیشه کارزار و راه یابی، به حیرت و گمراهی گرفتارشان گردان و نیرو و شماره آنان را بکاه و قطع فرما و دل های شان را از ترس آکنده ساز و دست های شان را از ظلم و زبان های شان را از سخنوری کوتاه فرما و نیروی پشتیبان آنها را پراکنده ساز؛ آن چنان که به ناتوانی و ترس و خواری مبتلا شوند و موجب عبرت همه کافران گردند.

(۵) خداوند، زنان و مردان دشمنان اسلام را عقیم گردان و نسل چهارپایان [نیروی جا به جایی] آنان را قطع فرما و هرگز به آسمان آنها بارش و به زمین شان رویش عطا مفرما. خدایا، دیار مسلمانان را همواره محفوظ بدار و اموال شان را پربار گردان و نصیب بندگی و خلوت با خود را به سبب جنگیدن با دشمنان اسلام، چنان بر آنان بگستران که در هیچ گوشه از سطح گستره زمین جز تو عبادت نگردد و هیچ پیشانی برای غیر تو بر خاک ساییده نگردد.

(۶) خداوند، در تمامی نواحی کشور اسلامی در هر کجا که مشرکان مستقراند، مسلمانان را علیه آنان تجهیز و آنان را با صف هایی از فرشتگان مدد بنما، تا کافران را یا به خاک مذلت نشانده و یا آنان را به اسیری بگیرند و یا این که آنان به یگانگی تو اقرار کنند.



(٧) اللَّهُمَّ وَاعْمُمْ<sup>٣٣</sup> بِذَلِكَ أَغْدَاءَكَ فِي أَفْطَارِ الْبِلَادِ<sup>٣٤</sup>، مِنْ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَ  
التُّرْكِ وَالْخَزَرِ وَالْحَبَشِ وَالنُّوبَةِ وَالزَّنَجِ وَالسَّقَالِبَةِ وَالْدَيَالِمَةِ وَسَائِرِ أُمَمِ  
الشُّرُكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَصِفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِسَمْعِ قِتِكَ، وَ  
أَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ<sup>٣٥</sup> أَطْرَافِ<sup>٣٦</sup> الْمُسْلِمِينَ،  
وَخُذْهُمْ بِالنَّقْصِ<sup>٣٧</sup> عَنْ تَنْقِصِهِمْ، وَتَبْطِطُهُمْ<sup>٣٨</sup> بِالْفُرْقَةِ<sup>٣٩</sup> عَنِ الْإِخْتِسَادِ<sup>٤٠</sup>  
عَلَيْهِمْ.

(٨) اللَّهُمَّ أَخْلِ<sup>٤١</sup> قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ<sup>٤٢</sup>، وَأَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ، وَأَذْهِلْ<sup>٤٣</sup>  
قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِخْتِيَالِ<sup>٤٤</sup>، وَأَوْهِنْ<sup>٤٥</sup> أَرْكَانَهُمْ<sup>٤٦</sup> عَنْ مُنَازَلَةِ<sup>٤٧</sup> الرِّجَالِ، وَجَبِّنْهُمْ  
عَنْ مُقَارَعَةِ<sup>٤٨</sup> الْأَبْطَالِ<sup>٤٩</sup>، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا<sup>٥٠</sup> مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِتَأْيِيسٍ<sup>٥١</sup> مِنْ  
بَاسِكَ كَيْفَ لِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ<sup>٥٢</sup>، وَتَخْصُدُ<sup>٥٣</sup> بِهِ شَوْكَتَهُمْ<sup>٥٤</sup>، وَتَفَرِّقُ بِهِ  
عَدَدَهُمْ.

(٩) اللَّهُمَّ وَامْرُجْ<sup>٥٥</sup> مِيَاهَهُمْ<sup>٥٦</sup> بِالْوَبَاءِ، وَأَطْعِمْتَهُمْ<sup>٥٧</sup> بِالْأَذْوَاءِ<sup>٥٨</sup>، وَازِمِ<sup>٥٩</sup>  
بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ<sup>٦٠</sup>، وَأَلَحْ<sup>٦١</sup> عَلَيْهَا بِالْقَذُوفِ<sup>٦٢</sup>، وَافْرِغْهَا<sup>٦٣</sup> بِالْمَحُولِ<sup>٦٤</sup>، وَ  
اجْعَلْ مِيرَهُمْ<sup>٦٥</sup> فِي أَحْصَ أَرْضِكَ<sup>٦٦</sup> وَأَبْعِدْهَا عَنْهُمْ، وَامْنَعْ حُصُونَهَا<sup>٦٧</sup> مِنْهُمْ،  
أَصْبِنْهُمْ<sup>٦٨</sup> بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ<sup>٦٩</sup> وَالسُّقْمِ<sup>٧٠</sup> الْأَلِيمِ.

(١٠) اللَّهُمَّ وَائْتِمَا غَارِ غَزَاهُمْ<sup>٧١</sup> مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدِ جَاهِدَهُمْ مِنْ  
أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ، لِيَكُونَ دِيْنُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى، فَلَقِهِ<sup>٧٢</sup>  
الْيُسْرَ، وَهَيِّئْ<sup>٧٣</sup> لَهُ الْأَمْرَ، وَتَوَلَّهِ<sup>٧٤</sup> بِالنَّجْحِ<sup>٧٥</sup>، وَتَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ، وَاسْتَقْرِ<sup>٧٦</sup>

(۷) خدایا، دشمنان خود را در هر نقطه از نواحی جهان که زندگی کنند، اعم از هند و ترک و روم و حوالی خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقالبه و دیالمه و نیز هر کس از سایر اقوام از کفار که نام و نشان آنان بر ما پوشیده است، همگی را مشمول دعاهای گذشته ما بگردان، که تو از همه آنان آگاهی و قدرتت بر همه آنان سایه افکنده است. خدایا، مشرکان را به خودشان مشغول گردان تا مبادا به مسلمانان دست درازی کنند و چنان نقصان و کاستی بر آنها نازل فرما که قدرت ضربه زدن بر مسلمانان را از دست بدهند و به پراکندگی در قول و عمل مبتلایشان گردان تا مسلمانان از ظلم و ستم آنان در امان باشند.

(۸) خداوندا، دل‌های دشمنان را از آرامش و تن‌شان را از قدرت و قلوب آنها را از حيله گری تهی گردان و ارکان وجودی‌شان را از مقابله با هم‌زمانشان و از زد و خورد با دلیران سست بنما و لشکریانی از فرشتگان را همراه با یکی از عذاب‌های خود همانند روز جنگ بدر، بر آنان نازل گردان؛ به طوری که ریشه آنان را قطع فرمایی و عزتشان به خواری تبدیل گردد و به پراکندگی گروه آنان انجامد.

(۹) خداوندا، آب‌های آنان را به میکروب و خوردنی‌هایشان را به بیماری‌ها مخلوط گردان و شهرهایشان را در زمین فرو بر و آنان را به عذاب‌های گوناگون و بی در پی دچار ساز و آنان را با قطع روزی و نباریدن باران محدود گردان و غذا و طعام‌شان را در خشک‌ترین و بی‌خیرترین منطقه زمین قرار ده و گرسنگی و بلای پیوسته بر آنان نازل گردان.

(۱۰) خدایا، هر رزمنده‌ای که با دشمنان تو می‌جنگد و یا مجاهد مسلمانی که از جهاد و کوشش علیه آنان خودداری نمی‌کند تادین تو را برتر و حزب تو را تواناتر و حظ تو را تمام‌تر کند، کار آنها را آسان ساز و وسایل‌شان را فراهم نما و پیروزی آنان را عهده‌دار شو و یارانی که پشتوانه آنان باشند برای آنها برگزین و روزی و نعمت آنها



لَهُ الظُّهُورُ، وَأَسْبِغْ<sup>١١٧</sup> عَلَيْهِ فِي التَّنْقَةِ، وَمَتَّعْهُ بِالنَّشَاطِ<sup>١١٨</sup>، وَأَطْفِ عَنْهُ<sup>١١٩</sup> حَرَارَةَ الشَّقِيقِ، وَأَجِرْهُ<sup>١٢٠</sup> مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ، وَأَنْسِبِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ.

(١١) وَأَنْزِلْهُ<sup>١٢١</sup> حُسْنَ النِّيَّةِ، وَتَوَلَّهِ بِالْعَافِيَةِ، وَأَضْحِبْهُ السَّلَامَةَ، وَأَغْفِهِ مِنَ الْجُبْنِ، وَالْهَمُّهُ الْجُرْأَةَ، وَارْزُقْهُ الشَّدَّةَ، وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ، وَعَلِّمَهُ السَّيْرَ وَالسُّنْنَ<sup>١٢٢</sup>، وَسَدِّدْهُ فِي الْحُكْمِ، وَاعْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ، وَخَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ<sup>١٢٣</sup>، وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَظَنَّهُ<sup>١٢٤</sup> وَإِقَامَتَهُ، فِيكَ وَلَكَ.

(١٢) فَإِذَا صَافَ<sup>١٢٥</sup> عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُ، فَقَلِّلْهُمْ<sup>١٢٦</sup> فِي عَيْنِهِ، وَصَغُرْ<sup>١٢٧</sup> شَأْنُهُمْ فِي قَلْبِهِ، وَأَوَّلْ لَهُ<sup>١٢٨</sup> مِنْهُمْ، وَلَا تُدِلِّهِمْ<sup>١٢٩</sup> مِنْهُ، فَإِنْ خَشِنَتْ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَصَّيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ، فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ<sup>١٣٠</sup> بِالْقَتْلِ، وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرَ<sup>١٣١</sup>، وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ اطِّرَافُ الْمُسْلِمِينَ<sup>١٣٢</sup>، وَبَعْدَ أَنْ يُؤَلِّيَ عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ<sup>١٣٣</sup>.

(١٣) اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ<sup>١٣٤</sup> غَازِيًا<sup>١٣٥</sup> أَوْ مُرَاطِبًا<sup>١٣٦</sup> فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ<sup>١٣٧</sup> خَالِفِيهِ<sup>١٣٨</sup> فِي غَيْبَتِهِ، أَوْ أَعَانَهُ<sup>١٣٩</sup> بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ<sup>١٤٠</sup>، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ<sup>١٤١</sup>، أَوْ شَحَذَهُ<sup>١٤٢</sup> عَلَى جِهَادٍ، أَوْ اتَّبَعَهُ<sup>١٤٣</sup> فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً<sup>١٤٤</sup>، أَوْ رَعَى<sup>١٤٥</sup> لَهُ مِنْ زَوَائِهِ حُرْمَةً<sup>١٤٦</sup>، فَأَجِرْ لَهُ<sup>١٤٧</sup> مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْرِنٍ وَمِثْلًا بِمِثْلِ، وَعَوِّضْهُ<sup>١٤٨</sup> مِنْ فِعْلِهِ عَوِّضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ<sup>١٤٩</sup> بِهِ نَفْعٌ مَا قَدَّمَ وَسُرُورٌ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ<sup>١٥٠</sup> إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ.

(١٤) اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ<sup>١٥١</sup> أَهَمَّهُ<sup>١٥٢</sup> أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَأَخْزَنَتْهُ<sup>١٥٣</sup> تَحَرُّبُ<sup>١٥٤</sup> أَهْلِ الشُّرُوكِ عَلَيْهِمْ، فَتَوَى<sup>١٥٥</sup> غَزَاوِي<sup>١٥٦</sup>، أَوْ هَمَّ<sup>١٥٧</sup> بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ<sup>١٥٨</sup> ضَعْفٌ، أَوْ ابْطَأَتْ

را فراوان و روح‌شان را با نشاط و خرم گردان و با الهام کردن شکیبایی و آرامش به آنان، حرارت اشتیاق‌شان را به خاندان و بستگان‌شان تسکین بخش و آنان را از غم ترس و وحشت در پناه خود درآور و با توجه ژرف آنان به دشمن یادکرد بستگان و فرزندان را از ذهن آنان بزدای و غافل ساز.

(۱۱) خدایا، به یکایک رزمندگان اسلام حسن نیت الهام فرما و با عافیت خود از او سرپرستی کن و از ترس، برکنارش فرما و جرأت را به او الهام کن و قدرت را روزی‌اش ساز و یاریش نما و از طریقه‌ها و سنت‌های درست زندگی آگاه فرما و در احکام و باورها، استوار و خالی از خطا و در کردار، دور از ریا و در گفتار، دور از سُمعه‌بدار و فکر و ذکر و حرکت و سکون او را در خود و برای خودت قرار بده.

(۱۲) خداوندا، اگر رزمندهٔ اسلام در مصاف دشمن تو و دشمن خود قرار گرفت، دشمنان را در چشم او خوار و کوچک گردان و او را بر دشمن چیره گردان و دشمن را بر او غالب مگردان و اگر عاقبت او به سعادت شهادت ختم می‌شود، شهادت او را بعد از آن قرار ده که دشمن تو را کشته و یا به اسارت گرفته و اطراف و اکناف مسلمانان به امن و امان رسیده و دشمن تو پشت کرده و بگریزد.

(۱۳) خدایا، هر مسلمانی که عهده‌دار هزینهٔ خانوادهٔ یکی از رزمندگان اسلام یا یکی از مرزداران شود یا به نحوی از دارایی خود به آنان کمک رساند یا او را مجهز به افزار جنگی و مهیا برای رزم نماید و یا به راهی که در پیش گرفته دعا کند و یا آبروی او را حفظ کند، همانند اجر و هم‌سنگ مزد او، به او پاداش عطا فرما و به جای آن کمک‌ها، پاداشی به او کرامت فرما که هم در دنیا از آن استفاده نماید و هم در آخرت پاداش‌های آن ذخیره‌ها و فضل تو، بر او مستفیض باشد.

(۱۴) خداوندا، هر مسلمانی که از وضع اسلام نگران و از تجاوز فرقه‌های اهل شرک اندوهگین است و در نیت اوست که به جنگ و جهاد دست زند، لیکن ضعف یا



يهِ<sup>١١٨</sup> فَاقَّةً، أَوْ أَخَّرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ<sup>١١٩</sup> مَانِعٌ، فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْقَابِذِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ<sup>١٢٠</sup>، مُشْرِفَةً<sup>١٢١</sup> فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا، كَأَنَّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، إِنَّكَ السَّمَّانُ<sup>١٢٢</sup> الْحَمِيدُ<sup>١٢٣</sup> الْمُبْدِيُ الْمُعِيدُ<sup>١٢٤</sup> الْفَعَّالُ<sup>١٢٥</sup> لِمَا تُرِيدُ.



فقر یا حادثه دیگری مانع از اراده او می‌شود، نام او را در دیوان عابدان و پادشاه او را ثواب مجاهدان مقرر بفرما و او را در سلک شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۵) خدایا، بر حضرت محمد، بنده و فرستاده‌ات و خاندان او، عالی‌ترین درود خود را که برتر از همه تحیات است نثار فرما؛ درودی که نه زمان آن تمام شود و نه شماره آن پایان پذیرد؛ همانند کامل‌ترین درودهایی که برای یکی از اولیای خود فرستاده‌ای، زیرا تو مئان و ستوده و آفریننده همه چیز و باز گرداننده مردم در قیامت و به جا آورنده همه چیز هستی.

### واژه‌ها:

۱. حَسُنَ: حفظ کن.
۲. الفُور: مرزاها.
۳. حماها: حامیان و مدافعان.
۴. أَسِغْ: افاضه و اتمام کن.
۵. حَذِّتْكَ: غنی.
۶. اشْحِذْ: تیز کن.
۷. احْرَسْ: حفظ کن.
۸. حوزة: ناحیه.
۹. حومتهم: منطقه تحت تصرف.
۱۰. دَبَّرْ: تدبیر فرما.
۱۱. واتر: علی‌الدوام و پشت سر هم قراریده.
۱۲. مِزْمَ: طعام و غذای آنان.
۱۳. مؤن: سختی و گرفتاری‌ها.
۱۴. الطف: لطیف و غیر قابل رؤیت.
۱۵. مالا یبصرون: آن‌چه به قلب نبینند.
۱۶. أنیبهم: دنیا را در نظر آنان به فراموشی بینداز.
۱۷. الخداعة: بسیار خدعه گر.
۱۸. الفُور: گول زن.
۱۹. و امح: محو کردن.
۲۰. الفتن: فتنه گر.
۲۱. لَوَّح: ظاهر کن.
۲۲. مساکن الخلد: خانه‌های جاویدان.
۲۳. العور: مشکین چشمان.
۲۴. الحسان: زیبا صورتان.
۲۵. المطردة: پیوسته روان.
۲۶. الأثرية: نوشیدنی‌ها.
۲۷. المتدلية: به هم پیچیده.



۲۸. الصنف: صنف‌ها.  
۲۹. الادیار: پشت کردن و روی برگردانیدن.  
۳۰. قرنه: همانند خود.  
۳۱. اقلل: شکست بده.  
۳۲. اقلیم: ضعیف کن - چنگال آنها را بچین.  
۳۳. فزق: جدایی بیفکن.  
۳۴. اخلع: برکنار کن.  
۳۵. الروائق: پایه‌های اطمینان.  
۳۶. افتدتهم: دل‌های آنها.  
۳۷. باعد: دور کن.  
۳۸. ازودتهم: زاد و توشه آنها را.  
۳۹. حیرهم: آنان را سرگردان کن.  
۴۰. فی سلهم: در راه‌های آنها.  
۴۱. مدد: کمک.  
۴۲. وانقص: کم کن.  
۴۳. واملأ: پر کن.  
۴۴. الرعب: ترس.  
۴۵. واقبض: ببند.  
۴۶. البسط: گشایش در قدرت.  
۴۷. واخزم: ببند زبان‌های آنها را.  
۴۸. شره: متفرق کن.  
۴۹. من خلفهم: کسان پس از آنان.  
۵۰. نکل: آنان را عبرت دیگران قرار ده.
۵۱. یخزبهم: ذلت و سستی.  
۵۲. أطمع: طمع‌ها.  
۵۳. عقم: عقیم و نازا کن.  
۵۴. یتس: بخشکان.  
۵۵. الأصلاب: صلب مردان.  
۵۶. الدواب: حیوانات، چهارپایان و جنیندگان.  
۵۷. الأتعام: چهار پایان.  
۵۸. القطر: باران.  
۵۹. قو: قدر تمند بدار.  
۶۰. الیحال: تدبیر.  
۶۱. حتن: در دژ محکم خود قرار بده.  
۶۲. ثمر: پر محصول و کثیر گردان.  
۶۳. فرغهم: به آنان فراغت ده.  
۶۴. المحاربة: جنگیدن.  
۶۵. المنابذة: دور کردن دشمن.  
۶۶. بقاع الأرض: قطعات زمین.  
۶۷. ولاتعفر: سجده نکن - روی به خاک نساید.  
۶۸. اغز: برانگیز برای جنگیدن.  
۶۹. امددم: آنان را یاری کن.  
۷۰. یکشفهم: آنان را شکست دهند.  
۷۱. منقطع التراب: آخرین نقطه از زمین.



۷۲. أسراً: اسیر کردن.  
۷۳. واعم: شامل گردان.  
۷۴. اقطار البلاد: جوانب و نواحی شهرها.  
۷۵. التناول: دسترسی.  
۷۶. اطراف: نواحی.  
۷۷. خذهم بالثقی: از جمعیت آن بکاه (هلاکت فرد فرد).  
۷۸. یطعم: آنها را مشغول کن.  
۷۹. الافتراق: جداشدن از یکدیگر.  
۸۰. الاحتشاد: اجتماع.  
۸۱. اَخْلَى: تهی کن.  
۸۲. الأمانة: آرامش.  
۸۳. أذهل: غافل کن.  
۸۴. الاحتيال: حيله گیری.  
۸۵. أوهن: سست کن.  
۸۶. أركانهم: پایه های آنها.  
۸۷. المنازلة: رزمیدن.  
۸۸. المقارعة: زد و خورد.  
۸۹. أبطال: قهرمانان.  
۹۰. الجُند: لشکر.  
۹۱. بأس: شدت و قوت.  
۹۲. تقطع دابرهم: آنان را مستأصل و بیچاره کنی.
۹۳. تحصد: قطع کنی.  
۹۴. الشوكة: قدرت و توانایی.  
۹۵. امزج: مخلوط کن.  
۹۶. المياه: آبها.  
۹۷. أطعمتهم: خوراک های آنان.  
۹۸. الأدوية: دردها.  
۹۹. ارم: هدف قرار بده.  
۱۰۰. الخسوف: فرو رفتن زمین.  
۱۰۱. ألغ: مداومت کن.  
۱۰۲. القذوف: تیراندازی با سنگ.  
۱۰۳. و افرعها: بر دار.  
۱۰۴. المحول: خشک سالی.  
۱۰۵. میترهم: طعام.  
۱۰۶. أحص أرضك: خشک ترین زمین.  
۱۰۷. حصونها: دیوارهای شهر.  
۱۰۸. أصبهم: مبتلا کن.  
۱۰۹. جوع المقیم: گرسنگی همیشگی.  
۱۱۰. السقم: مرض.  
۱۱۱. غاز غراهم: جنگاوری که با آنان بجنگد.  
۱۱۲. فقه: نصیبت کن.  
۱۱۳. هین: آماده کن.  
۱۱۴. توتّه: متولّی اوباش.  
۱۱۵. النجیح: رستگاری.



۱۱۶. استقر: محکم کن.  
 ۱۱۷. أسخ: زیاد کن.  
 ۱۱۸. مقه بالشاط: بهره‌مند از نشاطش بنما.  
 ۱۱۹. واطف عنه: خاموش کن.  
 ۱۲۰. أجرة: پناهش ده.  
 ۱۲۱. و اثر له: ارشادش کن.  
 ۱۲۲. السنن: طریقه‌ها.  
 ۱۲۳. السمعة: بگوش دیگران رساندن.  
 ۱۲۴. الطعن: روان شدن و رفتن.  
 ۱۲۵. صاف: صف آراست.  
 ۱۲۶. قلّهم: آنان را کم نشان بده.  
 ۱۲۷. صرّ: کوچکشان بنما.  
 ۱۲۸. أوّل له: او را غلبه و نصرت بده.  
 ۱۲۹. لاتدلهم: آنها را غالب بر او قرار نده.  
 ۱۳۰. يحتاج عدوك بالقتل: دشمن را به سبب قتل بیچاره کند.  
 ۱۳۱. یجهد بهم الأسر: به وسیله اسارت دشمن را گرفتار کند.  
 ۱۳۲. تأمن اطراف السلمین: نواحی کشور را امن نماید.  
 ۱۳۳. یولی عدوك مدبرین: دشمن را شکست داده و آنها را فراری دهد.  
 ۱۳۴. خلف: جای او بنشیند.  
 ۱۳۵. الغازی: رزمنده.  
 ۱۳۶. المرابط: مرزبان.  
 ۱۳۷. التعمّد: برعهده گرفتن.  
 ۱۳۸. خلفیه: آنان که از او به جای مانده‌اند.  
 ۱۳۹. أعاته: او را کمک کند.  
 ۱۴۰. بطائفة من ماله: به قسمتی از مالش.  
 ۱۴۱. أمده بعتاد: آماده سازی کند رزمنده را به سلاح.  
 ۱۴۲. شحذه: تجهیزش کرد.  
 ۱۴۳. أتیعه: به او ملحق کرد.  
 ۱۴۴. الدعوة: خواندن.  
 ۱۴۵. رمی: حفظ کرد.  
 ۱۴۶. من ورائه حرمة: حریم او را در غیبت او حفظ کرد.  
 ۱۴۷. فأجر له: مزد دهد او را.  
 ۱۴۸. عوضه: به او عوض پرداخت بفرما.  
 ۱۴۹. يتعجل: سرعت می‌کند.  
 ۱۵۰. ینتهی به الوقت: تا آن‌گاه که وقت تمام شود.  
 ۱۵۱. أیّما مسلم: هر مسلمان.  
 ۱۵۲. أهته: برای او مهم است.  
 ۱۵۳. أحرّنه: او را غمگین کند.  
 ۱۵۴. التحزّب: دسته‌بندی گروه‌ها.

۱۶۱. عالیة علی الصلوات: بالاتر از درودها.

۱۶۲. المشرفة: مرتفع.

۱۶۳. مکان: معطی.

۱۶۴. حمید: پسندیده.

۱۶۵. معید: برانگیزاننده (در قیامت).

۱۶۶. قتال: کارآی پیوسته.

۱۵۵. فتوی: پس نیت کند.

۱۵۶. الفوز: جنگ.

۱۵۷. هم: همت ورزد.

۱۵۸. قعدبه: زمین گیرش کند.

۱۵۹. ابطات به: موجب کندی شود.

۱۶۰. دون ارادته: قبل از اراده او.



## دعاؤه في التفزع

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَفَرِّعًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:  
(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ<sup>١</sup> بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ<sup>٢</sup>، وَأَقْبَلْتُ<sup>٣</sup> بِكُلِّي عَلَيْكَ،  
وَصَرَفْتُ وَجْهِي<sup>٤</sup> عَمَّنْ يَخْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ<sup>٥</sup>، وَقَلْبْتُ<sup>٦</sup> مَسْأَلَتِي عَمَّنْ  
لَمْ يَسْتَنْفِ<sup>٧</sup> عَنْ فَضْلِكَ، وَرَأَيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُخْتَاجُ إِلَى الْمُخْتَاجِ سَفَهًا<sup>٨</sup> مِنْ  
رَأْيِهِ وَضَلَّةً<sup>٩</sup> مِنْ عَقْلِهِ.

(٢) فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ - يَا إِلَهِي - مِنْ أَنَاسٍ<sup>١٠</sup> طَلَبُوا الْغَيْرَ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا،  
وَرَامُوا<sup>١١</sup> الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَخَاوَلُوا<sup>١٢</sup> الْإِزْتِفَاعَ<sup>١٣</sup> فَاتَّضَعُوا، فَصَحَّ  
بِمُعَايَنَةِ<sup>١٤</sup> أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ<sup>١٥</sup> وَقَعَهُ اغْتِبَارُهُ، وَأَرْشَدَهُ<sup>١٦</sup> إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ  
اخْتِبَارُهُ. فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مُسْئُولٍ مُوَضِّعٌ مَسْأَلَتِي<sup>١٧</sup>، وَدُونَ كُلِّ  
مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيٌّ حَاجَتِي.

(٣) أَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِي، لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي،  
وَلَا يَنْفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي، وَلَا يَنْظُمُهُ<sup>١٨</sup> وَإِنَّاكَ نِدَائِي.

(٤) لَكَ - يَا إِلَهِي - وَخَدَائِيَّةُ الْعَدَدِ، وَمَلَكَةُ الْقُدْرَةِ<sup>١٩</sup> الصَّمَدِ<sup>٢٠</sup>، وَفَضِيلَةُ

## دعای بیست و هشتم

### دعا هنگام پناه بردن به خدا

(۱) خدایا، من بدون هیچ پیرایه و خالی از هرگونه شائبه، مخلصانه و با تمام وجودم به درگاه تو پیوسته‌ام و از هر کس که به تو محتاج است روی گردانیده‌ام و درخواست خود را هرگز متوجه کسانی که خود به احسان تو نیاز دارند، نکرده‌ام، زیرا دانستم نیاز را از نیازمندان خواستن، سفاقت عقل و گمراهی خرد است.

(۲) خدایا، چه بسیار کسانی از مردم که توهم جلب عزت از غیر تو، موجب خواری آنان شد و ثروت را از آنان خواسته و فقیر شدند و مقام از غیر تو طلبیدند و کوچک شدند و همین تجربه برای فرزندان کافی است که توفیق یافته و عبرت گیرند و به سوی راه درست رهنمون گردند؛ پس تو تنها خدا و مولای من هستی آن گاه که درخواست می‌کنم، نه هر سؤال شده‌ای و تو رواکننده خواسته‌های من هستی، نه هر کس که از او طلب شود.

(۳) فقط تو را قبل از هر کس می‌خوانم و در امید من جز تو کس دیگری مشارکت ندارد و در دعای من به درگاهت هیچ کس همراه نیست و ندای مرا غیر تو نمی‌شنود و آن را برآورده نمی‌کند.

(۴) خدایا، تو از وحدانیتی که عدد قایم به آن است برخوردار و دارای قدرت ذاتی نامحدود و بی‌زوال می‌باشی و فضیلت هر دگرگون‌سازی و نیرومندی و هر



الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ"، وَدَرَجَةُ الْمُلُوكِ وَالرَّفْعَةِ.

(٥) وَمَنْ يَمُوتَ مَرْحُومًا فِي عُمُرِهِ، مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِيهِ، مُخْتَلِفٌ الْحَالَاتِ، مُسْتَقَلٌّ فِي الصِّفَاتِ فَتَقَالَيْتَ "عَنِ الْأَشْيَاءِ وَالْأَضْدَادِ، وَتَكَبَّرَتْ عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ"، فَسُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.



درجه از علو و رفعت، فقط از آن توست.

(۵) تمامی آفریده‌هایت در طول عمرشان به ترحم تو نیاز دارند و در پدیده‌ها و امور زندگی شکست خورده و مغلوب‌اند و در رخدادها و حوادث زندگی و حالات و صفات، مقهور دستگاه خلقت می‌باشند و حالات و صفات آنان دگرگونی پذیرد و فقط تویی که هیچ‌گونه مشابه و ضدی نداری و بزرگ‌تر از هر همسان و همنایی. پس از هر عیب و نقص منزهی و هیچ مؤثری غیر تو در جهان نیست.

### واژه‌ها:

۱. اخلص: خالص برای توام.
۲. انتطاع الهك: بریدن از همه غیر از تو.
۳. ابلت: روی آوردم.
۴. صرفت وجهی: روی گردانیدم.
۵. الرفد: عطا.
۶. قلیت: برگرداندم.
۷. لم یستغن: بی نیاز نیست.
۸. النقص: نقصان عقل.
۹. الطقة: گمراهی.
۱۰. الاناس: انسان‌ها.
۱۱. راموا: طلب کردند.
۱۲. حاولوا: اراده نمودند.
۱۳. الارتفاع: بلند مرتبه شدن.
۱۴. المعاینة: دپدن.
۱۵. العازم: مطمئن در امور.
۱۶. اوشده: راهنمایی کرد.
۱۷. مرفع صفاتی: جایگاه سؤالم.
۱۸. لا ینظمه: به ردیف نیاورد.
۱۹. ملكة القدرة: ذاتی بودن قدرت.
۲۰. الصمد: یگانه مورد احتیاج همگان.
۲۱. حول: توانایی مانع از منهیات.
۲۲. القوة: قدرت بر فعل.
۲۳. المقهور: مغلوب.
۲۴. المتقل: قابل تخیر.
۲۵. فتعالیث: تو برتر هستی.
۲۶. الامثال: امثال.



## دعاؤه إذا قُتِرَ عليه الرزق

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِيْ اَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَفِيْ اَجَالِنَا بِطُولِ  
الْاَمَلِ، حَتَّى التَّمَسْنَا<sup>٢</sup> اَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِيْنَ، وَطَبِعْنَا بِاَمَالِنَا فِيْ اَعْمَارِ  
الْمُعْتَمِرِيْنَ<sup>٤</sup>.

(٢) فَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لَنَا يَقِيْنًا صَادِقًا تَكْفِيْنًا<sup>٥</sup> بِهِ مِنْ مَّوْنَةِ  
الطَّلَبِ، وَ اَلْهِنَّا ثِقَةً<sup>٦</sup> خَالِصَةً تُغْفِيْنَا<sup>٧</sup> بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ<sup>٨</sup>.

(٣) وَاجْعَلْ مَا صَرَّخْتُ<sup>٩</sup> بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ<sup>١٠</sup> فِيْ وَحْيِكَ، وَاتَّبِعْتَهُ<sup>١١</sup> مِنْ قَسْمِكَ  
فِيْ كِتَابِكَ، قَاطِعًا لِاهْتِمَامِنَا<sup>١٢</sup> بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتُ<sup>١٣</sup> بِهِ، وَحَسْمًا<sup>١٤</sup> لِلْاِسْتِغَالِ  
بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ.

(٤) قُلْتُ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ، وَأَقْسَمْتُ وَ قَسْمُكَ الْأَبْرُ<sup>١٥</sup> الْأَوْفَى<sup>١٦</sup>:

(وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ).

(٥) ثُمَّ قُلْتُ (فَوَزَّبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنْتُمْ تُنطِفُونَ).



## دعای بیست و نهم

### دعا به هنگام تنگدستی

(۱) خداوندا، ما را در امر روزی به سوء ظنی دچار ساخته‌ای - که از ضعف ما سر چشمه گرفته است و گمان می‌کنیم روزی را باید از دیگران تمنا کرد - و نیز گرفتار آرزوهای دور و دراز شده‌ایم؛ آن چنان که طمع عمرهای کسانی را نموده‌ایم که عمرهای بسیار طولانی دارند.

(۲) خدایا، پس بر محمد و آل او درود فرست و آن چنان یقین صادقی به ما عطا کن که هرگز در طلب روزی به دشواری و سختی مبتلا نگردیم و اطمینان خالصی عطا فرما که به رنج و مشقت‌های بسیار دچار نگردیم.

(۳) وعده قاطعانه‌ای که با وحی به ما ابلاغ فرموده‌ای و سپس بر آن وعده سوگند خورده‌ای که روزی شما حق است و به شما می‌رسد، موجب اطمینان خاطر ما گردان تا در طلب روزی به اعتدال عمل کنیم و با اشتغال بیش از حد به کاری که تو آن را کفایت فرموده‌ای، عمر خود را صرف نکنیم.

(۴) تو خود گفته‌ای و گفتار تو حق و صادقانه‌ترین سخن است و سوگند یاد کرده‌ای و درستی سوگند تو وفای به آن قطعی است: «روزی شما و وعده‌هایی که داده‌ایم، در آسمان ثابت است».

(۵) سپس فرمودی: «به پروردگار آسمان و زمین سوگند، روزی شما ثابت است، آن چنان که سخن می‌گویید».



### واژه‌ها:

۱. ابتلیتا: مبتلایمان نمودی.
۲. آجالنا: مدت زمان عمرهایمان.
۳. التمسنا: درخواست نمودیم.
۴. معترین: کهن سالان.
۵. تکفینا: کفایتمان کنی.
۶. مؤونة: سنگینی.
۷. ثقة: اطمینان.
۸. تعیننا: ما را نجات دهی.
۹. نصب: سختی و زحمت.
۱۰. صرحت: به صراحت گفتی.
۱۱. العدة: وعده.
۱۲. أتبعته: به دنبال درآوردی.
۱۳. الاهتام: کوشش.
۱۴. تكفلت: برعهده گرفتی.
۱۵. حساً: قطع.
۱۶. أتمم: نیکوترین.
۱۷. اوفی: صادقانه‌تر و کامل‌تر.





## دعاؤه في المعونة على قضاء الدين

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ  
(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي الْقَافِيَةَ مِنْ ذَنْبٍ تُخَلِّقُ بِهِ  
وَجْهِي<sup>١</sup>، وَيَخَارُ فِيهِ ذَهْنِي، وَيَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي، وَيَطُولُ بِمُتَارَسَتِهِ شُغْلِي.  
(٢) وَأَعُوذُ بِكَ - يَا رَبِّ - مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَفِكْرِهِ، وَشُغْلِ الدَّيْنِ وَسَهَرِهِ؛  
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْهُ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ<sup>٢</sup> - يَا رَبِّ - مِنْ ذَلَّتِهِ فِي  
الْحَيَاةِ، وَمِنْ تَبِعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْزِنِي مِنْهُ بِوَسْعِ  
فَاضِلٍ<sup>٣</sup>، أَوْ كِفَافٍ وَاصِلٍ<sup>٤</sup>.

(٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي<sup>٥</sup> عَنِ السَّرَفِ<sup>٦</sup> وَالْإِزْدِيَادِ،  
وَقَوْمِنِي<sup>٧</sup> بِالْبَذْلِ وَالْإِفْتِسَادِ<sup>٨</sup>، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ<sup>٩</sup>، وَأَقْبِضْنِي<sup>١٠</sup> بِطُفُفِكَ  
عَنِ التَّبْذِيرِ<sup>١١</sup>، وَأَجِرْ<sup>١٢</sup> مِنْ أَسْبَابِ الْخَلَالِ أَرْزَاقِي، وَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ<sup>١٣</sup>  
إِنْفَاقِي، وَأَزِدْ<sup>١٤</sup> عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُخْدِتُ لِي مَخِيلَةً<sup>١٥</sup> أَوْ تَأْدِيًا إِلَى بَغْيٍ<sup>١٦</sup>، أَوْ  
مَا أَتَعَقَّبُ<sup>١٧</sup> مِنْهُ طُفْيَانًا.

(٤) اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ<sup>١٨</sup> صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَأَعِنِّي<sup>١٩</sup> عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ

الصَّبْرِ.

## دعا برای پرداخت بدهی

(۱) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از بدهی ای که آبرو را خدشه دار می‌کند و موجب پریشانی و پراکندگی خیال می‌شود و در ادای آن گرفتار اشتغال ذهنی می‌گردم، در امان و عافیت قرار بده.

(۲) پروردگارا، به تو پناه می‌برم از فکر و هم و غمی که در اثر گرفتن قرض موجب اشتغال ذهنی در روز و بی‌خوابی در شب می‌گردد و مرا از این حادثه غم‌افزا در پناه خود در آور و نیز از ذلت بدهکاری در زندگی دنیا و پس از مردن، به تو پناه می‌برم و مرا با روزی فراوان یا به اندازه کفاف، از بدهکاری بی‌نیاز گردان.

(۳) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار و به بخشش و میانه روی در امور استوار بدار [و به من بیاموز که در روش زندگی میانه‌رو باشم و مرا از زیاده روی‌ها باز دار] و روزی مرا از راه‌های حلال برسان و انفاق‌های مرا به سوی ابواب خیر متوجه گردان و ثروتی را که موجب گردن‌کشی و خود بینی شود و یا طغیان‌گری را در پی داشته باشد، از من دور گردان.

(۴) خدایا، هم‌نشینی با فقرا را مورد علاقه من قرار ده و کمک فرما که بتوانم در مصاحبت با آنها شکیبایی را به بهترین صورت رعایت کنم.



(٥) وَمَا زُوِيَ عَنِّْي<sup>٥</sup> مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ، فَأَذْخَرُهُ<sup>٦</sup> لِي فِي خَزَائِنِكَ  
الْبَاقِيَةِ.

(٦) وَاجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي<sup>٧</sup> مِنْ حُطَامِهَا<sup>٨</sup>، وَعَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا، بُلْغَةً إِلَى  
جَوَارِكَ، وَوَسْلَةً<sup>٩</sup> إِلَى قُرْبِكَ، وَذَرِيعَةً<sup>١٠</sup> إِلَى جَنَّتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ  
أَنْتَ الْجَوَادُ<sup>١١</sup> الْكَرِيمُ.



(۵) خدایا، آن چه از اموال دنیا از من باز داشته و به من عطا نکرده‌ای، آن را در خزاین پاینده و باقی خود برای من ذخیره گردان.

(۶) خداوند، آن چه از مکت و ثروت دنیا به من کرامت فرموده‌ای و در رسیدن آن ثروت به من تعجیل فرموده‌ای، آن را وسیله‌ای کن که با آن به قرب تو نایل آیم و آن را زمینه‌ای برای ورود به بهشت قرار دهم، زیرا تو دارنده تفضّل عظیم و بخشنده بزرگوار هستی.

### واژه‌ها:

۱. تخلق وجهی: آبرویم را بریزی.
۲. یحار: حیرت زده شود.
۳. یتشعب ذهنی: ذهنم پراکنده گردد.
۴. الممارسة: معالجه.
۵. الهم: حزن.
۶. السهر: بیداری شب.
۷. أستجير بك: به تو پناه می‌برم.
۸. وسع فاضل: رزق زیاد.
۹. كفاف واصل: روزی به اندازه.
۱۰. واحجینی: مانع شو.
۱۱. الشرف: اسراف.
۱۲. قوّمی: آماده‌ام کن.
۱۳. الاقتصاد: میانه‌روی.
۱۴. حسن التقدير: خوب اندازه گرفتن.
۱۵. واقضنی: نگاهم بدار.
۱۶. التیذیر: صرف مال در موارد باطل.
۱۷. الأجر: جریان مداوم.
۱۸. الیز: نیکویی.
۱۹. وازو: دور کن.
۲۰. المخيلة: کبر و اعجاب.
۲۱. البی: ستم و ظلم.
۲۲. أتعقبی: دنبالش کنم.
۲۳. حبب الی: محبوب کن.
۲۴. اعنی: یاریم نما.
۲۵. رُویت عتی: از من دور ساختی.
۲۶. غاذره: ذخیره‌اش کن.
۲۷. غولتشی: عطا کردی.
۲۸. الحطام: زرق و برق دنیایی.
۲۹. بلفة و وصلة: وسیله رسیدن.
۳۰. الذریعة: وسیله.
۳۱. الجواد: بخشنده بدون هیچ‌گونه پاداش.



## دعاؤه بالتوبة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَطَلِبِهَا

(١) اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ، هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ، وَقَادَتْهُ أَرْمَةُ الْخَطَايَا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَغْرِيطاً، وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيراً<sup>١</sup>.

(٢) كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى<sup>٢</sup>، وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ<sup>٣</sup> سَحَابُ الْعَمَى<sup>٤</sup>، أَخْصَى<sup>٥</sup> مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيراً، وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلاً<sup>٦</sup>، فَأَقْبَلَ<sup>٧</sup> نَحْوَكَ<sup>٨</sup> مُؤَمِّلاً لَكَ مُسْتَحِياً<sup>٩</sup> مِنْكَ، وَوَجَّهَ<sup>١٠</sup> رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ بِقَعَّةٍ<sup>١١</sup> بِكَ، فَأَمَّا<sup>١٢</sup> بِطَمَعِهِ بِقِينَا، وَقَصْدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصاً، قَدْ خَلَا<sup>١٣</sup> طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمَعٍ<sup>١٤</sup> فِيهِ غَيْرُكَ، وَأَفْرَحَ<sup>١٥</sup> رَوْعُهُ<sup>١٦</sup> مِنْ كُلِّ مَخْذُورٍ<sup>١٧</sup> مِنْهُ سِوَاكَ.



## دعای درخواست توبه

(۱) خدایا، ای کسی که هرگز هیچ کس نتوانسته تو را بستاید و امید امیدواران به غیر تو تعلق نمی‌گیرد و هرگز اجر نیکوکاران را نباه نمی‌کنی و ای خدایی که آخرین مرز بیم عابدان هستی و پرهیزگاران نهایت هراس را از تو دارند. اکنون من در محاصره گناهان قرار گرفته‌ام؛ آن چنان که گناهان مرا با خود به ورطه هلاکت می‌برند و شیطان بر من چیره شده است و در انجام اوامر تو کوتاهی کرده و در انجام نواهیات سخت دچار نیرنگ شیطان شده‌ام.

(۲) و در مقام نادانی هستم که از قدرت تو خبر ندارد، یا همانند آنان که فضل و احسان تو را انکار می‌کنند، تا این که وقتی دیده هدایت او گشوده گردد و ابر کوری از جلوی دیدگان باز او برطرف شود، ظلم‌های خود را می‌شمارد و در مخالفت‌های خود با پروردگار به فکر فرو می‌رود و گناهان بزرگ و مخالفت‌های دیرینه خود را می‌بیند، آن گاه با تمام امید در حالی که شرم از تو، وجود او را گرفته و رغبت او با هدف اعتماد بر تو، به سوی متوجه شده است و از روی یقین تو را آرزو دارد و با خوف و هراس، خالصانه آهنگ تو را کرده است و از همه جا و همه کس طمع بریده و ترس او از هر قدرتی جز تو که دیگران از آن می‌ترسند، زایل شده است.

(٣) فَمَثَلَ<sup>٢٧</sup> بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعاً، وَغَمَضَ<sup>٢٨</sup> بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِعاً<sup>٢٩</sup>، وَطَاطَأَ<sup>٣٠</sup> رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلاً<sup>٣١</sup>، وَأَبْتَكَ<sup>٣٢</sup> مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً، وَعَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَخْصَى<sup>٣٣</sup> لَهَا خُشُوعاً، وَاسْتَفَاتَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ، وَقَبَّحَ مَا فَضَحَهُ<sup>٣٤</sup> فِي حُكْمِكَ، مِنْ ذُنُوبٍ أَذْبَرَتْ<sup>٣٥</sup> لَذَاتِهَا فَذَهَبَتْ، وَأَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا<sup>٣٦</sup> فَلَزِمَتْ.

(٤) لَا يُنْكِرُ - يَا إِلَهِي - عَذْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَغْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَسْتَغَظِمُهُ<sup>٣٧</sup> غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ. اَللّهُمَّ فَهَا أَنَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَجَرِّأً<sup>٣٨</sup> وَغَدَّكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ).

(٥) اَللّهُمَّ فَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْقَيِّ<sup>٣٩</sup> بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقِيتُكَ بِإِقْرَارِي، وَارْقُبْنِي عَنْ مَصَارِعِ<sup>٤٠</sup> الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْنِيتُنِي<sup>٤١</sup> عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي. اَللّهُمَّ وَتَبَّتْ<sup>٤٢</sup> فِي طَاعَتِكَ نَفْسِي، وَأَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي، وَوَقِّنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْفِلُ بِهِ دَنَسُ<sup>٤٣</sup> الْأَخْطَايَا عَنِّي، وَتَوَقَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - إِذَا تَوَقَّيْتُنِي<sup>٤٤</sup>.

(٦) اَللّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَائِرِ ذُنُوبِي وَصَغَائِرِهَا، وَبَوَاطِينِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرِهَا، وَسَوَالِفِ<sup>٤٥</sup> زَلَاتِي وَخَوَادِئِهَا، تَوْبَةً مَن لَا يُعَدُّ نَفْسَهُ بِمَغْفِرَتِهِ، وَلَا يُضْمِرُ<sup>٤٦</sup> أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ. وَقَدْ قُلْتُ - يَا إِلَهِي -

(۳) چنین توبه کننده‌ای در مقابل درگاه تو به زاری ایستاده و از خشوع تو چشم به زمین دوخته و با کمال ذلت سر به زیر افکند و سر خود را با تو خاضعانه در میان می‌گذارد، اگر چه می‌داند تو از او آگاهی، و تمام گناهان را با خشوع نزد توبه شمارش در می‌آورد و می‌داند که تو از عدد آنها بهتر از او می‌دانی و از گناهان بزرگی که تو را به آنها آگاه می‌داند و از اعمال زشتی که در اثر بردباری تو او را رسوا کرده است، به درگاهت پنهانده شده است، گناهانی که لذت‌شان از دست رفته و نتایج شوم آنها هم چنان ثابت مانده است.

(۴) ای معبود من، آن گناه کار عدل تو را اگر چه عقوبتش کنی منکر نیست و اگر عفو فرمایی و ترحم نمایی و رحم و مغفرت را برای تو عادی می‌داند، زیرا تو آن چنان خدای کریمی هستی که هرگز بخشش گناهان بزرگ برای تو مهم نیست. خدایا، هم اکنون من بر درگاهت آمده و مطیع همه دستورها و فرمان‌های تو می‌باشم و تمام وعده‌هایت را درباره اجابت دعا قطعی می‌دانم، زیرا خود فرموده‌ای که: «مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت کنم».

(۵) خدایا، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و با من با مغفرت و آمرزش خود ملاقات فرما؛ چنان که من با اقرار به درگاهت ایستاده‌ام و مرا از لغزش‌گاه‌های گناه بر حذر بدار و دست‌گیری‌ام فرما؛ هم چنان که خود را در اختیار تو قرار داده‌ام و به ستاری خود عیب مرا ببوشان؛ چنان که انتقام از مرا به تأخیر انداخته‌ای. خدایا، مرا در اطاعت خود ثابت و بصیرتم را در عبادت استوار بدار و مرا به اعمالی که گناهان مرا می‌شوید، موفق بدار و مرگ مرا بر دین خود و آیین پیامبرت - درود بر او - قرار ده، آن‌گاه که مرا به سوی خود می‌بری.

(۶) خدایا، در این جا که ایستاده‌ام از همه گناهان، اعم از زشتی‌های باطنی و ظاهری، لغزش‌های گذشته و نزدیک توبه می‌کنم؛ هم چون کسی که هرگز به خود

فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ: إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَغْفِرُ عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَتُحِبُّ  
التَّوَّابِينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ، وَاغْفِرْ عَن سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ<sup>١٧</sup>، وَ  
أَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ.

(٧) وَلَكَ - يَا رَبِّ - شَرَطِي إِلَّا أَعُوذُ<sup>١٨</sup> فِي مَكْرُوهِكَ، وَصَمَانِي<sup>١٩</sup> أَنْ  
لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ<sup>٢٠</sup>، وَعَهْدِي<sup>٢١</sup> أَنْ أَهْجُرَ<sup>٢٢</sup> جَمِيعَ مَعَاصِيكَ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ  
أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ، فَاغْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَاصْرِفْنِي<sup>٢٣</sup> بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ.  
اَللّٰهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ<sup>٢٤</sup> قَدْ خَفِظْتَهُنَّ، وَتَبِعَاتٍ قَدْ نَسِيتَهُنَّ<sup>٢٥</sup>، وَكُلَّهِنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي  
لَا تَنَامُ، وَعِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى، فَعَوِّضْ<sup>٢٦</sup> مِنِّهَا أَهْلَهَا، وَاخْطُطْ<sup>٢٧</sup> عَنِّي  
وِزْرَهَا<sup>٢٨</sup>، وَخَفِّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا، وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ<sup>٢٩</sup> مِنْهَا.

(٨) اَللّٰهُمَّ وَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ<sup>٣٠</sup>، وَلَا اسْتِمْسَاكَ<sup>٣١</sup> بِي عَنْ  
الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ، وَتَوَلَّنِي<sup>٣٢</sup> بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ. اَللّٰهُمَّ  
أَيْمًا عَبْدُ تَابِ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ<sup>٣٣</sup> لِسَوْبِهِ، وَعَائِدٌ<sup>٣٤</sup>  
فِي ذَنْبِهِ وَخَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً  
لَا أُحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُّوجِبَةً لِمَحْوِ<sup>٣٥</sup> مَا سَلَفَ<sup>٣٦</sup>، وَالسَّلَامَةِ فِيمَا  
بَقِيَ.

(٩) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ<sup>٣٧</sup> إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي، وَأَسْتَوْهِبُكَ<sup>٣٨</sup> سُوءَ فِعْلِي،  
فَاضْمَنْنِي<sup>٣٩</sup> إِلَى كَنْبِ<sup>٤٠</sup> رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً<sup>٤١</sup>، وَاسْتِزْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً.  
اَللّٰهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ  
خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَلَحْظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي، تَوْبَةً تَسْلِمُ بِهَا كُلُّ

اجازه گناه نمی دهد و بلکه بر خاطرۀ او نیز چنین خیالی نمی گذرد و تو خود فرموده ای که توبۀ بندگان را می پذیری و بدی های آنان را عفو می کنی و توبه کاران را دوست داری؛ پس چنان که وعده فرموده ای، توبه ام را بپذیر و آن چنان که ضمانت فرموده ای، بدی هایم را عفو کن و چنان که شرط فرموده ای، محبت را بر من حتمی گردان.

(۷) پروردگارا، شرط من با تو آن است که هم چون گذشته گناه نورزم و متعهد می شوم که آن چه را که نمی پسندی تکرار نکنم و برعهده گرفته ام که از گناهان دوری نمایم و تواز اعمال من آگاه تری، پس آن چه را که می دانی بر من ببخشی و با قدرت خود مرا به سویی که دوست داری رهنمون فرما. خدایا، من یک سلسله از آثار گناهان را که بر دو شمش سنگینی می کند به یاد دارم، ولی بسیاری از آنان را فراموش کرده ام، اما همگی در علم و محضر تو هم چنان باقی است و تو هرگز آن را فراموش نمی کنی و نیز تواز کسانی که حقّی بر من دارند، پس آنان را عوض ده و آثار زشت و سنگینی آن گناهان را از من بزدای و مرا از این که مبادا باز به سوی گناهان گذشته دچار شوم، نگاه دار.

(۸) خدای من، دوام هر توبه فقط به نگاه داری توست و تنها به قدرت تو از خطا خودداری می کنم؛ پس به من اراده استوار و کافی عنایت فرما و مصونیتی که مانع عصیان شود در من ایجاد فرما. خدایا، بندگان می شناسی که توبۀ خود را می شکنند و به گناهان گذشته روی می آورند، ولی من به تو پناه می برم که از آنها باشم، پس بازگشتی نصیبم فرما که پس از آن دیگر نیازمند توبه نباشم و آن توبه، موجب محو گذشته ها و سلامت در آینده باشد.

(۹) خدایا، از جهل خود عذر می خواهم و از بدی کردارم طلب بخشش می کنم. به لطف خود مرا در حمایت رحمت قرار ده و با تفضّل خویش در عافیت خود حفظ فرما. خدایا، من از تمام کارهای ناسازگار با اراده تو و محو کننده محبت تو که بر قلبم خطور کرده و یا از چشمم صادر شده و یا بر زبانم رانده شده، توبه می کنم، تا تمام



جَارِحَةٍ<sup>٣٢</sup> عَلَى حَيْثَالِهَا<sup>٣٣</sup> مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَتَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ<sup>٣٤</sup> مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ<sup>٣٥</sup>.

(١٠) اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَخَذِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاجِبِ<sup>٣٦</sup> قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَاضْطِرَابِ أَرْكَانِي<sup>٣٧</sup> مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ أَقَامَتْنِي - يَا رَبِّ - ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ<sup>٣٨</sup> بِفَنَائِكَ<sup>٣٩</sup>، فَإِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ، وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَشَفِّعْ<sup>٤٠</sup> فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَعُدْ عَلَى سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ، وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَابْسُطْ<sup>٤١</sup> عَلَيَّ طَوْلَكَ<sup>٤٢</sup>، وَجَلِّلْنِي بِسِرِّكَ<sup>٤٣</sup>، وَافْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ<sup>٤٤</sup> تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ، أَوْ غَيَّبَ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَبَيَّرَ فَتَعَسَّهُ<sup>٤٥</sup>. اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيَخْفُرْنِي عِزُّكَ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ، وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤَمِّمْ عَفْوَكَ.

(١٢) فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِي بِسُوءِ أَثَرِي<sup>٤٦</sup>، وَلَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ<sup>٤٧</sup> فِعْلِي، لَكِنْ لِنَسَمَعِ سَمَاؤُكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتَ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَبَّأْتُ<sup>٤٨</sup> إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ. فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يُوَحِّثُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي<sup>٤٩</sup>، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ<sup>٥٠</sup> عَلَيَّ لِسُوءِ خَالِي، فَيَتَأَلَّى مِنْهُ بِدُعَاةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي، تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَ قَوَرَّتِي<sup>٥١</sup> بِرِضَاكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ<sup>٥٢</sup>، وَإِنْ يَكُنِ التَّوَكُّلُ لِمَغْفِرَتِكَ إِنَابَةً<sup>٥٣</sup> فَأَنَا أَوَّلُ الْمُتَنَبِّينِ، وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً<sup>٥٤</sup> لِدُنُوبِ

جوارحم از آثار آن گناهان پاک گردد و از آن چه خطاکاران از آن بیم دارند، در امان تو قرار گیرم.

(۱۰) خدایا، به تنهایی‌ام در برابر خود و تپش قلبم از هراس تو و لرزش بنیاد وجودم از هیبت تو رحم بفرما، زیرا گناهان، مرا در موطن ذلت در درگاهت قرار داده است؛ به گونه‌ای که اگر ساکت بنشینم کسی درباره‌ی من سخنی نخواهد گفت و اگر زبان به درخواست شفاعت باز کنم، دست به کاری زده‌ام که اهل آن نیستم.

(۱۱) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و کرامت را شفیع و عفو را موجب آمرزش بدی‌هایم قرار ده و پاداش مرا عقوبت قرار مده و نیکویی خود را بر من بگستران و با پوشش عیب‌هایم مرا در چشم دیگران محترم بدار و با من بزرگوارانه رفتار بفرما؛ چنان که سرفرازی بنده ذلیل خود را مورد رحمت قرار می‌دهد، یا مانند رفتار توانگری که بنده ناتوان خود را بی‌نیاز می‌سازد و من کسی که مرا پناه داده و یاری کند ندارم. پس عزّت تو یارم باشد و نیز به سوی تو شفیی ندارم، پس فضل خود را شفیع من قرار داده و خطاهایم مرا به وحشت انداخته است، پس عفو تو مرا در امن و امان قرار دهد.

(۱۲) خداوندا، آن چه متضرعانه از تو درخواست کرده‌ام، از جهل و نسیان به رفتار ناپسندم ناشی نمی‌شود؛ بلکه بدان جهت است که همه آسمانی‌ها و خاکیان اظهار ندامت مرا بشنوند و از توبه من آگاه گردند، شاید بعضی از آنان با توسل به رحمت تو بر پریشان حالی و سستی مرتبام رحم کنند و در حق من دعاکنند؛ دعایی که مورد پذیرش و شفاعت تو بوده و موجب نجات من از خشم تو و رستگاری من به دلیل رضای تو از من گردد.

(۱۳) خدایا، اگر توبه عبارت از پشیمانی است، پس من نادم‌ترین هستم و اگر انابه به درگاهت عبارت از ترک گناه است، من اولین کسی هستم که به درگاه تو پناهنده



فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ.

(١٤) اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اُزِمْتُ بِالتَّوْبَةِ، وَضَمِنْتُ الْقَبُولَ، وَحَثَّيْتُ<sup>١٠</sup> عَلَى الدُّعَاءِ،  
وَوَعَدْتُ الْاِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِفْنِي مَرْجَعِ  
الْخَبِيَةِ<sup>١١</sup> مِنْ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَ الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ  
الْمُتَّيِبِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
كَمَا اسْتَفْذَنْتَنَا<sup>١٢</sup> بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ  
يَوْمَ الْفَاقَةِ<sup>١٣</sup> إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ<sup>١٤</sup>.





شده‌ام و اگر ریزش گناه با استغفار صورت می‌گیرد، من از مستغفران و آمرزش خواهان می‌باشم.

(۱۴) خدایا، چنان که به توبه فرمان دادی و پذیرش آن را عهده دار شدی و به دعا ترغیب فرمودی و به اجابت آن وعده دادی، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا به رحمت خود - ای مهربان‌ترین مهربانان - در جایگاه ناامیدی مه‌سند، که تو آمرزنده توبه کنندگان گناه کار و ترحم کننده بر عصیان‌گرانِ پشیمان هستی و بر محمد و آل محمد درود فرست؛ چنان که توسط حضرت محمد ما را هدایت نموده و نجات دادی، بر آنان درود فرست. آن چنان درودی که در قیامت و هنگام نیاز، موجب شفاعت ما گردد، که تو بر هر چیز توانایی و همه چیز بر تو آسان است.

#### واژه‌ها:

۱. نَعْتُ: صفت ثابت.
۲. لَا يَجَاوِزُهُ: از آن تجاوز نمی‌کند.
۳. خَشْيَةُ: خوف همراه با تعظیم.
۴. تَدَاوَلَتْهُ: پیوسته دست زده.
۵. وَقَادَتْهُ: کشانده است.
۶. أَرْقَمَتْهُ: زمام‌ها.
۷. اسْتَحْوَذَتْ: غلبه کرده است.
۸. تَفْرِيطُ: قصور کرده.
۹. تَعَاطَى: اقدام نموده.
۱۰. تَفَرَّيْراً: وادار شدن به گول.
۱۱. بَصْرُ الْهَدَى: چشم هدایت.
۱۲. تَقَشَّطَ عَنْهُ: پرده ظلمانی کنار رفت.
۱۳. سَحَابِ الْمَمَى: ابرهای کوری.
۱۴. أَخْضَى: شمارش کرد.
۱۵. جَلِيلًا: بزرگ.
۱۶. فَاتَّقَلَ: روی آورد.
۱۷. نَحَوَّلَ: به سوی تو.
۱۸. مَسْتَحْيًا: شرم‌منده و خجالت زده.
۱۹. وَجَّهَ: روی آورد.
۲۰. ثَقَّةً: با اطمینان به تو.
۲۱. أَمَّاكَ: قصد خانه تو را کرد.
۲۲. قَدْ خَلَا: خالی شده بود.



۲۳. مطوع: کسی که به او طمع ورزند.  
 ۲۴. افترخ: روشن شد.  
 ۲۵. الزوع: فرع.  
 ۲۶. معذور: مخوف.  
 ۲۷. مئل: حاضر شد.  
 ۲۸. غرض: چشم بر هم نهاد.  
 ۲۹. متخشعا: خاشعانه.  
 ۳۰. طأطأ: سربه پایین انداخت.  
 ۳۱. متذللأ: در حال خضوع.  
 ۳۲. أبتك: تو را آگاه کنم.  
 ۳۳. أحصی: آگاه تر به عدد.  
 ۳۴. فضعه: رسوایی بار آورد.  
 ۳۵. ادبرت: گذرانیده.  
 ۳۶. تبعات: دنباله های فاسد.  
 ۳۷. لا يتعاظمه: برای او بزرگ نیست.  
 ۳۸. متجزأ: قطعی و حتمی است.  
 ۳۹. القنی: مرا مواجه کن.  
 ۴۰. مصارع: لغزشگاه ها.  
 ۴۱. تأنیتی: صبر کردی و مرا تحمل کردی.  
 ۴۲. یت: مستقر کن.  
 ۴۳. دنس: چرک.  
 ۴۴. توفیتی: مرا به سوی خود می بری.  
 ۴۵. سواف: گذشته ها.  
 ۴۶. لا یضم: نیت ندارد.  
 ۴۷. ضمنت: ضامن شدی.  
 ۴۸. شرطی أن لا إعود: شرط من آن است که  
 به گناه گذشته برنگردم.  
 ۴۹. ضمانی: ضمانت من.  
 ۵۰. مذمومك: آنچه را بد می داری.  
 ۵۱. عهدی: تعهد من.  
 ۵۲. اهجر: دوری کنم.  
 ۵۳. واصرفنی: ما را بازدار.  
 ۵۴. تبعات: لوازم گناهان سابق.  
 ۵۵. نسیئین: فراموش کرده ام.  
 ۵۶. فغرض: تبدیل کن.  
 ۵۷. واحطط: زائل و پاک کن.  
 ۵۸. وزرها: ثقل آن.  
 ۵۹. اقارف: نزدیک شوم.  
 ۶۰. عصتك: نگاه داری تو.  
 ۶۱. استمساك: خودداری.  
 ۶۲. متولئ: متولی من باش.  
 ۶۳. فاسخ: شکستنده.  
 ۶۴. عائد: برگشت کننده.  
 ۶۵. محو: نابود شدن.  
 ۶۶. ماسلف: آنچه گذشته.  
 ۶۷. اعذر: عذر می خواهم.

۶۸. استوهيك: طلب بخشش می‌کنم.  
 ۶۹. فاضمتی: مرا ملحق کن.  
 ۷۰. کف: جانب و ناحیه.  
 ۷۱. تطولاً: منت گذاردن.  
 ۷۲. جارحه: عضو.  
 ۷۳. حایالها: به تنهایی.  
 ۷۴. معتدون: تجاوزگران.  
 ۷۵. سطوات: قهر و قدرت.  
 ۷۶. وجیب: اضطراب.  
 ۷۷. ارکانی: اعضای اصلی بدنم.  
 ۷۸. خزی: ذلت و بیچارگی.  
 ۷۹. بفنائک: حريم خانه تو.  
 ۸۰. شفع: شفیع قرار بده.  
 ۸۱. وابسط: بگستران.  
 ۸۲. طول: فضل و غنی.  
 ۸۳. جللی بسترک: مرا با پوشش خود  
 آبرومند قرار ده.  
 ۸۴. عزیز: بلند مرتبه و کمیاب و پر ارزش.  
 ۸۵. نعشه: با او جبران کرد.  
 ۸۶. سوء اثری: بدی فعلم.  
 ۸۷. ذمیم: بدی و پستی.  
 ۸۸. لجأت: پناهنده شده‌ام.  
 ۸۹. موقف: جایگاه.  
 ۹۰. رقه: ترحم.  
 ۹۱. فوز: رستگاری.  
 ۹۲. اندم النادمین: پشیمان‌ترین پشیمان‌ها.  
 ۹۳. انابه: رجوع.  
 ۹۴. خطه: ریزش گناه.  
 ۹۵. حثت: اصرار و ورزیدم.  
 ۹۶. غیبه: بیچارگی.  
 ۹۷. استقذنتا: نجاتمان دادی.  
 ۹۸. الفاقة: فقر و تهیدستی.  
 ۹۹. یسیر: آسان.



## دعاؤه في صلاة الليل

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ لِنَفْسِهِ فِي  
الْإِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ

- (١) اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمَتَّابِدِ بِالْخُلُودِ.  
(٢) وَالسُّلْطَانِ الْمُتَمَتِّعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا أَغْوَانٍ.  
(٣) وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي الْأَعْوَامِ وَمَوَاضِي  
الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ.

- (٤) عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأُولِيَّةٍ، وَلَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّةٍ.  
(٥) وَاسْتَغْلَى "مُلْكُكَ غَلَوًا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ" دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ.  
(٦) وَلَا يَتَبَلَّغُ أَذْنَى "مَا اسْتَأْتَرَتْ" بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى "نَعْبَتِ"  
النَّاعِيَتَيْنِ.

- (٧) صَلَّيْتَ "فِيكَ الصَّفَاتُ، وَتَقَسَّحَتْ" دُونَكَ التُّعُوثُ، وَحَارَتْ "فِي  
كِبَرِيَّتِكَ لَطَائِفُ" الْأَوْهَامِ.

## دعای اعتراف به گناه بعد از نماز شب

- (۱) خداوندگارا، ای آن که اقتدار و سلطه تو، ابدی و جاودانه است.
- (۲) و ای خدایی که دارای سلطنت بلامنازع هستی و ذات مقدسات در نهایت قدرت به هیچ لشکر و پشتیبانی محتاج نیست.
- (۳) و ای کسی که عزت و عظمت تو همیشه برقرار است و هرگز دست خویش گذشت روزگار و سپری شدن سال‌ها و گردش شب و روز نخواهد بود.
- (۴) سلطنت تو آن چنان از عزت‌مند است که هرگز محدود به آغاز و پایان نخواهد بود.
- (۵) بلندپایگی اقتدار تو چنان است که هر موجودی پیش‌تر از آن که توهم رسیدن به مقام عظمت تو در خاطرش بگذرد، از پافشاری و فرو می‌ماند.
- (۶) خداوندگارا، هرگز متتهای بیان و وصف ستایش‌گران به کمترین مرتبه عظمت تو نخواهد رسید.
- (۷) اوصاف کمتر از آن است که تو را تبیین کند، بلکه در حقیقت غیر محدود تو گم می‌شود و هیچ وصف و مدحی توان حکایت تو را نداشته و کوچک‌تر از آن است که در کنار عظمت نامتناهی تو پنهان و نابود نشود و شریف‌ترین تصوّر‌ها در کبریایی تو سخت خسته و وامانده است.

(٨) كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوَّلِيَّتِكَ، وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ.  
 (٩) وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ<sup>١٤</sup> أَمَلًا، خَرَجْتُ مِنْ يَدَيِ أَسْبَابِ  
 الْوُصَلَاتِ<sup>١٥</sup> إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ، وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ<sup>١٦</sup> الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا  
 مُغْتَصِمٌ<sup>١٧</sup> بِهِ مِنْ عَفْوِكَ.

(١٠) قُلْ عِنْدِي مَا أَعْتَدُ<sup>١٨</sup> بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبْهَأُ<sup>١٩</sup> بِهِ مِنْ  
 مَغْصِيَّتِكَ، وَلَنْ يَضِيقَ<sup>٢٠</sup> عَلَيْكَ عَفْوُ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ<sup>٢١</sup>، فَأَغْفُ عَنِّي.  
 (١١) اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ<sup>٢٢</sup> عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ، وَانْكَشَفَ كُلُّ  
 مَسْئُورٍ دُونَ خُبْرِكَ<sup>٢٣</sup>، وَلَا تَنْطَوِي عَنْكَ<sup>٢٤</sup> دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَلَا تَغْرُبْ عَنْكَ<sup>٢٥</sup>  
 غَيْبَاتُ<sup>٢٦</sup> السَّرَائِرِ<sup>٢٧</sup>.

(١٢) وَقَدْ اسْتَحْوَذَ<sup>٢٨</sup> عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ<sup>٢٩</sup> لِعَوَائِي<sup>٣٠</sup> فَأَنْظَرْتَهُ، وَ  
 اسْتَهْلَكَ<sup>٣١</sup> إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمْهَلْتَهُ<sup>٣٢</sup>.

(١٣) فَأَوْقَعَنِي<sup>٣٣</sup>، وَقَدْ هَرَبْتُ<sup>٣٤</sup> إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَةٍ<sup>٣٥</sup>، وَكَبَائِرِ  
 أَعْمَالٍ مُزْدِيَةٍ<sup>٣٦</sup>، حَتَّى إِذَا قَارَفْتُ مَغْصِيَّتَكَ، وَاسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَفِيِّ  
 سَخَطُكَ، قَتَلَ عَنِّي<sup>٣٧</sup> عِذَارُ<sup>٣٨</sup> غَدْرِهِ<sup>٣٩</sup>، وَتَلَقَّانِي<sup>٤٠</sup> بِكَلِمَةِ كُفْرِهِ، وَتَوَلَّى  
 الْبِرَاءَةَ<sup>٤١</sup> مِنِّي، وَأَذْبَرَ<sup>٤٢</sup> مُوَلِّيًا<sup>٤٣</sup> عَنِّي، فَأُضْحَرَنِي<sup>٤٤</sup> لِفَضْلِكَ فَرِيدًا<sup>٤٥</sup>، وَأَخْرَجَنِي  
 إِلَى فَنَاءٍ<sup>٤٦</sup> نَقِمَتِكَ<sup>٤٧</sup> طَرِيدًا<sup>٤٨</sup>.

(١٤) لَا شَفِيعَ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ، وَلَا خَفِيرٌ<sup>٤٩</sup> يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ، وَلَا حِصْنٌ<sup>٥٠</sup>  
 يَخْبِئُنِي عَنْكَ، وَلَا مَلَأُ<sup>٥١</sup> أَلْبَا<sup>٥٢</sup> إِلَيْهِ<sup>٥٣</sup> مِنْكَ.

(۸) هم چنان که تو بالذات ازلی و ابدی بودی، در صفت ازلیت نیز ازلی هستی. بنابراین، زوال برای تو امکان ندارد و در جاودانگی نیز جاودانی.

(۹) من بنده‌ای هستم که کردار و اعمالم ضعیف و ناچیز و آرزوهایم بس زیاد است و جز آن چه به رحمت تو پیوسته است، همه اسباب از دست من خارج است و فقط رحمت تو دست گیر من می‌باشد و نیز تمام رشته‌های آرزوهایم در هم ریخته است، مگر آن که به عفو تو پناهنده گردم.

(۱۰) اطاعتی که بتوان به قبولی آن در نزد تو اعتماد کنم، اندک است و نافرمانی‌هایی که در درگاهت به آنها اقرار و اعتراف کنم، بسیار است و عفو و بخشایش از بنده‌ات برای تو هرگز دشوار نیست؛ پس لغزش‌های مرا عفو بفرما.

(۱۱) خداوند، علم تو بر پنهانی‌ترین اعمال آگاه است و پوشیده‌ترین کارها از علم تو پوشیده نیست و ظرایف و دقایق مربوط به امور عالم بر تو روشن است و اسرار پنهانی که هیچ کس از آنها آگاه نیست، هرگز نزد تو مخفی نخواهد بود.

(۱۲) خداوندگار، آن دشمن تو، که برای گمراهی من تا به قیامت از تو فرصت دریافت نموده و برای گمراهی من مهلت خواسته، اکنون بر من غلبه کرده است.

(۱۳) خدایا، آن گاه که به سوی تو می‌گریختم که مبدا اعمال ناروای صغیره و یا کبیره‌ای مرتکب شوم، مرا بر زمین زد و به گناه بیالود و وقتی از خرابی من آگاه شد، روی از من گردانید و تا سر حد کفر مرا کشانده و چون تا مرحله کفر رسیدم روی برگردانید و از من اظهار بی‌زاری کرد و مرا تنها گذاشت و مستوجب نعمت الهی گردانید و مرا به وادی عذاب و غضب طولانی تو دچار ساخت.

(۱۴) خداوندگار، هیچ گاه شفیمی که بتواند شافع من باشد و یا پناه دهنده‌ای که پناهم دهد و یادژ محکمی که مرا از تو پنهان کند و یا پناه گاهی که به آن جا پناه برم، در کار نیست و همه چیز در حصر قدرت و علم توست.

(١٥) فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ، وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ<sup>٦٤</sup> لَكَ، فَلَا يَضِيقُ<sup>٦٥</sup> عَنِّي فَضْلُكَ، وَلَا يَقْصُرَنَّ<sup>٦٦</sup> دُونِي عَفْوُكَ، وَلَا أَكُنْ أَخِيْبَ<sup>٦٧</sup> عِبَادِكَ التَّائِبِينَ، وَلَا أَقْطَعْ<sup>٦٨</sup> وَفُودَكَ<sup>٦٩</sup> الْآمِلِينَ<sup>٧٠</sup>، وَ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ.

(١٦) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ، وَ نَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ<sup>٧١</sup>، وَ سَوَّلَ لِي<sup>٧٢</sup> الْخَطَاءَ<sup>٧٣</sup> خَاطِرُ<sup>٧٤</sup> السُّوءِ فَقَرَّطْتُ<sup>٧٥</sup>.

(١٧) وَ لَا أَسْتَشْهِدُ<sup>٧٦</sup> عَلَى صِيَامِي نَهَارًا، وَ لَا أَسْتَجِيرُ<sup>٧٧</sup> بِتَهْجُدِي لَيْلًا، وَ لَا تُثْنِي<sup>٧٨</sup> عَلَيَّ بِإِحْيَائِهَا سُنَّةً، خَاشَا فُرُوضِكَ<sup>٧٩</sup> الَّتِي مَنَ ضَيَّعَهَا<sup>٨٠</sup> هَلَكَ.

(١٨) وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ<sup>٨١</sup> مَعَ كَثِيرٍ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَطَائِفِ فُرُوضِكَ<sup>٨٢</sup>، وَ تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ، إِلَى حُرُمَاتِ<sup>٨٣</sup> انْتِهَاجِهَا<sup>٨٤</sup>، وَ كَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا<sup>٨٥</sup>، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا بِشَرًّا.

(١٩) وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اسْتَخْيَئِ<sup>٨٦</sup> لِنَفْسِيهِ مِنْكَ، وَ سَخِطَ<sup>٨٧</sup> عَلَيْهَا، وَ رَضِيَ عَنْكَ، فَتَلَقَّاكَ<sup>٨٨</sup> بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقِيَّةٍ خَاضِعَةٍ<sup>٨٩</sup>، وَ ظَهَرَ مُثْقَلٌ<sup>٩٠</sup> مِنَ الْخَطَايَا، وَاقِفًا<sup>٩١</sup> بَيْنَ الرَّغْبَةِ<sup>٩٢</sup> إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ<sup>٩٣</sup> مِنْكَ.

(٢٠) وَ أَنْتَ أَوْلَى مِنْ رَجَاءِهِ، وَ أَحَقُّ مِنْ خَشْيَتِهِ وَ اتَّقَاهُ<sup>٩٤</sup>، فَأَعْطِنِي يَا رَبُّ مَا رَجَوْتُ، وَ آمَنْتُ مَا حَذَرْتُ<sup>٩٥</sup>، وَ عُدَّ عَلَيَّ<sup>٩٦</sup> بِعَائِدَةٍ<sup>٩٧</sup> رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمُسْئُولِينَ.



(۱۵) خدایا، من در موضع پناهندگان به تو قرار گرفته‌ام و در موطنی هستم که بر بدی و تقصیر خود اعتراف دارم. خدایا، فضل خود را از من باز مدار و عفو خویش از من فرو مگذار، تا مبادا محروم‌ترین توبه‌کنندگان و مأیوس‌ترین آرزومندان باشم و بر من بیخشای که تو بهترین بخشنندگان.

(۱۶) خدایا، تو امر کردی و من تخلف کردم و از عمل ناهنجار بازداشتی و من به جا آوردم و شیطان خطارا در خاطر هام بی‌آراست و من در انجام فرمانت کوتاهی کردم. (۱۷) خدایا، هرگز روزی را بر روزه داشتتم گواه نمی‌گیرم و هرگز به سبب شب‌زنده‌داری به شبی پناه نمی‌برم و هیچ‌گونه عمل مستحبی که برای انجام آن شب را بیدار ماندم، موجب ثنای من نیست. آری واجبات را به جای آوردم، زیرا هلاکت از آن‌کسی است که در انجام تکالیف واجب مسامحه کند.

(۱۸) خدایا، هرگز به کردارهای مستحبی خود توسل نمی‌جویم و در انجام دادن واجبات نیز بسیار مسامحه و سهل‌انگاری نموده و از حدود تو تجاوز و به کارهای ناهنجار مبادرت ورزیده‌ام و چه بسیار گناهان کبیره را که مر نکب شده‌ام، تنها عافیتی که برای من است، عفو تو از گناهان من است.

(۱۹) خدایا، در وضع کسی قرار دارم که به دلیل گرفتاری‌های خود از تو شرم دارد و بر خویشتن غضبناک و از تو خشنود است، پس بار و حی خاشع و دلی فروتن و بار سنگین گناه در محضرت ایستاده است، در حالی که بیم و امید هر دو، دل او را اشغال کرده است.

(۲۰) خدایا، تو شایسته‌ترین کسی هستی که باید به تو امید داشته و سزاوارترین کسی هستی که باید از او ترسید. پس ای پروردگار من، مرا به امید و ادار و از فرسایش ترسم بر حذر دار و با رحمت شامل خود بر من لطف فرما! به راستی که تو با کرامت‌ترین درخواست شوندگان هستی.



(٢١) اَللّٰهُمَّ وَاِذْ سَتَرْتَنِيْ بِعَفْوِكَ، وَ تَعَمَّدَتْنِيْ<sup>١٨</sup> بِفَضْلِكَ فِىْ دَارِ الْفَنَاءِ بِخَضْرَاةِ الْاَكْفَاءِ<sup>١٩</sup>، فَاَجْزِنِيْ مِنْ فُضِيْحَاتِ<sup>٢٠</sup> دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْاَشْهَادِ<sup>٢١</sup>، مِنْ الْمَلَايِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، مِنْ جَارٍ<sup>٢٢</sup> كُنْتُ اَكَاثِمُهُ سَيِّئَاتِيْ، وَ مِنْ ذِي رَجَمٍ كُنْتُ اُحْتَسِمُ<sup>٢٣</sup> مِنْهُ فِى سَرِيْرَاتِيْ<sup>٢٤</sup>.

(٢٢) لَمْ اَتَّقِ بِهِمْ رَبِّ فِى السِّرِّ عَلَيَّ، وَ وَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِى الْمَغْفِرَةِ لِيْ، وَ اَنْتَ اَوَّلِيْ مَنْ وَثِقَ بِهِ، وَ اَعْطَى مَنْ رُغِبَ<sup>٢٥</sup> اِلَيْهِ، وَ اَزَافَ مِنْ اسْتَرْجَمَ، فَارْحَمْنِيْ.

(٢٣) اَللّٰهُمَّ وَاَنْتَ حَذَرْتَنِيْ<sup>٢٦</sup> مَاءَ مَهِيْنًا<sup>٢٧</sup> مِنْ صُلْبٍ<sup>٢٨</sup> مَتَصَابِقٍ<sup>٢٩</sup> الْعِظَامِ، خَرَجَ<sup>٣٠</sup> الْمَسَالِكِ<sup>٣١</sup> اِلَى رَجَمِ ضَيْقَةٍ<sup>٣٢</sup> سَتَرْتَهَا بِالْحُبِّ<sup>٣٣</sup>، تُصَرِّفُنِيْ<sup>٣٤</sup> خَالَعُنْ خَالٍ<sup>٣٥</sup>، حَتَّى اَنْتَهَيْتَ<sup>٣٦</sup> بِيْ اِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ، وَ اُنْبِتَ فِى الْجَوَارِحِ<sup>٣٧</sup> كَمَا نَعَتْ<sup>٣٨</sup> فِى كِتَابِكَ: نُطْقَةً ثُمَّ عَلَقَةً<sup>٣٩</sup> ثُمَّ مُضْغَةً<sup>٤٠</sup> ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ اَنْشَأْتَنِيْ<sup>٤١</sup> خَلْقًا آخَرَ كَمَا بَشَأْتَ.

(٢٤) حَتَّى اِذَا اخْتَجْتُ<sup>٤٢</sup> اِلَى رِزْقِكَ، وَلَمْ اُسْتَعِنْ<sup>٤٣</sup> عَنْ غِيَاثٍ<sup>٤٤</sup> فَضْلِكَ، جَعَلْتَ لِيْ قُوْتًا مِنْ فَضْلٍ<sup>٤٥</sup> طَعَامٍ وَ شَرَابٍ اُجْزِيْتُهُ لَا مَيْكَ<sup>٤٦</sup> اَلَّتِي اُسْكَنْتَنِيْ<sup>٤٧</sup> جَوْفَهَا<sup>٤٨</sup>، وَ اَوْدَعْتَنِيْ<sup>٤٩</sup> قَرَارَ رَحِمِهَا.

(٢٥) وَلَوْ تَكَلَّمْتُ<sup>٥٠</sup> - يَا رَبِّ - فِى تِلْكَ الْحَالَاتِ اِلَى حَوْلِيْ<sup>٥١</sup>، اَوْ تَضَطَّرَرْتُ<sup>٥٢</sup> اِلَى قُوَّتِيْ، لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّيْ مُغْتَرِلًا<sup>٥٣</sup>، وَ لَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّيْ بَعِيْدَةً.

(۲۱) خدایا، تو که به عفو و فضلت پرده پوشی فرموده و عیب های مرا از آشنایان پنهان داشتی، پس مرا در روز قیامت، در مقابل فرشتگان و انبیای گرامی و شهیدان و شایستگان و نیز همسایگانی که بدی هایم را پیوسته از آنان پنهان می داشتم و بستگانی که از آنها شرم می نمودم، از رسوایی های آخرت محفوظ بدار.

(۲۲) خدایا، من بر راز پوشی همسایگان اعتماد ندارم، بلکه بر عفو و آمرزش تو اعتماد می کنم و تو بهترین کسی هستی که باید به او اعتماد کرد و بخشنده ترین کسی هستی که باید به او رغبت داشت و مهربان ترین کسی هستی که باید او را به رحمت و مغفرت بخوانیم؛ پس بر من رحم آر.

(۲۳) خداوندگارا، در آغاز آفرینش، مرا از تنگنای پشت پدر رهانیده و در قرارگاهی میهمان رحم مادر نمودی و از گزند هرگونه حادثه ای پوشاندی و پیوسته با تصرفات آگاهانه ات مرا از حالی به حال دیگری منتقل کردی، تا این که به طور تمام مرا صورت بندی و چهره نگاری فرمودی و یکایک جوارح مرا ساختی چنان که در کتاب شریف ت فرمودی که ما را به صورت نطفه و آن را به صورت خون بسته و آن را به صورت پاره گوشت و سپس پیدایش ماهیچه و استخوان ها در آوردی و آن گاه که استعداد پیدایش جان انسانی پیدا کردم، مرا لایق آفرینش دیگر نمودی و آن چنان که ارادات تعلق گرفت، از روح خود در کالبدم دمیدی.

(۲۴) خداوندگارا، آن گاه که در حالت جنین به سر می بردم و در آن حال به روزی تو سخت نیاز داشتیم، از فرآورده هایی که از غذای مادرم حاصل می شد، به من عطا فرمودی و هرگز مرا فراموش نکردی.

(۲۵) پروردگارا، اگر در آن حالات یک لحظه مرا به خود واگذار و به خود رها می کردی، هرگونه قدرت و توانایی از من کناره گرفته و دور می گردید.

(٢٦) فَقَدَّوْتَنِي <sup>١٣٤</sup> بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ <sup>١٣٥</sup> اللَّطِيفِ <sup>١٣٦</sup>، تَفَعَّلَ ذَلِكَ بِي تَطَوُّلاً <sup>١٣٧</sup>  
 عَلَى إِلَى غَايَتِي <sup>١٣٨</sup> هَذِهِ، لَا أَغْدُمُ بِرِّكَ، وَلَا يُبْطِئُ <sup>١٣٩</sup> بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ <sup>١٤٠</sup>،  
 وَلَا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِكَ يَقْتِي، فَأَتَفَرَّغَ <sup>١٤١</sup> لِمَا هُوَ أَخْطَى <sup>١٤٢</sup> لِي عِنْدَكَ.  
 (٢٧) قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي <sup>١٤٣</sup> فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَعْفِ الْيَقِينِ، فَأَنَا أَشْكُو  
 سُوءَ مُجَاوَزَتِهِ <sup>١٤٤</sup> لِي، وَطَاعَةَ نَفْسِي لَهُ، وَأَسْتَغْفِصُكَ <sup>١٤٥</sup> مِنْ مَلَكَئِكَ <sup>١٤٦</sup>، وَأَتَضَرَّعُ  
 إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ <sup>١٤٧</sup> عَنِّي.

(٢٨) وَأَسْأَلُكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ <sup>١٤٨</sup> إِلَيَّ رِزْقِي سَبِيلاً، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ  
 بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ <sup>١٤٩</sup>، وَإِلْهَامِكَ <sup>١٥٠</sup> الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ، فَصَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَهِّلْ عَلَى رِزْقِي، وَأَنْ تُقْنِعَنِي <sup>١٥١</sup> بِتَغْدِيرِكَ <sup>١٥٢</sup> لِي، وَأَنْ تُوَضِّعَنِي  
 بِعِصَّتِي <sup>١٥٣</sup> فَيَمَّا قَسَمْتُ لِي، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَعُمْرِي فِي سَبِيلِ  
 طَاعَتِكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاغِبِينَ.

(٢٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ <sup>١٥٤</sup> بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ،  
 وَتَوَعَّدَتْ <sup>١٥٥</sup> بِهَا مَنْ صَدَفَ <sup>١٥٦</sup> عَنْ رِضَاكَ، وَمِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَهَيْئُهَا  
 أَلِيمٌ، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَغْضُهَا بَغْضٌ، وَيَصُولُ بَغْضُهَا عَلَى  
 بَغْضٍ.

(٣٠) وَمِنْ نَارٍ تَذُرُّ <sup>١٥٧</sup> الْعِظَامَ رَمِيماً <sup>١٥٨</sup>، وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيماً <sup>١٥٩</sup>، وَمِنْ نَارٍ  
 لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَغْفَطَهَا <sup>١٦٠</sup>، وَلَا تَقْدِرُ عَلَى

(۲۶) خداوندگارا، در آن حالات که کاملاً ناتوان بودم، بهترین و لطیف ترین غذا را به من خورداندی و مرا تا کنون از نعمت بهره مند ساختی. هرگز نیکی های تو را فراموش نمی کنم و هرگز احسان و نیکی های تو درباره من فروگذار نکرده است، ولی افسوس که هنوز اعتماد تمام به روزی رسانی تو نکرده ام، تا در آن چه تو دوست داری بیشتر بکوشم.

(۲۷) خدایا، شیطان با ایجاد بد گمانی و سستی یقین در وجود من، اختیار مرا در دست دارد و من اکنون شکایت به درگاهت آورده ام که او برای من بد همسایه ای است و با تمام نگرانی و گرفتاری از تو می خواهم مرا حفظ کنی و کید و نیرنگ او را از من دور نمایی.

(۲۸) خداوندگارا، از تو درخواست می کنم که برای به دست آوردن روزی ام راهی آسان قرار دهی و تو را سپاس می گویم که پیش از درخواست من، نعمت های بزرگی را به من مرحمت فرمودی و به من الهام کردی که در برابر احسان و انعام تو سپاس گزار باشم؛ پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و روزی مرا آسان به من برسان و مرا بر تقدیر خود قانع و به سهم و قسمتم راضی گردان و آن مقدار از جسم و عمر خود را که از دست داده ام، در راه اطاعت خود قرار ده، که تو بهترین روزی رسان هستی.

(۲۹) خدایا، به تو پناه می برم از آتش جهنم که نافرمان بران را با آن سرزنش می کنی و هر کس را که از رضا و خشنودی تو دوری کند، به آن وعده داده ای و به تو پناه می برم که تاریک است و آسان و اندک آن دردناک و دورش، نزدیک است و از دور می سوزاند و از آتشی که پاره ای از آن پاره دیگر را می خورد و بعضی از آن به روی برخی دیگر انباشته است.

(۳۰) و به تو پناه می برم از آتشی که استخوان را پوسانیده و به گرفتاران، آبی سوزان و ناگواری نو شاند و آتشی که هرگز انعطاف پذیر نیست و به تضرع و زاری

التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَّمَ إِلَيْهَا، تَلْقَى سُكَّانَهَا<sup>١١١</sup> بِأَخْرَ<sup>١١٢</sup> مَا لَدَيْهَا مِنْ  
الْيَمِّ النَّكَالِ<sup>١١٣</sup> وَشَدِيدِ الزَّوَالِ<sup>١١٤</sup>.

(٣١) وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَابِهَا الْفَاعِرَةِ<sup>١١٥</sup> أَفْوَاهُهَا، وَحَيَاتِهَا<sup>١١٦</sup> الصَّالِقَةِ<sup>١١٧</sup>  
بِأَنْتَابِهَا<sup>١١٨</sup>، وَشَرَابِهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ<sup>١١٩</sup> وَأَفِيدَةَ<sup>١٢٠</sup> سُكَّانِهَا<sup>١٢١</sup> وَيَنْزِعُ<sup>١٢٢</sup> قُلُوبَهُمْ،  
وَأَشْتَهِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا<sup>١٢٣</sup>، وَأَخَّرَ عَنْهَا<sup>١٢٤</sup>.

(٣٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْزِنِي<sup>١٢٥</sup> مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ، وَ  
أَقْلِنِي<sup>١٢٦</sup> عِزَّتِي<sup>١٢٧</sup> بِحُسْنِ إِقَالَتِكَ، وَلَا تَخْذُلْنِي<sup>١٢٨</sup> يَا خَيْرَ الْمُجِيرِينَ<sup>١٢٩</sup>.  
(٣٣) اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَى الْكَرِيهَةِ، وَتُعْطِي الْحَسَنَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تَرِيدُ، وَأَنْتَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(٣٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ<sup>١٣٠</sup>، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِهِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، صَلَاةً لَا يَنْقُطِعُ مَدَدُهَا<sup>١٣١</sup>، وَلَا يُخْصَى<sup>١٣٢</sup> عَدَدُهَا،  
صَلَاةً تَشْحَنُ<sup>١٣٣</sup> الْهَوَاءَ، وَتَمْلَأُ<sup>١٣٤</sup> الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى  
يَرْضَى، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرُّضَا، صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَلَا مُنْتَهَى، يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

انسان گوش نمی‌دهد و به طلب رقت و رأفت انسان توجهی نمی‌کند و به کسانی که در برابر آن از خود فروتنی نشان می‌دهند و تسلیم آن می‌شوند، هرگز تخفیف نمی‌دهد و سوزان‌ترین نهاد خود را بر عذاب شوندگان می‌بارد و گرفتاری و بدبختی را به آنان متوجه می‌سازد.

(۳۱) و به تو پناه می‌برم از عقرب‌هایی که دهان‌هایشان را گشوده‌اند و مارهایی که دندان‌هایشان آماده گزیدن است و از آب‌هایی که نوشیدن آن دستگاه گوارش را قطعه قطعه کند و دل‌ها را از جا برکند و از تو می‌خواهم که راه گریز از این آتش را به من ارائه فرمایی.

(۳۲) خداوندا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به فضل و رحمت خود مرا در پناه خود گیر و از لغزش‌هایم در گذر و مرا خوار مگردان، ای بهترین پناه‌دهندگان.

(۳۳) خدایا، ما را از هرگونه مصیبت نگاه می‌داری و هرگونه نعمت را به ما روا داشته‌ای و آن چه بخواهی انجام می‌دهی و به هر چیز توانایی.

(۳۴) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست، هرگاه که از نیکان یاد شود بر آنان درود فرست مادام که شب و روز می‌گردند؛ درودی که هرگز منقطع نگردد و شماره معینی نداشته باشد؛ به طوری که میان هوا و آسمان و زمین را آکنده کند و درودی که او را خشنود سازد و حتی پس از خشنودی او و درودی که بی‌حد و انتها باشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

### واژه‌ها:

۱. ملوک: سلطان.

۳. الخلود: جاوید.

۲. المتأبد: ابدی.

۴. الممتنع: غیر مغلوب.

۵. اعوان: یار.
۶. مَرّ الدهور: گذشت زمان‌های بسیار.
۷. غوالی الأعوام: سال‌های گذشته.
۸. مواضي الأزمان: گذشته‌های زمان‌ها.
۹. عزّ: رفیع و غالب است.
۱۰. أوّلّیّة: قبل بدون ابتدا.
۱۱. آخریّة: ابد بدون انتها.
۱۲. استعلی: بلند و مرتفع است.
۱۳. سقطت الاشیاء: کوتاه و قاصر هستند.
۱۴. آمده: نهایت آن.
۱۵. ادنی: کمترین.
۱۶. استأثرت: اختصاص دادی.
۱۷. اقصى: نهایت.
۱۸. نعت: صفت.
۱۹. ضلّت: گم شود.
۲۰. تفتّخت: عاجز ماند.
۲۱. حارت: حیرت زده شود.
۲۲. لطائف: ظرافت‌ها.
۲۳. اوهام: ذهن غیر عقلانی.
۲۴. جسم: کهن.
۲۵. وصلات (جمع وُصله): اتصال‌ها.
۲۶. عصم: ریسمان.
۲۷. معصم: گرویده.
۲۸. اعتدّ: تکیه کنم.
۲۹. أبرأ: بر دوش کشیده‌ام.
۳۰. لن یضیق: مشکل نیست.
۳۱. اساء: معصیت کرد.
۳۲. اشرف: آگاه است.
۳۳. خبرك: علم تو.
۳۴. لاتنطوی عنك: از تو مخفی نیست.
۳۵. لاتعزب عنك: از تو پنهان نیست.
۳۶. غیبات: نادیدنی‌ها.
۳۷. سرائر: باطن فطرت.
۳۸. استعوذ: ملط است.
۳۹. استنظرک: از تو مهلت خواسته.
۴۰. غوایة: ضلالت.
۴۱. استمهلك: طلب مهلت کرده.
۴۲. امهلت: او را مهلت دادی.
۴۳. فاوقنی: مرا بر زمین زد.
۴۴. هربّ: فرار کردم.
۴۵. موبقة: هلاک کننده.
۴۶. مردیة: پست کننده.
۴۷. قتل عثی: منصرف از من شد.
۴۸. عذار: گونه.
۴۹. غدره: حيله و نقض وفا.
۵۰. تلقانی: استقبال کرد.



۵۱. تَوَلَّى الْبِرَاءَةَ: روی گردانید.  
۷۴. خَاطِرٌ: واردات قلبی.
۵۲. أَهْرَ: به من پشت کرد.  
۷۵. فَرَطْتُ: قصور کردم.
۵۳. مَوْلِيًّا: روی گردانیده.  
۷۶. اسْتَشْهَدُ: به شهادت طلبیدم.
۵۴. اصْحَرَنِي: مرا آماده و متبَرِّز کرد.  
۷۷. اسْتَجِيرُ: به پناهندگی گرفتم.
۵۵. فَرِيدًا: تنها.  
۷۸. لَا تَتْنِي: ثناء نگوئی.
۵۶. فناء: بر ساحت بیت.  
۷۹. حاشا فروضك: به استثنای واجبات تو.
۵۷. نَقَمْتُكَ: غضب تو.  
۸۰. ضَمِعَهَا: آن را ضایع کند.
۵۸. طَرِيدًا: دور و بعید.  
۸۱. نَافِلَةٌ: مستحب.
۵۹. خَفِيرٌ: حامی.  
۸۲. فروض: واجبات.
۶۰. حَصْنٌ: دژ محکم.  
۸۳. حرَمَات: کارهای حرام.
۶۱. مَلَأَ: پناه گاه.  
۸۴. اَتَهَكَّكُنْهَا: ضایع کردم آنها را.
۶۲. الْبَإَاءُ إِلَيْهِ: پناه بدان برد.  
۸۵. اجْتَرَحْتُهَا: به دست آوردم.
۶۳. الْعَائِدُ: پناهنده.  
۸۶. اسْتَحْيَا: شرم نمود.
۶۴. مَحَلُّ الْمَعْتَرَفِ: جایگاه اعتراف.  
۸۷. سَخَطٌ: غضب کرد.
۶۵. فَلَا يَضِيقُ عَنِّي: نسبت به من کم نیاید.  
۸۸. فَتَقَالَكُ: استقبال کرد.
۶۶. لَا يَقْصُرُ: کوتاه نگردد.  
۸۹. رَقَبَةٌ خَاضِعَةٌ: گردن فرو افتاده.
۶۷. أَخِيبٌ: بیچاره ترین.  
۹۰. مَقْلٌ: خسته کننده.
۶۸. انْقَطَعَ: مأیوس ترین.  
۹۱. وَاقْفًا: نگهداشته شده.
۶۹. وَفُودَكَ: وارد شوندگان بر تو.  
۹۲. الرَّغْبَةُ: میل.
۷۰. الْأَمَلِينَ: آرزومندان.  
۹۳. الرَّهْبَةُ: ترس.
۷۱. فَرَكِبْتُ: انجام دادم.  
۹۴. اَوَّلِي مِنْ رَجَاءٍ وَاتِّقَاءٍ: لایق ترین کسی به
۷۲. سَوَّلَ لِي: اغوا کرد مرا.  
او امید دارد و لایق ترین کسی که باید
۷۳. الْخَطَاءُ: گناه.  
جانب او را نگه داشت.



۹۵. حُذْرَت: ترسانیدی.  
۹۶. عد علی: به من برگردان.  
۹۷. عائدۀ: نصیب.  
۹۸. تَفْعُدَتَنی: مرا پوشانیدی.  
۹۹. حضرة الاکفاء: محضر هم نوعان.  
۱۰۰. فضیحات: بدی های کشف شده.  
۱۰۱. موافق الاشهاد: جایگاه شاهدان.  
۱۰۲. جار: همسایه.  
۱۰۳. احتشم: حیا نکنم.  
۱۰۴. سریراتی: اسرار باطنی.  
۱۰۵. اعطی من رغب: بخشنده ترین کسی که  
مورد رغب است.  
۱۰۶. حدرتنی: نازل کردی.  
۱۰۷. مهینا: پست.  
۱۰۸. صلب: سخت.  
۱۰۹. مضایق: تنگ.  
۱۱۰. مرج: مشکل.  
۱۱۱. مسالك: مجری.  
۱۱۲. ضیقه: او را کوچک ساخته.  
۱۱۳. حجب: حجاب ها - پرده ها.  
۱۱۴. تصرّفنی: در من تصرف می کنی.  
۱۱۵. حالا عن حال: حالی بعد از حالی.  
۱۱۶. انتھیت: تا به آخر رسانیدی.  
۱۱۷. جوارح: اعضا.  
۱۱۸. نعت: وصف کردی.  
۱۱۹. علقه: خون بسته.  
۱۲۰. مضغۀ: غضروف.  
۱۲۱. انشأتی: ایجاد کردی.  
۱۲۲. احتجت: نیاز پیدا کردم.  
۱۲۳. لم استغن: بی نیاز نیستم.  
۱۲۴. غیاث: پناه بردن.  
۱۲۵. فضل: زیادی.  
۱۲۶. اُمتك: کنیز تو.  
۱۲۷. اسگستی: مرا ساکن کردی.  
۱۲۸. جوئها: در شکم او.  
۱۲۹. اودعتنی: مرا نزد او قرار دادی.  
۱۳۰. لو تکلنی: اگر مرا واگذاری.  
۱۳۱. حولی: قدرت خودم.  
۱۳۲. تضطرّتی: مبتلا کنی.  
۱۳۳. معتزلاً: کنار می رود.  
۱۳۴. غذوتنی: به من غذا دادی.  
۱۳۵. البرّ: رنوف.  
۱۳۶. اللطیف: ظریف.  
۱۳۷. تطوّل: دگرگون می کنی، فزونی می یابی.  
۱۳۸. غایتی: منتهای آرزوی من.  
۱۳۹. لا یبطی: تأخیر نکند.

۱۴۰. صیعلک: احسان تو. ۱۶۳. نکال: عقوبت.
۱۴۱. أتفرغ: فراغت یابم. ۱۶۴. وبال: بدعاقبتی.
۱۴۲. أخطئ: آن چه محفوظ تر است. ۱۶۵. الفاقره: بازکننده.
۱۴۳. عنانی: اختیارم را. ۱۶۶. حیات: مارها.
۱۴۴. مجاوره: همسایگی. ۱۶۷. الصالقة: دارای صدای بسیار بلند.
۱۴۵. استصمك: از تو حفظ خود را طلب كنم. ۱۶۸. أنياب: دندان ها.
۱۴۶. ملکه: تسلط و قدرت او. ۱۶۹. أمعاء: دستگاه گوارش.
۱۴۷. صرف کیده: کیدش بر گردانی. ۱۷۰. افئدة: قلب ها.
۱۴۸. سهّل: آسان کنی. ۱۷۱. سگائها: ساکنان آن.
۱۴۹. جسام: بزرگ. ۱۷۲. ينزع: از جای برکند.
۱۵۰. الهامك: شعوری الهی. ۱۷۳. باعد منها: از آن به دور هستند.
۱۵۱. تقمّنی: راضیم کنی. ۱۷۴. آخر عنها: از آن جای ماندند.
۱۵۲. بتقديرك: اندازه گیری تو. ۱۷۵. أجزئی: پناهم ده.
۱۵۳. بحضتی: نصیب من. ۱۷۶. اقلنی: نگهم بدار.
۱۵۴. تغفلت: باشدت بر خورد کرده ای. ۱۷۷. عثرانی: لغزش هایم.
۱۵۵. توعدت: تهدید کرده ای. ۱۷۸. لاتخذلنی: بیچاره ام مکن.
۱۵۶. صدق: اعراض کرده. ۱۷۹. مجیر: پناه دهنده.
۱۵۷. نذر: رها می کند. ۱۸۰. أفرار: نیکوکاران.
۱۵۸. رمم: پوشیده. ۱۸۱. مددها: مدت آن.
۱۵۹. حیا: آب بسیار داغ. ۱۸۲. لاتحصی: قابل شمارش نشده.
۱۶۰. استعطفا: از او درخواست عطاقت کند. ۱۸۳. ثمن الهراء: پراکند هوا را.
۱۶۱. سگائها: ساکنان خود. ۱۸۴. تملأ: پر می کند.
۱۶۲. آخر: داغ ترین.



## دعاؤه في الاستخارة

وَكَانَ، مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ

(١) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ لِيْ بِالْخَيْرَةِ<sup>٢</sup>، وَ اَلْهِنَّا<sup>٣</sup> مَعْرِفَةَ الْاِخْتِيَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْيَعَةً<sup>٤</sup> اِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ؛ فَارْخُ عَنَّا رِيبَ الْاِزْتِيَابِ<sup>٥</sup>، وَ اَيِّدْنَا بِبَيِّقِينَ الْمَخْلُوصِينَ.

(٢) وَلَا تُسَمِّنَا<sup>٦</sup> عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ، فَتَغْمِطَ<sup>٧</sup> قَدْرَكَ، وَ نَكْرَهَ<sup>٨</sup> مَوْضِعَ رِضَاكَ، وَ نَجْنَحَ<sup>٩</sup> اِلَى الْبَئِىِّ هِيَ اَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَ اقْرُبْ اِلَى ضِدِّ الْعَاقِبَةِ. حَبَّبْ اِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَضِعُّ مِنْ حُكْمِكَ.

(٣) وَ اَلْهِنَّا الْاِنْقِيَادَ لِمَا اُورِذْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ، حَتَّى لَا نُحِبَّ تَاْخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا تَعْجِيْلَ مَا اَخَّرْتَ، وَلَا نَكْرَهَ مَا اُخْبِتْتَ، وَلَا تَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ. وَ اخْنِمْ لَنَا بِالْبَئِىِّ هِيَ اَحْمَدُ عَاقِبَةً، وَ اَكْرَمُ مَصِيْرًا، اِنَّكَ تُفِيدُ الْكَرِيْمَةَ، وَ تُغْطِي الْجَبْسِيْمَةَ، وَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَ اَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ.

## دعای استخاره

(۱) خدایا، من خیر را از علم و آگاهی تو طلب می‌کنم؛ پس بر محمد و آل او درود نثار فرما و نیکی خود را حتم بفرما و شناخت حسن انتخاب را به من الهام فرما و آن را وسیله‌ای برای به دست آوردن خشنودی تو و تسلیم در برابر فرمان تو گردان و در نتیجه حالت شک و دودلی را از ما دور و به یقین مخلصان مؤید گردان.

(۲) ما را گرفتار ناآگاهی به آن چه در احاطه قدرت توست مگردان، تا مبدا ارزشات را کوچک انگاشته و موارد خشنودی و رضای تو را نشناسیم و به سوی فرجام بد رهسپار گردیم و به بدبختی گرفتار آییم، بلکه آن چه را حتم فرمودی محبوب ما قرار بده و آن دسته از فرمان‌های تو که در نظر ما مشکل می‌نماید، در نظر ما آسان جلوه ده.

(۳) خدایا، ما را به آن چه در مورد ما اراده فرموده‌ای، منقاد گردان؛ آن چنان که آن چه را مقدر فرموده‌ای به زودی انجام پذیرد تأخیر آن را نپسندیم و آن چه را که تأخیرش را حتم قرار داده‌ای تعجیل آن را نخواهیم و هرگز به آن چه دوست داری ناخوشایندی در ما راه نیابد و آن چه را ناپسند می‌دانی انتخاب نکنیم و پایان عمر ما را در بهترین عاقبت و در بهترین مسیر قرار ده، زیرا کرامت و نعمت‌های بزرگ را تو عطا می‌فرمایی و آن چه را که تو اراده فرمایی مانعی در انجام آن نخواهد بود و بر هر چیز توانایی.

### واژه‌ها:

۱. اَسْتَخِرُكَ: از تو طلب خیر می‌کنم.
۲. وَاقِضْ: حتم و مقدر کن.
۳. الْخَيْرَةُ: خیر.
۴. اَلْهِنَا: به ذهن ما بیاور.
۵. ذَرِيعَةُ: وسیله.
۶. اَنْزَحْ: دور کن.
۷. اَلارْتَابَةُ: شک.
۸. لَا تُشْنَأْ: مبتلا نکن.
۹. فَنَفْعُ: کوچک شماریم.
۱۰. نَكْرَهْ: اکراه داشته باشیم.
۱۱. نَجْنَجْ: مایل شویم.





## دعاؤه إذا ابتلي أو رأى مبتلى بفضيحة بذنب

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتُلِيَ أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحَةٍ بِذَنْبٍ  
(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى يَسْرِكَ<sup>١</sup> بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ مَعَاذِكَ<sup>٢</sup> بَعْدَ خُبْرِكَ، فَكَلَّمْنَا  
قَدْ افْتَرَفَ<sup>٣</sup> الْعَايِبَةَ<sup>٤</sup> فَلَمْ تَشْهَرْهُ<sup>٥</sup>، وَازْتَكَبَ<sup>٦</sup> الْفَاجِشَةَ<sup>٧</sup> فَلَمْ تَفْضَحْهُ<sup>٨</sup>، وَ  
تَسْتَرَّ بِالْمَسَاوِي<sup>٩</sup> فَلَمْ تَذُلْ عَلَيْهِ<sup>١٠</sup>. كَمْ نَهَى لَكَ قَدْ أَتَيْنَاهُ<sup>١١</sup>، وَ أَمْرٌ قَدْ وَقَفْتَنَا<sup>١٢</sup>  
عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ<sup>١٣</sup>، وَ سَيِّئَةً اكْتَسَبْنَاهَا، وَ خَطِيئَةً اِزْتَكَبْنَاهَا، كُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَيْهَا<sup>١٤</sup>  
دُونَ النَّاطِرِينَ، وَ الْقَادِرَ عَلَى إِعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا جِبَاباً  
دُونَ أَبْصَارِهِمْ<sup>١٥</sup>، وَ رَدْمًا<sup>١٦</sup> دُونَ أَسْمَاعِهِمْ.

(٢) فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ<sup>١٧</sup>، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ<sup>١٨</sup>، وَاعِظْأَ لَنَا،  
وَ زَاجِرًا<sup>١٩</sup> عَنْ سُوءِ الْخُلُقِ وَ افْتِرَافِ<sup>٢٠</sup> الْخَطِيئَةِ، وَ سَعْيًا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاجِيَةِ<sup>٢١</sup>  
وَ الطَّرِيقِ الْمُخْمُودَةِ<sup>٢٢</sup>، وَ قَرَبِ الْوَقْتِ فِيهِ، وَ لَا تَسْمُنَا<sup>٢٣</sup> الْعَقْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ  
رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ. وَ صَلِّ عَلَى خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ وَ  
عِزَّتِهِ<sup>٢٤</sup> الصَّفْوَةِ<sup>٢٥</sup> مِنْ بَرِيَّتِكَ<sup>٢٦</sup> الطَّاهِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا  
أَمَرْتَ.



## دعا هنگام مشاهده حال گرفتاران و رسواشدگان در اثر گناه

(۱) خدایا، ستایش تو را که با وجود آگاهی به گناهان ما، آنها را پوشاندی و پس از آگاهی به حال ما، عافیت بخشیدی. از این رو، ما اعتراف می‌کنیم که مرتکب کردارهای زشت شده‌ایم و تو هرگز ما را رسوا نکردی، بلکه همه را مستور داشتی و هیچ کس را بر آنها آگاه نفرمودی، چه گناهانی را که در مخالفت نهی تو و کوتاهی در امر تو و تجاوز از حدود تو مبتلا شدیم و چه بسیار کارهای زشت و خطایی که مرتکب شدیم و تو از همه آنها آگاه بودی و دیگری را آگاه نکردی و بیش از هر کسی توان اعلان همه آن خطاها را داشتی، ولی عافیت تو موجب محفوظ ماندن ما از چشم دیگران و مانع شنیدن گوش آنان بود.

(۲) خدایا، پرده ستاریت خود را که بر زشتی‌های ما کشیده‌ای و عیب‌ها و فسادهای ما را پوشانیده‌ای، موجب تذکر و مانع از سوء خلق و فرو رفتن در گناه قرار ده و نیز کوشش ما را به طرف توبه‌ای مؤثر در رفع آثار گناهان و پیمودن راه مورد پسند خود قرار بده و وقت ما را در تلاش به سوی قرب خود صرف نما و هرگز غفلت از خودت را نصیب ما مگردان، که ما به درگاه تو راغب و از گناهان خود توبه می‌کنیم و بر بهترین آفریده خود، یعنی حضرت محمد و خاندان برگزیده او درود فرست و ما را گوش به فرمان و مطیع آنان بگردان.

### واژه‌ها:

۱. سترك: پوشش تو بر گناهان.
۲. معافاتك: عافیت تو بر ما.
۳. اقترف: به دست آورده.
۴. العانة: عیب.
۵. لم تشهره: علنی نکردی آن را.
۶. ارتكب: مرتکب شد.
۷. الفاحشة: بسیار قبیح.
۸. لم نفضحه: عیب او را علنی نکردی.
۹. مساوی: بدی‌ها.
۱۰. لم تدلّ علیه: کسی را آگاه بر آن نکردی.
۱۱. ائنه: به جا آوردیم.
۱۲. وقتنا: آگاه شدیم.
۱۳. فتعدّنه: از آن تجاوز کردیم.
۱۴. المطلع علیها: مطلع بر آن.
۱۵. حجاباً دون ابصارهم: حجاب دیدن آنها.
۱۶. ردم: حجاب از شنیدن.
۱۷. العورة: واجب الستر.
۱۸. دخلة: غش و فساد.
۱۹. زاجر: مانع.
۲۰. اقتراف: ارتکاب.
۲۱. ماحية: محو کننده.
۲۲. محمودة: پسندیده.
۲۳. ولا تشمتا: مبتلا نکن.
۲۴. هنرت: نزدیک‌ترین خویشاوندانش.
۲۵. الصفوة: برگزیده.
۲۶. برئك: مخلوق تو.



## دعاؤه في الرضا بالقضاء

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرِّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا  
 (١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ. شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَاشِ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ،  
 وَأَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْتِنِي بِمَا  
 أَغْطَيْتَهُمْ، وَلَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي، فَأَحْسُدْ<sup>٢</sup> خَلْقَكَ، وَأَغْمِطْ<sup>٣</sup> حُكْمَكَ. اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَيِّبْ<sup>٤</sup> بِقَضَائِكَ نَفْسِي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ<sup>٥</sup>  
 صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَوْفَرِ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْجَيِّزَةِ، وَاجْعَلْ  
 شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي<sup>٦</sup> أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا حَوَّلْتَنِي<sup>٧</sup>.  
 (٢) وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ خَسَاسَةً<sup>٨</sup>، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ نَزْوَةٍ فَضْلًا،  
 فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَفَتْهُ طَاعَتُكَ، وَالْعَزِيزَ<sup>٩</sup> مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ. فَصَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَغْنًا<sup>١٠</sup> بِنَزْوَةٍ لَا تَنْفَدُ<sup>١١</sup>، وَأَيِّدْنَا بِعِزٍّ لَا يُفْقَدُ<sup>١٢</sup>، وَاسْرَحْنَا<sup>١٣</sup> فِي  
 مُلْكِكَ الْأَبَدِ، إِنَّكَ الْوَاحِدُ<sup>١٤</sup> الْأَخَدُ<sup>١٥</sup> الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ  
 لَكَ كُفُوًا<sup>١٦</sup> أَحَدٌ.

## دعا برای خشنودی از داده‌ها

(۱) سپاس خدا را، به سبب خشنودی در برابر فرمان او. گواهی می‌دهم که خداوند متعال با عدل و داد روزی بندگان را تقسیم فرموده و فضل او شامل حال تمامی آنان است. خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا با عطایایی که به توانگران داده‌ای آزمایش مفرما و به وسیله آن چه از من منع فرمودی، مرا امتحان مکن که مبادا بر آنان رشک و حسد برده و حکم تو را سبک بشمارم. خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا به مقدرات و حکم خود خوشدل گردان و پیوسته شرح صدر به آن چه تقدیر فرموده‌ای به من کرامت فرما و اطمینانی به من ارزانی دار که بدانم قضای تو جز به خیر من جاری نیست و تشکر و سپاس‌گزاری مرا از خود درباره آن چه از من منع فرموده‌ای، بیش از تشکر من در برابر نعمت‌هایی که به من عطا کرده‌ای، قرار ده.

(۲) خدایا، مرا نگاه دار که مبادا به نادار به چشم حقارت بنگرم و یا برای توانگری، برتری بی جا توهم کنم، زیرا شریف کسی است که تو او را به شرافت بندگی خود مفتخر ساخته باشی و عزیز کسی است که بندگی تو او را عزیز بدارد. پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از ثروت و عزت غیر قابل زوال بهره‌مند ساز و به سوی سلطنت جاویدان هدایت فرما، زیرا تو یگانه و بی‌همتا و بی‌نیازی هستی که نه زایش داشته‌ای و نه مولود کسی هستی و نه همانند و همتایی داری.

### واژه‌ها:

- |   |                                 |
|---|---------------------------------|
| ۱. معایش: وسایل زندگی.                  | ۹. حساسه: پستی.                 |
| ۲. لاتفتی: آزمایشم مکن.                 | ۱۰. العزیز: جلیل القدر کم نظیر. |
| ۳. فاحسد: حسد ورزم.                     | ۱۱. متعنا: به ما اعطا فرما.     |
| ۴. ألغط: کوچک شمرم.                     | ۱۲. لاتنفد: پایان نپذیرد.       |
| ۵. طیب: پاکیزه کن.                      | ۱۳. لاتفقد: فاقد نشود.          |
| ۶. مراقع حکمک: زمینه‌های قضا و قدرت را. | ۱۴. أشرخا: ما را راه‌ها کن.     |
| ۷. زویت عتی: از من منع کردی.            | ۱۵. واحد: یکی.                  |
| ۸. غولتی: مرا عطا کردی.                 | ۱۶. احد: یگانه.                 |
|   | ۱۷. کفو: نظیر.                  |





## دعاؤه عند سماع الرعد

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّحَابِ وَالْبَرْقِ وَسَمِعَ صَوْتَ الرَّعْدِ

(١) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِكَ، وَهَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ، يَبْتَذِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ، فَلَا تُخْطِرْنَا بِهِمَا مَطَرُ السَّوْءِ، وَلَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ.

(٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ، وَبَرَكَتَهَا، وَاصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا، وَمَضَرَّتَهَا، وَلَا تُصِبْنَا فِيهَا بِآفَةٍ، وَلَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَعَاشِنَا عَاهَةً.

(٣) اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتُ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَأَرْسَلْتَهَا سَخْطَةً، فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَنَبْتَهِلُ<sup>١</sup> إِلَيْكَ فِي سُؤَالِ عَفْوِكَ، فَمِلْ<sup>٢</sup> بِالْقَضْبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ، وَأُوذِ<sup>٣</sup> رَحَى<sup>٤</sup> نِقْمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ.

(٤) اللَّهُمَّ أَذْهَبْ مَخْلَ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ، وَأَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ، وَلَا تَشْغَلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ، وَلَا تَقْطَعْ عَنَّا كَافَتَنَا<sup>٥</sup> مَادَّةَ بَرِّكَ، فَإِنَّ الْغَنَى مِنْ أَعْنَيْتِ، وَإِنَّ السَّالِمَ مِنْ وَقَيْتِ<sup>٦</sup>.



## دعا به هنگام دیدن ابر و شنیدن صدای آذرخش

(۱) بار خدایا، این ابر و رعد و برق، دو مورد از نشانه‌های تو و دو یار از یاران تو اند که به فرمان تو می‌شتابند و رحمت سودمند یا عذاب و نعمت مضر و آسیب رسان تو را فرو می‌بارند. خدایا، به وسیله این دو، باران زیان آور بر ما نفرست و ما را به گرفتاری‌های فراگیر مبتلا مگردان.

(۲) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و برکات و منافع ابرها را بر ما نازل گردان و هرگز ما را به آفت و گرفتاری‌های آن مبتلا مفرما و بر زندگی ما که با نظام طبیعی این عالم رابطه تمام دارد، گرفتاری روا مدار.

(۳) خدایا، اگر ابر و باران‌ها را برای عذاب و نعمت ما فرستاده‌ای، پس به تو پناه می‌بریم و با تضرع بسیار از تو درخواست عفو و بخشایش می‌کنیم. بنابراین، غضب خود را نصیب مشرکان گردان و عذاب خود را به سوی منکران و ملحدان متوجه ساز.

(۴) خدایا، خشک‌سالی موجود در دیار ما را با باران رحمت زایل گردان و گمان و نگرانی قلب ما را با روزی فراوانت برطرف کن و ما را به دیگران مشغول نفرما و هرگز ریشه‌های نیکی خود را از این اُمّت قطع منما، راستی توانگر کسی است که تو او را غنی ساخته‌ای و سلامتی و امن و عافیت کسی دارد که تو او را عطا کرده‌ای.

(٥) مَا عِنْدَ أَحَدٍ دُونَكَ<sup>١٦</sup> دِفَاعٌ، وَلَا بِأَحَدٍ عَنِ سَطَوَاتِكَ<sup>١٧</sup> امْتِنَاعٌ، تَحْكُمُ بِمَا  
 شِئْتَ عَلَى مَنْ شِئْتَ، وَتَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ.

(٦) فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلْتَنَا<sup>١٨</sup> مِنَ  
 النُّعْمَاءِ، حَمْدًا يُخَلِّفُ<sup>١٩</sup> حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ، حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ.

(٧) إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِحَسِيمِ الْيَمَنِ<sup>٢٠</sup>، الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النُّعْمِ، الْقَابِلُ بِسِيرِ الْحَمْدِ،  
 الشَّاكِرُ قَلِيلَ الشُّكْرِ، الْمُحْسِنُ الْمُجِيبُ، ذُو الطُّولِ<sup>٢١</sup>، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَهِيكَ  
 الْمَصِيرُ<sup>٢٢</sup>.



(۵) کسی جز تو توان دفاع از حوادث را ندارد و هیچ کس توان خود نگهداری از غلبه تو را نخواهد داشت. درباره هر کس به هر چه بخواهی حکم می رانی و درباره هر چیز هر چه اراده کنی رواست و مانعی در برابر تصمیم تو نیست.

(۶) پس ستایش تو را که ما را از هر گرفتاری نگاه داشتی و سپاس تو را که نعمت های فراوان به ما کرامت فرمودی، ستایشی که بر سپاس گزاران فایز آید و زمین و آسمان از آن آکنده گردد.

(۷) خدایا، تو با نعمت های بی پایان و عظمت بر بندگان منت فراوان داری و با تمام این عظمت کمترین سپاس ما را ارج می گذاری و می پذیری و کمترین شکرانه را پاداش می دهی و پیوسته احسان می فرمایی و همه چیز را در کمال زیبایی آفریده ای و دارای قدرت بسیار هستی و جز تو در نظام هستی هیچ کس مؤثر نیست و سیر هستی به سوی توست.

### واژه ها:

۱. عون: کمک کار.
۲. پتدران: سبقت گیرند.
۳. نعمة: بلا.
۴. لاتمطرنا: بر ما باران نیار.
۵. ولاتلبسنا: بر ما مهوشان.
۶. سحاب: ابرها.
۷. افاها: آزارهای آنها.
۸. لاتصبنا: ما را هدف قرار نده.
۹. بهتتها: فرستادی آن را.
۱۰. نتهل: تضرع می کنیم.
۱۱. فیل: پس میل کن.
۱۲. أیر: دور بزن.
۱۳. یحی: آسیا - نیروی خرد کننده.
۱۴. کافتنا: تمامی ما.
۱۵. وقیت: نگاه داشته ای.
۱۶. دونک: غیر تو.
۱۷. سطوة: قهر و غلبه.
۱۸. غولتنا: نعمت دادی.
۱۹. یخلف: جانشین شود.
۲۰. جسم السن: منت های بزرگ.
۲۱. ذوالطول: صاحب قدرت و عزت.
۲۲. المصیر: مرجع.



## دعاؤه في الشكر

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ  
(١) اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَتْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا  
يُلْزِمُهُ شُكْرًا.

(٢) وَلَا يَتْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصَرًا دُونَ  
اسْتِخْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ.

(٣) فَأَشْكُرُ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَأَعْبُدُكُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكِ.  
(٤) لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِخْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ  
بِاسْتِيجَابِهِ.<sup>٢</sup>

(٥) فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ قَبْطُولَكَ<sup>١</sup>، وَمَنْ رَضِيتَ عَنْهُ قَبْضُوكَ.

(٦) تَشْكُرُ يَسِيرًا مَا شُكِرَتْهُ، وَتُثِيبُ<sup>٣</sup> عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى  
كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبَتْ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ وَأَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ،  
أَمْرٌ مَلَكَوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ<sup>٤</sup>، أَوْ لَمْ يَكُنْ سَبَبُهُ بِسَيِّدِكَ  
فَجَازَيْتَهُمْ.

## اعتراف به کوتاهی در ادای شکر خدا

(۱) خدایا، هیچ کس توان شکر تو را ندارد، زیرا شکرگزاری بندگان احسان دیگر را از تو می‌طلبد تا بنده‌ای را سپاس‌گزار تو قرار دهد [و این خود نعمت دیگری است که شکرگزاری آن لازم است].

(۲) هرگز طاعت بندگان اگرچه کوشش بسیار کنند به حدی که تو استحقاق آن را داری نخواهد بود.

(۳) پس سپاس‌گزارترین بندگان از شکر تو عاجز است و عابدترین آنان در حق تو مقصر و اطاعت لایق تو را به جانیاورده‌اند.

(۴) هرگز در بخشودن بندگان بر تو الزامی نیست و حقی از سوی آنان بر تو نیست و خشنودی تو از آنان بر تو الزامی نمی‌باشد.

(۵) هر کس را آمرزیده‌ای از کرامت تو ست و از هر کس خشنود گردیده‌ای، از احسان و تفضل تو ست.

(۶) چنان که دارهای اندک را پاداش می‌دهی و به طاعت‌های کوتاه کرامت می‌کنی که گویی شکر شاکران به گونه‌ای است که بدون قدرت تو می‌تواند انجام گیرد و در عملی که در انجام آن مستقل اند جزا داده‌ای، هرگز چنین نیست و اسباب همه چیز در دست تو است.

(٧) بَلْ مَلَكَتْ - يَا إِلَهِي - أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَسْئَلُوكَ عِبَادَتَكَ، وَأَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا<sup>١</sup> فِي طَاعَتِكَ، وَذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ<sup>٢</sup> الْإِفْضَالَ، وَعَادَتَكَ الْإِحْسَانَ، وَسَبِيلَكَ الْعَفْوَ.

(٨) فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ<sup>٣</sup> مُغْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ، وَشَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَّضِلٌ عَلَى مَنْ عَاقَبْتَ، وَكُلُّ مُقِرٍّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّغْيِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ.

(٩) فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ<sup>٤</sup> عَنْ طَاعَتِكَ، مَا عَصَاكَ عَاصٍ<sup>٥</sup>، وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ، مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ.

(١٠) فَسُبْحَانَكَ مَا أُبَيِّنُ<sup>٦</sup> كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ مَنِ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ: تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ<sup>٧</sup> لَهُ، وَتُعْلِي<sup>٨</sup> لِلْعَاصِي فِيمَا تَمْلِكُ مُعَاجَلَتَهُ فِيهِ.

(١١) أُعْطِيتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ، وَتَفَضَّلْتَ عَلَى كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَنْقُصُ عَمَلُهُ عَنْهُ.

(١٢) وَلَوْ كَافَاتِ<sup>٩</sup> الْمُطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لِأَوْشَكَ<sup>١٠</sup> أَنْ يَفْقِدَ ثَوَابَكَ، وَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ، وَلَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْغَايَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ<sup>١١</sup>، وَ عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الرَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ السَّمِيدَةِ<sup>١٢</sup> الْبَاقِيَةِ.

(١٣) ثُمَّ لَمْ تَسْمَعْ<sup>١٣</sup> الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَتَوَلَّى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَلَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ<sup>١٤</sup> فِي الْآلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا

(۷) بلکه تو - ای معبود من - مالک ایشان هستی و بوده‌ای، پیش‌تر از آن‌که توانایی بندگی‌ات را داشته باشند و ثواب آنان را پیش‌تر آماده کرده‌ای، زیرا سنت تو تفضل و شیوه‌ات نیکوکاری و روش تو عفو و گذشت است.

(۸) خدایا، همهٔ آفریده‌ها موحد و غیر موحد بر این واقعیت اعتراف دارند که هر که را به کفر رسانی، هرگز ستمی نکرده‌ای و نیز می‌دانند آن‌که عافیت را از تو دریافت داشت، فضل و رحمت تو بود که او را بر خوردار نمود و همگی بر این باورند که هرگز توان آن را ندارند که چنان‌که زبینهٔ توست، بندگی‌ات را ادا کنند.

(۹) اگر شیطان یا نیرنگ خود آنان را از اطاعت تو باز نمی‌داشت، هیچ‌کس تو را نافرمانی نمی‌کرد و اگر باطل را به صورت حق بر آنان جلوه نمی‌داد، هیچ‌کس دچار گمراهی نمی‌گردید.

(۱۰) خداوندگارا چه قدر پاک و منزهی، با آن‌که توفیق اطاعت را خود به اطاعت‌کنندگان مرحمت کرده‌ای، پاداش فراوان به آنان عطا می‌فرمایی و گنه‌کاران را در اقدامی که تعجیل در عقوبت را ایجاب می‌کند، مهلت می‌دهی.

(۱۱) برگناه‌کاران و بر فرمان بران فوقِ آن‌چه را که سزاوار آن هستند و عمل کرده‌اند، اعطا نموده‌ای.

(۱۲) اگر بندگانت را به کاری که آنان را بدان گمارده و موفق کرده‌ای و بر حسب آن تأییدها که به آنان عطا فرموده‌ای و متولی کار آنان بوده‌ای ملاحظه فرمایی، هرگز استحقاق پاداش را ندارند، ولی کَرَم تو آن چنان است که در برابر عمل مختصر آنان که در مدت کوتاه به جا آورده‌اند، نعمت بی‌پایان به آنان عطا می‌کنی.

(۱۳) خداوندگارا، تو هرگز از بندگان در روز محشر دربارهٔ روزی‌هایی که استفاده کرده و قدرت بر عبادت تو یافته‌اند و همگی از تو بوده‌است و یا از ابزارها و



إِلَى مَغْفِرَتِكَ، وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ<sup>٢٢</sup> لَهُ وَجُفَلَةٍ مَا سَعَى  
فِيهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَى مِنْ أَيَادِيكَ<sup>٢٣</sup> وَمِنْكَ، وَلَبَقِيَ رَهِينًا<sup>٢٤</sup> بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ  
نِعَمِكَ، فَمَتَى كَانَ<sup>٢٥</sup> يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا مَتَى؟

(١٤) هَذَا - يَا إِلَهِي - حَالُ مَنْ أَطَاعَكَ، وَسَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ، فَأَمَّا الْعَاصِي  
أَمَرَكَ وَالْمُوَاقِعُ<sup>٢٦</sup> نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقَمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَغْفِرَتِكَ  
حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعُصْيَانِكَ كُلَّ مَا  
أَعْدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ.

(١٥) فَجَمِيعُ مَا أَخْزَتْ عَنْهُ مِنَ الْقَذَابِ وَأَبْطَأَتْ<sup>٢٧</sup> بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ<sup>٢٨</sup>  
النِّقَمَةِ وَالْعِقَابِ، تَزُكُّ مِنْ حَقِّكَ، وَرِضَى بِدُونِ وَاجِبِكَ.

(١٦) فَمَنْ أَكْزَمُ - يَا إِلَهِي - مِنْكَ، وَمَنْ أَشْقَى مِنْ هَلَكَ عَلَيْكَ؟ لَا مَنْ؟  
فَتَبَارَكْتَ<sup>٢٩</sup> أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، وَكَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ،  
لَا يُخْشَى<sup>٣٠</sup> جُورُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَلَا يُخَافُ إِغْفَالُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ؛  
فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي أَمَلِي<sup>٣١</sup>، وَزِدْنِي مِنْ هَذَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى  
التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ.



اسباب و ادواتی که موجب شده است آنان توانایی بر بندگی پیدا کنند و تو برای آنان فراهم کرده‌ای، حساب نمی‌کشی، زیرا با چنین محاسبه‌ای، هیچ یک از بندگان با تمام سعی و کوششی که کرده‌اند، مستحق کمترین جزا و پاداش نخواهند بود، بلکه در حالی که مرهون نعمت‌های تو قرار گرفته‌اند در مقابل تو وامانده خواهند بود. راستی چه کسی سزاوار ثواب است؟! هرگز کسی بر تو حقی ندارد و هیچ گاه فردی از تو طلبکار نیست جز آن که تو عطا و عنایت فرمایی.

(۱۴) معبودا، چنین است حال اطاعت‌کنندگان و راه و روش بندگان تو و رفتار تو با بندگان گناه‌کار. چنین است که در عقوبت آنان شتاب نفرموده‌ای تا شاید از حال آلودگی به عالم پاکیزگی گرایش پیدا کنند، در حالی که در اولین گام که برای گناه برداشتند، تمام آن چه را که برای همه تبه‌کاران آماده کرده‌ای، مستحق بودند.

(۱۵) پس تمامی مجازات‌ها و سرزنش‌هایی که در مورد گناه‌کاران انجام نداده‌ای و عفو و گذشت نموده‌ای، در واقع جز آن نیست که تو از حق خویش گذشته و همگی را به عفو خود بخشوده‌ای.

(۱۶) ای معبود من، چه کسی از تو گرامی‌تر است و چه کسی بدبخت‌تر از آن که در درگاه تو تبه‌گردد؟ راستی چه کسی؟ پس تو برتر از آنی که بتوانی تو را جز به احسان و نیکوکاری توصیف نمود و منزّه‌تر از آن هستی که مردم جز از عدل تو بیم داشته باشند. هرگز کسی از آن بیم ندارد که تو برگناه‌کاران جور و ستم روا فرمایی و از ثواب کسانی که در راه خشنودی تو گام برداشته‌اند، غفلت فرمایی؛ پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا به آرزوهایم برسان و هدایت پی‌گیری که مراد اعمال نیکم موفق گرداند، به من عطا بفرما، که تو متّان و بزرگواری.



### واژه‌ها:

۱. مبلغ: مقدار.
۲. اجتهد: تلاش کند.
۳. استیجاب: طلب امر واجب.
۴. طول: قدرت.
۵. پسر: کم.
۶. ثیب: اجر می‌دهی.
۷. کافیه: جزا داده‌ای.
۸. بغضوا: داخل شوند.
۹. شك: طریقه تو.
۱۰. البریة: همه مردم.
۱۱. یخندعم: آنان را گول بزند.
۱۲. عاصی: گنه کاری.
۱۳. مالمین: چه واضح است.
۱۴. تویته: متولی آن بوده‌ای.
۱۵. ثلی: مهلت داده‌ای.
۱۶. کافات: جزا دادی.
۱۷. اوئک: نزدیک است.
۱۸. خالدة: جاویدان.
۱۹. مدیده: طولانی.
۲۰. لم تسه: بر او وارد نکردی.
۲۱. مناقشات: حسابرسی دقیق.
۲۲. کدح: تلاش کرده.
۲۳. أبادیک: نعمت‌های تو.
۲۴. رهناً: گروگان.
۲۵. فمتی کان: چه وقت بود.
۲۶. المواقع: مرتکب.
۲۷. ابطات: مهلت دادی.
۲۸. سطوات: غلبه و قدرت‌ها.
۲۹. فتبارکت: همیشه پر برکت هستی و بزرگی.
۳۰. لا یخشی: ترسیده نشود.
۳۱. أئلی: آرزویم.



## دعاؤه في الاعتذار

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِذَارِ مِنْ تَبِعَاتِ الْعِبَادِ وَمِنَ التَّنْصِيرِ  
فِي حُقُوقِهِمْ وَفِي فَكَالِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ<sup>١</sup> إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي<sup>٢</sup> فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ  
مَغْرُوفٍ أَسَدَى إِلَيَّ<sup>٣</sup> فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مُسِيءٍ إِيغْتَدَرَ إِلَيَّ<sup>٤</sup> فَلَمْ أَعْذِرْهُ، وَمِنْ  
ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤَيِّزْهُ<sup>٥</sup>، وَمِنْ حَقٍّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤَفِّرْهُ، وَ  
مِنْ غَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ، وَمِنْ كُلِّ<sup>٦</sup> إِنَّمِ<sup>٧</sup> عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ<sup>٨</sup>.

(٢) أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مِنْهُمْ وَمِنْ نَظَائِرِهِمْ إِيغْتَدَارَ نَدَامَةٍ<sup>٩</sup> يَكُونُ  
وَاعِظًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِمْ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نَدَامَتِي  
عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ<sup>١٠</sup>، وَعَزِّمِي<sup>١١</sup> عَلَى تَرْكِ مَا يَغْرِضُ لِي مِنَ  
السَّيِّئَاتِ، تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ، يَا مُجِيبَ التَّوَابِينَ.

## پوزش‌خواهی از کوتاهی در حقوق مردم

(۱) خدایا، من به درگاه تو پوزش می‌طلبم، از آن‌گاه که ستم‌دیده‌ای در حضور من مورد ظلم قرار گرفته و من یاری‌اش نکردم و از نیکوکاری و احسانی که شکرش را به جانیاوردادم و عذرخواهی از گناهی که من نپذیرفته‌ام و از فقیر سائلی که به او ایشار نکردم و حق فردی که برای من ثابت است و من حق او را ادا ننموده‌ام و عیب مؤمنی که ظاهر شده است و من آن را نهوشیده‌ام و گناهی که از آن دوری نجسته‌ام.

(۲) خدایا، از محضر تو پوزش می‌طلبم از تمامی امور یاد شده و نظایر آنها؛ پوزشی که برای من نسبت به پدیده‌های دیگر مشابه آن عبرت‌آمیز باشد، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و پشیمانی مرا از تمامی لغزش‌ها و همه پیش‌آمدهای دیگر از گناهان بپذیر؛ توبه‌ای که محبت تو را به من جلب کند. ای دوستدار توبه‌کنندگان.

واژه‌ها:

۱. اَعْتَذَرُ: پوزش می‌طلبم.
۲. حضرتی: در محضر من.
۳. اُسْدِیَّ الی: به من عطا شده.
۴. فلم اَعْفِرْهُ: عذر او را نپذیرم.
۵. ذی فاقه: فقیر.
۶. لم اَوْثِرْهُ: او را برخود مقدم نداشته باشم.
۷. اِئِم: گناه.
۸. لم اَهْجِرْهُ: از آن دوری نکرده باشم.
۹. ندامه: پشیمانی.
۱۰. زَلَّات: لغزش‌ها.
۱۱. عزمی: اراده حتم من.





## دعاؤه في طلب العفو

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ  
(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مَحْرَمٍ، وَازُوْ  
جِزْصِي عَنْ كُلِّ مَأْتَمٍ<sup>٢</sup>، وَامْنَعْنِي عَنْ اَذَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ، وَمُسْلِمٍ  
وَمُسْلِمَةٍ. اَللّٰهُمَّ وَ اَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، وَاسْتَهَكَ<sup>٣</sup> مِنِّي مَا  
حَظَرْتَ عَلَيْهِ<sup>٤</sup>، فَمَضَى بِظُلَامَتِي<sup>٥</sup> مَيِّتًا، اَوْ حَصَلَتْ لِي قَبْلُهُ<sup>٦</sup> حَيًّا، فَاغْفِرْ لَهُ مَا  
اَلَمَ بِهِ مِنِّي<sup>٧</sup>، وَاعْفُ لَهُ عَمَّا اُذْبَرِ بِهِ<sup>٨</sup> عَنِّي، وَلَا تَقِفْهُ<sup>٩</sup> عَلَيَّ مَا اَزْتَكَبَ فِيَّ،  
وَلَا تَكْشِفْهُ<sup>١٠</sup> عَمَّا اَكْتَسَبَ بِي، وَاجْعَلْ مَا سَمَحْتُ<sup>١١</sup> بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَ  
تَبَرَّعْتُ<sup>١٢</sup> بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ اَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ، وَاعْلَى صَلَاتِ  
الْمُتَقَرَّبِينَ.

(٢) وَعَوْضُنِي<sup>١٣</sup> مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ، وَمِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ، حَتَّى  
يَسْعَدَ<sup>١٤</sup> كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ، وَ يَنْجُو<sup>١٥</sup> كُلُّ مِنَّا بِمَنَّكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ  
عِبِيدِكَ اَذْرَكُهُ مِنِّي ذَرَكًا<sup>١٦</sup>، اَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاجِيَّتِي اَذَى، اَوْ لَحِقَهُ بِي اَوْ سَبَّيْ  
ظُلْمَ فَفْتُهُ<sup>١٧</sup> بِحَقِّهِ، اَوْ سَبَقْتُهُ بِمَظْلَمَتِيهِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْهُ<sup>١٨</sup> عَنِّي  
مِنْ وُجْدِكَ، وَارْزُقْهُ<sup>١٩</sup> حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ، ثُمَّ قِنِي<sup>٢٠</sup> مَا يُوجِبُ لَهُ حُكْمَكَ، وَخَلِّصْنِي



## درخواست عفو و رحمت الهی

(۱) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و دل خواه مرا از هر حرام باز دار و حرص و آز مرا از هر گناه برکنار کن و اذیت و آزار مرا از هر مرد و زن مؤمن و مسلمان قطع گردان. خدایا، هر کس که به من ستم کرده و از دنیا رفته است یا حقی بر عهده اوست و زنده است، همه را درباره ستمی که به من کرده اند و یا حقی را تباه نموده اند بیامرز و آنان را برای خطاهایی که درباره من کرده اند، مؤاخذه مکن و سرزنش مفرما و آنچه را که من اکنون به آنها بخشیدم و بر آنان تصدق کردم، پاکیزه ترین صدقات و بهترین هدیه ای که از طرف مقربان صادر می گردد، قرار ده.

(۲) خدایا، عفو خود را جای گزین عفو و گذشت من از دیگران گردان و با رحمت خود مرا از درخواست از بندگان بی نیاز فرما، تا هر دوی ما سعادت مند و اهل نجات گردیم. خدایا، اگر یکی از بندگان از طرف من گزند و یا آزاری دیده، یا از من و یا به وسیله من ظلمی را تحمل کرده و حق او ضایع گردیده و یا ظلمی را به او متوجه ساخته ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و او را به قدرت خود از من راضی گردان و حق او را از کرم خود ادا فرما، آن گاه مرا از گرفتاری و عذابی که حکم تو مقرر



مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَذْلُكَ؛ فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِيلُ بِنِعْمَتِكَ<sup>٢٢</sup>، وَإِنْ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ<sup>٢٣</sup>، فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِئِي<sup>٢٤</sup> بِالْحَقِّ تُهْلِكْنِي، وَإِلَّا تَغَمَّدْنِي<sup>٢٥</sup> بِرَحْمَتِكَ تُؤْيِسْنِي<sup>٢٦</sup>.

(٣) اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَوْهِبُكَ<sup>٢٨</sup> - يَا اِلٰهِي - مَا لَا يَنْقُصُكَ بِذُلِّهِ، وَاسْتَخِيلُكَ<sup>٢٩</sup>، مَا لَا يَبْتَهِطُكَ<sup>٣٠</sup> حَنَلُهُ. اَسْتَوْهِبُكَ - يَا اِلٰهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ، اَوْ لِيَطَّرَقَ بِهَا اِلَى نَفْعٍ<sup>٣١</sup>، وَ لَكِنْ اَنْشَأْتَهَا<sup>٣٢</sup> اِنْشَاءً لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَ اخْتِجَاجاً بِهَا<sup>٣٣</sup> عَلَى شَكْلِهَا، وَ اسْتَخِيلُكَ مِنْ دُنُوْبِي مَا قَدْ بَهْظَنِي<sup>٣٤</sup> حَنَلُهُ، وَ اسْتَعْيِنُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِي<sup>٣٥</sup> ثِقَلُهُ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي، وَ كُلِّ<sup>٣٦</sup> رَحْمَتَكَ بِاخْتِمَالٍ اِضْرِي<sup>٣٧</sup>. فَكَمْ قَدْ لَحِجْتُ رَحْمَتَكَ بِالْمُسِيئِيْنَ، وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِيْنَ.

(٤) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِي اُسْوَةً<sup>٣٨</sup> مَنْ قَدْ اَنْهَضَتْهُ<sup>٣٩</sup> بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ<sup>٤٠</sup> الْخَاطِئِيْنَ، وَ خَلَّصَتْهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَابِ<sup>٤١</sup> الْمَجْرِمِيْنَ، فَاصْبِحْ طَلِيْقٌ<sup>٤٢</sup> عَفْوِكَ مِنْ اِسَارِ<sup>٤٣</sup> سُخْطِكَ، وَ عَيْتِقْ<sup>٤٤</sup> صُنْعِكَ مِنْ وِثَاقِ<sup>٤٥</sup> عَذْلِكَ. اِنَّكَ اِنْ تَفْعَلَ ذَلِكَ - يَا اِلٰهِي - تَفْعَلُهُ بِمَنْ لَا يَسْجُدُ<sup>٤٦</sup> اسْتِحْقَاقَ عَفْوِيَّتِكَ، وَ لَا يُبْرِي<sup>٤٧</sup> نَفْسَهُ مِنْ اسْتِيجَابِ نِعْمَتِكَ<sup>٤٨</sup>.

(٥) تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا اِلٰهِي - بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ اَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ، وَ بِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ اَوْ كَدِّ<sup>٤٩</sup> مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ، لَا اَنْ يَكُوْنَ يَأْسُهُ قُنُوطاً<sup>٥٠</sup>، اَوْ

فرموده است نجات ده و از حکم عادلانهات خلاصم کن، زیرا قدرت تحمل غضب تو در من نیست و طاقتم در حد خشم تو نمی باشد؛ چرا که اگر به حق مرا مجازات فرمایی، هلاکم خواهی کرد و اگر با رحمت خود مرا پوشش ندهی، تباهم خواهی کرد.

(۳) خدایا، ای معبود من، چیزی را از تو می خواهم که بذل آن از خزائن تو نمی کاهد و پرداخت آن برای تو سخت نیست. معبودا، درخواست بخشش نفسی را از تو خواستارم که آن را چنان نیافریده ای تا از زشتی و بدی دوری گیرند و به سوی خیر و خوبی راهی گردد، بلکه برای اثبات قدرتت به خلق امثال آن و به جهت آشکار نمودن قدرت خود بر ایجاد چنین موجودی، نفس را آفریده ای. گناهانی را به درگاهت عرضه داشته ام که مرا خسته کرده است و از تو کمک می طلبم در مورد آن چه که سنگینی آن مرا آزرده خاطر کرده است. پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به واسطه ظلمی که بر خود کرده ام ببخش و رحمتت را عهده دار برداشتن بار سنگین گناه از دوش من بفرما، زیرا چه بسیار رحمت تو شامل گناه کاران و عفو تو شامل ظالمان گردیده است.

(۴) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا اسوه و الگوی کسانی قرار ده که با عفو و گذشت خود از لغزش گناه های کاران نجات شان داده ای و با توفیق خود از ورطه هلاکت مجرمان خلاص گردانده و آزاد شده عفو تو از دست اسارت خشم و سخط تو و رها شده تو از گرو عدالت تو گردیده اند. ای معبود من، اگر چنین عفوای فرمایی، عفو تو به کسی تعلق گرفته که استحقاق عقوبت خود را انکار نکرده و خود را از نعمت و غضب تو بری و دور نمی داند.

(۵) خدایا، نجات از لغزش گناه ها و ورطه های هلاکت از آن کسی است که خوف او بیش از طمع و یأس او فوق امید به خلاص است. بدان معنا که ناامید محض نیست،



أَنْ يَكُونَ طَمَعُهُ اغْتِرَارًا<sup>١١</sup>، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ  
 فِي جَمِيعِ تَبَعَاتِهِ<sup>١٢</sup>. فَأَمَّا أَنْتَ - يَا إِلَهِي - فَأَهْلُ أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِكَ الصَّادِقُونَ<sup>١٣</sup>،  
 وَلَا يَتَأَسَّ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَنْتَعُ أَحَدًا فَضْلُهُ،  
 وَلَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ<sup>١٤</sup>. تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ، وَ تَقَدَّسَتْ  
 أَسْمَاؤُكَ عَنِ الْمُنْسُوبِينَ، وَ فَشَتْ<sup>١٥</sup> نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ، فَلَكَ الْحَمْدُ  
 عَلَى ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.



اگرچه طمع او هم غرور آفرین نمی‌باشد، بلکه به واسطه کمی حسنات و فزونی بدی‌ها و ناتوانی در عذرخواهی از گناهان و پی آمدهای آن است، ولی تو ای معبود من، کسی هستی که نه صدیقین در درگاهت به خویش مغروراند و نه محرومان مأیوس، زیرا تو پروردگار بزرگوار و عظیمی هستی که هیچ کس را از فضل خود منع نمی‌فرمایی و هرگز حق خود را از کسی استیفا نمی‌کنی. بلندای یاد تو از هر ذکر و متعالی تر و نام‌های تو مقدس‌ترین اسمایی است که هیچ کس شایستگی آن را ندارد و نعمت تو در همه جا گسترده است؛ پس ستایش تو را راست ای پروردگار جهانیان.

#### واژه‌ها:

۱. واکسر: بشکن.
۲. و ازو: دور کن.
۳. مائم: گناه.
۴. حظرت: منع کرده‌ای.
۵. وانتھک: بی حرمتی شده.
۶. حیزت علیه: بر او منع کرده‌ای.
۷. بظلامتی: مظلمه من.
۸. قیلَه: نزد او.
۹. آلم منی: تحمل نموده.
۱۰. ادبر به: با خود برده.
۱۱. لا تنقه: آگاه نکن.
۱۲. لا تکشفه: متفحصش نکن.
۱۳. سمحت: عطا کردی.
۱۴. تبرعت: به طور رایگان روا داشت.
۱۵. عوَضنی: مرا عوض بده.
۱۶. یسعد: خوش بخت شود.
۱۷. پنچو: خلاص شود.
۱۸. ذَرَلَه: نتیجه بد.
۱۹. فُتِه: فوت شده.
۲۰. اَرْضَه: او را راضی کن.
۲۱. اَوْفَه: او را عطا کن.
۲۲. قنی: مرا نگهدار.
۲۳. لا تستقلَ بِتقمتک: طاقت عذاب تو را ندارد.
۲۴. لا تنهض بِسخطک: توان غضب تو را ندارد.
۲۵. تکافنی: جزایم دهی.
۲۶. تفتدنی: مرا نبوشانی.



۲۷. تو بقی: مرا هلاک کنی.  
 ۲۸. اَترهک: از تو طلب عفو می‌کنم.  
 ۲۹. اَستحسک: به دوش تو می‌گذارم.  
 ۳۰. لا یهطک: برای تو سنگین نیست.  
 ۳۱. لَطَرُکَ بها الی النفع: بدان وسیله به او نفع رسانی.  
 ۳۲. انشاءتھا: او را ایجاد کردی.  
 ۳۳. احتجاجاً بها: او را وسیله برهان قرار دادی.  
 ۳۴. بهطنی: خسته‌ام کرده.  
 ۳۵. فدحنی: بر من سنگین است.  
 ۳۶. وکیل کن.  
 ۳۷. اِضر: بار سنگین.  
 ۳۸. اُسوة: رهبر - مورد اقتدا.  
 ۳۹. اُنهضه: اقامه کردی.  
 ۴۰. مصارع: محل‌های لغزش.  
 ۴۱. ورطات: هلاک‌ها.  
 ۴۲. طلق: اسیر آزاد شده.  
 ۴۳. اسار: بند و زنجیر.  
 ۴۴. عتیق: عبد آزاد شده.  
 ۴۵. وثاق: دست‌گیر.  
 ۴۶. لا یجحد: انکار نمی‌کند.  
 ۴۷. لا یرئی نفسه: خود را بری نمی‌داند.  
 ۴۸. تمسک: عذاب و سخط تو.  
 ۴۹. اُوکد: حتمی‌تر.  
 ۵۰. قنوطاً: یأس از رحمت خدا همراه با خوف.  
 ۵۱. اغترار: بی خبری حاصل از غرور.  
 ۵۲. تبعات: عوارض و دنباله‌های ناهنجار.  
 ۵۳. صدیق: ملازمت با راستین بودن.  
 ۵۴. لا یستغنی حقّه: تمام حق را استیفا نکند.  
 ۵۵. فشت: پخش شده.





## دعاؤه عند ذكر الموت

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نُعِيَ إِلَيْهِ مَيِّتٌ، أَوْ ذَكَرَ الْمَوْتَ  
(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَقَصِّرْهُ عَنَّا بِصَدَقِ  
الْعَمَلِ، حَتَّى لَا نُؤَمِّلَ<sup>٢</sup> اسْتِشَامَ<sup>٣</sup> سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ، وَلَا اسْتِيفَاءَ<sup>٤</sup> يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ،  
وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَلَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ.  
(٢) وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَآمِنًا مِنْ شُرُورِهِ، وَانْصِبِ<sup>٥</sup> الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا  
نَضْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيْبًا.

(٣) وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ<sup>٦</sup> مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ،  
وَنَخْرِصُ<sup>٧</sup> لَهُ عَلَى وَشِكِ<sup>٨</sup> اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا<sup>٩</sup>  
الَّذِي نَأْتِسُ بِهِ، وَمَا لَفْنَا<sup>١٠</sup> الَّذِي نَشْتَاقُ<sup>١١</sup> إِلَيْهِ، وَحَامَتْنَا<sup>١٢</sup> الَّتِي نُحِبُّ الدُّنْيَا  
مِنْهَا.

(٤) فَإِذَا أُوْرِدَتْهُ عَلَيْنَا وَأُنْزِلَتْهُ بِنَا، فَأَسْعِدْنَا<sup>١٣</sup> بِهِ زَائِرًا، وَآيَسْنَا<sup>١٤</sup> بِهِ  
قَادِمًا<sup>١٥</sup>، وَلَا تُشَقِّنَا بِضِيَاقَتِهِ، وَلَا تُخْرِزْنَا<sup>١٦</sup> بِزِيَارَتِهِ، وَاجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ  
مَغْفِرَتِكَ، وَمِفْتَاحًا<sup>١٧</sup> مِنْ مِفْتَاحِ رَحْمَتِكَ.



## دعای چهارم

### دعا هنگام شنیدن خبر مرگ دیگران و گاه یادکرد مرگ

(۱) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از گرفتاری های آرزوی دور و دراز بر حذر دار و از طریق اعمال صادقانه، آرزوهای ما را کوتاه فرما؛ به گونه ای که آرزویی برای ساعت های آینده و روزهای بعد، حتی نفس هایی که پس از این لحظه می کشیم، نداشته باشیم.

(۲) خداوندگارا، ما را از فریب آرزوی طولانی سالم و از شرور آن در امان بدار و پیوسته یاد مرگ را نصب العین ما قرار ده؛ به گونه ای که هر روز آن را یاد کنیم و هیچ گاه از یاد نبریم، نه آن که روزی به یاد آن باشیم و دیگر روز غفلت کنیم.

(۳) خداوندا، اعمال ما را آن چنان شایسته قرار ده که شوق بازگشت به سوی تو داشته باشیم؛ آن چنان که طی روزگار بسیار طولانی را مانع رسیدن به ثواب های تو بدانیم و برای زود رسیدن به تو کاملاً حریص باشیم؛ به گونه ای که ملاقات با تو را محور انس و الفت دانسته و با اشتیاق از آن استقبال نماییم و آن را نزدیک ترین چیزی بدانیم که دوست داریم به آن نزدیک شویم.

(۴) خدایا، هرگاه مرگ و رحلت به سوی خود را برای ما مقدر فرمودی، ما را به واسطه ملاقات با آن خوش بخت و به هنگام ورود آن بر ما، ما را با آن مأنوس گردان و کاری کن که هرگز در میهمانی آن روز به ما سخت نگذرد و به هنگام حضور آن، گرفتار نگردیم، بلکه مرگ را برای ما، دری از درهای گشوده مغفرت و کلید خزائن رحمت قرار ده.



(٥) اَمِنَّا مُهْتَدِينَ<sup>١٨</sup> غَيْرَ ضَالِّينَ<sup>١٩</sup>، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ<sup>٢٠</sup>، تَائِبِينَ غَيْرَ  
عَاصِينَ وَلَا مُصِرِّينَ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَ مُسْتَصْلِحَ<sup>٢١</sup> عَمَلِ  
الْمُفْسِدِينَ.



(۵) خدایا، ما را در حالی که از گمراهی نجات یافته ایم بمیران و زمانی که در سلک اطاعت تو باشیم، در حالی که توبه کرده و به گناهان اصراری نداریم، به سوی خود دعوت فرما. ای کسی که اعمال نیکوکاران را ضمانت فرموده ای و عمل مفسدان را اصلاح می فرمایی.

### واژه ها:

۱. نضره: کوتاه کن او را.
۲. لا تؤمل: آرزو نکنیم.
۳. استقام: طی شدن و تمام شدن.
۴. استغفار: به دست آوردن.
۵. وانصب: در مقابل ما قرار بده.
۶. تشبیهی!
۷. نحرص: حریص باشیم.
۸. وثقه: سرعت.
۹. مانس: محل انس.
۱۰. مانف: جای الفت.
۱۱. مشتاق: مشتاق باشیم.
۱۲. حانتا: محبوب ما.
۱۳. فاسدنا: ما را خوشبخت کن.
۱۴. آنسا: ما را مأنوس کن.
۱۵. قادمأ: وارد شوند.
۱۶. لا تغزنا: ما را بیچاره مکن.
۱۷. مفتاح: کلید.
۱۸. مهتدین: هدایت شدگان.
۱۹. غیر ضالین: غیر گمراهان.
۲۰. مستکره: ناراضی.
۲۱. مسکطح: توجیه کننده.



## دَعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السُّتْرِ وَالْوَقَايَةِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ السُّتْرِ وَالْوَقَايَةِ  
(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْرِشْنِيْ مِهَادَ كَرَامَتِكَ، وَأُورِدْنِيْ  
مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ، وَأَخْلِلْنِيْ بِخُبُوحَةِ جَنَّتِكَ، وَلَا تَسْمِنِيْ بِالرَّدِّ عَنْكَ، وَ  
لَا تَخْرِمْنِيْ بِالْخَبِيَةِ مِنْكَ.

(٢) وَلَا تُقَاصِنِيْ بِمَا اجْتَرَحْتُ، وَلَا تُنَاقِشْنِيْ بِمَا اكْتَسَبْتُ، وَلَا تُثَبِّرْ  
مَكْتُومِيْ، وَلَا تُكْشِفْ مَسْتُورِيْ، وَلَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْإِنصَافِ عَمَلِيْ،  
وَلَا تُثْقِلَنَّ عَلَيَّ عُيُونَ الْمَلَايِكَةِ خَيْرِيْ.

(٣) أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرَهُ، عَلَيَّ عَاراً، وَاطْوِ عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِيْ  
عِنْدَكَ شَنْاراً.

(٤) شَرَّفْ دَرَجَتِيْ بِرِضْوَانِكَ، وَأَكْمِلْ كَرَامَتِيْ بِعُفْرَانِكَ، وَانْظِمْنِيْ فِيْ  
أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَوَجِّهْنِيْ فِيْ مَسَالِكِ الْآمِنِينَ، وَاجْعَلْنِيْ فِيْ فَوْجِ  
الْفَائِزِينَ، وَاعْمُرْ بِيْ مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

## درخواست پوزش و نگاه‌داری

(۱) خداوند، بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا در مهد امن و امان کرامت خود جای‌گزین فرما و به سوی راه‌های رحمت رهسپار ساز و در وسط بهشت جای ده و با خواری و اهانت مرا از درگاهت مران و در نومی‌دی و حرمان قرار مده.

(۲) خدایا، مرا به واسطه کارهای ناپسند قصاص مکن و از کارهایم دقیق حساب‌رسی مفرما و اسرارم را فاش و سزم را آشکارا منما و هرگز در سنجش اعمال با من با عدل رفتار منما و خبرهایم را در دید بزرگان و پیشوایان مردم آشکار مفرما.

(۳) خدایا، آن چه را که موجب عار و ننگ من است از دید بزرگان و پیشوایان مخفی بدار و قبیح‌ترین کردارهایم را مستور بفرما.

(۴) خدایا، درجه و پایه ایمانی‌ام را به سبب رضا و خشنودی خود شرافت‌مند و بلند مرتبه گردان و به غفران خود مرا گرامی بدار و در سلک اصحاب یمین جای ده و در راه و خط کسانی که در امن و امان تو هستند رهسپار ساز و در گروه رستگاران راه ده و توفیق پیوستن به محفل صالحان را نصیبم فرما. اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.



واژه‌ها:

۱. وافرشتی: برای من بگستران.
۲. مهاد: بستر کرامت.
۳. مشارع: راه‌های عبور.
۴. واحلنی: ما را جای ده.
۵. بحیوة: وسط.
۶. لاتسنى: به من اهانت مکن.
۷. ولاتقاضى: از من تقاضا مگیر.
۸. لاجترع: به دست آوردم.
۹. لاتتقضى: به حساب من به دقت مگیر.
۱۰. ولا تبرز: ظاهر مکن.
۱۱. مکوم: پوشیده.
۱۲. میزان: ترازو.
۱۳. ملاه: در جماعت بزرگان.
۱۴. نشر: پخش کردن.
۱۵. عار: ننگ.
۱۶. والطر: کمان نکن.
۱۷. شنار: بدترین عیب.
۱۸. وجهنى: رهپارم کن.
۱۹. آمین: آنان که در امن هستند.
۲۰. فوج: دسته.
۲۱. فاتزین: رستگاران.
۲۲. واعر بی: مرا آباد کن.



## دَعَاؤُهُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ  
 (١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنَيْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ  
 مُهَيِّئًا<sup>١</sup> عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ.  
 (٢) وَفُرْقَانًا<sup>٢</sup> فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَائِكَ وَحَرَامِكَ، وَقُرْآنًا أَعَزَّتَ<sup>٣</sup> بِهِ عَنْ  
 شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ، وَكِتَابًا فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَخَيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ  
 مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تَنْزِيلًا.  
 (٣) وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَشِفَاءً لِمَنْ  
 أَنْصَتَ<sup>٤</sup> بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ، وَمِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَجِيفُ<sup>٥</sup> عَنِ الْحَقِّ  
 لِسَانُهُ، وَنُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ<sup>٦</sup> عَنِ الشَّاهِدِينَ بِزُهَاتِهِ<sup>٧</sup>، وَعَلَّمَ نَجَاةَ لَا يَضِلُّ<sup>٨</sup> مَنْ  
 أَمَّ<sup>٩</sup> قَصْدَ سُنَّتِهِ<sup>١٠</sup>، وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُزْوَةٍ<sup>١١</sup> عِصْمَتِهِ.  
 (٤) اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفْذَنْتَنَا الْمَعُونَةَ<sup>١٢</sup> عَلَى تِلَاوَتِهِ، وَسَهَّلْتَ جَوَابِي<sup>١٣</sup> أَلَيْسَتِنَا  
 بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مَعْنَى يَزَعَاهُ<sup>١٤</sup> حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَيَسْدِينُ لَكَ بِإِعْتِقَادِ  
 التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَيَفْرَعُ<sup>١٥</sup> إِلَى الْإِفْرَارِ بِمُتَسَابِهِ<sup>١٦</sup>، وَمُوضَحَاتِ<sup>١٧</sup> بَيِّنَاتِهِ<sup>١٨</sup>.



## دعای ختم قرآن

(۱) خدایا، تو مرا یاری کردی که قرآن را ختم کنم؛ همان نوری که تو فرو فرستاده‌ای و بر هر کتابی که نازل فرموده‌ای، تفوق دارد و بر هر حدیثی که نقل فرموده‌ای، برتری داده‌ای.

(۲) این قرآن جداکننده حق و باطل است و حرام و حلال را بیان می‌کند و از احکام و شرایع تو پرده برداشته است، کتابی که به طور تفصیل بر بندگان روشن ساخته و بر پیامبر گرامی‌ات حضرت محمد - دروهای تو بر او و خاندان او - نازل فرموده‌ای.

(۳) این قرآن نوری است که تاریکی‌های گمراهی و جهالت‌ها را تبعیت و پیروی از آن روشن می‌گردد و برای کسی که بدان گوش فرا داده و آن را فهم کند، مایه شفا و بهبودی می‌باشد و میزان عدالتی است که زبانش از حق تجاوز نمی‌کند و نور هدایتی است که نور و برهان خود را از شاهدان پنهان نمی‌دارد و پرچم نجاتی است که اگر کسی به شیوه آن اقتدا و از آن پیروی کند، هرگز گمراه نمی‌شود و دست هلاکت به دامن کسی که به دست‌گیره محکم آن دست زند، نمی‌رسد.

(۴) خدایا، اکنون که به ماکمک کردی تا قرآنت را تلاوت کنیم و لکنت زبان ما را با فصاحت کتابت جبران فرمودی، کرامت دیگر فرما که جانب قرآن را رعایت کنیم و قلب ما به آیات استوار و محکم آن معتقد و به منشاهاات آن معترف باشد.



(٥) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُجَمَّلاً<sup>١</sup>، وَآلِهَتُهُ عِلْمٌ عَجَائِبِهِ مُكْتَلَأٌ<sup>٢</sup>، وَوَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّراً، وَفَضَّلْنَا عَلَى مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ، وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِنَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِيقْ حَمَلَهُ<sup>٣</sup>.

(٦) اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَّفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَعَلَى آلِهِ الْخُرَّانِ<sup>٤</sup> لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَغْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ، وَلَا يَخْتَلِبُنَا<sup>٥</sup> الزَّيْغُ<sup>٦</sup> عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ<sup>٧</sup>.

(٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَسْتَصِصُ<sup>٨</sup> بِسَخْبِلِهِ<sup>٩</sup>، وَيَأْوِي<sup>١٠</sup> مِنَ الْمَشَابِهَاتِ إِلَى حِزْبِ<sup>١١</sup> مَقْبِلِهِ<sup>١٢</sup>، وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ<sup>١٣</sup>، وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ<sup>١٤</sup>، وَيَقْتَدِي بِتَبْلُجِ<sup>١٥</sup> إِسْفَارِهِ<sup>١٦</sup>، وَيَسْتَضِيحُ بِمِضْبَاحِهِ<sup>١٧</sup>، وَلَا يَلْتَمِسُ<sup>١٨</sup> الْهَدَى فِي غَيْرِهِ.

(٨) اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ<sup>١٩</sup> بِهِ مُحَمَّدًا عِلْمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَرَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ، وَسَلْمًا<sup>٢٠</sup> نَفْرُجُ<sup>٢١</sup> فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَسَبَبًا نُهْجِي بِهِ النِّجَاةَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ، وَذَرِيعَةً<sup>٢٢</sup> نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامَةِ<sup>٢٣</sup>.

(٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْطُطْ<sup>٢٤</sup> بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ<sup>٢٥</sup>، وَهَبْ لَنَا حُسْنَ شِمَانِلِ<sup>٢٦</sup> الْأَبْرَارِ، وَأَقِفْ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءُ<sup>٢٧</sup> اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، حَتَّى تَطْهَرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ<sup>٢٨</sup> يَنْطَهِيهِ<sup>٢٩</sup>، وَتَقْوَمَنَا<sup>٣٠</sup> آثَارَ الَّذِينَ

(۵) خدایا، تو قرآن را بر پیامبرت به طور اجمال نازل کردی، سپس عجایب قرآن را به طور مفصل برای او بیان نمودی و علم آن را همراه با تفسیرش به ارباب اهل بیت گذاردی و ما را بر جاهلان به قرآن برتری داده و به فهم قرآن مسلط نمودی تا با آن به کسانی که تاب تحمل آن را ندارند، برتری و شرافت داشته باشیم.

(۶) خدایا، همان طور که دل‌های ما را ظرف قرآن قرار دادی و برتری آن را به ما فهماندی، پس درود خود را بر پیامبری که قرآن را بازگو نمود و بر خاندان او که خازن آن هستند، نازل فرما و ما را از کسانی قرار ده که می‌دانند قرآن از نزد تو فرو فرستاده شده است، تا هرگز در دل خود در تصدیق آن شک و دودلی به خود راه ندهیم و در پیمودن راه آن کم‌ترین وسوسه‌ای در وجود ما نباشد.

(۷) خدایا، بر پیامبر اکرم و خاندان او درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به رشته قرآن دست زده و از مشابهاات قرآن به محکّمات آن راه یافته و در سایه قدرت فوق‌العاده آن آرמידه و به راه روشن صبح آن راه یافته و به درخشش روشنائی آن اقتدا جسته و تاریکی‌ها را با روشنی چراغ هدایتش روشن کرده‌اند و هرگز به دیگری محتاج نیستند تا راه را از آنها جویا شوند.

(۸) خدایا همان طور که پیامبرت را اسوه و الگو برای هدایت بشر به سوی خلود قرار دادی و طریق خشنودی خود را از طریق اهل بیت او، باز و روشن نمودی، پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و قرآن را وسیله صعود ما به منازل کرامت و نردبانی برای عروج به حرم سلامت و امان قرار ده و نیز آن را مایه رستگاری مادر عرصه قیامت و نیز وسیله‌ای قرار ده که با آن در سرای ابدی به نعمت‌های بی‌پایان آن نایل گردیم.

(۹) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و سنگینی گناهان را از دوش‌ها بردار و بهترین خلق و خوی نیکوکاران را به ما عطا کن و ما را به راه کسانی رهنمون ساز که در طول شبانه روز به قرآن عمل می‌کنند، تا آن که از هر گونه پلیدی پاک گردیم



اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ، وَلَمْ يُنْهِهِمْ<sup>٨</sup> الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخَدْعٍ<sup>٩</sup>  
غُرُورِهِ.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي  
مُونِسًا، وَمِنْ نَزَغَاتِ<sup>١٠</sup> الشَّيْطَانِ، وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا<sup>١١</sup>، وَلِأَقْدَامِنَا  
عَنْ ثَقُلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا<sup>١٢</sup>، وَلِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ  
مَا آفَةٍ مَخْرُسًا<sup>١٣</sup>، وَلِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا<sup>١٤</sup>، وَلِمَا طَوَّتِ<sup>١٥</sup> الْعَقْلُ  
عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ<sup>١٦</sup> الْإِغْتِيَارِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوَصَّلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَازِيهِ، وَ  
زَوَاجِرِ<sup>١٧</sup> أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي<sup>١٨</sup> عَلَى صَلَابِيهَا<sup>١٩</sup> عَنِ اخْتِمَالِهِ.  
(١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَوْدِمِ<sup>٢٠</sup> بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا،  
وَاجْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ<sup>٢١</sup> عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا<sup>٢٢</sup>، وَاعْمِلْ بِهِ دَرَنَ<sup>٢٣</sup>  
قُلُوبِنَا وَعَلَاتِيقَ أَوْزَارِنَا<sup>٢٤</sup>، وَاجْمَعْ بِهِ مُتَشَشْرَ أُمُورِنَا، وَأَزِدْ<sup>٢٥</sup> بِهِ فِي مَوْقِفِ  
الْفَرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا<sup>٢٦</sup> هَوَاجِرِنَا<sup>٢٧</sup>، وَاكْمُسْنَا<sup>٢٨</sup> بِهِ حُلُلَ<sup>٢٩</sup> الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ  
فِي نُشُورِنَا<sup>٣٠</sup>.

(١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتْنَا<sup>٣١</sup> مِنْ عَدَمِ  
الْإِمْلَاقِ<sup>٣٢</sup>، وَسُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْغَيْثِ<sup>٣٣</sup> وَخَضْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَجَبِّنَا بِهِ  
الصَّرَائِبَ<sup>٣٤</sup> الْمَذْمُومَةَ وَمَدَانِي<sup>٣٥</sup> الْأَخْلَاقِ، وَاعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هَوَا<sup>٣٦</sup> الْكُفْرِ  
وَدَوَاعِي النَّفَاقِ، حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا<sup>٣٧</sup>، وَ  
لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سَخَطِكَ وَتَعَدَّى حُدُودِكَ ذَائِدًا<sup>٣٨</sup>، وَلِمَا عِنْدَكَ بِتَخْلِيلِ خَلَالِهِ  
وَتَحْرِيمِ خَرَامِهِ شَاهِدًا.

و ما را در راه کسانی قرار ده که به نور قرآن نورانی هستند و هرگز آرزوهای دور و دراز آنان را از عمل کردن باز نمی‌دارد و آرزوهای طولانی با مکر و فریب مخصوص خود، راه را بر آنان نمی‌بندد.

(۱۰) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و قرآن را مونس ما در تاریکی‌های شب قرار ده و از تبه‌کاری‌ها و خاطرات بد شیطانی نگاه دار و قدم‌های ما را باز دار که مبدا به سمت گناهان حرکت کند و زبان ما را چنان کن که در باطل سخن نراند بدون آن که بر زبان ما گزندی وارد شود و اندام‌های ظاهری ما را از فرو رفتن در معاصی باز دار و پیچیدگی‌های غفلت را که موجب منع عبرت‌گیری می‌شود، از ما دور کن تا این که دل‌ها عجایب قرآن را بفهمد و احکام باز دارنده آن که کوه‌های سخت و استوار از پذیرش آن بپا و رزیدند، فراگیرد.

(۱۱) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و پیوسته ظاهر ما را به وسیله قرآن شایسته گردان و با قرآن، خطر و سوسه‌ها را از صفحه دل ما پاک کن و آلودگی‌های آن را شست و شوده و از وابستگی به گناهان محفوظ بدار و پراکندگی‌هایمان را با آن جمع فرما و در عطش قیامت، دل‌هایمان را با آن سیراب کن و زینت امن و امان را در روز هراس اکبر به ما ببوشان.

(۱۲) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و نقصان و فقر ما را با قرآن جبران و شیرینی زندگی و وسعت رزق را به ما کرامت فرما و از خوی‌های مذموم و اخلاق پست دور بدار و به وسیله قرآن ما را از دره عمیق و هولناک کفر و انگیزه‌های نفاق نجات ده، تا در روز قیامت به سوی خشنودی تو و بهشت برین رهنمون گردیم و نیز ما را با قرآن در دنیا از ناخشنودی و خشم خود و تعدی و تجاوز به احکام دین باز دار و به احکام حلال و حرام پایدار بدار.



(١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهُوَ<sup>١١</sup> بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى  
 أَنْفُسِنَا كَرْبِ السَّيَاقِ، وَجَهْدَ<sup>١٢</sup> الْأَيْنِ<sup>١٣</sup>، وَتَرَادُفِ الْخَشَارِجِ<sup>١٤</sup>، إِذَا بَلَغَتْ  
 النَّفْسُ التَّرَاقِي<sup>١٥</sup>، وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ<sup>١٦</sup>؟ وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ  
 الْغُيُوبِ، وَرَمَاهَا عَنْ قَوْسِ السَّنَايَا<sup>١٧</sup> بِأَسْهُمِ وَخْشَةِ الْفِرَاقِ، وَدَافَ<sup>١٨</sup> لَهَا مِنْ  
 دُعَافِ<sup>١٩</sup> الْمَوْتِ كَأَسْأَ مَشْمُومَةِ الْمَذَاقِ<sup>٢٠</sup>، وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَحِيلُ<sup>٢١</sup> وَ  
 انْطِلَاقُ، وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ قَلَانِدَ<sup>٢٢</sup> فِي الْأَغْنَقِ، وَكَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى  
 إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ<sup>٢٣</sup>.

(١٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ السَّيْلِ<sup>٢٤</sup>،  
 وَطُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الشَّرَى<sup>٢٥</sup>، وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ  
 مَنَازِلِنَا، وَافْسَحْ<sup>٢٦</sup> لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا<sup>٢٧</sup>، وَلَا تَقْضِ خَنَا فِي حَاضِرِي  
 الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ<sup>٢٨</sup> آثَامِنَا.

(١٥) وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَتَبَيَّنْ بِهِ عِنْدَ  
 اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلُ<sup>٢٩</sup> أَقْدَامِنَا، وَتَوَزَّ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ  
 سُدْفُ<sup>٣٠</sup> قُبُورِنَا، وَنَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ  
 الطَّامَةِ<sup>٣١</sup>

(١٦) وَبَيِّضْ وَجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وَجُوهُ الظُّلَمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَالتَّوَدُّعِ،  
 وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَدَأَ<sup>٣٢</sup>، وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكَدًا<sup>٣٣</sup>.

(١٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَصَدَعَ<sup>٣٤</sup>  
 بِأَمْرِكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ.

(۱۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به واسطه قرآن گرفتاری مرگ را هنگام جان دادن بر ما آسان گردان و نیز مشقت فراوانی را که همراه ناله و صدایی که دچار مشکل گرفتگی حنجره شده و به سختی شنیده می شود و آن گاه که جان به گلو می رسد و یاران میت می گویند چه کسی او را با خود برد؟ و فرشته مرگ از پس غیب آشکار می شود و او را با تیرهای وحشت زای فراق از کمان مرگ می زند و کاسه زهر آگین مرگ را نزدیک می سازد و او را از دنیا دور و به آخرت نزدیک می کند، در حالی که کردارهای او بر گردنش آویخته شده و در گرو قبر قرار گرفته و تا قیامت اسیر می گردد، بر ما آسان گردان.

(۱۴) خدایا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست و خانه ویران و کهنه قبر را برای ما مبارک فرما و به طول اقامت ما در لابه لای خاکها تفضل کن و قبر را پس از فراق دنیا، منزل خوشی ما قرار ده و ما را از تنگی لحد نجات داده و در قیامت در بین افراد حاضر در آن عرصه رسوا نگردان.

(۱۵) خدایا، به واسطه قرآن در آن لحظه که به حساب ایستاده ایم، به بیچارگی ایستادن ما رحم کن و آن گاه که از پل دوزخ عبور می کنیم و مضطرب هستیم و قدمها لرزان است، ترحم بفرما و قبل از انگیزش روز قیامت، تاریکی قبور ما را روشن کن و از سختی های روز قیامت و احوال آن نجات بخش.

(۱۶) پروردگارا، ما را روسپید و آبرومند قرار ده آن گاه که تبه کاران روسیاه و شرم زده می گردند، در روزی که هنگام حسرت و ندامت است و دوستی ما را در دل مؤمنان جای ده و هرگز زندگی را بر ما سخت و مشکل مگردان.

(۱۷) خدایا، بر حضرت محمد که برترین بندگان و کامل ترین رسولان تو بود، درود فرست؛ چنان که او رسالت تو را ابلاغ و فرمان تو را آشکارا اعلام فرمود و ناصحانه بندگان را به سوی تو دعوت کرد.



(١٨) اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ  
التَّائِبِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَأَمْكَنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَأَجْلَّهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَأَوْجَهُهُمْ  
عِنْدَكَ جَاهًا.

(١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ شَرِّفْ بَنِيَانَهُ، وَ عَظِّمْ بَرْهَانَهُ<sup>١٢٣</sup>،  
وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ، وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ أَيْمِ نُورَهُ، وَ  
ارْزُقْ دَرَجَتَهُ.

(٢٠) وَ أَخِينَا عَلَى سُنَّتِهِ، وَ تَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَ خُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ<sup>١٢٤</sup>، وَ اسْلُكْ بِنَا  
سَبِيلَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَ اخْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَ أَوْرِثْنَا حَوْضَهُ، وَ  
اشْقِنَا بِكَآسِهِ.

(٢١) وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْتِلُ مِنْ  
خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضْلٍ كَرِيمٍ.

(٢٢) اللَّهُمَّ اجْزِهِ<sup>١٢٥</sup> بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ، وَ أَدَّى<sup>١٢٦</sup> مِنْ آيَاتِكَ، وَ نَصَحَ  
لِعِبَادِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ  
أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُضْطَفِّينَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ  
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.



(۱۸) خداوندا، پیامبر ما را در روز قیامت مقرب‌ترین پیامبران قرار ده و در شفاعت از امت مقبول‌ترین شافعان بگردان و در قدر و منزلت در بالاترین مرتبه جای ده.

(۱۹) خدایا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست و شرافت بنیاد او را بیشتر و برهانش را آشکارتر و میزان حسناتش را سنگین و شفاعت او را پذیرفته‌تر و ابزار پیشرفت او را کارا تر بنما و آبرویش را بیشتر و نورانیتش را تمام‌تر و درجه‌اش را رفیع‌تر و متعالی‌تر بگردان.

(۲۰) خدایا، نظام زندگی ما را بر اساس شیوه زندگی او قرار ده و ما را بر طریقه او بمیران و روش زندگی ما را در پیروی از روش او قرار ده و ما را جزو اطاعت‌کنندگان از او و در زمره آن بزرگوار قرار ده و در قیامت در کنار حوض کوثر، ما را به او ملحق نما و از دست وی سیراب گردان.

(۲۱) خدایا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست؛ درودی که با آن بالاترین آرزوهای آن پیامبر بزرگ را از معدن خیر و فضلت عطا کنی، زیرا تو دارای رحمت گسترده و فضل بسیار می‌باشی.

(۲۲) خدایا، بهترین پاداش که به ملائکه و پیامبران و فرستادگان برگزیده‌ات عطا کرده‌ای، برای رساندن رسالت به پیامبرت کرامت کن، زیرا او بندگانت را نصیحت کرد و در راه تو کوشش بسیار نمود و در راه تو کوشید. سلام، رحمت و برکات خدا بر او و بر خاندان پاک و پاکیزاش.



## واژه‌ها:

۱. اعشى: کم‌کم کردی.
۲. مُهَيَّنًا: رقیب مسلط.
۳. فرقان: نام قرآن (فارق بین حق و باطل).
۴. اعرَبْتُ: واضح فرمودی.
۵. اَنْصَت: سکوت با استماع.
۶. لَا يَحِيفُ: مایل نشود.
۷. لَا يَطْفَأُ: خاموش نشود.
۸. برهانه: دلیلش.
۹. اُمُّ: قصد کند.
۱۰. سَنَنَهُ: طریقه.
۱۱. عُرْوَةُ: دستگیره.
۱۲. المَعُونَةُ: کمک.
۱۳. جَوَاسِي: خشکی و غلظت.
۱۴. يرعاه: رعایتش می‌کند.
۱۵. يَفْرَحُ: پناهنده شود.
۱۶. مُتَشَابِه: شبیه به هم.
۱۷. مَوْضِعَات: توضیح دهنده‌ها.
۱۸. بَيِّنَات: دلایل روشن.
۱۹. مَجْمَعًا: سر بسته.
۲۰. مَكْتَلًا: به طور کامل.
۲۱. حَمْلَان: حاملان.
۲۲. خُرَّان: خزانه داران.
۲۳. لَا يَخْتَلِجُنَا: باز نمی‌دارد.
۲۴. الزَّيْغُ: انحراف.
۲۵. قَصْدُ الطَّرِيقِ: راه مستقیم.
۲۶. يَهْتَصِمُ: می‌گروند.
۲۷. حَبْلٌ: ریسمان.
۲۸. يَأْوِي: پناه می‌برد.
۲۹. جِرْزٌ: دژ.
۳۰. مَعْقَلٌ: پناهگاه.
۳۱. ظِلٌ: چنانچه: زیر بال او (در پناه او).
۳۲. ضَوْءٌ: صباحه: نور چراغ او.
۳۳. تَبْلُجٌ: درخشش.
۳۴. اسْفَارُهُ: روشنائی آن.
۳۵. مَصْبَاحٌ: چراغ.
۳۶. لَا يُلْتَمَسُ: درخواست نمی‌کند.
۳۷. نَصَبْتُ: به پاداشتی.
۳۸. شَلْمًا: نردبان.
۳۹. نَجْرٌ: بالارویم.
۴۰. ذَرِيعَةٌ: وسیله.
۴۱. دارالمقامه: خانه ابدی.
۴۲. وَاَحْطَطُ: بریز.
۴۳. اَوْزَارٌ: گناهان.
۴۴. شَمَائِلٌ: اخلاق.

۴۵. آناه: لحظات.  
۴۶. دس: چرک.  
۴۷. تقویٰ: ما را تابع گردان.  
۴۸. پلهم: آنان را باز می‌دارد.  
۴۹. خدج: خدعه‌ها.  
۵۰. نزغات: وسوسه‌های شوم.  
۵۱. حارسا: نگهبان.  
۵۲. حابس: مانع.  
۵۳. مغرسا: زبان بسته.  
۵۴. زاجر: بی‌ رغبت.  
۵۵. طوت: نگه می‌دارد.  
۵۶. تصفح: جست‌وجو.  
۵۷. زواجر: مانع‌ها.  
۵۸. رواسی: ثابت‌ها.  
۵۹. صلابت: سختی.  
۶۰. اَوم: دایم بدار.  
۶۱. وسوس: وسوسه‌ها.  
۶۲. ضائر: قلب‌ها.  
۶۳. دین: چرک.  
۶۴. اوزار: گناهان.  
۶۵. اِزو: سیراب‌کن.  
۶۶. ظما: تشنگی.  
۶۷. هواجر: شدت حرارت.  
۶۸. واکسا: ما را بپوشان.  
۶۹. حُلل: زینت‌ها.  
۷۰. نشور: مبعوث شدن.  
۷۱. حُلثا: حاجت‌ها.  
۷۲. اِملاق: فقر.  
۷۳. رغد العیش: روزی واسع.  
۷۴. ضرائب: طبیعت‌ها.  
۷۵. مدانی: پستی‌ها.  
۷۶. هوة: حفره.  
۷۷. قائد: پیشرو.  
۷۸. فائد: مانع.  
۷۹. هون: سبک گردان.  
۸۰. جهد: مشقت.  
۸۱. آتین: ناله از مرض.  
۸۲. عشارج: صدای گلوگیر دم‌مرگ.  
۸۳. تراقی: استخوان بالای سینه.  
۸۴. من راق: کیست نجات دهنده.  
۸۵. منایا: مرگ‌ها.  
۸۶. داف: رطوبت پیدا کند.  
۸۷. دُعا ف: سَم.  
۸۸. مسمومة المذاق: طعم مسموم.  
۸۹. رحیل: کوچ کردن.  
۹۰. قلاتد: قلاوده‌ها.



۹۹. الطّائفة: غالب و قاهر.  
۱۰۰. وَدَّ: شدّت محبت.  
۱۰۱. نکدأ: سخت و مشکل.  
۱۰۲. صدع: اظهار داشت و دفاع کرد.  
۱۰۳. برهان: استدلال.  
۱۰۴. منهاج: طریق.  
۱۰۵. آجْزَه: جزایش ده.  
۱۰۶. أَقْنَى: ادا کرد.
۹۱. يوم التّلاق: روز ملاقات.  
۹۲. دارالبی: خانه قبر.  
۹۳. اطباق الثری: طبقه های خاک.  
۹۴. وافسح: بگشا.  
۹۵. ملأحد: لحدها.  
۹۶. موبقات: هلاک کنندگان.  
۹۷. زلل: لغزش ها.  
۹۸. سدف: ظلمت و غم و حزن.





## دعاؤه إذا نظر إلى الهلال

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ

(١) أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّغْيِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْيِيرِ، أَمْسَتْ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُيُوتَ، وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ عِلَامَاتِ سُلْطَانِيهِ، امْتَنَنْتَ بِالزِّيَادَةِ وَالتَّقْصَانِ، وَالطُّلُوعِ وَالْأَقْوَالِ، وَالْإِنَارَةِ وَالْكَشُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ. سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ، وَالْأَلْفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ! جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ.

(٢) فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ، وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ: أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالًا بَرَكَةً لَا تَمُحُّهَا الْأَيَّامُ، وَطَهَارَةً لَا تُدَسُّهَا الْأَنَامُ؛ هِلَالٌ آمِنٌ مِنَ الْآفَاتِ، وَسَلَامَةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالٌ سَعِيدٌ لَا نَحْسَ فِيهِ، وَيُحْنِ لَا تَكْذُ مَعَهُ، وَيُسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ، وَخَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلَالٌ آمِنٌ وَإِسْمَانٌ وَنِعْمَةٌ وَإِحْسَانٌ وَسَلَامَةٌ وَإِسْلَامٌ.

## دعا هنگام رؤیت هلال

(۱) ای آفریده فرمانبر که طبیعت تو بر سرعت و تردد در جایگاه‌هایی است که برای تو تقدیر شده است و همواره در فلک تدبیر در چرخش بوده‌ای. من به خدایی که تاریکی‌ها را با نور تو روشن و راه‌های تیره و تار را روشن ساخته و تو را از نشانه‌های اقتدار و نشانه‌های سلطنت خورشید قرار داد، ایمان آورده‌ام؛ همان خدایی که تو را با زیاده و نقصان و طلوع و افول و روشنی و تیرگی به خدمت گرفت و تو در این همه، با شتاب از اراده‌ او فرمانبری می‌کنی. پاکا خدا و چه شگفت است تدبیری که در کار تو فرموده! و چه لطیف است آن چه درباره‌ تو کرده است! هم او که تو را کلید شروع و پیدایش هر ماه و ظهور پدیده‌ای نو قرار داده است.

(۲) پس، از خدای خود و تو و آفریننده خود و تو و تقدیرکننده خود و تو و چهره نگار خود و تو، درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و هلال تو شروع برکتی باشد که ایام نابودش نکند و موجب طهارتی گردد که آلوده به گناه نشود و آن چنان هلالی باشد که روزهای آن از آفات در امان و از بدی‌ها سلامت باشد و همراه سعادت بدون نحسی و میمنت بدون سختی و سهولت بدون مشقت و خیری که از شر دور باشد و شروع ماه، نور بخشای امن و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام و ایمان باشد.



(٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ اَرْضِيٍّ مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ<sup>١١</sup>، وَ  
اَزْكٰى مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ، وَاسْعَدَ<sup>١٢</sup> مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ، وَاعْصَمْنَا  
فِيهِ مِنَ الْخَوْبَةِ<sup>١٣</sup>، وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَغْصِيَّتِكَ، وَاَوْزِعْنَا<sup>١٤</sup> فِيهِ شُكْرَ  
نِعْمَتِكَ، وَالْبَسْنَا فِيهِ جُنْنَ<sup>١٥</sup> الْعَافِيَةِ، وَانْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ،  
إِنَّكَ الْمَنَّانُ<sup>١٦</sup> الْحَمِيدُ<sup>١٧</sup>، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.





(۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را خشنودترین، پاکیزه‌ترین و سعادت‌مندترین کسانی قرار ده که ماه بر آنها طلوع کرده و به ماه نگریسته و در این ماه، بندگی تو را نموده‌اند و نیز توفیق توبه و عصمت از گناه و محفوظ ماندن از به جای آوردن معصیت را به ما عنایت بفرما و شکر نعمت و سپرهای عافیت را به ما عطا کن و نعمت‌های خویش را با به کمال رساندن اطاعتت در این ماه، بر ما ارزانی بدار، که تو بسیار بخشنده و ستوده هستی. درود خدا بر حضرت محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌او.

### واژه‌ها:

۱. الدائب: مستمر در حرکت.
۲. المتردد: رفت و برگشت مداوم.
۳. المنصرف: دور زدن.
۴. فلك التدبیر: مدار تدبیر شده.
۵. البهم: مبهم.
۶. امتنك: تو را استخدام کرده.
۷. أقول: غروب.
۸. إبرة: درخشش - باز بودن.
۹. كسوف: گرفتگی ماه.
۱۰. دبر: تدبیر فرمود.
۱۱. لاتحقها: آنان را نابود ننماید.
۱۲. لاتدسها: آن را چرکین نکند.
۱۳. آنان: گناهان.
۱۴. سعد: خوشبختی.
۱۵. یمن: مبارکی.
۱۶. نكد: سختی.
۱۷. یسر: آسانی.
۱۸. لا یمازجه: با او مخلوط نشود.
۱۹. عسر: سختی.
۲۰. لا یشویه: با او مخلوط نشود.
۲۱. طلع علیه: بر او تابید.
۲۲. اسعد: خوشبخت‌ترین.
۲۳. حوبة: گناه.
۲۴. اوزعنا: ما را الهام کن.
۲۵. جنن: سپرها.
۲۶. متان: بسیار نعمت دهنده.
۲۷. حمید: پسندیده.



## دعاؤه إذا دخل شهر رمضان

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ  
(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ<sup>١</sup>، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ، لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنْ  
الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيََنَا<sup>٢</sup> عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا<sup>٣</sup>  
بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا<sup>٤</sup> فِي سُبُلِ<sup>٥</sup> إِحْسَانِهِ، لِنَسْأَلُكَهَا بِسْمَتِهِ إِلَى  
رِضَاوَانِهِ، حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا.

(٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ،  
شَهْرَ الصَّيَامِ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطَّهُّورِ<sup>٦</sup>، وَشَهْرَ التَّنْجِيصِ<sup>٧</sup>، وَ  
شَهْرَ الْقِيَامِ<sup>٨</sup> الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ  
الْقُرْآنِ<sup>٩</sup>.

(٣) فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ  
الْمَوْفُورَةِ<sup>١٠</sup>، وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا<sup>١١</sup>،  
وَحَجَرَ<sup>١٢</sup> فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ<sup>١٣</sup> إِكْرَامًا، وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِيزُ جُلًّا  
وَعَزًّا - أَنْ يَفْدَمَ قَبْلَهُ، وَلَا يَقْبَلَ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ.

## دعای چهل و چهارم

### دعا هنگام ورود ماه رمضان

(۱) ستایش خدایی را که ما را به ستایش خود رهنمون گردید و شایسته سپاس خود دانست، تا آن که احسان‌های او را شکرگزاریم و بدین وسیله پاداش نیکان را به ما کرامت فرماید و سپاس خدایی را که دین خود را به ما ارزانی داشت و ما را به پیروی از آیین خود برگزید و به سوی راه‌های احسان خویش رهنمون شد، تا آن که به منت او به خشنودی‌اش کامیاب گردیم؛ ستایشی که مقبول ذات مقدسش افتد و بدین وسیله از ما خشنود گردد.

(۲) و سپاس خداوند را که ماه مبارک رمضان - ماه روزه داری، ماه اسلام، ماه پاکیزگی، ماه آزمایش، ماه نزول قرآن است که هدایت‌گر مردم و نشانه‌های آشکار از روشن‌گری و روشن‌کننده حق و باطل است - را از راه‌های احسان و نیکوکاری خود قرار داد.

(۳) از این رو، خداوند متعال فضیلت این ماه را به جهت حریم عظیم و فضایل معرفتی که در آن قرار داد، بر سایر ماه‌ها روشن ساخت. پس به جهت بزرگداشت آن، آن چه را که در سایر ماه‌ها جایز بود منع کرد و نیز بدان سبب خوردن و آشامیدن را مجاز ندانست و وقت مشخص و روشنی برای آن قرار داد و تقدیم و تأخیر آن را نپذیرفت.



(٤) ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ<sup>١٤</sup>، تَنْزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ، سَلَامٌ دَائِمٌ الْبَرَكَةِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ<sup>١٥</sup> مِنْ قَضَائِهِ<sup>١٦</sup>.

(٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآلِهِنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَإِجْلَالِ<sup>١٧</sup> حُرْمَتِهِ<sup>١٨</sup>، وَالتَّحْفُظِ<sup>١٩</sup> مِمَّا حَظَرْتَ<sup>٢٠</sup> فِيهِ، وَأَعِنَّا<sup>٢١</sup> عَلَى صِيَابِهِ بِكَفِّ الْخَوَارِجِ<sup>٢٢</sup> عَنْ مَعَاصِيكَ، وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ، حَتَّى لَا نُضْغِيَ<sup>٢٣</sup> بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ، وَلَا نُسْرِعَ<sup>٢٤</sup> بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ<sup>٢٥</sup>، وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ<sup>٢٦</sup> أَيْدِيَنَا إِلَى مَخْطُورٍ، وَلَا نَخْطُو<sup>٢٧</sup> بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَخْجُورٍ<sup>٢٨</sup>، وَحَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا<sup>٢٩</sup> إِلَّا مَا أَخْلَلَتْ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ<sup>٣٠</sup>، وَلَا تَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي<sup>٣١</sup> مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا تَتَعَاطَى<sup>٣٢</sup> إِلَّا الَّذِي يَبْقَى مِنْ عِقَابِكَ، ثُمَّ خَلَّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِثَاءِ الْمُرَائِينَ، وَسُعْمَةِ<sup>٣٣</sup> الْمُسْمِيعِينَ، لَا نَشْرُكَ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا نَبْتَغِي<sup>٣٤</sup> فِيهِ مُرَادًا يَسْوَكَ.

(٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَعْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا<sup>٣٥</sup> الَّتِي فَرَضْتَ، وَوِظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ، وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَسْنَرَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا<sup>٣٦</sup>، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ<sup>٣٧</sup> لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَتَّهَ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ قَوَائِلِهَا<sup>٣٨</sup> عَلَى أَتَمِّ الطَّهْوَرِ وَأَسْتَيْغِيهِ<sup>٣٩</sup>، وَابْتَيْنِ الْخُشُوعَ<sup>٤٠</sup> وَأَبْلِغِهِ.

(۴) سپس خداوند متعال یکی از شب‌های ماه رمضان را از هزار ماه بهتر دانسته و آن را «شب قدر» نامیده است، که پیوسته فرشتگان به اذن پروردگار تا طلوع سپیده دم [بر قلب مقدس ولی زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف -] نازل شده و تمامی مقدرات را در آن شب بدون کم و کاست با برکات پیوسته و قضای استوار الهی بر هر یک از بندگان، به هر صورت که خدا می‌خواهد، فرود می‌آورند.

(۵) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و شناخت فضیلت ماه مبارک رمضان را به ما الهام فرما، تا آن که حرمت آن را شناخته و جلالت آن را حفظ کنیم و خود را از آن چه در آن ماه منع فرموده‌ای، حفظ نماییم و نیز ما را به داشتن روزه آن یاری کن، تا اندام‌های خود را از گناه باز داریم، بلکه آنها را در خدمت رضا و خشنودی تو قرار دهیم؛ آن چنان که گوش ما هرگز به سخن بیهوده‌ای گوش فرانهد و چشم‌های ما به بیهوده ننگرد و دست‌هایمان را به ناروا دراز نکنیم و قدم به سوی حرام برنداریم و به جز لقمه حلال نخوریم و زبان ما جز به سخنی که تو اجازه داده‌ای، گویا نباشد و در انجام کارهایی تلاش کنیم که موجب ثواب و قرب تو باشد و کاری انجام دهیم که ما را از عقوبت و کیفر تو باز دارد و همه اینها را از ریای ریاکاران و سُمعه آنان که اعمال خود را به گوش دیگران می‌رسانند خالص ساز؛ به گونه‌ای که هرگز در کردارهایمان کسی را شریک تو قرار ندهیم و مقصدی جز تو نداشته باشیم.

(۶) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به نمازهای پنج‌گانه بارعایت احکام، حدود و واجباتی که برای آنها معین فرموده و لازم دانسته‌ای و وظایفی که مقرر فرموده‌ای و اوقاتی که برای آنها مشخص ساخته‌ای، موفق بدار و از کسانی قرار ده که به منازل متعالی معرفت در شناخت نماز رسیده و در رعایت ارکان و ادای آن در اوقاتش درست بر اساس سنت رسول خدا ﷺ عمل کرده و رکوع و سجود و تمامی مستحبات آن را با طهارت تمام و عالی‌ترین مرتبه خشوع ظاهری ادا کرده‌اند.



(٧) وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا<sup>١١</sup> بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ<sup>١٢</sup>، وَأَنْ نَتَعَاهَدَ<sup>١٣</sup> جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ<sup>١٤</sup> وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّيْبَاتِ<sup>١٥</sup>، وَأَنْ نُطَهِّرَ هَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَّاتِ، وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا<sup>١٦</sup>، وَأَنْ نُنْصِفَ<sup>١٧</sup> مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ<sup>١٨</sup> مَنْ عَادَانَا<sup>١٩</sup> حَاشَى<sup>٢٠</sup> مَنْ عَوَدَى فِيكَ<sup>٢١</sup> وَلَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ<sup>٢٢</sup>، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ<sup>٢٣</sup>، وَأَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الرَّائِكَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَغْصِنُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ<sup>٢٤</sup> مِنَ الْعُيُوبِ، حَتَّى لَا يُوْرِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَى إِلَيْكَ.

(٨) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ<sup>٢٥</sup> فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ<sup>٢٦</sup>، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ، أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ<sup>٢٧</sup>، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ فِي طَاعَتِكَ<sup>٢٨</sup>، وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى<sup>٢٩</sup> بِرَحْمَتِكَ.

(٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَنِّبْنَا<sup>٣٠</sup> الْإِلْحَادَ<sup>٣١</sup> فِي سَوْجِدِكَ، وَالتَّقْصِيرَ فِي تَسْجِيدِكَ<sup>٣٢</sup>، وَالشُّكَّ فِي دِينِكَ، وَالْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَالْإِغْفَالَ لِخُزْمَتِكَ<sup>٣٣</sup>، وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

(١٠) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ<sup>٣٤</sup> يُغْفِقُهَا غَفْوُكَ، أَوْ يَهْبِطُهَا صَفْحُكَ<sup>٣٥</sup>، فَاجْعَلْ رِقَابَتَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ.

(۷) خدایا، به ما توفیق عنایت فرما تا با نیکی و هدیه به خویشان خود رسیدگی کنیم و با احسان و دهش با همسایه‌ها رابطه برقرار کنیم و حقوق اموال خود را پرداخته و با پرداخت زکات، پاکیزه‌اش سازیم و با هر کس که با ما ترک رابطه کرده، مقابله به مثل نکنیم و با هر کس که بر ما ظلم کرده با انصاف و با دشمنان به مسالمت رفتار کنیم، مگر آن کس که به خاطر تو و در راه تو با او به دشمنی پرداخته‌ایم، زیرا وی دشمنی است که به هیچ وجه او را دوست نخواهیم داشت و گروهی هستند که از صلح و صفا با آن خودداری خواهیم کرد و ما را موفق بدار که با رفتارهای پاکیزه، آن چنان به تو تقرب یابیم که ما را از گناهان پاکیزه‌بداری و از عیب‌ها نگاه داری؛ به گونه‌ای که هر گاه فرشته‌ای به سوی تو صعود کند، ما را در حال ورود به انجام اطاعت و نزدیکی به سوی تو، یافته باشد.

(۸) خدایا، تو را به عظمت ماه مبارک رمضان و به حق آن کسانی که این ماه را در ستایش و بندگی تو گذرانده‌اند - خواه فرشته مقرب باشد، یا پیامبر مرسل، یا بنده صالحی که او را به خود اختصاص داده‌ای - سوگند یاد می‌دهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و ما را لایق وعده‌ها و کرامت‌هایی بگردان که به اولیای خود اختصاص داده‌ای و ما را در ردیف کسانی قرار ده که در عالی‌ترین مقام‌ها در محضر تو قرار گرفته‌اند.

(۹) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از اعراض و سستی در توحید خود و کوتاهی در بزرگداشت تو و شک و تردید در دین و کوری در راه و غفلت از تعظیم حرمت خود و گول خوردن از شیطان رجیم، باز بدار.

(۱۰) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و اکنون که در هر شبی از شب‌های این ماه پرکرامت، بسیاری را از آتش جهنم آزاد می‌کنی، یا از آنها درمی‌گذری، پس ما را نیز در زمره آنان قرار ده و در این ماه مبارک ما را از بهترین یاران و بهترین اصحاب این ماه قرار ده.



(١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْحَقْ<sup>٦٦</sup> ذُنُوبَنَا مَعَ امْحَاقِ هَلَالِهِ، وَ  
اسْلَخْ<sup>٦٧</sup> عَنَّا تَبَاعِتَنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ، حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَيْتَنَا فِيهِ مِنَ  
الْخَطِيئَاتِ، وَاخْلُصَّتْنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِنْ  
مِلْنَا<sup>٦٨</sup> فِيهِ فَقَدْ لَنَا<sup>٦٩</sup>، وَإِنْ رُغْنَا<sup>٧٠</sup> فِيهِ فَقَوْمُنَا، وَإِنْ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ  
فَاسْتَقْبَلْنَا<sup>٧١</sup> مِنْهُ. اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ<sup>٧٢</sup> بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ، وَزَيِّنْ<sup>٧٣</sup> أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَ  
أَعِنَّا<sup>٧٤</sup> فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ  
الْخُشُوعِ لَكَ، وَالدَّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَلَا لَيْلُهُ  
بِتَفْرِيطٍ<sup>٧٥</sup>. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا.

(١٢) وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ<sup>٧٦</sup> الْفَزْدَوْسَ<sup>٧٧</sup> هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ<sup>٧٨</sup>، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، وَ  
مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ<sup>٧٩</sup> فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ<sup>٨٠</sup>.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ<sup>٨١</sup>، وَ عَلَى كُلِّ  
حَالٍ، عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَأَضْعَافَ<sup>٨٢</sup> ذَلِكَ كُلِّهِ، بِالْأَضْعَافِ  
الَّتِي لَا يُحْصِيهَا<sup>٨٣</sup> غَيْرُكَ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.



(۱۱) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به هنگام در محاق رفتن هلال و پیدایش آخرین شب ماه مبارک رمضان تمام گناهان ما را محو بفرما و آلودگی‌های گناه را از صفحه دل ما بر دار؛ به گونه‌ای که با گذشتن ایام آن، ما را از آلودگی تمامی گناهان پاکیزه سازی و از خطاهای ندانسته میزاکنی. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و اگر از صراط مستقیم کناره گرفته‌ایم، به راه راست برگردان و اگر دل‌های ما تیره و تار شده است، آنها را به صفای فطرت نخستین بازگردان و اگر دشمن تو، شیطان بر ما چیره شده و به طور فراگیر تمامی وجود ما را احاطه کرده است، از کید و مکر او رهایی ده. خدایا، ایام ماه مبارک رمضان را با عبادت ما آکنده ساز و اوقات آن را با اطاعت ما بیارای و ما را در روزهای آن بر روزه داری و در شب‌ها برگزار کردن نماز و زاری و اظهار فروتنی و خاک‌ساری به درگاهت یاری ده؛ به گونه‌ای که روزهای آن بر غفلت و شب‌های آن بر کوتاهی مادر عمل علیه ما گواهی ندهد. خدایا، ما را در سایر ماه‌ها و روزها تا زمانی که عمر به ما عطا می‌کنی، این‌گونه بگردان.

(۱۲) خدایا، ما را از صالحانی که وارث بهشت برین هستند و جاودانه در آن جا خواهند بود و نیز از کسانی که اعمال پسندیده را به جای می‌آورند، ولی هنوز دل‌های آنان از خشیت جلال الهی لرزان است و نیز از کسانی که همیشه به سوی نیکی‌ها می‌شتابند و از همه پیشی می‌گیرند، قرار ده.

(۱۳) خدایا، بر محمد و آل محمد، به تعداد تمام درودهایی که تاکنون بر بندگان ارزانی داشته‌ای، بلکه چندین برابر آن را، در هر وقت و هر لحظه و هر حال، تحیات خود را بر آنان ارزانی بدار؛ به گونه‌ای که هیچ کس جز تو بر شمارش آن قادر نباشد. به راستی که تو توانایی هستی که همه چیز و هر کار در سیطره اراده تو می‌باشد.



## واژه‌ها:

۱. حمد: ثنا بر جمیل.
۲. لہجرتنا: بہ ما جزا دہد.
۳. حیانا: بہ ما عطا کرد.
۴. سئلنا: ما را سیر داد.
۵. شیل: راہ‌ها.
۶. طہور: پاکیزگی.
۷. تمحیص: خالص کردن از عیب.
۸. شہر القیام: ماہ برخاستن.
۹. الفرقان: فارق بین حق و باطل.
۱۰. موفور: بسیار.
۱۱. إعظاما: بہ جہت بزرگداشت.
۱۲. حجر: منع کرد.
۱۳. مشارب و مطاعم: نوشیدنی و خوردنی.
۱۴. لیلۃ القدر: شب نزول ملائکہ جہت تقدیر عالم.
۱۵. أمکم: محکم کرد.
۱۶. قضائہ: حکم خود را.
۱۷. إجلال: بزرگداشت.
۱۸. حرمة: حریم قابل احترام.
۱۹. تحفظ: خود نگهداری.
۲۰. حظرت: منع کردی.
۲۱. أعینا: ما را کمک کن.
۲۲. کفّ الجوارح: نگهداری اعضا.
۲۳. لاصفی: گوش ندهیم.
۲۴. لاتسرع: شتاب نکنیم.
۲۵. لہو: لغو و بیہودہ.
۲۶. لاتسبط: باز نکنیم.
۲۷. ولا تخطو: قدم برنداریم.
۲۸. محجور: ممنوع.
۲۹. لاتی بطننا: داخل شکم ما نشود.
۳۰. مثقت: اجازه دادی تو.
۳۱. یدئی: نزدیک کند.
۳۲. لاتعاطی: اقدام نکنیم.
۳۳. سمعة: بہ گوش دیگری رساندن (خودنمایی).
۳۴. نبغی: طلب کنیم.
۳۵. فروضها: واجبات آن.
۳۶. المصیبین لئنازلہا: رسیدگان بہ مقامات آن.
۳۷. المؤدین: ادا کنندگان.
۳۸. فواضل: برتری‌ها.
۳۹. أسفہ: کامل ترین و تمام ترینش.
۴۰. أبین الغشوع: بالاترین خشوع.
۴۱. نصل ارحامنا: صلہ رحم کنیم.

۴۲. بالبر و الصلة: به نیکویی و احسان.  
 ۴۳. نتعاود: محافظت کنیم.  
 ۴۴. افضال: احسان.  
 ۴۵. تبعات: دنباله‌های ناپسند.  
 ۴۶. هاجرنا: از مادوری کرده.  
 ۴۷. تُتَّيِّف: انصاف دهیم.  
 ۴۸. نسالم: مسالمت کنیم.  
 ۴۹. عادانا: با ما دشمنی کرده.  
 ۵۰. حاشی: به استثنای.  
 ۵۱. عُودِي فیک: در راه تو دشمنی شده است.  
 ۵۲. لا تواله: با او دوست نیستیم.  
 ۵۳. لا تُصافیه: با او صفا و خلوص نداریم.  
 ۵۴. تستأنف: تازه رخ می‌دهد.  
 ۵۵. تعَبَد لك: برای تو بندگی کرده.  
 ۵۶. قَرَّبته: او را به خود نزدیک کرده‌ای.  
 ۵۷. اخصصته: به خود اختصاص دادی.  
 ۵۸. اهل المبالغة فی طاعتك: به کمال اطاعت تو رسیدند.  
 ۵۹. الرفیع الأعلى: مقام بسیار بلند.  
 ۶۰. جُئنا: ما را دور کن.  
 ۶۱. العاد: انکار با عداوت.  
 ۶۲. تمجید: بزرگداشت.  
 ۶۳. حرمة: آن‌چه رعایت آن حتمی است.  
 ۶۴. رقاب: گردن‌ها (کنایه از افراد).  
 ۶۵. صنع: عفو.  
 ۶۶. وامحق: نابود کن.  
 ۶۷. واسلخ: تمام کن.  
 ۶۸. یلنا: مایل به کجی.  
 ۶۹. قُمدلنا: ما را تعدیل کن.  
 ۷۰. زغنا: از استقامت جدا شدیم.  
 ۷۱. استقذنا: ما را خلاص کن.  
 ۷۲. اشحنه: آن را مملو کن.  
 ۷۳. زینت: زینت ده.  
 ۷۴. أعتا: ما را یاری کن.  
 ۷۵. تغریط: تقصیر.  
 ۷۶. یرثون: به ارث برند.  
 ۷۷. فردوس: بهشت.  
 ۷۸. وُجل: ترسان.  
 ۷۹. یسارعون: شتاب کنند.  
 ۸۰. سابقون: سبقت گیرندگان.  
 ۸۱. أوان: زمان.  
 ۸۲. اضعاف: چند برابر.  
 ۸۳. لایحصیها: آن را نمی‌شمارد.



## دعاؤه في وداع شهر رمضان

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وداعِ شَهْرِ رَمَضَانَ  
(١) اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَزُغُبُ فِي الْجَزَاءِ، وَيَا مَنْ لَا يَنْدُمُ عَلَى الْعَطَاءِ، وَيَا  
مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدُهُ عَلَى السَّوَاءِ.

(٢) مِتَّتْكَ ابْتِدَاءً، وَعَفَاكَ تَفَضُّلاً، وَعُقُوبَتَكَ عَذْلًا، وَقَضَاؤَكَ خَيْرَةً.<sup>٣</sup>  
(٣) إِنْ أُعْطِيتَ لَمْ تَشُبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ، وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنُوعَكَ تَعْدِيًا.<sup>٤</sup>  
(٤) تَشْكُرُ مِنْ شُكْرِكَ وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ، وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ  
عَلِمْتَهُ حَمْدَكَ.

(٥) تَسْتُرُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ،<sup>٥</sup> وَتَجُودُ<sup>٦</sup> عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ  
كِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ، غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَعْمَالَكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَ  
أَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ.

(٦) وَتَلَقَّيْتَ<sup>٧</sup> مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ، وَأَمَهَلْتَ<sup>٨</sup> مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ،  
تَسْتَظِرُّهُمْ<sup>٩</sup> بِأَنَابَتِكَ إِلَى الْإِنَابَةِ<sup>١٠</sup>، وَتَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ<sup>١١</sup> إِلَى التَّوْبَةِ، لِكَيْلَا يَهْلِكَ  
عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ، وَلَا يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيئُهُمْ، إِلَّا عَنْ طَوْلِ الْإِغْذَارِ<sup>١٢</sup> إِلَيْهِ، وَبَعْدَ

## دعای چهل و پنجم

### دعای وداع با ماه رمضان

- (۱) ای خدایی که هرگز به پاداش نیازمند نیستی و از عطا پشیمان نمی‌گرددی و هرگز به همهٔ بندگان در برابر کردار آنان یکسان جزا نمی‌دهی.
- (۲) این بخشش تو هرگز عوض چیزی نیست و عفو تو همیشه تفضل و عقوبت عدل و فرامان غیر محض است.
- (۳) خدایا، اگر عطا کنی، عطایت را با منت همراه نمی‌کنی و اگر منع کنی، هرگز منع کردنت ظلم نیست.
- (۴) خدایا، هر کس که قدر دان تو باشد، سپاس‌گزاری می‌کنی، در حالی که تو خود الهام‌کننده شکر هستی و ستایش‌گران را پاداش می‌دهی، در حالی که تو به آنان ستایش‌گویی را آموخته‌ای.
- (۵) خدایا، پیوسته کسی را که می‌توانی رسوایش کنی بر گناه او پرده عفو می‌کنی و بر کسی که اگر بخواهی از بخشش خود منعش می‌کنی می‌بخشایی، در حالی که هر دو سزاوار رسوایی و منع فیض هستند، ولی بنای تو بر تفضل و گذشت است.
- (۶) خدایا، تو با صبر و بردباری با اهل گناه برخورد می‌کنی و به کسانی که به خود ستم کرده‌اند، مهلت می‌دهی و بدون عجله به آنان فرصت توبه می‌دهی و در عقوبت آنان شتاب نمی‌فرمایی تا به زودی هلاک نشود و با نعمت‌های تو به بدبختی دچار نگردند، مگر آن کس که پی در پی عذر او را پذیرفته‌ای و حجت تو بر او تمام شود

تَرَادُفٍ<sup>١٦</sup> الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ، وَ عَائِدَةً<sup>١٧</sup> مِنْ عَطْفِكَ يَا خَلِيمُ.

(٧) أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتَ - تَبَارَكَ اسْمُكَ -: (تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا<sup>١٨</sup> عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَتَخَفَرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ).

(٨) (يَوْمَ لَا يُخْزَى<sup>١٩</sup> اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَآغِزْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟

(٩) وَأَنْتَ الَّذِي رَذْتَ فِي السَّوْمِ<sup>٢٠</sup> عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبِّهِمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ<sup>٢١</sup> لَكَ، وَ فَوَّزَهُمْ<sup>٢٢</sup> بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ وَ الزِّيَادَةِ مِنْكَ، فَقُلْتَ - تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ -: (مَنْ جَاءَ بِالْخَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالْأَسِيئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا).

(١٠) وَقُلْتَ: (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ<sup>٢٣</sup> أَتْبَتَتْ<sup>٢٤</sup> سَبْعَ سَنَابِلٍ<sup>٢٥</sup> فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِنْهُ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ). وَ قُلْتَ: (مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً). وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نِظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ<sup>٢٦</sup>.

(١١) وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَ تَرْغِيْبِكَ<sup>٢٧</sup> الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ<sup>٢٨</sup>

و همه این کرامت‌ها از عفو تو سرچشمه می‌گیرد، ای کریم و از توجه لطافت آمیز تو صورت می‌گیرد، ای بر دبار.

(۷) خدایا، تو در توبه را به روی بندگان خود گشودی و وحی خود را دلیل راه آنان قرار دادی تا هرگز کسی گمراه نشود، سپس فرمودی: «به درگاه خدا خالصانه توبه کنید، امید که پروردگار تمام گناهان شما را بزداید و در بهشت برین که از زیر درختان آن نهرها روان است، جای دهد.»

(۸) «روزی که خداوند متعال پیامبر خود و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند، رسوا نمی‌سازد، در حالی که نور آنان در پیشاپیش و در سمت راست آنان در حرکت است و پیوسته می‌گوید: پروردگارا، این نور را کامل تر گردان و ما را مشمول عفو خویش بفرما، که تو بر همه چیز توانایی.» راستی غافلان چه زبانی بار آورده‌اند؟ و با چه عذری به این منزل وارد نشده‌اند، در صورتی که در باز و دلیل راه آماده است؟!

(۹) خدایا، تو با بندگان معامله فرمودی و پیوسته سود آنان را در تجارت با خودت می‌خواستی و رستگاری آنان را به سبب روی آوردن به خود و افزون شدن مزد آنان را اراده فرموده‌ای. از این رو، در قرآن فرموده‌ای: «هر کس نیکوکاری کند، ده برابر جزا دریافت می‌کند، ولی گناهان را فقط به مثل آنها کیفر خواهند دید.»

(۱۰) خداوند، تو خود فرمودی: «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا بذل کنند، درست مانند نشاندن دانه‌ای در زمین است که نتیجه آن هفت شاخه است که هر شاخه صد دانه داشته باشد و با این حال، خداوند متعال پاداش مضاعف را نصیب هر کس که بخواهد می‌کند.» و نیز فرمودی: «کیست که به خدای خود وام دهد و چند برابر با دست پر باز آید؟!» و نظایر این آیات در قرآن کریم که با پاداش مضاعف امید بسیار به بندگان عطا فرموده‌ای.

(۱۱) خداوند، تو بر بندگان منت‌گذاری و از اموری پرده برداشته‌ای که اگر آن



عَلَى مَا لَوْ سَرَّوْتهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِ أَسْمَاعُهُمْ<sup>١١</sup>، وَلَمْ تَلْحَقْهُ  
أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ)، وَقُلْتَ: (لَنْ  
شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ).

(١٢) وَقُلْتَ: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنْ الَّذِينَ يَسْتَغِيثُونَ عَنْ عِبَادَتِي  
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ<sup>١٢</sup>)، فَسَمِيتُ دُعَاكَ عِبَادَةً، وَتَزَكُّهُ اسْتِجَابًا، وَ  
تَوَعَّدْتُ عَلَى تَزَكُّهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.

(١٣) فَذَكَّرْتُكَ بِمَنِّكَ، وَشَكَّرْتُكَ بِفَضْلِكَ، وَدَعَوْتُكَ بِأَمْرِكَ، وَ  
تَصَدَّقُوا<sup>١٣</sup> لَكَ طَلِبًا لِمَزِيدِكَ، وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ، وَفَوْزُهُمْ  
بِرِضَاكَ.

(١٤) وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَتُكَ  
مِنْكَ، كَانَ مُزُوفًا بِالْإِحْسَانِ، وَمَنْعُوتًا<sup>١٤</sup> بِالْإِمْتِنَانِ، وَمَخْمُودًا<sup>١٥</sup> بِكُلِّ لِسَانٍ،  
فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ<sup>١٦</sup>، وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تَحْمَدُ بِهِ، وَ  
مَعْنَى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ.

(١٥) يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَمَزَهُمْ<sup>١٥</sup>  
بِالْمَنْ وَالطَّوِيلِ، مَا أَفْشَى فِيْنَا نِعْمَتَكَ، وَأَسْبَغَ<sup>١٦</sup> عَلَيْنَا مِثَّتَكَ، وَأَخَصَّنَا  
بِبِرِّكَ<sup>١٧</sup>!

(١٦) هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اضْطَفَيْتَ<sup>١٨</sup>، وَمِلَّتِكَ<sup>١٩</sup> الَّتِي ارْتَضَيْتَ،  
وَسَبِيلِكَ الَّذِي سَهَّلْتَ، وَبَصَّرْتَنَا<sup>٢٠</sup> الزُّلْفَةَ<sup>٢١</sup> لَدَيْكَ، وَالْوُصُولَ إِلَى  
كَرَامَتِكَ.



را پنهان می‌داشتی هرگز نه چشمی آن را می‌توانست ببیند و نه گوشی توانایی شنیدن آن را داشت و نه ذهن و وهمی می‌توانست آن را ادراک کند. از جمله فرمودی: «یاد شما، مایهٔ یاد من است و سپاس شما، سپاس مرا به دنبال دارد و کفران نعمت مرا نکنید.» و نیز فرمودی: «بر شکرانهٔ من بیفزاید و ناسپاسی نکنید که به عذاب دردناک دچار خواهید شد.»

(۱۲) نیز فرمودی: «مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم. کسانی که استکبار ورزیده و دعا و عبادت نکنند، کیفر آنان ورود ذلت بار به جهنم است.» بدین سان، دعا را عبادت شمردی و ترک دعا را استکبار نامیدی و جزای استکبار را ورود ذلت بار به جهنم مقرر فرمودی.

(۱۳) پس بندگان تو را به منت‌هایت یاد کردند و به فضل تو، تو را سپاس گفتند و به فرمان تو، تو را خواندند و به امید آن که به کرامت بیشتری از درگاه تو نایل آیند، از اموال خود به مستمندان بخشیدند و بدین وسیله از غضب تو نجات یافته و به فضل خشنودی تو رستگار شدند.

(۱۴) خدایا، اگر یکی از بندگان بندهٔ دیگری را همانند تو راهنمایی می‌کرد، قطعاً او را ستایش می‌کردند و اظهار امتنان می‌نمودند و هر زبانی او را مدح می‌کرد. پس ای پروردگار متعال، مادام که حمد تو ممکن است و مادام که لفظ و معنا توانایی ستایش تو را دارد، تو را شکر و ستایش می‌کنیم.

(۱۵) ای خداوندی که با احسان و فضل بسیار به بندگان، حمد و ستایش خود را از آنان خواسته‌ای و آنان را غرق نعمت‌ها و دهش‌های خویش کرده‌ای. راستی چه قدر نعمت تو آشکارا و کرامت فراوان و احسانت بر ما ویژه است!

(۱۶) ما را به سوی دینی هدایت فرموده‌ای که خود برای بندگان انتخاب کرده‌ای و آیینی که خود پسندیده‌ای و پیمودن آن را آسان ساخته و به تقرب به درگاهت و رسیدن به کرامت‌هایت آگاه گردانیده‌ای.



(١٧) اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا<sup>٢٢</sup> تِلْكَ الْوُطَانِفِ، وَخَصَائِصِ<sup>٢٣</sup> تِلْكَ الْفُرُوضِ<sup>٢٤</sup> شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ، وَتَخَيَّرْتَهُ<sup>٢٥</sup> مِنْ جَمِيعِ الْأَرْمَنَِّةِ وَالذُّهُورِ<sup>٢٦</sup>، وَأَثَرْتَهُ<sup>٢٧</sup> عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالتَّوَرِّ، وَضَاعَفْتَ<sup>٢٨</sup> فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ، وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصَّيَامِ، وَرَغَّبْتَ فِيهِ<sup>٢٩</sup> مِنَ الْقِيَامِ، وَأَجَلَلْتَ فِيهِ<sup>٣٠</sup> مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ شَهْرٍ.

(١٨) ثُمَّ أَثَرْتَنِي بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ<sup>٣١</sup>، وَاصْطَفَيْتَنِي بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلِكِ<sup>٣٢</sup>، فَصُنَّنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَقُنْنَا بِعَوْنِكَ<sup>٣٣</sup> لَيْلَهُ، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ<sup>٣٤</sup> وَقِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَتَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ<sup>٣٥</sup> مِنْ مَثُوبَتِكَ، وَأَنْتَ السَّلِيُّ<sup>٣٦</sup> بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ، الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ، الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ<sup>٣٧</sup> قُرْبَكَ. (١٩) وَقَدْ أَقَامَ فِينَا<sup>٣٨</sup> هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ، وَصَحْبَتَنَا صُحْبَةً مَسْبُورٍ، وَأُزْبَحْنَا<sup>٣٩</sup> أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا<sup>٤٠</sup> عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَانْقِطَاعِ مَدَّتِهِ، وَوَفَاءِ عَدْدِهِ.

(٢٠) فَتَخُنْ مُودَعُوهُ<sup>٤١</sup> وَدَاعَ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ<sup>٤٢</sup> عَلَيْنَا، وَغَمَّنَا<sup>٤٣</sup> وَأَوْحَشَنَا<sup>٤٤</sup> أَنْصِرَافَهُ غَنَا، وَلَزِمْنَا لَهُ الدَّمَامَ<sup>٤٥</sup> الْمَحْفُوظَ، وَالْخُزْمَةَ<sup>٤٦</sup> الْمَزْعِيَّةَ، وَالْحَقُّ الْمَقْضَى، فَتَخُنْ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرِ، وَيَا عَيْدَ أَوْلِيَائِهِ. (٢١) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَضْحُوبٍ<sup>٤٧</sup> مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ.

(٢٢) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْأَمَالُ<sup>٤٨</sup>، وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ.

(۱۷) خدایا، یکی از وظایف برگزیده‌ای را که بر بندگان مقرر فرموده‌ای، روزه ماه مبارک رمضان است؛ ماهی که بر همه ماه‌ها و زمان‌های دیگر بر تری دادی، زیرا نزول قرآن و تکامل ایمان در آن وقت انجام می‌گیرد و در آن به روزه روز و شب خیزی ترغیب فرمودی و از بزرگداشت آن ماه این است که شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن مقزّر داشتی.

(۱۸) خدایا، تو ملت اسلام را برگزیدی که روزه ماه مبارک را بگیرند و فضل آن را به ما ارزانی داشتی و غیر از ملت اسلام از این امتیاز محروم ماندند و ما از تو اطاعت نمودیم، در حالی که به روزه روز و نماز شب مشغول بودیم و بدین وسیله، رحمت و پاداش تو را جلب کردیم و پیمانه‌ی کسی را که به تو رغبت کند آکنده می‌سازی و با وجود خود سائلان را پاسخ می‌دهی و به هر کس که به تو تقرب جوید، نزدیک هستی.

(۱۹) خدایا، این ماه مبارک در بین ما بسیار پسندیده ماند و برای ما یار بسیار خوبی بود و بهترین سودها را به ما رساند و هنگام سر آمدن ایامش از ما جدا شد و رفت.

(۲۰) ما نیز هم اکنون ماه مبارک را در حالی وداع می‌گوییم که جدایی از آن بر ما سخت و موجب نگرانی ماست و پیمان محفوظ و احترام بسیار و حق حتمی آن را بر عهده خود ضروری و لازم می‌دانیم و با حسرت و شوق تمام درودمان را بر آن ماه خدا و عید اولیای او نثار می‌نماییم.

(۲۱) سلام بر تو ای بهترین دوست در میان وقت‌ها و زمان‌ها و ای بهترین ماهی که در بین ساعت‌های عمرم گذشته است.

(۲۲) سلام بر تو ای ماهی که آرزومندان را به مقصد نزدیک ساختی و اعمال شایسته فراوان را به انجام رساندی. سلام بر تو ای همدمی که به هنگام حضور، بسیار گران قدر بودی و آن‌گاه که رفتی فراق تو گران‌تر و انتظار دیدارت بس سخت و درد آور است.



(٢٣) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ<sup>٧٦</sup> مُوجُوداً، وَأَفْجَعَ فَقْدُهُ مَقْشُوداً<sup>٧٧</sup>، وَمَزْجُؤِ آلَمٍ<sup>٧٨</sup> فِرَاقُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفٍ<sup>٧٩</sup> أَنْسَ مُقْبِلًا<sup>٨٠</sup> فَسَرَّ<sup>٨١</sup>، وَأَوْحَشَ<sup>٨٢</sup> مُنْقَضِيًا<sup>٨٣</sup> فَمَضَّ<sup>٨٤</sup>، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ<sup>٨٥</sup> فِيهِ الْقُلُوبُ، وَقَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ.

(٢٤) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ<sup>٨٦</sup> عَلَى الشَّيْطَانِ، وَصَاحِبٍ سَهَّلَ<sup>٨٧</sup> سُبُلَ<sup>٨٨</sup> الْإِحْسَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُتْقَاءَ<sup>٨٩</sup> اللَّهِ فِيكَ، وَمَا أَسْعَدَ<sup>٩٠</sup> مَنْ رَعَى<sup>٩١</sup> حُرْمَتَكَ بِكَ!

(٢٥) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ<sup>٩٢</sup> لِلذُّنُوبِ، وَأَشْتَرَكَ<sup>٩٣</sup> لِأَنْوَاعِ الْغُيُوبِ! السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ<sup>٩٤</sup> عَلَى الْمُجْرِمِينَ، وَأَهْيَبَكَ<sup>٩٥</sup> فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ! (٢٦) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ<sup>٩٦</sup> الْأَيَّامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ<sup>٩٧</sup>، السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِهِ الْمُصَاحِبَةِ<sup>٩٨</sup>، وَلَا ذَمِيمِ الْمَلَابِسَةِ<sup>٩٩</sup>. (٢٧) السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَقَدْتَ<sup>١٠٠</sup> عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَغَسَلْتَ عَنَّا ذَنْسَ<sup>١٠١</sup> الْخَطِيئَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُودِعٍ بَرَمًا<sup>١٠٢</sup> وَلَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأَمًا<sup>١٠٣</sup>. السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ<sup>١٠٤</sup> قَبْلَ وَفْتِهِ، وَمَخْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ قُوْتِهِ.

(٢٨) السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا، وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِضَ<sup>١٠٥</sup> بِكَ عَلَيْنَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

(٢٩) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَخْرَضَنَا بِالْأَمْسِ<sup>١٠٦</sup> عَلَيْكَ، وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا<sup>١٠٧</sup> إِلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِمْنَا<sup>١٠٨</sup>هُ، وَ عَلَى مَا ضَى مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلَيْبًا<sup>١٠٩</sup>.

(۲۳) سلام بر تو ای ماهی که به هنگام آمدن بسیار مسرت آمیز بودی و به هنگام رفتن، دل را در نگرانی و اضطراب رها کردی و رفتی و سلام بر تو ای ماهی که با دوستی تو انس یافتیم و دل‌ها را خاشع کردی و از گناهانمان کاستی.

(۲۴) درود بر تو ای ماهی که بهترین یاری هستی که شیطان را دور کردی و بهترین رفیقی که راه‌های نیکوکاری را آسان ساختی. راستی چه مقدار گناه کاران که به واسطه تو از آتش جهنم رها شدند و چه خوش بخت است آن که دانست حرمت حریم تو چه قدر است و آن را نگاه داشت!

(۲۵) درود بر تو که گناهان بسیار را پاک کردی و عیب‌ها را پوشانیدی، درود بر تو که چه بسیار بر گناه کاران سنگین و مشکل آمدی و بر دل مؤمنان با هیبت و عظمت بودی.

(۲۶) سلام بر تو ای ماهی که پیام آور امن و امان هستی. درود بر تو که از مصاحبت تو ملای حاصل نمی‌گردد و از حضورت گزند پیدا نمی‌شود.

(۲۷) درود بر تو ای ماهی که با برکات تمام بر ما وارد شدی و پلیدی‌های گناهان را زدودی. سلام بر تو که من در حال وداع تو از بودن تو خسته نبودم و روزه تو را با سختی برگذار نکردم، درود بر تو که قبل از آمدنت سخت در انتظارت بودیم و پیش از رفتن تو بر فراق محزونیم.

(۲۸) درود بر تو ای ماهی که بدی‌های بسیار به واسطه تو از ما برطرف شد و خیرات و برکات فراوان به وسیله تو بر ما نازل گردید، درود بر تو و بر شب قدر تو که از هزار ماه بهتر است.

(۲۹) درود بر تو ای ماهی که چه بسیار در گذشته به آمدنت علاقه‌مند بودیم و چه قدر در آینده مشتاق تو هستیم. درود بر تو و بر فضایی که به هنگام رحلت با خود بردی و ما اکنون از آن برکات محروم هستیم.



(٣٠) اَللّٰهُمَّ اِنَّا اَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا <sup>١٢</sup> بِهِ، وَفَقَّتْنَا بِمَنِّكَ لَهُ، حِينَ جَهَلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ، وَحُرِّمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ.

(٣١) أَنْتَ وَلِيُّ مَا آتَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَغْرِفَتِهِ، وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ، وَقَدْ تَوَلَّيْنَا <sup>١٤</sup> بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ، وَأَدَيْنَا <sup>١٥</sup> فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ. (٣٢) اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ <sup>١٦</sup>، وَاعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ <sup>١٧</sup>، وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ <sup>١٨</sup>، وَمِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِذَارِ، فَأَجْزِنَا <sup>١٩</sup> عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنْ التَّغْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَذِرُكَ <sup>٢٠</sup> بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ <sup>٢١</sup>، وَنَعْتَاضُ <sup>٢٢</sup> بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ <sup>٢٣</sup> الْمَخْرُوصِ عَلَيْهِ <sup>٢٤</sup>.

(٣٣) وَأَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ، وَابْلُغْ <sup>٢٥</sup> بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ <sup>٢٦</sup> مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَأَدِّنَا <sup>٢٧</sup> إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ، وَاجْرُ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا <sup>٢٨</sup> لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ <sup>٢٩</sup>.

(٣٤) اَللّٰهُمَّ وَمَا أَلَمْنَا <sup>٣٠</sup> بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ <sup>٣١</sup> أَوْ إِنْهَامٍ <sup>٣٢</sup>، أَوْ وَاقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ، وَاکْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ، ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوْ انْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً <sup>٣٣</sup> مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَبِّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ، وَلَا تَنْصِبْنَا <sup>٣٤</sup> فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ <sup>٣٥</sup>، وَلَا تَبْسُطْ <sup>٣٦</sup> عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ <sup>٣٧</sup>، وَاسْتَغْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً <sup>٣٨</sup> وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ <sup>٣٩</sup>، وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ.

(۳۰) خدایا، ما به این ماه مبارک وابسته ایم و تو ما را به آن مشرف ساخته و به توفیق خود بهره گیری از برکات آن را به ما ارزانی داشتی، آن گاه که اشقیا به جهل خود گرفتاراند و از فضایل آن محروم اند.

(۳۱) خدایا، تو بودی که ما را برای معرفت این ماه مبارک و انجام دادن سنت های آن انتخاب فرمودی و با آن همه تأییدهایی که از سوی تو بر ما ارزانی شد، ما هنوز کمی از وظایف بسیار خود را انجام دادیم.

(۳۲) خدایا، با اقرار و اعتراف به بدی و بدرفتاری خود می گوئیم که ستایش تو را است و راستی دل های ما پشیمان و زبان هایمان معترف است، پس به ازای تفریط ها و کوتاهی های ما، پاداشی به ما کرامت فرما که فضل و عنایت تو را دریابیم و انواع اعمال را که به آن آزمندیم ذخیره آخرت خود کنیم.

(۳۳) خدایا، عذر ما را در کوتاهی هایمان بپذیر و عمر ما را تا ماه رمضان آینده برسان و آن گاه که به ماه رمضان آینده رسیدیم، ما را به آن چه سزاوار بندگی تو است و به آن چه باید در آن فرصت انجام دهیم، موفق بدار و در مدت این ماه مبارک و ایام ماه رمضان آینده، اعمال صالح و شایسته را برای ما مقدر بفرما.

(۳۴) خدایا، هرگناهی که به آن رغبت کردیم و یا انجام دادیم، چه از روی عمل بود و یا نسیان، به خود ستم نمودیم و یا حرمت دیگران را هتک کردیم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و عیب های ما را ببوش و ما را مشمول بخشش خود گردان و هرگز ما را در معرض شماتت کنندگان قرار نده و زبان طعنه زنان را به روی ما باز نکن و توفیق عملی ده که کفاره کردارها و موجب ریزش گناهانی باشد که آنها را دوست نداری، به حق فضل بی پایان و رأفت نامتناهی تو.



(٣٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُزْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا، وَبَارِكْ لَنَا<sup>١٣٠</sup> فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا، وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا<sup>١٣١</sup>؛ أَجْلِيهِ<sup>١٣٢</sup> لِقَاؤِهِ، وَآمِنَاهُ<sup>١٣٣</sup> لِدَنْبٍ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ<sup>١٣٤</sup>.

(٣٦) اَللّٰهُمَّ اسْلَخْنَا<sup>١٣٥</sup> بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا، وَآخِرِ خَنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ<sup>١٣٦</sup> بِهِ، وَأَجْزَلِهِمْ<sup>١٣٧</sup> قِسْمًا فِيهِ، وَأَوْفَرِهِمْ<sup>١٣٨</sup> حَقًّا مِنْهُ.

(٣٧) اَللّٰهُمَّ وَمَنْ رَعَى<sup>١٣٩</sup> هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَحَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَقَامَ بِحُدُودِهِ<sup>١٤٠</sup> حَقَّ قِيَامِهَا، وَاتَّقَى<sup>١٤١</sup> ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا<sup>١٤٢</sup>، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ، وَعَطَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وَجْدِكَ، وَأَغْنِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ، فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَبْغِضُ<sup>١٤٣</sup>، وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ، وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَنْفَى، وَإِنَّ عَطَاءَكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهَنَّا<sup>١٤٤</sup>.  
(٣٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاکْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٣٩) اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَسُرُورًا، وَلِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا<sup>١٤٥</sup> وَمُخْتَمَدًا<sup>١٤٦</sup> مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ، أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ<sup>١٤٧</sup>، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ، تَوْبَةً مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ، وَ لَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ، تَوْبَةً نَصُوحًا<sup>١٤٨</sup> خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِزْيَابِ<sup>١٤٩</sup>؟ فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا، وَارْضَ عَنَّا، وَتُبَّنَا عَلَيْهَا.

(٤٠) اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ<sup>١٥٠</sup>، وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمُؤْعُودِ حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ، وَكَابَةَ<sup>١٥١</sup> مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ.



(۳۵) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و گرفتاری‌ها و زیان‌های ما را با حلول ماه مبارک جبران کن و عید فطر را بر ما مبارک و آن را بهترین روز ما قرار ده و در آن روز غفوت را بیشتر از همیشه شامل حال ما گردان و جرم‌های ما را نادیده بگیر و از گناهان نهان و آشکار درگذر.

(۳۶) خدایا، ما را از ماه مبارک رمضان با عفو و آمرزش همه گناهان مان بیرون کن و ما را خوشبخت‌ترین و پر اجر ترین کسانی قرار ده که در این ماه روزه داشته‌اند.

(۳۷) خدایا، آن کرامتی را که نصیب پاس دارندگان حرمت ماه مبارک رمضان و برپا دارندگان حدود آن و پرهیز کنندگان از گناه در آن و تقرب جویندگان به درگاه تو که موجب خشنودی و عطا و رحمت تو شده‌اند، بلکه چندین برابر آن از لطف و فضل خود را به ما عطا فرما، زیرا فضل تو کاستی نمی‌پذیرد و خزاینست اندک نمی‌شود، بلکه پیوسته در زیادت است و معادن احسان تو هرگز نیست و نابود نمی‌گردد و چه گوارا است بخشش‌های تو!

(۳۸) خدایا، بر محمد و آل محمد، پاداش تمامی روزه داران و عبادت کنندگان را در ماه رمضان تاقیامت بر ما مکتوب فرما.

(۳۹) خدایا، مادر این روز عید که آن را مایه سرور و تجمع مؤمنان قرار داده‌ای، به تو روی می‌آوریم و از هر گناه یا بدی که انجام داده‌ایم و هر اندیشه ناهنجاری که از خاطر گذرانده‌ایم، توبه می‌کنیم؛ توبه‌ای که هرگز رجوع به گناه را در پی نداشته و از هرگونه شک و تردید خالص باشد. پس توبه ما را بپذیر و از ما خشنود باش و بر آن پایدارمان بدار.

(۴۰) خدایا، ترس از عقاب و شوق به ثواب را آن چنان به ما کرامت فرما که لذت آن چه را طلب کرده‌ایم بچشیم و به سختی آن چه از آن به تو پناه برده‌ایم، آگاه شویم.



(٤١) وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتُكَ، وَقَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ، يَا أَغْدَلَ الْعَادِلِينَ<sup>١٥٢</sup>.

(٤٢) اَللّٰهُمَّ تَجَاوَزْ عَنِ آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَهْلِ دِينِنَا جَمِيعاً، مَنْ سَلَفَ<sup>١٥٣</sup> مِنْهُمْ وَمَنْ غَبَرَ<sup>١٥٤</sup> إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٤٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَفْضَلْ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتَهَا، وَيَنَالُنَا نَفْعَهَا، وَيُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا، إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ<sup>١٥٥</sup>، وَأَكْفَى<sup>١٥٦</sup> مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَأَعْطَى<sup>١٥٧</sup> مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(۴۱) خدایا ما را از توبه کنندگانی قرار ده که محبت خود را بر آنان حتمی کرده و بازگشت به سوی طاعت خود را از آنان پذیرفته‌ای، ای عادل‌ترین دادگران.

(۴۲) خدایا، پدران و مادران و هم‌کیشان ما را - چه آنان که در گذشته‌اند و چه آنان که باقی‌اند - تا روز قیامت مورد عفو و بخشش خود قرار ده.

(۴۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، آن چنان که بر فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و بندگان شایسته خود درود فرستادی، بلکه برتر و بهتر از آن؛ به گونه‌ای که برکات و نفع آن تهنیت و درود، به ما نیز برسد و موجب اجابت دعای ما گردد، زیرا تو کریم‌ترین کسی هستی که همگان به او رغبت می‌ورزند و کافی‌ترین کس برای متوکلان و بخشنده‌ترین کسی هستی که از فضل خود به درخواست کنندگان می‌بخشی و تو بر همه چیز توانایی.

#### واژه‌ها:

۱. لا یندم: پشیمان نشود.
۲. لا یکافی: جزا ندهد.
۳. خیرة: خیر محض.
۴. لم تشب: مخلوط نکنی.
۵. تعدیاً: تجاوزگرانه.
۶. ألهمة: به ذهنش آوردی.
۷. فضحة: رسوایش می‌کردی.
۸. تجود: می‌بخشی.
۹. أجریت: قرار دادی.
۱۰. تلقیت: ملاقات کنی.
۱۱. أمهلت: مهلت دادی.
۱۲. تستظرهم: مهلتشان می‌دهی.
۱۳. الإتیابة: برگشت.
۱۴. المعالجة: شتاب.
۱۵. الإعذار: مهلت بدون ملامت.
۱۶. ترادفی: پشت سر هم.
۱۷. عائدة: به دست آمده.
۱۸. توبة نصوح: توبه خالص غیر قابل برگشت.
۱۹. لا یغزی: خار نکند.
۲۰. السوم: معامله.
۲۱. المتاجرة: تجارت کردن.

۲۲. الفوز: رستگاری.  
۲۳. حَیَّة: دانه.  
۲۴. انبت: برویاند.  
۲۵. سنابل: خوشه‌ها.  
۲۶. تضاعیف الحسنات: جزاهای چندین برابر.  
۲۷. ترغیب: وادار کردن.  
۲۸. حظ: بهره.  
۲۹. لم تمه اسماعهم: گوش آنها نشنود.  
۳۰. دآخرین: خار و کوچک.  
۳۱. تصدقوا: صدقه دادند.  
۳۲. منعوتاً: موصوف.  
۳۳. محموداً: پسندیده.  
۳۴. مذهب: جای قابل عبور.  
۳۵. غمرهم: آنها را پوشانید.  
۳۶. اسبغ: گشایش داد.  
۳۷. بیزک: نیکی تو.  
۳۸. اصطفیت: برگزیدی.  
۳۹. ملّک: اَمّت تو - پیروان تو.  
۴۰. بهر تنّا: ما را بینا کردی.  
۴۱. الّؤلفه: قرب.  
۴۲. صفایا: خالص‌ها.  
۴۳. خصائص: ویژگی‌ها.  
۴۴. فروض: واجبات.  
۴۵. تغیرته: انتخاب کردی.  
۴۶. الدهور: زمان‌های ممتد.  
۴۷. اثرته: برگزیدی و برتری دادی.  
۴۸. ضاعفت: چندین برابر قرار دادی.  
۴۹. زَعَبْت فیه: در آن ترغیب کردی.  
۵۰. أجللت فیه: قدرش بزرگ داشتی.  
۵۱. اُمم: اَمّت‌ها و پیروان.  
۵۲. اهل ملل: سایر ملّت‌ها.  
۵۳. عونک: یاری تو.  
۵۴. متعرضین بهیامه: انجام‌دهندگان روزه آن.  
۵۵. تَسَبَّنا الیه: رسیدیم به آن.  
۵۶. الّلی: مقتدر.  
۵۷. حاول: قصد کرده.  
۵۸. اقام فینا: درنگ کرد در بین ما.  
۵۹. أربعتا: به ما سود رسانید.  
۶۰. فارقتا: از ما جدا شد.  
۶۱. مودّعه: وداع کنندگان از او.  
۶۲. عزّ فراقه: فراق آن سنگین است.  
۶۳. غشنا: ما را مغموم ساخت.  
۶۴. أوحشنا: ما را تنها گذاشت (همراه با غم).  
۶۵. الدّمام: تعهد.  
۶۶. حرّم: محترم.  
۶۷. اکرم مصحوب: بهترین همدم.  
۶۸. آمال: آرزوها.

۶۹. چَلّ قدره: ارزش او بزرگ است.  
۷۰. اجمع مقفود: دردناک‌ترین از دست رفته.  
۷۱. آلَم: درد آور است.  
۷۲. ألیف: مانوس.  
۷۳. مقیلاً: روی آورنده.  
۷۴. سَرّ: خوش حال کرد.  
۷۵. أوحش: وحشتناک‌ترین.  
۷۶. منقضى: تمام شونده.  
۷۷. مضطرب: مضطرب کرد.  
۷۸. رقت: خاشع شد.  
۷۹. اعان: یاد می‌کرد.  
۸۰. سهّل: آسان کرد.  
۸۱. سبل: راه‌ها.  
۸۲. عتقاء: آزاد شوندگان.  
۸۳. أسعد: نیک بخت شد.  
۸۴. رعى: رعایت کرد.  
۸۵. ما كان امحاك: چقدر تو را پاک کننده گناهان نمود.  
۸۶. أسترک: تو را پوشانیده نمود.  
۸۷. أطولک: تو را طولانی کرد.  
۸۸. أهیک: بزرگ داشت.  
۸۹. لاتنافسه الايام: قابل مقایسه با ایام دیگر نیست و ایام دیگر با آن مقابل نیستند.  
۹۰. سلام: سلامت و بدون گزند.  
۹۱. غیر کریمه المصاحبة: مصاحبت با آن بد آیند نیست.  
۹۲. غیر ذمیم المصاحبة: همراه بودن با آن ناپسند نیست.  
۹۳. وفدت: وارد شدی.  
۹۴. دنس: چرک.  
۹۵. برم: ضجر.  
۹۶. سام: درد و ملالت.  
۹۷. مطلوب: مورد رغبت.  
۹۸. أفیض علینا: بر ما افاضه شد.  
۹۹. امسى: دیروز.  
۱۰۰. غد: فردا.  
۱۰۱. حرّمتنا: از آن محروم شدیم.  
۱۰۲. شلیناه: از ما گرفته شد.  
۱۰۳. شرفتنا: ما را به شرافت رسانیدی.  
۱۰۴. توتینا: قیام به انجام روزه نمودیم.  
۱۰۵. اذینا: ادا کردیم.  
۱۰۶. الاسائة: بد کردن.  
۱۰۷. الاضاعة: ضایع نمودن.  
۱۰۸. التدم: پشیمانی.  
۱۰۹. فأجرنا: ما را اجر ده.  
۱۱۰. نستدرک: تلافی کنیم.  
۱۱۱. مرغوب فیه: مورد رغبت.  
۱۱۲. نعتاض: عوض به دست آوریم.



۱۱۳. دُفَر: ذخیره.
۱۱۴. المحروس علیه: مورد رغبت شدید.
۱۱۵. ابلغ: برسان.
۱۱۶. تناول: به دست آوردن.
۱۱۷. اُتَا: ما را برسان.
۱۱۸. دُرْكَأ: به دست آوردن.
۱۱۹. شهر الدهر: ماه‌های عمر.
۱۲۰. اَلْمُنَا: مکث مختصر کردیم.
۱۲۱. لَمْ: ابتلا به گناه.
۱۲۲. اِثْم: گناه.
۱۲۳. انتهکنا حرمة: رعایت نکردیم حرمت را.
۱۲۴. لا تصبنا: قرار نده.
۱۲۵. الشامت: شمانت کننده.
۱۲۶. لا تبسط: باز نکن.
۱۲۷. الطاعن: طعنه زنان.
۱۲۸. حَلَّة: ریزش.
۱۲۹. لا تنفد: تمام نشود.
۱۳۰. بارک لنا: بر ما مبارک کن.
۱۳۱. مَرَّ عَلینَا: بر ما گذشته است.
۱۳۲. اُجْلِب: جلب کننده ترین.
۱۳۳. امحاء: محو کننده ترین.
۱۳۴. وما عُلِن: آن چه علنی است.
۱۳۵. اسلیخنا: ما را جدا کن.
۱۳۶. أسعد اهل: خوشبخت ترین اهل آن.
۱۳۷. أجزل: بزرگترین.
۱۳۸. اوفر: بیشترین.
۱۳۹. رعن: رعایت کرد.
۱۴۰. حدوده: حدهای آن (احکام آن).
۱۴۱. واثنی: پرهیز کرد.
۱۴۲. التفات: پرهیز کردن.
۱۴۳. لا یغیض: می جوشد (زیاد شود).
۱۴۴. مهتا: گوارا.
۱۴۵. مجمعا: محل گرد آمدن.
۱۴۶. محتشدا: مرکز تجمع مردم.
۱۴۷. اسلفنا: قبلاً به جا آورده ایم.
۱۴۸. توبة نصح: توبه خالص.
۱۴۹. الارتياب: شک کردن.
۱۵۰. الوعيد: وعده به عقوبت.
۱۵۱. کآبة: شدت حزن.
۱۵۲. أعدل العادلین: بهترین عدالت ورزان.
۱۵۳. من سلف: گذشتگان.
۱۵۴. من غیر: زنده ها.
۱۵۵. رُغِب الیه: موردی که به او میل و رغبت شود.
۱۵۶. اکفی: کافی ترین.
۱۵۷. أعطی: عطا کننده ترین (بخشنده ترین).



## دعاؤه فى عيد الفطر و الجمعة

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى يَوْمِ الْفِطْرِ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَامَ قَائِمًا ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، وَ فِى يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ:

(١) يَا مَنْ يَزُحِمُ مَنْ لَا يَزُحِمُهُ الْعِبَادُ، وَيَا مَنْ يَقْبَلُ<sup>١</sup> مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ، وَ يَا مَنْ لَا يَخْتَقِرُ<sup>٢</sup> أَهْلُ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ<sup>٣</sup> الْمُتَلَحِّينَ<sup>٤</sup> عَلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا يُجَنِّبُ<sup>٥</sup> بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ<sup>٦</sup> عَلَيْهِ، وَيَا مَنْ يَجْتَنِبِي<sup>٧</sup> صَغِيرَ مَا يُسْتَحَفُّ<sup>٨</sup> بِهِ، وَ يَشْكُرُ<sup>٩</sup> يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ، وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَازِي<sup>١٠</sup> بِالْجَلِيلِ، وَيَا مَنْ يَذْنُو<sup>١١</sup> إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ، وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ<sup>١٢</sup> عَنْهُ، وَيَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النُّعْمَةَ، وَ لَا يُبَادِرُ<sup>١٣</sup> بِالنَّقْمَةِ<sup>١٤</sup>، وَ يَا مَنْ يُنْمِرُ<sup>١٥</sup> الْحَسَنَةَ حَتَّى يُشْمِئَهَا<sup>١٦</sup>، وَ يَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْفِيَهَا<sup>١٧</sup>.

(٢) انْصَرَفَ<sup>١٨</sup> الْآمَالُ دُونَ مَدَى<sup>١٩</sup> كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ، وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةُ الطَّلِبَاتِ، وَ تَفَسَّخَتْ<sup>٢٠</sup> دُونَ بُلُوغِ نَفْتِكَ الصِّفَاتُ، فَلَكَ الْعُلُوُّ<sup>٢١</sup> الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَ الْجَلَالُ الْأَمَجَدُ<sup>٢٢</sup> فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ. كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِى جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ.



## دعای عید فطر و روز جمعه

(۱) ای خدایی که رحمت فراگیر است و آنان را که مورد رحمت و شفقت هیچ کس نیستند، با رحمت خود نوازش می‌کنی و کسانی را که رانده می‌شوند، می‌پذیری و هرگز حاجت‌مند را خوار نمی‌کنی و آنان را که در سؤال اصرار می‌ورزند، نومید نمی‌کنی و ای خدایی که آنانی را که به رحمت تو مغرورند محروم نمی‌کنی و ناز آنها را می‌خوری و ای خدایی که تحفه‌های ناچیز را می‌پذیری و اعمال اندک را قبول می‌کنی و در برابر اطاعت اندک سپاس‌گزاری می‌کنی و پاداش بسیار عطا می‌کنی و ای خدایی که به کسانی که به درگاه تو تقرب می‌جویند، نزدیکی و ای خدایی که فراریان از درگاهت را به سوی خود می‌خوانی و هرگز نعمت خود را از آنها باز نمی‌ستانی و به عذاب و سختی مبادرت نمی‌کنی و ای کسی که اعمال نیک را به ثمر می‌نشانی و بلکه به رشد می‌رسانی و از بدی‌ها می‌گذری و آنها را نابود می‌کنی.

(۲) آرزوها پیشتر از آن که به نقطه‌نهایی کرم تو برسند، کامیاب و برآورده می‌گردد و فیض تو، ظرفیت تمامی درخواست‌های نیازمندان را لبریز کرده است و پیشتر از آن که ستایش‌گران به کنه صفات تو برسند، به عجز و ناتوانی خود اقرار می‌کنند. پس بالاترین مقامات در رسیدن به صفات اعلای تو، کوتاه و هر جلال در مقایسه با جلال برتر تو، کم‌ترین است و هر بزرگی در پیشگاه تو کوچک و هر شریفی در کنار شرافت تو حقیر است.

(٣) خَابَ الْوَافِدُونَ<sup>٢٢</sup> عَلَى غَيْرِكَ، وَخَيْرَ<sup>٢٣</sup> الْمُتَعَرِّضُونَ<sup>٢٤</sup> إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ<sup>٢٥</sup> الْمُئِمُّونَ<sup>٢٦</sup> إِلَّا بِكَ، وَأَجْدَبَ<sup>٢٧</sup> الْمُتَنَجِّحُونَ<sup>٢٨</sup> إِلَّا مَنْ اتَّبَعَ<sup>٢٩</sup> فَضْلَكَ، بِإِثْنِكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ، وَجُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَإِعْاثَتُكَ<sup>٣٠</sup> قَرِيبَةٌ مِّنَ الْمُسْتَغِيثِينَ<sup>٣١</sup>، لَا يَخِيبُ<sup>٣٢</sup> مِنْكَ الْآمِلُونَ<sup>٣٣</sup>، وَلَا يَنِيَّاسُ<sup>٣٤</sup> مِّنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَلَا يَشْقَى بِتَقَمِّتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ.

(٤) رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ<sup>٣٥</sup> لِّمَنْ عَصَاكَ، وَجِلْمُكَ مُغْتَرِضٌ<sup>٣٦</sup> لِّمَنْ نَاوَاكَ<sup>٣٧</sup>، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَسُنَّتُكَ<sup>٣٨</sup> الْإِبْقَاءُ<sup>٣٩</sup> عَلَى الْمُفْتَدِينَ<sup>٤٠</sup>، حَتَّى لَقَدْ غَرَّهَتْهُمْ<sup>٤١</sup> أَنَاثُكَ<sup>٤٢</sup> عَنِ الرُّجُوعِ، وَصَدَّهَمْ<sup>٤٣</sup> إِسْهَالُكَ<sup>٤٤</sup> عَنِ التَّرْوِيعِ<sup>٤٥</sup>، وَإِنَّمَا تَأْتَيْتَ<sup>٤٦</sup> بِهِمْ لِيَفِيضُوا<sup>٤٧</sup> إِلَى أَمْرِكَ، وَأَسْهَلْتَهُمْ<sup>٤٨</sup> ثِقَّةَ إِدْوَامِ مُلْكِكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلْتَهُ<sup>٤٩</sup> لَهَا.

(٥) كُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ<sup>٥٠</sup>، وَأُمُورُهُمْ آيَلَةٌ<sup>٥١</sup> إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهِنْ<sup>٥٢</sup> عَلَى طَوْلِ مَدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَلَمْ يَذْخَضْ<sup>٥٣</sup> لِتَرْكِكَ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ. حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تَذْخَضُ، وَسُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ، فَالْوَيْلُ<sup>٥٤</sup> الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَعَ عَنْكَ<sup>٥٥</sup>، وَالْخَبِيَّةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَالشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ، مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ، وَمَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ، وَمَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ، وَمَا أَقْنَطَهُ<sup>٥٦</sup> مِنْ سُهُولَةِ الْمَخْرُجِ! عَذْلًا مِنْ<sup>٥٧</sup> قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ، وَإِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ<sup>٥٨</sup> عَلَيْهِ.

(۳) هر کس به درگاه غیر تو روی آورد، به نومیدی می‌گراید و هر کس جز تو را بخواند، زیان می‌بیند و هر کس جز فضل تو را جست و جو کند، هرگز از خشک زارها برگی نمی‌چیند. درگاه تو برای هر کس که به آن تمایل یابد گشوده است و همه سؤال کنندگان از سوی تو اجازه یافته‌اند و فریاد تمامی کمک طلبان و امانده را به زودی اجابت می‌فرمایی و هرگز در امیدواری به تو، پریشانی راه ندارد و برای درخواست کنندگان درگاه تو، یأس و نومیدی نیست و هرگز آنان که طلب آمرزش از تو دارند به تیره روزی گرفتار نمی‌گردند.

(۴) سفره روزی تو برای تبه کاران گسترده بوده و پهنه حلم تو دشمنان را فراگرفته است. عادت تو احسان به بدکاران و شیوه و روش تو مهلت به ستم کاران می‌باشد و آن چنان صبر تو آنان را مغرور ساخته و خودداری تو از بر اندازی ظالمان، آنان را بر آن داشته که با آسایش خیال به ظلم ادامه دهند. اگر چه این مهلت تو از آن رو است که تسلیم امر تو شوند و تو بر اساس اعتماد به دوام سلطنت خود به آنان مهلت داده‌ای و سرانجام، اهل سعادت به خیر و خوش بختی می‌گیرند و اهل شقاوت به بدعاقبتی و بدفرجامی دچار می‌گردند.

(۵) همه بندگان در نظام تکوین به همان سوی روانند که حکم تو جاری است و تمامی شئون آنان به خواست تو بر می‌گردد و زندگی طولانی آنان کم‌ترین کاستی در سلطنت تو ایجاد نمی‌کند و هیچ گاه مهلت یافتن آنان موجب بطلان برهان روشن تو نمی‌شود، بلکه حجت و استدلال تو همیشه پایرجا و زوال‌ناپذیر و ثابت و استوار است. پس نفرین دایم برای کسی که از تو روی گرداند و پریشانی و نومیدی بیچاره کننده نصیب کسی باد که از درگاهت مأیوس است و بدترین نگون بختی بر آن کس که رحمت و غفران تو مایه غرور او گردد. چه بسیار در عقاب تو دست و پامی زنند و چه بلند مدت در عذاب تو باقی می‌مانند و چه دور از چاره‌اندیشی‌اند و چه مأیوس از نجات یافتن! ولی قضا و قدر تو عدل محض است و هیچ گاه فرمانت از انصاف بر کنار نبوده است.



(٦) فَقَدْ ظَاهَرَتْ<sup>٨٥</sup> الْحُجَجُ، وَأَبْلَيْتِ<sup>٨٦</sup> الْأُغْذَارَ<sup>٨٧</sup>، وَقَدْ تَقَدَّمَتْ بِالْوَعِيدِ،  
وَتَلَطَّفَتْ<sup>٨٨</sup> فِي التَّرْغِيبِ<sup>٨٩</sup>، وَضَرَبَتْ الْأَمْثَالَ<sup>٩٠</sup>، وَأَطَلَّتِ الْإِمْهَالَ<sup>٩١</sup>، وَأَخَزَتْ وَ  
أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ<sup>٩٢</sup>، وَتَأْتَيْتِ<sup>٩٣</sup> وَأَنْتَ مَلِيءٌ<sup>٩٤</sup> بِالْمُبَادَرَةِ<sup>٩٥</sup>، لَمْ تَكُنْ  
أَنَاثَكَ عَجْزاً، وَلَا إِمْهَالَكَ وَهْناً<sup>٩٦</sup>، وَلَا إِمْسَاكَكَ غَفْلَةً، وَلَا انْتِظَارَكَ مُدَاراةً<sup>٩٧</sup>،  
بَلْ لَتَكُونِ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ<sup>٩٨</sup>، وَكَرَمُكَ أَكْمَلَ، وَإِحْسَانُكَ أَوْفَى<sup>٩٩</sup>، وَنِعْمَتُكَ أَتَمَّ، كُلُّ  
ذَلِكَ كَانَ وَلَمْ تَزَلْ<sup>١٠٠</sup>، وَهُوَ كَائِنٌ وَلَا تَزَالُ<sup>١٠١</sup>، حُجَّتُكَ<sup>١٠٢</sup> أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ<sup>١٠٣</sup>  
بِكُلِّهَا، وَمَجْدُكَ أَرْفَعُ<sup>١٠٤</sup> مِنْ أَنْ يُحَدَّ<sup>١٠٥</sup> بِكُنْهِهِ، وَنِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُخْصَى<sup>١٠٦</sup>  
بِأَشْرَها<sup>١٠٧</sup>، وَإِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ.

(٧) وَقَدْ قَصَّرَ بَيْنَ السُّكُوتِ<sup>٨١</sup> عَنْ تَحْمِيدِكَ، وَفَهَّمَنِي<sup>٨٢</sup> الْإِمْسَاكَ عَنْ  
تَمْجِيدِكَ، وَقُصَّارَى<sup>٨٣</sup> الْأَقْرَارِ بِالْحُسُورِ<sup>٨٤</sup>، لَا رَغْبَةَ - يَا إِلَهِي - بَلْ عَجْزاً، فَهِيَ  
أَنَاذَا أَوْثَمُكَ<sup>٨٥</sup> بِالْوِفَادَةِ<sup>٨٦</sup>، وَأَسْأَلُكَ حُسْنَ الْوِفَادَةِ<sup>٨٧</sup>، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ  
اسْمَعْ نَجْوَايَ<sup>٨٨</sup>، وَاسْتَجِبْ دُعَايَ، وَلَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي<sup>٨٩</sup>، وَلَا تَجْبِنَنِي<sup>٩٠</sup>  
بِالزُّدِ فِي مَسْأَلَتِي، وَأَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَإِلَيْكَ مُنْقَلَبِي<sup>٩١</sup>، إِنَّكَ غَيْرُ  
ضَائِقٍ<sup>٩٢</sup> بِمَا تُرِيدُ، وَلَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا خَوْلَ  
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(۶) خدایا، دلیل‌ها و برهان‌های ناپیوسته برای هدایت بندگان خود ارائه فرمودی و عذر‌ها را قطع کردی و با وعده‌ها و تهدیدها و سپس تشویق‌ها و نیز بیان ضرب‌المثل‌ها و تأخیر عقوبت و دادن مهلت بازگشت، حجت را بر بندگان تمام کردی و عذر آنها را قطع کردی و حال آن که می‌توانی با شتاب تمام بر آنها سخت‌گیری و با وجود قدرت بر عقوبت هم چنان حلم و رزیدی و صبر تو از روی عجز و مهلت تو از روی سستی و خودداری تو از روی غفلت نبود و هرگز تأخیر عقوبت و مهلت به تبه‌کاران به دلیل دوری از شرور آنان نیست، بلکه از آن روست که فرصتی برای فکر و تصمیم یابند و عقوبت الهی را بر کردارهای خود مطابق با حکمت و معقول و عادلانه ببینند. خدایا، حقیقت برهان تو قابل وصف نیست و هرگز به کنه‌ی مجد و بزرگواری تو نتوان رسید و نعمت‌های قابل شمارش نیست و ستایش کمترین احسان تو مقدور نیست.

(۷) ای معبود من، سکوت از ستایش تو تقصیر و کوتاهی و خودداری از تمجید تو عجز، درماندگی و محدودیت در گفتار است. بنابراین، آخرین چاره‌ی من اقرار به ناتوانی است، نه از آن نظر که از تو روی گردان باشم، بلکه به جهت عجز خود. اکنون این منم که به درگاهت پناهنده شده‌ام و درخواست بهترین کمک را از تو دارم. پس بر محمد و آل محمد درود فرست و به مناجات من توجه نموده و دعایم را مستجاب فرما و روزم را به نو میدی ختم مکن و درخواستم را رد منما و مرا محروم مدار و جایگاهم را نزد خود گرامی بدار، زیرا من به درگاه تو پناهنده شده‌ام که هیچ کاری برای تو سخت نیست و به برآوردن هر خواسته توانایی و بر همه چیز قدرت‌مندی و هیچ نیرو و قدرت نیست مگر آن که به قدرت بلندپایه و با عظمت تو استوار است.

## واژه‌ها:

۱. یقبل: می پذیرد.
۲. لا یحقر: کوچک نشمارد.
۳. لا یغیب: نومید نشود.
۴. ملعّین: اصرار کننده در حاجت.
۵. لا یجبه: رد نمی کند.
۶. اهل الدّآة: آنکه با اطمینان به محبت  
جسورانه سخن گوید و یا ناز می کند.
۷. یجتی: انتخاب کند و برگزیند.
۸. یُتخف به: تحفه ای که تقدیم به او شد.
۹. یجازی: کیفر دهد.
۱۰. یدنو: نزدیک شود.
۱۱. ادبر: پشت کرده.
۱۲. لا یبادر: عجله نکند.
۱۳. نعمة: عذاب.
۱۴. یحمر: به ثمر نشاند.
۱۵. ینمیها: به رشد برساند.
۱۶. یغیها: محوش می کند.
۱۷. انصرف: رجوع کند.
۱۸. دون مدی: قبل از انتها.
۱۹. تفشخت: عاجز ماند.
۲۰. علوّ: برتری.
۲۱. امجد: بالاترین.
۲۲. وافد: وارد.
۲۳. خسر: به خسران رسید.
۲۴. مترضون: طلب کنندگان.
۲۵. ضاع: ضایع شد.
۲۶. ملقون: درخواست کنندگان.
۲۷. اجذب: نومید شد.
۲۸. انتجع: درخواست کند.
۲۹. إغاثة: فریادرسی.
۳۰. مستغیثین: فریاد برآورنده ها.
۳۱. لا یغیب: نومید نشود.
۳۲. آملون: امیدواران.
۳۳. لا ییاس: نومید نشود.
۳۴. مبسوط: گسترده.
۳۵. معترض: آماده.
۳۶. نواله: با تو دشمنی کند.
۳۷. سَتّ: طریقه.
۳۸. ابقاء: باقی داشتن.
۳۹. معتدین: تجاوزگران.
۴۰. غزّتهم: آنان را گول زده.
۴۱. اناة: مهلت.
۴۲. صدمّ: آنان را منع کرده.
۴۳. إمهال: مهلت دادن.
۴۴. نزوع: کنده شدن.
۴۵. تأتیت: صبر کردی.
۴۶. یفیثوا: برگردند.
۴۷. أمهلّتهم: مهلتشان دادی.

۴۸. خذلته: بیچاره‌اش کردی.  
 ۴۹. صائرون الی حکمک: به سوی حکم تو برگردند.  
 ۵۰. آنلة: برگشت کننده.  
 ۵۱. لم یهن: ضعیف نشود.  
 ۵۲. لم یدحض: باطل نشود.  
 ۵۳. ویل: عذاب الیم.  
 ۵۴. جنج عنک: از تو روی گرداند.  
 ۵۵. اقطعه: او را مأیوس ساخته.  
 ۵۶. عدلاً منه: رویگردان از او.  
 ۵۷. تلیف: ظلم نمی‌کنی.  
 ۵۸. ظاهرث: آشکار ساختی.  
 ۵۹. ابلیت: بیان کردی.  
 ۶۰. أعذار: عذر ها.  
 ۶۱. تلطفت: لطافت تمام ورزیدی.  
 ۶۲. ترغیب: واداشتن.  
 ۶۳. أمثال: مثال ها.  
 ۶۴. اطلت الإمهال: مهلت را طولانی کردی.  
 ۶۵. معاجلة: شتاب کردن.  
 ۶۶. تأتیت: مهلت دادی.  
 ۶۷. ملی: توانا.  
 ۶۸. مبادر: سبقت جستن.  
 ۶۹. وهن: سستی.  
 ۷۰. مدارا: سازش.  
 ۷۱. ابلغ: رساتر.  
 ۷۲. اوفی: تمام تر.  
 ۷۳. لم تُزل: از ازل بوده.  
 ۷۴. ولا تزال: همیشه خواهد بود.  
 ۷۵. حجتک: دلیل تو.  
 ۷۶. توصف: به وصف درآید.  
 ۷۷. ارفع: بلند مقام تر.  
 ۷۸. یُحدّ: محدود شود.  
 ۷۹. تحصی: شمرده شود.  
 ۸۰. باسرها: به تمامی آنها.  
 ۸۱. قصر بی السکوت: سکوت مرا باز داشته.  
 ۸۲. فقهنی: مرا کنگ کرده.  
 ۸۳. قصارای: در نهایت.  
 ۸۴. حصور: بازماندگی و خستگی.  
 ۸۵. أؤمک: قصد تو را می‌کنم.  
 ۸۶. وفادة: وارد شدن.  
 ۸۷. رفادة: کمک.  
 ۸۸. نجوا: سزای سخن گفتن.  
 ۸۹. خیت: بیچارگی و محروم ماندن.  
 ۹۰. لا تمیّنی: مرا مردود مکن.  
 ۹۱. منقلب: نقطه برگشت.  
 ۹۲. غیر ضائق: محدود و دست بسته نیستی.



## دعاؤه في يوم عرفة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةٍ

(١) اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْخَفْدُ بِدِيْعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَزْبَابِ، وَ إِلَهَ كُلِّ مَالُوِهٍ<sup>١</sup>، وَ خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوْقٍ، وَ وَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَغْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبٌ<sup>٢</sup>.

(٢) أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَخَذُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّيْدُ الْمَحَالِ<sup>٣</sup>، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ.

(٣) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ<sup>٤</sup>، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّائِي فِي غُلُوِّهِ، وَ الْعَالِي فِي دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ<sup>٥</sup>.



## دعای روز عرفه

(۱) ستایش فقط سزاوار پروردگار جهانیان است. بار پروردگارا، ستایش سزاوار تو است که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، صاحب جلال و کرامت، پروردگار تمامی مالکان، خدای تمامی مخلوقات، آفریننده همه موجودات و صاحب اصلی همه چیز هستی و هیچ کس همانند تو نیست و هیچ چیز از حیطة دانش تو خارج نیست و به همه موجودات احاطه داری و مراقب همه چیز می‌باشی.

(۲) تویی خدایی که معبودی جز تو نیست و یگانه بی‌همتایی و تویی خدای یگانه‌ای که کریم و بزرگواری و بزرگ هستی و در بزرگی بی‌همتایی و دارای کبریایی منحصر به فرد هستی و تویی خدای یگانه‌ای که بلندپایه و متعالی هستی و در قدرت و عقاب و مجازات بسیار سخت‌گیر هستی و تویی خدای یگانه‌ای که رحمان و رحیمی و علیم و حکیمی و تویی خدای یگانه‌ای که شنوا و بینا و قدیم و آگاهی و تویی خدای یگانه‌ای که کریمی و در کرامت یگانه‌ای و دایمی و در دوام بی‌انتهای هستی.

(۳) خدایا، تویی خدای یگانه‌ای که پیش و بعد از هر چیز هستی و تویی خدای یگانه‌ای که از بالاترین مرتبه هستی به پست‌ترین مرتبه هستی احاطه کامل داری و در پایین‌ترین مرتبه هستی بالاترین موجودی و تویی یگانه‌ای که صاحب نورانیت و بزرگی و کبریایی و صاحب هر ستایش در عالم هستی و تویی یگانه‌ای که جز تو



وَالْمَجْدِ<sup>١١</sup>، وَالْكِبَرِيَاءِ<sup>١٢</sup> وَالْحَمْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ  
الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنْعٍ<sup>١٣</sup>، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ<sup>١٤</sup>، وَابْتَدَعْتَ  
الْمُبْتَدَعَاتِ<sup>١٥</sup> بِلَا اخْتِدَاءٍ<sup>١٦</sup>، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ  
شَيْءٍ تَيْسِيرًا<sup>١٧</sup>، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ<sup>١٨</sup> تَذْيِيرًا.

(٤) أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ<sup>١٩</sup> عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ، وَلَمْ يُوَازِكَ<sup>٢٠</sup> فِي أَمْرِكَ  
وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ<sup>٢١</sup> وَلَا نَظِيرٌ، أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا<sup>٢٢</sup> مَا  
أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ<sup>٢٣</sup> فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا<sup>٢٤</sup> مَا حَكَمْتَ،  
أَنْتَ الَّذِي لَا يَخْوِيكَ<sup>٢٥</sup> مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُغَيِّكَ<sup>٢٦</sup>  
بُرْهَانٌ<sup>٢٧</sup> وَلَا بَيَانٌ.

(٥) أَنْتَ الَّذِي أَخْضَيْتَ<sup>٢٨</sup> كُلَّ شَيْءٍ عَدْدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا<sup>٢٩</sup>، وَ  
قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ<sup>٣٠</sup> الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيكَ، وَعَجَزْتَ  
الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكَ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ<sup>٣١</sup>، أَنْتَ الَّذِي لَا تُعَدُّ  
فَتَكُونُ مُخْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ<sup>٣٢</sup> فَتَكُونُ مُوجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونُ مَوْلُودًا.

(٦) أَنْتَ الَّذِي لَا حِدَمَ مَعَكَ فَيُعَايِدُكَ<sup>٣٣</sup>، وَلَا عِدْلَ<sup>٣٤</sup> لَكَ فَيَكَايِرُكَ<sup>٣٥</sup>، وَلَا نِدَ<sup>٣٦</sup>  
لَكَ فَيُعَارِضُكَ<sup>٣٧</sup>، أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَاخْتَرَعَ<sup>٣٨</sup>، وَاسْتَخْدَعَ<sup>٣٩</sup>، وَابْتَدَعَ<sup>٤٠</sup>، وَ  
أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ، سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ، وَأَسْنَى<sup>٤١</sup> فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ،  
وَأَصْدَعَ<sup>٤٢</sup> بِالْحَقِّ قُورَانَكَ<sup>٤٣</sup>! سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ، وَرَوْوفٍ مَا  
أَرْأَفَكَ، وَحَكِيمٍ مَا أَعَزَّكَ! سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِكٍ<sup>٤٤</sup> مَا أَمْتَعَكَ<sup>٤٥</sup>، وَجَوَادٍ مَا  
أَوْسَعَكَ<sup>٤٦</sup>، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ<sup>٤٧</sup>!

نیست و اشیا را بدون الگو ساخته و موجودات را بدون هرگونه شبیه چهره‌نگاری نمودی و همه عالم را بدون پیشینه ساختی و از هیچ موجودی تقلید نکردی و اندازه همه چیز را تقدیر فرمودی و رسیدن به اهداف و حرکت به سوی مقاصد را آسان نمودی و به تدبیر همه جهان برخاستی.

(۴) خدایا، تویی خدای یگانه‌ای که هرگز کسی تو را در آفرینش یاری نکرده و در کار خود با دیگری مشاوره و رایزنی ننمودی و هیچ گاه کسی کار تو را مشاهده ننمود و نظیری برای تو نیست، زیرا اراده فرمودی و مقصود تو حاصل شد و فرمان راندی و آن چه انجام شد عدل محض و انصاف بود. مکانی بر تو محیط نیست و هیچ قدرتی بر قدرت و سلطنت تو حاکم نیست و هرگز اقامه برهان و بیان تو را خسته نمی‌کند.

(۵) خدایا، تو همه چیز را به شماره درآورده‌ای و برای هر چیز مدتی مشخص قرار داده‌ای. عقل‌ها از درک ذات تو قاصر و فهم‌ها از ادراک کیفیت تو عاجز است و هیچ چشمی تو را ندیده و هیچ حد و مرزی نداری و هرگز به صورت ذهنی در نمی‌آیی تا مورد ادراک قرارگیری و نظیر تو را تصور کنند و هیچ گاه تو را به وجود نیاورده‌اند، تو نمی‌زایی، تا زاییده شوی.

(۶) خدایا، تو ضد نداری تا با تو عناد ورزد و مانند نداری تا تو را زیاد کند و مثل نداری تا با او معارضه نماید. تو ابتدا کردی و نوآوری نمودی و پدید آوردی و الگو نگرفتی و بهترین را ساختی. منزه‌ی تو! چه قدر شأن تو جلالت دارد و مکانت تو بلندپایه است و میزان حق تو روشن و ظاهر است. منزه‌ی تو! در لطافت فوق العاده‌ای و بسیار مهربان و در حکمت خود چه قدر آگاهی! چه اندازه در حاکمیت خود استوار و در جود خود وسیع و در بلندای مقامت رفیعی!



(٧) ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكِبَرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْغَيْرَاتِ<sup>١٨</sup>  
يَدَكَ، وَعُرِفَتِ الْهِدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنِ التَّمَسَّكَ<sup>١٩</sup> لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ!<sup>٢٠</sup>  
سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ<sup>٢١</sup>، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ<sup>٢٢</sup>  
عَرْشِكَ<sup>٢٣</sup>، وَانْقَادَ<sup>٢٤</sup> لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ! سُبْحَانَكَ لَا تُخَسُّ<sup>٢٥</sup> وَلَا تُجَسُّ<sup>٢٦</sup>  
وَلَا تُمَسُّ<sup>٢٧</sup> وَلَا تُكَادُ<sup>٢٨</sup> وَلَا تُمَاطُ<sup>٢٩</sup> وَلَا تُتَارَعُ<sup>٣٠</sup> وَلَا تُجَارَى<sup>٣١</sup> وَلَا تُمَارَى<sup>٣٢</sup>  
وَلَا تُخَادَعُ<sup>٣٣</sup> وَلَا تُمَآكِرُ<sup>٣٤</sup>!

(٨) سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدُّ<sup>٣٥</sup>. وَأَمْرُكَ رَشْدُ<sup>٣٦</sup>. وَأَنْتَ حَتَّى صَمَدُ<sup>٣٧</sup>! سُبْحَانَكَ  
قَوْلُكَ حُكْمُ<sup>٣٨</sup>، وَقَضَاؤُكَ حُتْمُ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمُ<sup>٣٩</sup>! سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَسِيَّتِكَ،  
وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ! سُبْحَانَكَ بَاهِرُ<sup>٤٠</sup> الْآيَاتِ، فَاطِرُ<sup>٤١</sup> السَّمَاوَاتِ، بَارِي<sup>٤٢</sup>  
النَّسَمَاتِ<sup>٤٣</sup>! لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا<sup>٤٤</sup>  
بِنِعْمَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي<sup>٤٥</sup> صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى  
رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْضِرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ  
شَاكِرٍ.

(٩) حَمْدًا لَا يَنْبَغِي<sup>٤٦</sup> إِلَّا لَكَ، وَلَا يَقْرُبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ، حَمْدًا يُسْتَدَامُ<sup>٤٧</sup> بِهِ  
الْأَوَّلُ، وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعَفُ<sup>٤٨</sup> عَلَى كُرُورِ الْأَزْمَةِ<sup>٤٩</sup>،  
وَيَتَزَايِدُ<sup>٥٠</sup> أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً<sup>٥١</sup>، حَمْدًا يَفْعُزُ عَنْ إِخْصَائِهِ<sup>٥٢</sup> الْحَفَظَةُ<sup>٥٣</sup>، وَيَسْزِيدُ  
عَلَى مَا أَخْصَنَهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ<sup>٥٤</sup>، حَمْدًا يُوَازِنُ<sup>٥٥</sup> عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ<sup>٥٦</sup>

(۷) خدایا تو دارای نور و بزرگی و زبینه ستایشی. تو منزهی! دست‌های قدرت تو برای گسترش نیکی‌ها باز است و هدایت فقط از درگاه تو شناخته شده و هر کس تو را برای دین و یاد دنیا طلب کند، فضل تو را در رسیدن به مقصودش می‌بیند. منزهی تو! آن چه در علم نامتناهی تو حاضر است، در برابر تو خاضع بوده و آن چه در سایه عرش تو مستقر می‌باشد، در برابر تو خاشع است و تمامی خلائق مطیع و تسلیم تو می‌باشند و تو نه در حس درمی‌آیی و نه قابل دست‌یابی هستی و نه قابل لمس و نه در کید کسی در می‌آیی و نه می‌توان تو را دور کرد و نه امکان دشمنی با تو هست و نه می‌توان با تو به بحث و جدل نشست و نه به نیرنگ و مکر کسی گرفتار می‌شوی.

(۸) خدایا، راه تو هموار و راه کارهای تو مایه رشد و هدایت است و تو زنده‌ای و همه خلائق به تو نیاز دارند. منزهی تو، سخن تو حکمت و نگاه دارنده از گمراهی است و آن چه را اراده فرمایی، تخلف‌ناپذیر است و هرگونه ایجاد تو قطعی و تغییر ناشدنی است. منزهی تو، مشیت تو مزاحم و مانع ندارد و آن چه را اظهار فرمایی تغییر و تبدیل نمی‌یابد. منزهی تو، نشانه‌های تو روشن است و تو آفریننده آسمان‌ها و پدید آورنده جان‌ها هستی و ستایش تو را، ستایشی که به دوام تو دایم و همانند نعمت‌های تو جاودانه و به موازات افعال و مصنوعات تو باشد و بر رضای تو بیفزاید و ستایش تو را با هر ستایش‌گر و سپاس تو را فوق طاقت هر سپاس‌گزار؛ به حدی که هیچ کس توان آن را نداشته باشد.

(۹) خدایا، ستایش تو را به گونه‌ای که غیر تو را نشاید و فقط موجب تقرب به تو باشد و ستایشی که با آن نعمت‌های اولیه تو ادامه یابد و نعمت‌های پس از آن را در پی داشته باشد و پیوسته در گذر ایام افزون گردد و این فزونی پی در پی افزایش یابد؛ ستایشی که فرشتگان از شمارش آن باز مانند و از آن چه نگاشته‌اند بیش باشد، سپاسی که هم وزن عرش بلندت و معادل تخت عظمت تو گردد؛ ستایشی که ثواب آن از



كُوسِيَّكَ<sup>٨٦</sup> الرَّفِيعَ، حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ<sup>٨٧</sup> كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ،  
حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقْ<sup>٨٨</sup> لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقْ لِبَصْدِي النَّيَّةِ.

(١٠) حَمْدًا لَمْ يَخْمَدْكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَ لَا يَغْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا  
يُعَانُ<sup>٨٩</sup> مَنِ اجْتَهَدَ فِي تَغْدِيدِهِ<sup>٩٠</sup>، وَ يُؤَيِّدُ مَنِ اغْرَقَ<sup>٩١</sup> نَزْعًا<sup>٩٢</sup> فِي تَوْفِيَّتِهِ<sup>٩٣</sup>، حَمْدًا  
يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْخَمْدِ، وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ، حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ  
إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحَمَدَ<sup>٩٤</sup> مِمَّنْ يَخْمَدُكَ بِهِ، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ  
الْمَزِيدَ<sup>٩٥</sup> بِوُفُورِهِ<sup>٩٦</sup>، وَ تَصْلُهُ<sup>٩٧</sup> بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا<sup>٩٨</sup> مِنْكَ، حَمْدًا يُجِبُ لِكَرَمِ  
وَجْهِكَ<sup>٩٩</sup>، وَ يُعَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ.

(١١) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَجَبِّ<sup>١٠٠</sup> الْمُضْطَفَى<sup>١٠١</sup> الْمَكْرَمِ  
الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ<sup>١٠٢</sup> عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَحَ<sup>١٠٣</sup>  
رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِئَةً<sup>١٠٤</sup> لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى  
مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً<sup>١٠٥</sup> لَا تَكُونُ صَلَاةً أُنْمَى<sup>١٠٦</sup> مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ  
صَلَاةً رَاضِيَةً<sup>١٠٧</sup> لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً  
تُوضِيهِ<sup>١٠٨</sup> وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ  
لَهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضَى<sup>١٠٩</sup> لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجَاوِزُ<sup>١١٠</sup> رِضْوَانَكَ، وَ يَسْتَصِلُ اتِّصَالُهَا بِسَبْعَائِكَ،  
وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ<sup>١١١</sup> كَلِمَاتُكَ.

(١٢) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ<sup>١١٢</sup> صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ  
أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ

تمامی جزاها و ثواب‌های دیگر بزرگ‌تر و بیشتر باشد؛ شکری که ظاهر آن با واقع مطابق و باطن آن با ظاهر هم‌آهنگ باشد، زیرا که از صدق نیت برخیزد.

(۱۰) ستایش تو را، ستایشی که هیچ کس مثل آن را ادا نکرده است و غیر از تو از فضل آن آگاه نیست؛ ستایشی که هر کسی در انجام آن کوشش کند، یاری می‌شود و هر کس در کامل شدن آن تلاش نماید، کمک می‌گردد؛ ستایشی که تمام سپاس‌هایی را که خلق فرموده‌ای، شامل گردد و تمامی سپاس‌های پس از این را در نظام خود جای دهد؛ ستایشی که به ستودن تو نزدیک‌تر است؛ ستایشی که شکری بهتر از آن صورت نگیرد؛ ستایشی که با کرم تو موجب ازدیاد نعمت‌ها شود؛ ستایشی که زینده و بایسته کرامت محضر تو بوده و با عزت و جلالت تو همسان باشد.

(۱۱) بارپروردگارا، بر محمد و آل محمد - بنده مخلص، گرامی و مقرب خود - برترین دروهای خود را روا بدار و کامل‌ترین برکات و گوارترین رحمت را نازل بگردان. پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ بالاترین درودی که روز افزون و فراوان است و هیچ صلواتی بیشتر و پاکیزه‌تر از آن نیست و نیز صلوات خود را که مورد رضایت تو است و درودی برتر از آن وجود ندارد، به او تقدیم بدار و درودی که تو خشنود باشی و بر رضایت او بیفزاید به او کرامت فرما و نیز درودی که آن را زینده کسی جز او نمی‌دانی و دیگری را لایق آن نمی‌بینی، به او عطا فرما. پروردگارا، درودی بر او نثار کن که از استحقاق او افزون باشد و آن را به ابدیت خود ابدی بدار و آن چنان که کلمات تو کاستی و نیستی نمی‌پذیرد، آن را همیشگی بفرما.

(۱۲) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ درودی که تمامی دروهای فرشتگان، پیامبران، رسولان اهل طاعت را فراگیرد و نیز صلوات تمامی بندگان تو، اعم از جنیان و انسان‌ها و قوای عالم و صاحب نفسان از بندگان را شامل گردد و جامع همه تحیات هر کس و هر ذره که از اصناف خلق آفریده‌ای، بشود.

وَإِنْسِكَ وَأَهْلَ إِجَابَتِكَ<sup>١١٣</sup>، وَتَجَمِّعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ<sup>١١٤</sup> وَبَرَأَتْ<sup>١١٥</sup> مِنْ أَضَانِي خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةٌ تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ<sup>١١٦</sup> وَ مُسْتَأْنَفَةٍ<sup>١١٧</sup>، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، صَلَاةٌ مَرْضِيَّةٌ لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ، وَتُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا بَلَدَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ<sup>١١٨</sup> زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ<sup>١١٩</sup> لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ.

(١١٣) رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَايِبِ<sup>١٢٠</sup> أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةً عَلِيمِكَ، وَحَفَظَةً دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ<sup>١٢١</sup> وَالذَّنْسِ<sup>١٢٢</sup> تَطْهِيراً يَارَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ<sup>١٢٣</sup> إِلَى جَنَّتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةٌ تُجْزِلُ<sup>١٢٤</sup> لَهُمْ بِهَا مِنْ نَخْلِكَ<sup>١٢٥</sup> وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَتَوَافِلِكَ<sup>١٢٦</sup>، وَتُوفِّرُ<sup>١٢٧</sup> عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ<sup>١٢٨</sup> وَفَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا<sup>١٢٩</sup>، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا<sup>١٣٠</sup>، وَلَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا.

(١١٤) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةً<sup>١٣١</sup> عَزُوشَكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلًّا<sup>١٣٢</sup> سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تَقَرُّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى<sup>١٣٣</sup>، وَ تَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى، وَ مُصَلَّةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا. اَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ<sup>١٣٤</sup> بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا<sup>١٣٥</sup> لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا<sup>١٣٦</sup> فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ<sup>١٣٧</sup> بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ<sup>١٣٨</sup> إِلَى رِضْوَانِكَ<sup>١٣٩</sup>، وَافْتَرَضْتَ<sup>١٤٠</sup> طَاعَتَهُ، وَ أَلَّا حَذَرْتَ<sup>١٤١</sup> مَفْصِيَّتَهُ، وَأَمَزْتَ بِأَمْتِثَالِ<sup>١٤٢</sup> أَوَامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ<sup>١٤٣</sup> عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَ يَقْدَمُهُ مُتَقَدِّمًا، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرًا؛ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ<sup>١٤٤</sup>، وَكَفْهُ<sup>١٤٥</sup> الْمُؤْمِنِينَ وَغُرُوهَ<sup>١٤٦</sup> الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبَهَاءَ الْعَالَمِينَ<sup>١٤٧</sup>.



پروردگارا، درودی را بر او و خاندانش او نازل گردان که مورد پسند تو و هر کس دیگر باشد و نیز درودی را نثار او فرما که با همه این اوصاف آن را چند برابر گردانی و در گذر ایمان چنان افزون گردد که جز تو از شماره آن آگاه نباشد.

(۱۳) خدایا، بر اهل بیت پاکیزه حضرت رسول درود فرست؛ هم آنان که ایشان را برای اجرای امر خود برگزیدی و خزاین علم خود و حافظان دینت و جانشینان خود در روی زمین و حجت و رهبر بندگانت قرار داده‌ای و از هر پلیدی و آلودگی به اراده خود پاکیزه فرموده‌ای و همه آنها را وسیله راه یابی به خود و بهشت نموده‌ای. پروردگارا، درودی به روان پاک آن امامان نثار گردان، که در اثر آن عالی‌ترین عطاها و کرامت‌های خود را به آنان عطا فرمایی و تمامی عطایا و نعمت‌های خود را کامل گردانی و بهره آنها را از آن نعمت‌ها بسیار نمایی. پروردگارا، درودی بر آنان نازل گردان که بی آغاز و مدت آن ابدی باشد و نهایی برای آخر آن متصور نگردد.

(۱۴) خدایا، هم سنگ عرش و مالا مال آسمان‌ها و فوق آنان و به مراتب زمین‌های هفت گانه و آن چه در زیر آنهاست و به اندازه بین زمین و آسمان‌ها، بر اهل بیت پیامبر درود فرست؛ درودی که موجب قرب و خشنودی بیشتر آنان به تو و در نزد تو گردد و آن درود را هم چنان پیوسته بدار. خدایا، تو دینت را در هر زمان و هر دیار به وسیله امامی که او را نشانه خود قرار داده‌ای، به پا داشتی و او را رشته متصل بین خود و مردم و وسیله‌ای به سوی خشنودی خود قرار داده‌ای و اطاعت از او را بر مردم واجب و از نافرمانی او بر حذر داشته‌ای، بلکه امر به پذیرش او امر و دوری از تخلف او فرموده‌ای؛ به گونه‌ای که هیچ کس حق تقدم بر او و عقب ماندن از او را ندارد؛ هم او که موجب نگاه داری پناهندگان، پناه گاه و مؤمنان، دست گیره متمسکان و نور جهانیان است.



(١٥) اَللّٰهُمَّ فَارِّزِ لِّوَلِيِّكَ<sup>١٤٨</sup> شُكْرُ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِ، وَ اَوْزِ غَنَا مِثْلَهُ فِيْهِ، وَ اَتِیْهِ<sup>١٤٩</sup> مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِیْرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا یَّسِیْرًا، وَ اَعِزَّهُ بِرُكْنِكَ الْاَعَزَّ<sup>١٥٠</sup>، وَ اَشْدِّدْ اَزْرَهُ<sup>١٥١</sup>، وَ قَوِّعْ عَضْدَهُ<sup>١٥٢</sup>، وَ رَاعِهِ<sup>١٥٣</sup> بِعَیْنِكَ، وَ اَحْمِهِ<sup>١٥٤</sup> بِحِفْظِكَ، وَ اَنْصُرْهُ بِمَلَأْنِیْكَ، وَ اَمْدُدْهُ<sup>١٥٥</sup> بِجُنْدِكَ الْاَغْلَبِ<sup>١٥٦</sup>، وَ اَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُوْلِكَ - صَلَوَاتُكَ اَللّٰهُمَّ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ -، وَ اَخِي<sup>١٥٧</sup> بِهِ مَا اَمَاتَهُ<sup>١٥٨</sup> الظَّالِمُوْنَ مِنْ مَّعَالِمِ دِیْنِكَ<sup>١٥٩</sup>، وَ اَجَلُ<sup>١٦٠</sup> بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِیْقَتِكَ، وَ اَبْنِ<sup>١٦١</sup> بِهِ الصُّرَّاءَ<sup>١٦٢</sup> مِنْ سَبِیْلِكَ، وَ اَزِلْ بِهِ التَّاكِیْبِیْنَ<sup>١٦٣</sup> عَنْ صِرَاطِكَ، وَ اَمَحِّقْ<sup>١٦٤</sup> بِهِ بُغَاةَ<sup>١٦٥</sup> قَصْدِكَ<sup>١٦٦</sup> عَوْجًا<sup>١٦٧</sup>.

(١٦) وَ اَلِنْ<sup>١٦٨</sup> جَانِبَهُ<sup>١٦٩</sup> لِاَوْلِیَائِكَ، وَ اِنْسُطْ<sup>١٧٠</sup> يَدَهُ عَلٰی اَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا<sup>١٧١</sup> رَافِقَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ<sup>١٧٢</sup> وَ تَحَنُّنَهُ<sup>١٧٣</sup>، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِیْنَ مُطِیْعِیْنَ، وَ فِی رِضَاهُ سَاعِیْنَ<sup>١٧٤</sup>، وَ اِلٰی نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ<sup>١٧٥</sup> عَنْهُ مُكْنِفِیْنَ<sup>١٧٦</sup>، وَ اِلَیْكَ وَ اِلٰی رَسُوْلِكَ - صَلَوَاتُكَ اَللّٰهُمَّ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِیْنَ<sup>١٧٧</sup>. اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلٰی اَوْلِیَائِهِمُ الْمُتَقَرِّبِیْنَ<sup>١٧٨</sup> بِمَقَامِهِمُ، الْمُتَّبِعِیْنَ<sup>١٧٩</sup> مِنْهُمْ جَهَنَّمَ<sup>١٨٠</sup>، الْمُقْتَفِیْنَ<sup>١٨١</sup> اَثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِیْنَ بِغُرُوثِهِمْ<sup>١٨٢</sup>، الْمُتَمَسِّكِیْنَ<sup>١٨٣</sup> بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّیْنَ<sup>١٨٤</sup> بِاِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِیْنَ لِاَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِیْنَ فِی طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِیْنَ اَيَّامَهُمْ، الْمَادِیْنَ<sup>١٨٥</sup> اِلَيْهِمْ، اَعِیْنَهُمُ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّاَكِبَاتِ<sup>١٨٦</sup> النَّاسِمَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ.

(١٧) وَ سَلِّمْ عَلَیْهِمْ وَ عَلٰی اَزْوَاجِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلٰی التَّقْوٰی اَمْرَهُمْ، وَ اَصْلُخْ لَهُمْ شُؤْرَهُمْ<sup>١٨٧</sup>، وَ ثَبِّ عَلَيْهِمْ<sup>١٨٨</sup>، اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِیْنَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِی دَارِ السَّلَامِ<sup>١٨٩</sup>، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

(۱۵) خدایا، شکر نعمت خود را به ولی خود قسمت گردان و همانند آن امام لطف خود را نصیب ما بفرما و قدرت امامت یاری شده و پیروزی آسان برای او فراهم کن و با تکیه گاهی توانا و محکم، توانا ساز و توانایی اش را برقرار بدار و بازوان او را تقویت گردان و با دیده عنایت خود او را مراعات کن و در پناه خود حفظ بنما و با ملانکه و لشکریان خود یاری اش بفرما و به واسطه او، دستورها و حدود و آیین و سنت های رسول خود را بر پا دار و سنت هایی را که ظالمان در تباه کردن آن کوشیده اند، احیا بفرما و زنگار جور و ستم را از سر راه خود بردار و مشکل های آن را بزدا و عدول کنندگان از راهت را بر گردان و کسانی را که مانع مقاصد تو می باشند و در گمراهی مردم می کوشند، به وسیله او نابود گردان.

(۱۶) خدایا، جانب امام معصوم را برای بهره مندی دوستان و اولیای خود قرار ده و قدرت او را بر دشمنانش مسلط و گسترده گردان و رأفت و رحمت و تمایل و مهربانی او را نصیب ما بفرما و ما را شنوای فرمان، پر تلاش در جلب خاطر و کوشادر دفاع و یاری از او بگردان؛ به گونه ای که مایه قرب به تو و رسول گرامی ات باشد. خدایا، درود خود را بر دوستان امامان نثار بفرما، آنان که با مقام آن بزرگواران آشنا نیستند و راه آنان را می پیمایند و پیرو فرمان و دست آویز رشته هدایت و متوسل به ولایت آنان هستند و اقتدای به آنان نموده و تسلیم فرمان و کوشا در اطاعت آنان می باشند و منتظران ایام ظهور آن ولی تواند که چشمانشان به سوی آن بزرگواران دوخته است؛ درودی بس مبارک و پاکیزه و فزاینده در هر صبح و شام.

(۱۷) خدایا، بر امت اسلام و ارواح آنان درود فرست و امور آنان را به وسیله تقوا، از پراکندگی نجات ده و زندگی آنان را از راه تقوا سامان ده و آنان را به سوی خود متمایل گردان و آنان را بپذیر، که تو پذیرنده توبه و مهربان و بهترین بخشندگانی و ما را نیز همراه با آنان در منزل گاه سلامت و اطمینان جای ده، به رحمت و رأفت، ای مهربان ترین مهربانان.



(١٨) اَللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ، يَوْمٌ شَرَّفْتُهُ وَكَرَّمْتُهُ وَعَظَّمْتُهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجْرَلْتَ فِيهِ غَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اَنَا عَبْدُكَ الَّذِي اُنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ اِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ ١٩١ بِحَبْلِكَ، وَ اَدْخَلْتَهُ فِي جَزْبِكَ، وَ اَرْشَدْتَهُ ١٩٢ اِلَى الْوَالَاةِ ١٩٣ اَوْ لِيَانِكَ، وَ مُعَادَاةِ ١٩٤ اَعْدَانِكَ، ثُمَّ اَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِ بِمِثْرَةٍ ١٩٥، وَ رَزَقْتَهُ ١٩٦ فَلَمْ يَنْزِرْ جِزْ ١٩٧، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ اَمْرَكَ اِلَى نَهْيِكَ.

(١٩) لَا مُعَانَدَةَ لَكَ، وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَا هَوَاهُ اِلَى مَا زَيَّلْتَهُ ١٩٨ وَ اِلَى مَا حَذَرْتَهُ ١٩٩، وَ اعَانَهُ ٢٠٠ عَلَى ذَلِكَ عَدُوِّكَ وَ عَدُوَّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ ٢٠١، رَاجِئاً لِعَفْوِكَ، وَ انْقَاً ٢٠٢ بِتَجَاوُزِكَ ٢٠٣، وَ كَانَ اَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ اَلَّا يَقْعَلَ. وَ هَا اَنَا ذَا ٢٠٤ بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِراً ٢٠٥ ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً، مُتَعَتِّراً بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ ٢٠٦، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ ٢٠٧، مُسْتَجِيراً ٢٠٨ بِصَفْحِكَ ٢٠٩ لَا يَذْأُ ٢١٠ بِرَحْمَتِكَ مُوقِناً ٢١١ اَنَّهُ لَا يَجِيرُنِي ٢١٢ مِنْكَ مُجِيرٌ ٢١٣، وَ لَا يَنْقُصُنِي مِنْكَ مَانِعٌ.

(٢٠) فَقَعْدَ عَلَى ٢١٤ بِمَا تَعَوَّدُ بِهِ عَلَى مَنِ افْتَرَفَ ٢١٥ مِنْ تَعَلُّدِكَ، وَ جُدَّ عَلَى بِمَا تَجُودُ ٢١٦ بِهِ عَلَى مَنْ اَلْقَى بِيَدِهِ ٢١٧ اِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ امْتَنَ عَلَى بِمَا لَا يَتَعَاطَمُكَ ٢١٨ اَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ اَمْلَكَ ٢١٩ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصيباً اُنَالُ ٢٢٠ بِهِ خَطَاً مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تُرَدِّبْنِي صَفْراً ٢٢١ مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ اِنِّي وَ اِنْ لَمْ اُقْدَمْ ٢٢٢ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ، فَقَدْ قَدَّمْتُ ٢٢٣

(۱۸) خدایا، امروز (نهمین روز ذی حجه) همان روز عرفه است، که آن را شرافت و کرامت و عظمت بخشیدی و در رحمت و منت‌های خود را با اعلام عفو عمومی گسترش دادی و عطایای بزرگ و تفضل فراوان به بندگان روا داشتی. خدایا، من همان بنده توام که پیش از آفرینش و پس از آن بر او اکرام و انعام فرمودی و او را به سوی دین خود فراخواندی و به حق خود آگاه نمودی و با حبل متین خود نگاه داشتی و در حزب خود جای دادی و به دوستی دوستان و دشمنی دشمنان ارشاد نمودی و به او امر کردی و او اطاعت نکرد و نهی فرمودی و دست برداشت و با مخالفت امر تو، به سوی نهی و مخالفت با تو، روی آورد.

(۱۹) عصیان بنده تو هرگز از روی دشمنی با تو و خود بزرگ بینی نبود، بلکه هواهای نفسانی او را به سوی آن چه که او را از آنها دور و بر حذر داشتی فراخواند و در این میان شیطان، که دشمن تو و اوست، کمک کرد تا آن بیچاره در حالی که با وعده‌های خطرناک تو آشنا بود، اما با امید به عفو تو، گناه کرد و سزاوارترین افراد که منت بسیار بر او داری، او بود که می‌بایست دست به عصیان نمی‌زد. خدایا، اکنون من همین هستم که کوچک و خوار و خاضع و خاشع در پیشگاه تو ایستاده‌ام، در حالی که سخت می‌ترسم و اعتراف دارم که گناه بزرگ و خطاهای بزرگ را مجرمانه مرتکب شده‌ام، ولی اکنون به گذشت تو پناهنده شده‌ام و به رحمت تو دست یازیده‌ام، در حالی که می‌دانم کس دیگری نمی‌تواند مرا پناه دهد و هیچ کس توانایی حفظ و نگاه‌داری من از عذاب تو را نخواهد داشت.

(۲۰) خدایا، آن چه از مغفرت و رحمت نصیب بخشوده شدگان از گناه کاران فرموده‌ای، به من کرامت فرما و آن چه از عفو خود بر کسانی که دست به سوی تو دراز کرده‌اند، ارزانی داشته‌ای، بر من منت گذار و آن چه از آمرزش تو بر امیدواران به خود منت‌گذارده‌ای، بر من ارزانی دار، که این کار هرگز برای تو مهم و سخت نیست و در امروز (روز عرفه) نصیبی را به من عطا کن که از رضایت تو به بهره‌افز برسم و با

تَوْحِيدَكَ وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ<sup>٢٢٥</sup> وَالْأَشْبَاهِ<sup>٢٢٥</sup> عَنْكَ، وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ  
الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَنِي مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ  
بِهِ.

(٢١) ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ<sup>٢٢٦</sup> لَكَ،  
وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَالثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ<sup>٢٢٧</sup> بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ<sup>٢٢٨</sup>  
عَلَيْهِ رَاجِيكَ<sup>٢٢٩</sup>، وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ<sup>٢٣٠</sup> الْفَقِيرِ الْخَائِفِ  
الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةً<sup>٢٣١</sup> وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّذًا<sup>٢٣٢</sup> وَتَلَوُّدًا<sup>٢٣٣</sup>، لَا مُسْتَطِيلًا<sup>٢٣٤</sup>  
بِتَكْبِيرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالِيَةِ الْمُطِيعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ  
الشَّافِعِينَ.

(٢٢) وَأَنَا بَعْدُ<sup>٢٣٥</sup> أَقَلُّ الْأَقْلَيْنِ<sup>٢٣٦</sup>، وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينِ، وَمِثْلُ الذَّرْوَةِ أَوْ دُونِهَا، فَيَا  
مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ<sup>٢٣٧</sup> الْمُسِيئِينَ، وَلَا يَنْدَهُ<sup>٢٣٨</sup> الْمُتَرْفِينَ، وَيَا مَنْ يُعْنُ بِإِقَالَةِ<sup>٢٣٩</sup>  
الْعَائِرِينَ<sup>٢٤٠</sup>، وَيَنْفَضُّلُ بِإِنْظَارِ<sup>٢٤١</sup> الْخَاطِئِينَ<sup>٢٤٢</sup>.

(٢٣) أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَائِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا<sup>٢٤٣</sup>،  
أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا.

(٢٤) أَنَا الَّذِي اسْتَخَفَنِي<sup>٢٤٤</sup> مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ<sup>٢٤٥</sup>، أَنَا الَّذِي هَابَ<sup>٢٤٦</sup> عِبَادَكَ وَ  
أَمِنَكَ<sup>٢٤٧</sup>، أَنَا الَّذِي لَمْ يَزْهَبْ<sup>٢٤٨</sup> سَطَوَتَكَ<sup>٢٤٩</sup>، وَلَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ.

(٢٥) أَنَا الْجَانِي<sup>٢٥٠</sup> عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا الْمُزْتَنِّهِ<sup>٢٥١</sup> بِبَيْتِيهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا  
الطَّوِيلُ الْقَنَاءِ<sup>٢٥٢</sup>.

دست خالی مرا بر مگردان، هم چنان که اطاعت کنندگان و عابدان را با نعمت تمام بر می گردانی. البته من عمل شایسته‌ای به جا نیاورده‌ام، اما معتقد به توحید بوده‌ام و هر ضد و مثل و شبیه تو را نفی کرده‌ام و از همان در به سوی تو آمده‌ام که امر فرمودی و آن را به روی بندگانت گشوده‌ای و با وسیله‌ای به تو تقرب جسته‌ام که هیچ کس به قرب تو نرسیده مگر آن که به همان وسیله تمسک جسته است.

(۲۱) خدایا، در پی نزدیکی به تو انا به و آگاهی به ذلت و فقر خود و حسن ظن به تو و اطمینان به رأفت و رحمت تو را پی گرفتم و این همه را با امید به تو که هرگز امیدواران را ناامید نمی‌فرمایی، توأم کرده و از تو همانند کوچک‌ترین و خوارترین بندگانت که گرفتار و فقیر و خوف‌ناک و پناهنده است، از تو درخواست می‌کنم. در عین حال، این سؤال همانند درخواست مستکبران قدرت طلب و یا مانند سؤال بلندپروازان مطیع که جرأت سؤال و توقع بسیار دارند نیست، بلکه سؤالی است که به صورت تضرع و پناه‌جویی و توسل به کرامت تو، انجام گرفته است.

(۲۲) خدایا، من هنوز از هر کمتری کمترم و از هر بیچاره‌ای بیچاره‌تر و همانند ذره‌ای بلکه کمتر از آنم. ای خدایی که هرگز در عقاب بدکاران شتاب نمی‌کنی و به عیاشان مسرف نیز مهلت می‌دهی و ای کسی که با گذشت از لغزش‌های بندگان به آنان منت می‌نهی و با مهلت، به خطاکاران تفضل می‌فرمایی.

(۲۳) خدایا، من گناه کار و اقرار کننده‌ای لغزنده هستم و من جرأت بر عصیان دارم و به عمد دست به گناه زده‌ام.

(۲۴) خدایا، من به دور از چشم بندگانت بی‌باکانه به معصیت تو دست زدم و از مردم ترسیدم و از تو نترسیدم و از بزرگ منشی و عذاب تو نه‌راسیدم.

(۲۵) من به خود گناه روا داشتم و پیوسته در گرو این بلا که ساخته و پرداخته خودم بود، هستم و شرم و حیایم اندک و گرفتاری‌ها و رنج‌هایم بسیار است.



(٢٦) بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ<sup>٢٥٣</sup> مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اضْطَفَيْتَهُ<sup>٢٥٤</sup> لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنِ اخْتَرْتَ<sup>٢٥٥</sup> مِنْ بَرِيَّتِكَ<sup>٢٥٦</sup>، وَمَنِ اجْتَنَبْتَ<sup>٢٥٧</sup> لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلَتْ مَغْصِيَّتُهُ كَمَغْصِيَّتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوَالَاتَهُ<sup>٢٥٨</sup> بِمَوَالِيكَ، وَمَنْ نُطِئْتَ<sup>٢٥٩</sup> مُعَادَاتَهُ<sup>٢٦٠</sup> بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي<sup>٢٦١</sup> فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُهُ مِنْ جَارِ إِلَيْكَ<sup>٢٦٢</sup> مُتَّصِلًا<sup>٢٦٣</sup>، وَعَادًا<sup>٢٦٤</sup> بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا.

(٢٧) وَتَوَلَّيْ<sup>٢٦٥</sup> بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ<sup>٢٦٦</sup> مِنْكَ، وَتَوَحَّدَنِي<sup>٢٦٧</sup> بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَأَتَعَبَ<sup>٢٦٨</sup> نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا<sup>٢٦٩</sup> فِي مَرْضَاتِكَ.

(٢٨) وَلَا تَوَاضِعْنِي بِتَفَرُّيْ<sup>٢٧٠</sup> فِي جَنِّبِكَ<sup>٢٧١</sup>، وَتَعَدَّى<sup>٢٧٢</sup> طَوْرِي<sup>٢٧٣</sup> فِي حُدُودِكَ<sup>٢٧٤</sup>، وَمُجَاوِزَةَ<sup>٢٧٥</sup> أَحْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي<sup>٢٧٦</sup> بِإِهْلَاكِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَتَعْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ<sup>٢٧٧</sup> بِي.

(٢٩) وَنَهَيْنِي مِنْ رَقْدَةٍ<sup>٢٧٨</sup> الْغَافِلِينَ، وَبَسَنَةٍ<sup>٢٧٩</sup> الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةٍ الْمَخْذُولِينَ<sup>٢٨٠</sup>، وَخُذْ بَقْلِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَائِمِينَ<sup>٢٨١</sup>، وَاسْتَعْبَذْتُ<sup>٢٨٢</sup> بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَاسْتَنْقَذْتُ<sup>٢٨٣</sup> بِهِ الْمُتَهَاوِينَ<sup>٢٨٤</sup>.

(٣٠) وَأَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَقِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي<sup>٢٨٥</sup> عَنَّا أَحَاوِلَ<sup>٢٨٦</sup> لَدَيْكَ، وَسَهَّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَالْمُشَاحَّةَ<sup>٢٨٧</sup> فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ.

(٣١) وَلَا تَمْحَقْنِي<sup>٢٨٨</sup> فَيَمُنَ تَمَحُّقٌ مِنَ الْمُسْتَحْقِّينَ<sup>٢٨٩</sup> بِمَا أَوْعَدْتَ<sup>٢٩٠</sup>، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ<sup>٢٩١</sup>.



(۲۶) خدایا، به حق کسانی که از خلاق خود انتخاب کرده و اختیار فرموده‌ای و به حق آنان که برای خود برگزیده‌ای و طاعت از آنان را مانند اطاعت از خود و نافرمانی از آنان را چون نافرمانی از خود و دوستی ایشان را چون دوستی با خود قرار داده‌ای و به حق کسانی که گفתי دشمنی آنان دشمنی با تو است؛ همانند آنان که به تو پناه آورده و زاری نموده و با استغفار به درگاهت توبه می‌کنند، مرا به لطف خود پوشش ده.

(۲۷) خدایا، آن چنان در کار من نظر کن که به اهل طاعت خود می‌نگری و همان طور که با اهل وفایت رفتار می‌کنی، به من نیکی کن؛ هم آنان که در راه قرب تو رنج فراوان کشیده‌اند و در راه رضای تو به رنج و زحمت فراوان تن داده‌اند.

(۲۸) خدایا، مرا به سبب کوتاهی‌ها و تعدی از حدود و تجاوز از احکام خود، مؤاخذه مفرما و با دادن مهلت، مرا از خیرهای خود به تدریج محروم مگردان؛ مانند کسی که خیر خود را از من به دور می‌دارد و مانع از آن است که خیر و نعمتی عاید من شود.

(۲۹) خدایا، مرا از خواب غافلان و خواب آلودگی مسرفان و از خواب زدگی رسواشدگان بیدار فرما و قلب مرا به سوی کردارهایی که اطاعت‌کنندگان و عابدان به جامی آورند و کوتاهی‌کنندگان را به واسطه آن نجات بخشیدی، بکش.

(۳۰) خدایا، از آن چه مرا از تو دور نموده و بین من و تو حایل می‌شود و از آن چه در نزد تو می‌جویم مانع می‌گردد، در پناه خود درآور و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن در انجام نیکی‌ها را از آن راه که خود معین کرده‌ای و مسابقه در آن را اراده فرموده‌ای، بر من آسان بفرما.

(۳۱) خدایا، مرا از هلاکت شدگانی که وعده‌های تو را سبک شمرده و به غضب تو بی‌تفاوت هستند قرار مده.



(٣٢) وَلَا تُتَبِّرْنِي<sup>٣٢</sup> فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْ سُبُلِكَ، وَنَجِّنِي  
مِنْ غَمَرَاتِ<sup>٣٣</sup> الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ<sup>٣٤</sup> الْبُلُوَى، وَأَجِرْنِي مِنْ أَخْذِ  
الْإِمْلَاءِ.

(٣٣) وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي، وَهَوَى يُوسِقُنِي<sup>٣٥</sup>، وَمَنْقَصَةٍ  
تَرْهَقُنِي<sup>٣٦</sup>، وَلَا تُعْرِضْ<sup>٣٧</sup> عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَ  
لَا تُؤَسِّسْنِي<sup>٣٨</sup> مِنْ الْأَمَلِ<sup>٣٩</sup> فَيْكُفِّرْ قَلْبِي عَلَى الْقَنُوطِ<sup>٤٠</sup> مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَمْنِخْنِي<sup>٤١</sup>  
بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتُبْهَظْنِي<sup>٤٢</sup> مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ.

(٣٤) وَلَا تُزِيسْنِي<sup>٤٣</sup> مِنْ يَدِكَ إِزْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بَكَ إِلَيْهِ، وَ  
لَا إِنَابَةَ لَهُ.

(٣٥) وَلَا تُزِمْنِي<sup>٤٤</sup> رَمَى<sup>٤٥</sup> مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ<sup>٤٦</sup>، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ  
الْغِزَى<sup>٤٧</sup> مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةٍ<sup>٤٨</sup> الْمُتَرَدِّينَ<sup>٤٩</sup>، وَهَلَاةٍ<sup>٥٠</sup>  
الْمُتَعَسِّفِينَ<sup>٥١</sup>، وَزَلَّةٍ<sup>٥٢</sup> الْمَغْرُورِينَ، وَزُطَّةٍ<sup>٥٣</sup> الْهَالِكِينَ.

(٣٦) وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ<sup>٥٤</sup>، وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ  
عُنِيتَ بِهِ<sup>٥٥</sup>، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَرَضِيتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَبِيداً<sup>٥٦</sup>، وَتَوَفَّيْتَهُ<sup>٥٧</sup>  
سَعِيداً.

(٣٧) وَطَوِّفْنِي<sup>٥٨</sup> طَوِّقَ الْإِقْلَاعِ<sup>٥٩</sup> عَمَّا يُخْبِطُ الْحَسَنَاتِ<sup>٦٠</sup>، وَيَذْهَبُ  
بِالْبَرِّكَاتِ، وَأَشْعِرْ<sup>٦١</sup> قَلْبِي الْأَرْدِجَارَ<sup>٦٢</sup> عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ<sup>٦٣</sup>  
الْخَوَبَاتِ<sup>٦٤</sup>.

(٣٨) وَلَا تُشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُوضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ، وَأَنْزِعْ<sup>٦٥</sup>  
مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَتِهِ<sup>٦٦</sup> تَنْهَى<sup>٦٧</sup> عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ<sup>٦٨</sup> عَنِ ابْتِغَاءِ<sup>٦٩</sup> الْوَسِيلَةِ

(۳۲) خدایا، عذاب سخت منحرفان از راه خود را بر من روا مدار و از گرداب‌های فتنه و بلاهای گمراه کننده نجاتم بخش و مرا از کسانی قرار مده که به آنان مهلت‌های فراوان دادی تا این که نافرمانی کردند و سرانجام همگی را به سبب نافرمانی‌هایشان به عذاب کشاندی.

(۳۳) خدایا، بین من و دشمنی که مرا گمراه می‌کند و هوای نفسی که مرا به هلاکت می‌کشاند و کاستی و نقصانی که دامن‌گیرم می‌شود، مانع شو و هرگز همانند کسی که از او خشنود نیستی و بر او غضب کرده‌ای، روی از من بر مگردان و امید مرا به نو میدی تبدیل نمما تا نو میدی از رحمت بر من حاکم شود و هرگز مرا به بلای طاقت فرسا دچار مکن تا مانع از فضل محبت تو گردد.

(۳۴) خدایا، مرا از سایه قدرت خودت رها مفرما؛ همانند کسانی که هیچ گونه خیری در آنها نیست و تو اهمیتی به آنان نمی‌دهی و به بازگشت آنان علاقه‌مند نیستی. (۳۵) خدایا، مرا از چشم نظارت و رعایت خود ساقط مکن و از کسانی که بیچارگی و ناامیدی از تو فراگیرشان شده قرار نده، بلکه دستم را بگیر تا هم چون از کار افتادگان متمرد نباشم و از در وادی ابتلاهایی؛ همانند: جهل و فزع گمراهان و لغزش فریب خوردگان و نابودی هلاک شدگان، قرار نگیرم.

(۳۶) خدایا، مرا از گرفتاری‌هایی که اصناف و طبقات مختلف مردم بدان گرفتارند، عافیت بخش و به جایگاه آنان که مشمول نعمت‌ها و خشنودی و کرامت‌های تو گردیده و بسیار پسندیده زیستند و نیک‌بخت از این جهان رخت بریستند، نایل گردان.

(۳۷) خدایا، مرا آن چنان کن که همیشه از گناهانی که حسنات و برکات را تباه می‌سازد، دوری کنم و به قلبم بی‌زاری از گناهان و زشتی‌ها را الهام فرما.

(۳۸) خدایا، مرا به آن چه که فقط از تو ساخته است و سعی در آن مفید نیست، مبتلا مگردان و از آن چه که غیر آن تو را راضی نمی‌کند، منصرفم نگردان و حب



إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ<sup>٣٣٠</sup> عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ.

(٣٩) وَزَيْنُ<sup>٣٣١</sup> لِي التَّفَرُّدُ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً<sup>٣٣٢</sup> تُذَيِّنِي<sup>٣٣٣</sup> مِنْ خَشْيَتِكَ<sup>٣٣٤</sup>، وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ<sup>٣٣٥</sup>، وَتَفْكُنِي<sup>٣٣٦</sup> مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ<sup>٣٣٧</sup>.

(٤٠) وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ<sup>٣٣٨</sup> الْعِصْيَانِ، وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ<sup>٣٣٩</sup> الْخَطَايَا، وَسَرِبْلِي<sup>٣٤٠</sup> بِسِرْبَالِ<sup>٣٤١</sup> عَافِيَتِكَ وَرَدِّي<sup>٣٤٢</sup> رِدَاعِعَافَاتِكَ<sup>٣٤٣</sup> وَجَلِّلْنِي<sup>٣٤٤</sup> سَوَابِغَ<sup>٣٤٥</sup> نِعْمَائِكَ، وَظَاهِرَ<sup>٣٤٦</sup> لَدَيَّ فَضْلِكَ وَطَوْلِكَ<sup>٣٤٧</sup>.

(٤١) وَأَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ<sup>٣٤٨</sup>، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النِّيَّةِ، وَمَرْضَى الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي<sup>٣٤٩</sup> إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي<sup>٣٥٠</sup> دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ.

(٤٢) وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي<sup>٣٥١</sup> لِلْقَائِكَ، وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَانِكَ، وَلَا تُنْسِنِي<sup>٣٥٢</sup> ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ<sup>٣٥٣</sup> فِي أَحْوَالِ السَّهْرِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لَا لَائِكَ<sup>٣٥٤</sup>، وَأَوْزِغْنِي<sup>٣٥٥</sup> أَنْ أَتِيئَ<sup>٣٥٦</sup> بِمَا أُولِيَّتِيهِ<sup>٣٥٧</sup>، وَأُعْتَرِفَ بِمَا أَسْدَيْتُهُ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَحَنْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ.

(٤٣) وَلَا تَخْذُلْنِي<sup>٣٥٨</sup> عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسْدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِئْنِي<sup>٣٥٩</sup> بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسْلِمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ<sup>٣٦٠</sup> لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَأَعُوذُ<sup>٣٦١</sup> بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ بَانَ تَغْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ<sup>٣٦٢</sup>، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَشْتَرِ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ<sup>٣٦٣</sup>.

دنیای پست را که مرا از اطاعت تو باز می‌دارد و وسیلهٔ قرب تو را تباه می‌کند و قرب تو را به فراموشی می‌سپارد، از دلم برگزن.

(۳۹) خدایا، موقم گردان در خلوت‌گاه شب به مناجات با تو بنشینم و روز نیز همواره به یاد تو باشم و به من عصمتی عطا کن که به خشیت از تو موفق گردم و از محرمات به دور و از اسارت گناهان آزاد گردم.

(۴۰) خدایا، مرا از آلودگی گناه پاک کن و پلیدی و ناپاکی خطایا را از من دور فرما و به من جامهٔ عافیت ببوشان و نعمت‌ها و کرامت‌های بی‌دریغ خود را شامل حال من بفرما و فضل و نعمت خود را برای من ظاهر بگردان.

(۴۱) خدایا، مرا به توفیق و هدایت خود تأیید کن و بر نیت‌های پاکیزه و گفتار پسندیده و اعمال نیک یاری بفرما و به جای نیرو و قدرت خود، به نیرو و قدرتم واگذارم مکن.

(۴۲) خدایا، در روز قیامت مرا بیچاره و رسوا مفرما و مرا فراموش مکن و شکر و سپاس نعمت‌هایت را به من عطا فرما و در حالت‌های سهو که همانند غافلان هستم، هوشیارم فرما تا تو را سپاس‌گزارم و به ثناگویی در مقابل نعمت‌هایت موقم بدار و در این سپاس‌گزاری رغبتم روز افزون فرما و مرا از بهترین ستایش‌گران و ثناگویان قرار ده و از پاداش آنان به من نیز کرامت فرما.

(۴۳) خدایا، مرا به هنگام عرض نیاز به درگاهت، نومید مگردان و به واسطهٔ اطاعت‌ها و عبادت‌های ناقص و بدون شایسته هلاکم مکن و با من همانند معاندان و منافقان رفتار منما، زیرا من تسلیم تو هستم و می‌دانم که حجت تو تمام است و تو سزاورتری که به من تفضل و احسان نمایی و اهل تقوا و مغفرتی و عفو و پوشش نزد تو بهتر از رسوا کردن من است.



(٤٤) فَأَخْبِنِي حَيَاةَ طَيِّبَةٍ تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَرْتَكِبُ<sup>٣٦</sup> مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأُمِيتِي<sup>٣٧</sup> مِيتَةً مَنْ يَسْعَى نُورَهُ<sup>٣٨</sup> بَيْنَ يَدَيْهِ<sup>٣٧</sup> وَعَنْ يَمِينِهِ<sup>٣٨</sup>.

(٤٥) وَذَلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ<sup>٣٩</sup>، وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ<sup>٣٩</sup>، وَضَعْنِي<sup>٣٩</sup> إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي<sup>٣٩</sup> بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا.

(٤٦) وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتِهِ<sup>٣٩</sup> الْأَغْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ<sup>٣٩</sup>، وَمِنْ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ<sup>٣٩</sup>، تَعَمَّدْنِي<sup>٣٩</sup> فِيمَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ<sup>٣٩</sup> مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ<sup>٣٨</sup> لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ<sup>٣٩</sup> لَوْ لَا أَنَانَتُهُ<sup>٣٨</sup>.

(٤٧) وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً<sup>٣٨</sup> أَوْ سُوءَ أَفْتَنْجَنِي مِنْهَا لَوْ إِذَا بِكَ، وَإِذْ لَمْ تَقْنِنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقْنِنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ.

(٤٨) وَاشْفَعْ لِي أَوْ ائِلْ مِنِّيكَ بِأَوَاخِرِهَا<sup>٣٨</sup>، وَقَدِيمِ فَوَائِدِكَ بِخَوَادِشِهَا، وَلَا تَمْدُدْ لِي<sup>٣٨</sup> مَدًّا يَفْسُو<sup>٣٨</sup> مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَفْرَغْنِي<sup>٣٨</sup> قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَلَا تُسَمِّنِي<sup>٣٨</sup> حَسِيَسَةً<sup>٣٧</sup> يَضْفَرُ لَهَا قَدْرِي<sup>٣٨</sup>، وَلَا تَقِصَّصْ لِي<sup>٣٨</sup> مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي.

(٤٩) وَلَا تَفْرَغْنِي<sup>٣٨</sup> رَوْعَةً<sup>٣٩</sup> أُنْبِلِسُ بِهَا<sup>٣٩</sup>، وَلَا خِيفَةً<sup>٣٩</sup> أُوجِسُ<sup>٣٩</sup> دُونَهَا إِجْعَلْ هَيْبَتِي<sup>٣٩</sup> فِي وَعِيدِكَ<sup>٣٩</sup> وَحَذَرِي<sup>٣٩</sup> مِنْ عَذَابِكَ<sup>٣٧</sup> وَإِنْ ذَارَكَ<sup>٣٨</sup> وَهَيْبَتِي<sup>٣٩</sup> عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ.

(٥٠) وَاعْزُ<sup>٣٩</sup> لِي لِيَلِي بِإِقْطَاعِي<sup>٣٩</sup> فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ<sup>٣٩</sup> لَكَ، وَتَجَرُّدِي<sup>٣٩</sup> بِسُكُونِي إِلَيْكَ<sup>٣٩</sup>، وَإِنْ زَالَ خَوَانِجِي بِكَ، وَشَاذَ لَتِي<sup>٣٩</sup> إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ<sup>٣٩</sup> رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي<sup>٣٩</sup> مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ.

(۴۴) خدایا، حیات طیبه‌ای به من عطا کن که تمام خواسته‌هایم را دریابم و عاقبت آن حیات چنان باشد که هرگز دست به مکروهی نزدم و هیچ خلافی را مرتکب نشوم و مرگ مرا همانند آنان که نورشان از مقابل و دو سوی آنان حرکت می‌کند، قرار ده.

(۴۵) خدایا، مرا در مقابل خود خوار و در نزد مردم عزیز بدار و هنگام خلوت و تنهایی فروتن و در بین مردم بلندپایه و رفیع و از مردم بی‌نیاز گردان و فقر و نیازم را به درگاه خود بیش افزون فرما.

(۴۶) خدایا، مرا از سرزنش دشمنان و نزول بلا و خورای و رنج و سختی در پناه خود درآور و آن گونه عفو و پوششی که عفو و حلم تو مانع از مجازات می‌گردد، شامل حالم کن.

(۴۷) خدایا، هرگاه اراده فرمودی که قومی را مبتلا کنی یا عذاب فرستی، مرا از آن فتنه نجات کرامت ده و چنان که مرا در دنیا رسوا نساختی، در آخرت نیز خوار مکن.

(۴۸) خدایا، نعمت‌های اول و آخر و سودها و منافع قدیم و جدید خود را با هم به من عطا فرما و هرگز با مهلت‌های خود قلب مرا سخت مگردان و با مصیبت‌های ناگوار، خوشی‌ها و شخصیت مرا نابود مساز و مرا به وسیله پستی‌ها، کوچک مگردان تا مبادا کمبودهای من آشکار گردیده و موجب سقوط شخصیت من گردد.

(۴۹) خدایا، چنان ترس را بر وجودم مسلط مکن که مأیوس گردم و نه آن چنان بیم را بر وجودم مستولی کن که به کلی مأیوس و نومید گردم؛ بلکه چنان کن که از وعده عذاب تو بترسم و از اتمام حجت و انذار تو برحذر باشم و هنگام تلاوت قرآن هراس از خود را در وجودم قرار بده.

(۵۰) خدایا، شب‌هایم را به واسطه بیداری در انجام عبادت خود و در خلوت به شب خیزی پرداختن و آرام گرفتن و انس با خود پربرکت و آباد و خواسته‌هایم را به لطف خود برآور و درخواستم را درباره آزاد شدن از آتش جهنم، اجابت کن و از عذاب‌هایی که گرفتاران در آتش بدان می‌سوزند، نجاتم بخش.



(٥١) وَلَا تَذَرْنِي فِي طُفْيَانِي عَامِيهَا<sup>١٠٨</sup>، وَلَا فِي غَمَرَتِي سَاهِيَا حَتَّى جِينِ،  
وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً<sup>١١٠</sup> لِمَنْ اتَّعَطَّ<sup>١١١</sup>، وَلَا نِكَالًا<sup>١١٢</sup> لِمَنْ اعْتَبَرَ<sup>١١٣</sup>، وَلَا فِتْنَةً<sup>١١٤</sup> لِمَنْ  
نَظَرَ<sup>١١٥</sup>، وَلَا تَمْكُرْ بِي<sup>١١٦</sup> فَيَمُنَ تَمْكُرِيهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي<sup>١١٧</sup> غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي  
اِسْمًا<sup>١١٨</sup>، وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا<sup>١١٩</sup> لِخَلْقِكَ، وَلَا سُخْرِيًا<sup>١٢٠</sup> لَكَ، وَ  
لَا تَتَّبِعَا<sup>١٢١</sup> إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا مُمْتَهِنَا<sup>١٢٢</sup> إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ.

(٥٢) وَأَوْجِذْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَخِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَرِيحَانِكَ وَجَنَّةِ  
نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا  
يُزِيلُ لَكَ ذَلِكَ وَعِثْدَكَ، وَأَتَجَفَّنِي بِتُخَفَةٍ مِنْ تُخَفَاتِكَ.

(٥٣) وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَزَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ،  
وَسَوْفَنِي لِقَاءَكَ، وَثُبْ عَلَيَّ<sup>١٢٣</sup> تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذَنْبًا صَغِيرَةً  
وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذُرْ<sup>١٢٤</sup> مَعَهَا غَلَانِيَةً<sup>١٢٥</sup>، وَلَا سَرِيرَةً<sup>١٢٦</sup>.

(٥٤) وَأَنْزِعْ<sup>١٢٧</sup> الْفَلَ<sup>١٢٨</sup> مِنْ صَدْرِي<sup>١٢٩</sup> لِلْمُؤْمِنِينَ، وَأَعْطِفْ<sup>١٣٠</sup> بِقَلْبِي عَلَى  
الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَخَلِّنِي<sup>١٣١</sup> جَلِيَّةً<sup>١٣٢</sup> الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ  
لِي لِسَانَ صَدِّقٍ فِي الْغَائِبِينَ<sup>١٣٣</sup>، وَذِكْرًا نَامِيًا<sup>١٣٤</sup> فِي الْآخِرِينَ، وَوَافٍ<sup>١٣٥</sup> بِي  
عَوَضَةً<sup>١٣٦</sup> الْأَوَّلِينَ.

(٥٥) وَتَمِّمْ سُبُوحَ<sup>١٣٧</sup> نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، اِمْلَأْ<sup>١٣٨</sup> مِنْ  
فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ<sup>١٣٩</sup> كَرَامَتِ<sup>١٤٠</sup> مَوَاهِبِكَ<sup>١٤١</sup> إِلَيَّ، وَجَاوِزْ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ  
أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي رَيَّتْهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَجَلِّلْنِي<sup>١٤٢</sup> شَرَائِفَ<sup>١٤٣</sup> بِحِلِّكَ<sup>١٤٤</sup> فِي  
الْمَقَامَاتِ الْمَعْدُودَةِ<sup>١٤٥</sup> لِاجْتِبَائِكَ.



(۵۱) خدایا، مرا در طغیان و سرکشی کور و سرگردان و امگذار و در گرداب نادانی‌ام تا هنگام مردن غافل رها مکن و مرا مایهٔ پند و عبرت دیگران و موجب گمراهی گمراهان و جزو کسانی که دچار مکر تو شده‌اند، قرار مده و در هدایت، دیگری را به جای من برگزین و نام مرا عوض مفرما و جسم مرا بیمار مگردان و مرا موجب استهزای دیگران و نیز از کسانی که به استهزای تو دچار شده‌اند، قرار مده و کاری کن که تنها پیرو رضای تو باشم و مرا جز برای انتقام از کافران به خدمت مگیر.

(۵۲) خدایا، خنکی عفو و شیرینی رحمت و آسایش و روزی گوارایت را به من بپشاند و از بهشت پر نعمت برخوردار فرما و طعم آسودگی به آن چه راکه تو دوست داری، همراه با گشایش خود و کوشش در آن چه مرا به تو نزدیک می‌کند و نیز از تحفه‌های نزد خود به من کرامت فرما.

(۵۳) خدایا، تجارت‌م را پر سود و بازگشتم را بی زیان بدار و مرا از مقام خود بترسان و به لقای خود مشتاق کن و توبهٔ نصح روزی‌ام فرما؛ به گونه‌ای که هرگز پس از توبه، اثری از گناهان صغیره و کبیره در وجودم باقی نماند و کردار زشت ظاهر و باطنم را جبران کند.

(۵۴) خدایا، کینهٔ مؤمنان را از دلم برکن و قلبم را به سوی خاشعان متمایل گردان و با من همانند صالحان عمل کن و همانند تقواییان به من زینت بخش و زبان راستگو در بین مردم به من عنایت کن و یاد نیک و نام بلندم را در میان آیندگان ثبت فرما و در بهشت همراه پاکان و پیشی گیرندگان محشور فرما.

(۵۵) خدایا، نعمت‌های کامل و گوارای خود را بر من تمام کن و کرامت‌هایت را در وجود من آشکار فرما و دست مرا از برکات خود پر و بخشش‌های کریمانه‌ات را به سوی من روانه ساز و مرا در همسایگی اولیای پاکت در بهشت‌هایی که برای برگزیدگان آراسته‌ای، جای ده و نعمت‌های گرامی‌ات را در آن مقام که برای دوستانست آماده کرده‌ای، بر قامت من بپوشان.



(٥٦) وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا<sup>١١٦</sup> آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَتَابَةً<sup>١١٧</sup> أَتَّبِعُهَا<sup>١١٨</sup>، وَ  
أَقْرَبُ عَيْنًا<sup>١١٩</sup>، وَلَا تُقَايِسْنِي<sup>١٢٠</sup> بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ<sup>١٢١</sup>، وَلَا تَهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى<sup>١٢٢</sup>  
السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ<sup>١٢٣</sup> عَنِّي كُلَّ شَيْءٍ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ  
رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلْ<sup>١٢٤</sup> لِي قِسْمَ<sup>١٢٥</sup> الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ<sup>١٢٦</sup>، وَفُزْ عَلَيَّ حُظُوظَ  
الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ.

(٥٧) وَاجْعَلْ قَلْبِي وَائْتِقًا<sup>١٢٧</sup> بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمًى<sup>١٢٨</sup> مُسْتَفْرَعًا<sup>١٢٩</sup> لِمَا هُوَ لَكَ، وَ  
اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ<sup>١٣٠</sup>، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ<sup>١٣١</sup> الْعُقُولِ  
طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ<sup>١٣٢</sup> وَالْمُعَافَاةَ<sup>١٣٣</sup> وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ  
وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْعَافِيَةَ.

(٥٨) وَلَا تُحِطْ<sup>١٣٤</sup> حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا<sup>١٣٥</sup> مِنْ مَفْصِيكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا  
يَغْرِضُ لِي مِنْ نَزَاغَاتِ<sup>١٣٦</sup> فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي<sup>١٣٧</sup> عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ  
الْعَالَمِينَ، وَذُبْنِي عَنِ الْتِمَاسِ<sup>١٣٨</sup> مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ.

(٥٩) وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا<sup>١٣٩</sup>، وَلَا لَهُمْ عَلَى مَخْرَجِ كِتَابِكَ يَسَدًا وَ  
نَصِيرًا، وَحُطْنِي<sup>١٤٠</sup> مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي<sup>١٤١</sup> بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ  
تَوْبِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَافِقِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرََّاغِبِينَ، وَأَتَمِّمُ  
لِي إِعْمَانَكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْتَعِمِينَ.

(٦٠) وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً<sup>١٤٢</sup> وَجْهَكَ، يَا رَبَّ  
الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَ  
عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ<sup>١٤٣</sup>.

(۵۶) خدایا، مرا نزد خود آرام و مطمئن در جایگاهی امن و امان بپذیر که چشمم بدان روشن شود و به واسطه گناهان بزرگم مجازات مکن و روزی که اسرار همگان کشف می شود، مرا به هلاکت میفکن و شک و شبهه را از من دور و راه حق را به من نشان بده و از نعمت های بزرگ خود و بهره های فراوان و احسان و اکرامت به من ارزانی بدار.

(۵۷) خدایا، قلبم را به آن چه در نزد تو است مطمئن گردان و همتم را به آن چه رضای تو در آن است، مشغول گردان و به آن چه پاکان را در آن به کار گرفتی، به عمل وادار و آن گاه که عقل ها در فراموشی غفلت و غلبه هوا به سر می برند، مرا به طاعت خود وادار و غنا، عفاف، آسایش، سلامتی، گشایش، آرامش و عافیت را بر من نازل فرما.

(۵۸) خدایا، حسنات مرا با شائبه گناهان باطل و حبط مکن و خلوت هایم را به عارضه معاصی که از امتحان تو سرچشمه گرفته است، نباه مکن و آبرویم را با بی نیازی و غنا از خلائق مصون بدار و از التماس به فاسقان و فاجران به دور بدار.

(۵۹) خدایا، مرا پشتیبان ظالمان قرار نده و یاور آنان در محو دستورهایت مگردان و از عالم غیب از من نگهداری کن و درهای توفیق و رحمت و رأفت و روزی گسترده را به رویم باز کن، که من به سوی تو شدیداً راغبم و نعمت های خود را بر من نازل گردان، که تو بهترین نعمت دهندگانی.

(۶۰) خدایا، در باقی مانده عمر، توفیق حج و عمره در جهت کسب رضای خود را به من ارزانی دار. ای پروردگار جهانیان. درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او و سلام پیوسته بر او و آنان.



### واژه‌ها:

۱. بدیع: مخترع.
۲. مالو: معبود.
۳. لا یعزب: غائب نیست.
۴. رقیب: حافظ.
۵. متکرم: صاحب کرامت ذاتی.
۶. منظم: عظیم بالذات.
۷. شدید المحال: شدید العذاب - شدید المکر و الحيله.
۸. اودوم: دایمی تر.
۹. دانی: نزدیک.
۱۰. ذوالبهاء: بسیار زیبا.
۱۱. مجد: جلالت.
۱۲. کبریا: بزرگی.
۱۳. غیر سنخ: بی الگو.
۱۴. غیر مثال: بی نظیر.
۱۵. مبتدعات: مخلوقات نو و بی سابقه.
۱۶. احتذاء: تقلید.
۱۷. تیسیر: آسان ساختن.
۱۸. مادونک: آن چه نزد تو ست.
۱۹. لم یعنک: تو را یاری نکرد.
۲۰. لم یوازرک: با تو مشارکت و مشاوره ننموده.
۲۱. لم یکن لک مشاهد: با چشم ندیدی.
۲۲. حتم: جزم و قطع.
۲۳. قضیت: حکم کردی.
۲۴. نصفاً: محض عدل و انصاف.
۲۵. لا یحویک: تو را در بر نگیرد.
۲۶. لم یعیک: تو را خسته و عاجز نکند.
۲۷. برهان: دلیل.
۲۸. اخصیت: شمرده‌ای و احاطه داری.
۲۹. امدأ: مدت و نهایت.
۳۰. قصرث: کوتاه است.
۳۱. آیینک: مکان داشتن تو.
۳۲. لم تمثل: بی مانند و بی نظیری.
۳۳. یعانذک: با تو دشمنی کند.
۳۴. عدل: همتا.
۳۵. فیکائرک: تو را زیاد کند.
۳۶. ند: مثل.
۳۷. یعارضک: با تو مقابله کند.
۳۸. اخترع: ایجاد بدون الگو.
۳۹. استحدث: خلق بدون سابقه.
۴۰. ابتدع: خلق بدون علت.
۴۱. آثنی: بلند و رفیع است.
۴۲. اصدع: ظاهر ساخته.
۴۳. فرقان: فارق بین حق و باطل.
۴۴. ملک: صاحب اختیار.

۴۵. ما امنك: چه قدر عزّت داری.  
 ۴۶. ما اؤسك: چه قدر سه و گشادگی داری.  
 ۴۷. ما ارفك: چه قدر بلند مرتبه‌ای.  
 ۴۸. بسطت بالخيرات: جود فراوان داری.  
 ۴۹. ائسك: از تو درخواست کند.  
 ۵۰. وجدك: فضل تو را دریابد.  
 ۵۱. جری فی علمك: به علم تو درآید.  
 ۵۲. مادون العرش: آن‌چه در سلطه عرش درآید.  
 ۵۳. عرش: علم و وسیع.  
 ۵۴. انقاد: مطیع شود.  
 ۵۵. لا تحس: احساس نشوی.  
 ۵۶. لا تحس: او را مسّ کرد و دست زد.  
 ۵۷. لا تحس: او احساس لمسی نمود.  
 ۵۸. لا تكاد: تو کید نشوی.  
 ۵۹. لا تاط: دور نگردی.  
 ۶۰. لا تنازع: قابل جنگ و خصومت نیستی.  
 ۶۱. لا تجاری: مناظره‌پذیر نیستی.  
 ۶۲. لا تماری: همراه و جدال‌پذیری.  
 ۶۳. لا تخادع: قابل خدعه و گول نیستی.  
 ۶۴. لا تماكر: مکر و حيله به تو ممكن نیست.  
 ۶۵. جدد: محكم هموار.  
 ۶۶. صمد: مطلوب و مقصود همكاران.  
 ۶۷. قولك حكم: گفتارت حكمت و علم است.  
 ۶۸. عزم: حتم.  
 ۶۹. باهر: غالب و ظاهر.  
 ۷۰. فاطر: خالق بدون مثل.  
 ۷۱. باری: خالق.  
 ۷۲. نسمات (جمع نَسَمَة): نفوس.  
 ۷۳. خالد: جاوید.  
 ۷۴. یوازی: مقابل و موازی باشد.  
 ۷۵. لا ینفی: سزاوار نباشد.  
 ۷۶. یستدام: پیوسته برقرار باشد.  
 ۷۷. يتضاعف: زیاد شود.  
 ۷۸. كرور الازمنة: آمد و شد زمان‌ها.  
 ۷۹. یتزاید: پیوسته زیاد شود.  
 ۸۰. مترادفة: پشت سرهم.  
 ۸۱. احصاء: شمردن.  
 ۸۲. حنطة: نگهبانان.  
 ۸۳. كتبة: نویسندگان.  
 ۸۴. یوازن: هم وزن باشد.  
 ۸۵. یعادل: برابر باشد.  
 ۸۶. كرسى: یکی از مراحل علم حضرت حق جل و علا.  
 ۸۷. یستغرق: در خود غرق کند و بپوشاند.  
 ۸۸. وفق: موافق.



۸۹. پیمان: یاری شود.  
۹۰. تعدید: تکثیر (در این مورد به همین معنی است).  
۹۱. اغراق: اغراق کند و به تمام وجود تلاش کند.  
۹۲. نزعاً: کشش جدی در کار.  
۹۳. توفته: ادای حق آن.  
۹۴. احمد: حمد کننده‌ای فوق او نباشد.  
۹۵. المیزد: زیاد.  
۹۶. وفور: فراوانی.  
۹۷. تسله: او را برسانند.  
۹۸. طول: فضل و کرامت.  
۹۹. وجهک: ظهور تو، مظاهر تو.  
۱۰۰. منتجب: خلوص یافته، خالص شده.  
۱۰۱. مصطفی: برگزیده.  
۱۰۲. بارک: افاضهٔ برکات بفرما.  
۱۰۳. امتع: منتفع کن.  
۱۰۴. زاکیه: زیاد، پاکیزه.  
۱۰۵. نامه: کثیره.  
۱۰۶. آنسی: بیشترین.  
۱۰۷. راضیه: مورد رضایت.  
۱۰۸. ترضیه: تو را خشنود کند.  
۱۰۹. لاترضی: راضی نگردی.  
۱۱۰. تجاوز: افزون شود.  
۱۱۱. لاتنفذ: تمام نشود.  
۱۱۲. تتنظم: جمع کند.  
۱۱۳. اهل اجابتک: آنان که دعوت تو را جواب گفتند.  
۱۱۴. ذرات: خلق کردی.  
۱۱۵. برأت: آفریدی.  
۱۱۶. سالفه: گذشته.  
۱۱۷. مستأنفه: ابتدا بدان می‌شود.  
۱۱۸. کرور الایام: پیدایش شب و روز.  
۱۱۹. تضاعیف: زیاد شدن‌ها.  
۱۲۰. اطایب: پاکیزه‌ترین‌ها.  
۱۲۱. رجس: پلیدی.  
۱۲۲. دنس: چرک.  
۱۲۳. مسلك: طریق.  
۱۲۴. تجزل: توسعه دادی.  
۱۲۵. نحل: عطاها.  
۱۲۶. نوافل: احسان غیر واجب.  
۱۲۷. توفّر: فراوان دادی.  
۱۲۸. عوائدک: منافعی که عاید شود.  
۱۲۹. لا امد فی اولها: ابتدایی ندارد.  
۱۳۰. ولاغایه لأمدھا: پایانش زمان ندارد.  
۱۳۱. زنه: هم وزن.  
۱۳۲. ملا: پر.  
۱۳۳. زلفی: قرب و مقام بلند.

۱۳۴. اوان: زمان.  
 ۱۳۵. عَلم: علامت و نشانه.  
 ۱۳۶. مناراً: علامت روشن.  
 ۱۳۷. حبل: ریمان.  
 ۱۳۸. ذریعة: وسیله.  
 ۱۳۹. رضوان: خشنودی.  
 ۱۴۰. افترضت: واجب کردی.  
 ۱۴۱. حذرت: دور کردی.  
 ۱۴۲. امتثال: پذیرش اوامر.  
 ۱۴۳. انتهاء: دست کشیدن.  
 ۱۴۴. عصمة اللاتذین: نگهدارنده پناهندگان.  
 ۱۴۵. كهف: پناهگاه، غار.  
 ۱۴۶. عروة: دستگیره.  
 ۱۴۷. بهاء العالمین: زیبایی و نظم جهانیان.  
 ۱۴۸. اوزع لولیک: الهام کن به ولایت.  
 ۱۴۹. آتی: به او عطا کن.  
 ۱۵۰. ركنك الأعز: پایه‌ای که بسیار محکم باشد (پایه بسیار محکم).  
 ۱۵۱. واشدد أزره: قدرت او را پایدار کن.  
 ۱۵۲. فز عضده: بازویش را قوی کن.  
 ۱۵۳. راعه: او را مراقب باش.  
 ۱۵۴. أجمه: او را حفظ و حمایت کن.  
 ۱۵۵. امدده: کمکش کن.  
 ۱۵۶. جندك الاغلب: توانا ترین سپاهیان.  
 ۱۵۷. امی: زنده بدار.  
 ۱۵۸. اماته: آنان را نابود کردند.  
 ۱۵۹. معالم دینك: آثار دین تو.  
 ۱۶۰. واجل: جلوه‌ای درخشان ده.  
 ۱۶۱. ابن: جدا کن.  
 ۱۶۲. الضراء: موانع ضرر زنده‌ راه.  
 ۱۶۳. التاكین: عدول کنندگان.  
 ۱۶۴. امحق: نابود کن.  
 ۱۶۵. بغاة: جویندگان.  
 ۱۶۶. قصدك: طریق مستقیم تو.  
 ۱۶۷. عوجا: کژی و اعوجاج.  
 ۱۶۸. الن: نرم کن.  
 ۱۶۹. جاتبه: حریم روحی او را.  
 ۱۷۰. ابط: بگشا.  
 ۱۷۱. هب لنا: به ما ببخشا.  
 ۱۷۲. تعطف: عطف کن.  
 ۱۷۳. تعنته: رقت کن به او.  
 ۱۷۴. ساعین: تلاش کنندگان.  
 ۱۷۵. مدافعة: دفاع کردن.  
 ۱۷۶. مكنتین: یاران.  
 ۱۷۷. متقربین: نزدیک شوندگان.  
 ۱۷۸. معترفین: اقرار کنندگان.  
 ۱۷۹. منهجهم: طریق آنان.  
 ۱۸۰. متبعین: تابعان.



۱۸۱. المقتن: پیروان.  
۲۰۵. صاغراً: در حالی که کوچکم.
۱۸۲. عروة: دستگیره، دین.  
۲۰۶. تحمله: بر دوش کشیدم.
۱۸۳. متمسکین: دست آویختگان.  
۲۰۷. اجترمت: مرتکب جرم شدم.
۱۸۴. المؤتئین: اقتدا کنندگان.  
۲۰۸. مستجیراً: در حالی که پناه جویم.
۱۸۵. الماذن: چشم دوختگان.  
۲۰۹. صفح: عفو.
۱۸۶. زاکیات: پاکیزه‌ها و رشد کننده‌ها.  
۲۱۰. لاذ: پناه آورنده.
۱۸۷. شون: حالت‌ها.  
۲۱۱. موقن: دانا، دارای یقین.
۱۸۸. تب عليهم: توبه آنها را قبول کن.  
۲۱۲. لا یجیرنی: مرا پناه ندهد.
۱۸۹. دارالسلام: بهشت.  
۲۱۳. مجیر: پناه دهنده، حامی.
۱۹۰. اجزالت: بزرگ کردی.  
۲۱۴. فعد علی: دوباره عفو مکن.
۱۹۱. عصته: او را نگهداشتی.  
۲۱۵. اقترف: به جا آورد.
۱۹۲. ارشدته: او را آگاه کردی.  
۲۱۶. تجود: بخشش کنی.
۱۹۳. موالاته: دوستداری.  
۲۱۷. القى بیده: خود را تسلیم کرد.
۱۹۴. معاداة: دشمنی.  
۲۱۸. لا یتعاطىک: برای تو بزرگ نیست.
۱۹۵. لم یأتمر: امر شما را نپذیرفت.  
۲۱۹. ائلك: به تو امید دارد.
۱۹۶. زهرته: منعیش کردی.  
۲۲۰. ائال: برخوردار شوم.
۱۹۷. لم یزهر: دست برنداشت.  
۲۲۱. صغراً: خالی.
۱۹۸. زلته: او را دور کردی.  
۲۲۲. أقدم: به جا آوردم.
۱۹۹. حذرت: منعیش کردی.  
۲۲۳. قدمت: وارد شدم.
۲۰۰. اعانه: او را کمک کرد.  
۲۲۴. انداد: امثال.
۲۰۱. وعیدک: وعده تو به عذاب.  
۲۲۵. اشیاء: مانند‌ها.
۲۰۲. واثقاً: در حال اطمینان.  
۲۲۶. استکانة: خواری.
۲۰۳. بتجاوزک: به عفو تو.  
۲۲۷. شققت: آن را قرین و همراه کردم.
۲۰۴. ها انا ذا: این من هستم که این گونه‌ام.  
۲۲۸. یخب: نوید شود.



۲۲۹. راجیک: امیدوار به تو.  
 ۲۳۰. الباسی: بیچاره.  
 ۲۳۱. خیفه: ترس.  
 ۲۳۲. تمؤذا: پناه بردن.  
 ۲۳۳. تلؤذ: پناه بردن.  
 ۲۳۴. مستیلا: طالب قدرت.  
 ۲۳۵. بعد: هنوز.  
 ۲۳۶. اقل الاقلین: کمترین کمترین ها.  
 ۲۳۷. لم یعجل: عجله نمی کند.  
 ۲۳۸. لا یند: رد نمی کند.  
 ۲۳۹. اقاله: مسامحه و گذشت.  
 ۲۴۰. عاثرین: فرو رفته در گناه.  
 ۲۴۱. انتظار: مهلت دادن.  
 ۲۴۲. خاطئین: گناه کاران.  
 ۲۴۳. مجترأ: اقدام کننده بر گناه.  
 ۲۴۴. استخفی: پنهان می کنم.  
 ۲۴۵. بارزك: آشکار انجام می دهد.  
 ۲۴۶. هاب: ترسید.  
 ۲۴۷. اینهك: از تو در امان است.  
 ۲۴۸. لم یرهب: نمی ترسد.  
 ۲۴۹. سطوتك: قهر و غلبه تو.  
 ۲۵۰. الجانی: جنایت کار.  
 ۲۵۱. مرتین: به گروگان رفته.  
 ۲۵۲. عناء: رنج.  
 ۲۵۳. انتجت: اختیار کردی.  
 ۲۵۴. اصطفیت: انتخابش کردی.  
 ۲۵۵. اختر: اختیار کردی.  
 ۲۵۶. بریة: خلق.  
 ۲۵۷. اجتیت: برگزیدی.  
 ۲۵۸. موالاته: محبت او را.  
 ۲۵۹. نطت: وابسته کردی.  
 ۲۶۰. معادة: دشمنی.  
 ۲۶۱. تفتدنی: مرا یوشان.  
 ۲۶۲. جار الیک: به سوی تو انا به کرد.  
 ۲۶۳. متصلاً: در حالی که توبه کرده و از گناه خارج شده.  
 ۲۶۴. عاذ: پناهنده شد.  
 ۲۶۵. تولی: مرا حفظ کن.  
 ۲۶۶. مكانة: منزلت.  
 ۲۶۷. توخذنی: به ویژه مرا در حفظ خود نگهدار.  
 ۲۶۸. اتعب: به زحمت افتاد.  
 ۲۶۹. اجهد: به نهایت تلاش کرد.  
 ۲۷۰. تفریط: تقصیر.  
 ۲۷۱. فی جنبك: در کنار تو.  
 ۲۷۲. تعدی: تجاوز.  
 ۲۷۳. طوری: حد من.  
 ۲۷۴. حدودك: احکام و دستورهای تو.



۲۷۵. مجاوزة: تجاوز کردن.  
 ۲۷۶. لاتستدرجی: مرا به تدریج به هلاکت  
 میرساند.  
 ۲۷۷. حلول نعمته: ورود نعمتش.  
 ۲۷۸. رقدة: خواب.  
 ۲۷۹. سنة: سستی قبل از خواب.  
 ۲۸۰. مغلولین: بیچارگان.  
 ۲۸۱. قانتین: خاضعان.  
 ۲۸۲. استعذت: به سوی بندگی خوانده است.  
 ۲۸۳. استغذت: خلاص نمود.  
 ۲۸۴. متهاونین: سست گرایان.  
 ۲۸۵. یصدتی: مرا منع کرد.  
 ۲۸۶. أحاول: طلب کردم.  
 ۲۸۷. المشاعة: نوعی نمازعه.  
 ۲۸۸. ولاتحقی: به تدریج نابودم مکن.  
 ۲۸۹. مستغفین: لاابالیان و بی باکان.  
 ۲۹۰. أوعدت: وعده دادی.  
 ۲۹۱. مقت: بغض و کینه.  
 ۲۹۲. لاتتیرنی: مرا هلاک نکن.  
 ۲۹۳. غمرات: شدائد.  
 ۲۹۴. لهوات: گلوگیرها.  
 ۲۹۵. یوقتی: مرا هلاک می کند.  
 ۲۹۶. ترفتی: مرا پوشش می دهد.  
 ۲۹۷. لا تعرض: اعراض نکن.  
 ۲۹۸. لا تؤیسی: مرا مأیوس مکن.  
 ۲۹۹. أتل: آرزو.  
 ۳۰۰. القنوط: یأس.  
 ۳۰۱. لا تمنحی: به من روا ندارد.  
 ۳۰۲. فتیهظنی: مرا منع کنی.  
 ۳۰۳. ولاترسلنی: مرا رها نکن.  
 ۳۰۴. لاترم بی: مرا طرد و دور نکن.  
 ۳۰۵. رمی: انداختن.  
 ۳۰۶. سقط من عین رعایتك: کسی که از چشم  
 رعیت افتاده باشد.  
 ۳۰۷. غزی: ذل و خواری.  
 ۳۰۸. سقطة: هلاکت.  
 ۳۰۹. المتردین: هالکان.  
 ۳۱۰. وهله: فزع.  
 ۳۱۱. التمتعین: سلوک بدون هدایت.  
 ۳۱۲. زله: لغزش.  
 ۳۱۳. ورطة: وادی گرفتاری.  
 ۳۱۴. اماتك: کنیزانت.  
 ۳۱۵. عنیت به: به آنان لطف و توجه کردی.  
 ۳۱۶. فأعشته حمیداً: به او زندگی پسندیده  
 دادی.  
 ۳۱۷. توفیته: به سوی خود بردی.  
 ۳۱۸. طوقنی: طوق بر گردنم بیفکن.  
 ۳۱۹. الإقلاع: دل کندن.

۳۲۰. یحیط الحسنات: باطل کننده حسنات است.
۳۲۱. اشر: قلبم را آگاه کن.
۳۲۲. الازدجار: امتناع.
۳۲۳. فراض: عیوب واضح.
۳۲۴. الحوبات: گناهان.
۳۲۵. انزع: جدا کن.
۳۲۶. دنیا دنیا: دنیای بد و پست.
۳۲۷. تنهی: باز می دارد.
۳۲۸. تصد: مانع شود.
۳۲۹. ابتفاء: طلب کردن.
۳۳۰. تذل: فراموش کند.
۳۳۱. زین: زینت بده.
۳۳۲. عصمة: حفظ و نگهداری.
۳۳۳. تدننی: مرا نزدیک کنی.
۳۳۴. غشیة: ترس همراه با آگاهی.
۳۳۵. رکوب المحارم: انجام دادن معاصی.
۳۳۶. تنکئی: مرا باز داری.
۳۳۷. أسر العظام: اسارت گناهان بزرگ.
۳۳۸. دنی: چرک.
۳۳۹. درن: آلودگی پلیدی.
۳۴۰. سربلنی: به من ببوشان.
۳۴۱. سربال: پیراهن.
۳۴۲. ردئی: به من ببوشان.
۳۴۳. رداء معافاتک: لباس عافیت.
۳۴۴. جلئی: مرا بزرگ بدار.
۳۴۵. سوابغ: نعمت های واسع.
۳۴۶. طاهر: نعمت پیوسته عطا کن.
۳۴۷. طولک: غنی و قدرت.
۳۴۸. تسدید: محکم کردن.
۳۴۹. لا تنکئی: مرا واگذار مکن.
۳۵۰. حولی و قوتی: قدرت و توانایی خودم.
۳۵۱. تیمتی: مرا در قیامت مبعوث کنی.
۳۵۲. لا تنسی: مرا به فراموشی ميفکن.
۳۵۳. الزمیه: او را ملازم من کن.
۳۵۴. آلتک: نعمت های تو.
۳۵۵. اوزعی: به من الهام کن.
۳۵۶. أتی: شکر و ثنا گویم.
۳۵۷. اولیتیه: مرا بدان نائل کردی.
۳۵۸. لا تغذانی: بیچاره و وامانده ام مکن.
۳۵۹. لا تبیهنی: مرا رد مکن.
۳۶۰. حجة: دلیل.
۳۶۱. اعدو: بهترین نعمت رسانی.
۳۶۲. تعاقب: عقوبت کنی.
۳۶۳. تشهر: واضح کنی و شهرت دهی.
۳۶۴. لا یرتکب: انجام ندهم.
۳۶۵. امتی: مرا بمیران.
۳۶۶. من یسمی نوره: جلوه کند نور او.



۳۶۷. بین یدیه: از پیش او.  
 ۳۶۸. عن یمنه: از طرف راست او.  
 ۳۶۹. ذلّتی بین یدیک: مرا به درگاهت ذلیل کن.  
 ۳۷۰. اعزّنی عند خلقک: نزد بندگانت مرا عزیز بدار.  
 ۳۷۱. ضعی: مرا متواضع گردان.  
 ۳۷۲. وارفعنی: مرا بلند مقام بدار.  
 ۳۷۳. شانه: زخم زبان.  
 ۳۷۴. حلول البلاء: نزول بلا.  
 ۳۷۵. العناء: سختی.  
 ۳۷۶. تقصدنی: مرا پیوشان.  
 ۳۷۷. اطلمت علیه: بر آن آگاه شدی.  
 ۳۷۸. البطش: باز گرفتن در غضب.  
 ۳۷۹. جریرة: گناه.  
 ۳۸۰. اناة: صبر و تحمل.  
 ۳۸۱. فتنه: آزمایش ضلالت آور.  
 ۳۸۲. واشفع لی اوائل متنک باواخرها: نعمت‌های دنیوی را ضمیمه نعمت‌های اخروی بفرما.  
 ۳۸۳. لاتمدد لی: عمر مرا زیاد مکن.  
 ۳۸۴. یقسو: سخت می‌شود.  
 ۳۸۵. لاتقرعنی: مرا به فرع ناگهانی قیامت مبتلا مکن.  
 ۳۸۶. لاتسمنی: ملازم من نکن.  
 ۳۸۷. خسیه: پستی.  
 ۳۸۸. قدری: ارزش من.  
 ۳۸۹. لاترعنی: مرا مترسان.  
 ۳۹۰. روعة: ترس و فزع.  
 ۳۹۱. اہلس بها: آرامش یابم.  
 ۳۹۲. خیفه: حال ترس.  
 ۳۹۳. اوجس: یافتن حال ترس آور.  
 ۳۹۴. هیبة: ترس.  
 ۳۹۵. وعید: وعده به عقاب.  
 ۳۹۶. حذر: دور بودن.  
 ۳۹۷. اعذار: مهلت دادن.  
 ۳۹۸. انذار: ترسانیدن.  
 ۳۹۹. رعبه: ترس و خشیت.  
 ۴۰۰. واعمر: آباد کن.  
 ۴۰۱. ایفاظ: بیدار شدن.  
 ۴۰۲. التهجد: بیداری شب.  
 ۴۰۳. تجردی: کوشش من.  
 ۴۰۴. بسکونی الیک: انس من به تو.  
 ۴۰۵. منازلتی: مراجعه من.  
 ۴۰۶. فکاک: آزاد کردن.  
 ۴۰۷. اجارتی: نگه‌داری و حفظ من.  
 ۴۰۸. ولاتذرنی: مرا وامگذار.  
 ۴۰۹. عامها: متحیراً.

۴۱۰. عطفه: موجب موعظه دیگران.  
 ۴۱۱. لمن انظ: هر کس موعظه پذیر است.  
 ۴۱۲. نکالاً: منع.  
 ۴۱۳. لمن اعتبر: هر کس عبرت گیرد.  
 ۴۱۴. فتنه: واقعه گمراه کننده.  
 ۴۱۵. لمن نظر: هر کس عبرت گیرد.  
 ۴۱۶. لاتمکری: مرا مورد مکر قرار مده.  
 ۴۱۷. لاتستبدل بی: دیگری را به جای من  
 انتخاب مکن.  
 ۴۱۸. ولاتغیر لی اسماً: نامم از دیوان مؤمنان  
 تغییر مده.  
 ۴۱۹. هزوا: مورد سخریه.  
 ۴۲۰. سخریا: استهزا.  
 ۴۲۱. تمها: پیرو.  
 ۴۲۲. ممتنها: مبتذل.  
 ۴۲۳. تب علی: توبه مرا بپذیر.  
 ۴۲۴. لاتذر: باقی مگذار.  
 ۴۲۵. علانیه: آشکار.  
 ۴۲۶. سریره: پنهان.  
 ۴۲۷. انزع: خارج کن.  
 ۴۲۸. غل: کینه.  
 ۴۲۹. صدر: سینه.  
 ۴۳۰. واعطف: مایل کن.  
 ۴۳۱. حلی: مرا زینت ده.
۴۳۲. حلیه: زینت.  
 ۴۳۳. غابری: باقی ماندگان.  
 ۴۳۴. نامیا: رفیع، عالی.  
 ۴۳۵. وافی: آماده کن.  
 ۴۳۶. عرصه: زمین گسترده.  
 ۴۳۷. سیوغ: وسعت.  
 ۴۳۸. املاً: پرکن.  
 ۴۳۹. شق: سوق بده.  
 ۴۴۰. کرامت: کرامت‌ها.  
 ۴۴۱. مواهب: موهبت‌ها.  
 ۴۴۲. جللی: مرا بزرگ بدار.  
 ۴۴۳. شرافت: جمع شریف (عالیه القدر).  
 ۴۴۴. نحل: عطا یا.  
 ۴۴۵. معده: آماده.  
 ۴۴۶. مقیلاً: محل استراحت.  
 ۴۴۷. مثابه: جایگاه.  
 ۴۴۸. اتیوه: جای گیرم.  
 ۴۴۹. اقز عیناً: چشمم روشن شود.  
 ۴۵۰. لاتقایسی: مرا مقایسه نکن.  
 ۴۵۱. جرائر: گناهان.  
 ۴۵۲. تبلی: ظاهر شود.  
 ۴۵۳. ازل: زائل کن.  
 ۴۵۴. اجزل: زیاد کن.  
 ۴۵۵. قسم: نصیب‌ها.



۴۵۶. نوال: عطا.  
 ۴۵۷. واثق: مطمئن.  
 ۴۵۸. هَمَّتْ من: همت من.  
 ۴۵۹. مستغرغاً: کاملاً آماده.  
 ۴۶۰. خالصتك: خواص محبوب تو.  
 ۴۶۱. ذهرل: غفلت.  
 ۴۶۲. دَعَا: راحتی و آسایش.  
 ۴۶۳. معافاة: خود نگهداری.  
 ۴۶۴. لا تعبط: باطل مکن.  
 ۴۶۵. يشوب: مخلوط می شود.  
 ۴۶۶. نزغات: دخالت مفسدانه.  
 ۴۶۷. صن وجهی: محفوظ بدار آبرویم را.  
 ۴۶۸. التماس: درخواست.  
 ۴۶۹. طهیر: یار.  
 ۴۷۰. حطّی: مرا حفظ کن.  
 ۴۷۱. تقنی: مرا نگهدار.  
 ۴۷۲. ابتغاء: طلب کردن.  
 ۴۷۳. ابد الابدین: همیشه.





## دعاؤه في يوم الأضحى و يوم الجمعة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأُضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ:

(١) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيِّمُونَ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارٍ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ<sup>٢</sup> وَالرَّاهِبُ<sup>٣</sup> وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

(٢) وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ الْخَنَّانُ<sup>٤</sup> الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ<sup>٥</sup> وَالْأَرْضِ، مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَاقِبَةٍ أَوْ بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ<sup>٦</sup> بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُغْفِرَ لَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَنْ تُؤَفِّرَ<sup>٧</sup> حَظِّي<sup>٨</sup> وَنَصِيبِي مِنْهُ.

(٣) أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكُ وَالْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَبِيرِكَ وَصَفْوَتِكَ<sup>٩</sup> وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهَا<sup>١٠</sup> إِلَّا أَنْتَ،



## دعای چهل و هشتم

### دعای روز عید قربان و جمعه

(۱) خدایا، امروز روز خجسته و مبارک است و مردم در تمام نواحی کرهٔ زمین گرد هم آمده‌اند و با اطوار مختلف نیازهای گوناگون خود را درخواست می‌دارند و تو از همهٔ آنان آگاهی. خدایا، پس به جود و کرم و آسان بودن آنچه از تو درخواست می‌کنم، از تو خواهانم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

(۲) خدایا، پروردگارا از تو که صاحب اقتدار و زینندهٔ ستایش، بردبار، بزرگوار، مهربان و صاحب جلال و کبریایی هستی و آفریدگار آسمان‌ها و زمین می‌باشی، درخواست می‌کنم که هرگاه خیر و برکت و عافیت برای بندگان مقرر کردی و یا هدایت و یا عمل صالح یا عطای خیر و یا عافیت و برکت به آنان ارزانی داشتی، یا که نام و درجهٔ آنان را بلند کردی، یا خیر دنیا و آخرت به آنها دادی، نصیب و بهرهٔ مرا از آن فراوان و افزون فرما.

(۳) خدایا، تو که فرمانروای جهان هستی و همهٔ ستایش‌هایش از آن تو است و جز تو مؤثری در کار نیست، درخواست می‌کنم که بر حضرت محمد، بنده، فرستاده، حبیب، برگزیده و انتخاب‌شدهٔ تو از میان آفریده‌هایت و خاندان نیک و پاک او درود فرستی؛ آن چنان که غیر تو قدرت احصا و شمارش آن را نداشته باشد و ما را در دعای



وَأَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحٍ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(٤) اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي، وَبِكَ اَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقِي وَمَسْكَنَتِي، وَاِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَوْثَقُ " مِنْنِي بِعَمَلِي، وَلَسَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَلَّ " قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَبْسِيْرٍ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَبِقُدْرَتِي اِلَيْكَ، وَغِنَاكَ عَنِّي، فَإِنِّي لَمْ اُصِبْ " خَيْرًا قَطُّ اِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ اَحَدٌ غَيْرُكَ، وَلَا اَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ سِوَاكَ.

(٥) اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ " وَتَعَبَّأَ " وَأَعَدَّ " وَاسْتَعَدَّ " لِوَفَادَةٍ " اِلَى مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ " وَتَوَافَلِهِ " وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَأْمُلُوْنَ كَانَتْ الْيَوْمَ تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَاعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ. (٦) اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبِ " الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ " سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ "، فَإِنِّي لَمْ اَتِكَ " يَقَّةً " مِنْنِي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، اِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بَيْنِي وَعَلَيْهِمْ وَسَلَامُكَ ..

(٧) اَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالْجُزْمِ وَالْاِسَاءَةِ اِلَى نَفْسِي، اَتَيْتُكَ اَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي غَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَنْتَعِكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُزْمِ اَنْ عُذْتُ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ.

(٨) قَبَا مِنْ رَحْمَتِهِ وَاسِعَةٍ، وَعَفْوِهِ عَظِيمٍ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ، وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ

خیر بندگان صالحت در امروز شریک گردان ای پروردگار جهانیان و همه ما و آنان را  
بیخشا، که تو بر هر چیز توانایی.

(۴) خدایا، حاجتم را به درگاه تو آورده‌ام و امروز فقر و نیاز و مسکنت خود را بر  
ساحت تو افکنده‌ام و به رحمت تو امیدوارتر از اعمالم هستم و بخشایش تو از گناه  
من وسیع تر است، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و حاجتم را به قدرتت روا  
کن، که برای تو آسان است و من به تو نیاز مندم و تو از من بی نیازی، من هر خیر را از  
تو می‌دانم و نجات از شر را جز به تو نمی‌بینم و هرگز امیدی در دنیا و آخرت به جز تو  
ندارم.

(۵) خدایا، هر کس آماده و مهیا شده که عطایا و صله‌های مخلوقی به او روی کند،  
آمادگی و استعداد وجودی من فقط رو به درگاه تو است، به امید آن که بتوانم به عفو و  
عطایای فراوان تو نایل آیم.

(۶) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و امروز نو می‌دم مگردان. ای  
کسی که از فراوانی درخواست رنج نمی‌بری و به واسطه کثرت عطا، کاستی و  
منقصت در ملک تو پیدا نمی‌شود. من هرگز به کردار خود مطمئن نیستم و به شفاعت  
کسی امید نبسته‌ام، مگر شفاعت حضرت محمد و خاندان او، که سلام تو بر همه آنان  
باد!

(۷) خدایا، با اقرار به جرم و بدی، به درگاهت آمده‌ام، در حالی که به عفو عظیم تو  
پیوسته‌ام، همان که پیوسته تبه کاران بدان وسیله مورد عفو قرار می‌گیرند و هرگز  
طولانی بودن غفلت و جرم آنان، مانع رحمت تو نبوده است.

(۸) ای خدایی که رحمت گسترده و گذشت تو بزرگوارانه است، ای عظیم و ای  
بزرگ، ای کریم و ای بزرگوار، بر محمد و آل محمد درود بفرست و رحمتت را بر من  
عاید و تفضلت را به سوی من منعطف فرما و مشمول وسعت مغفرت خود بگردان.

بِقُضْلِكَ، وَتَوَسَّعَ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ.

(٩) اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ<sup>٢٨</sup> وَاضْفِيائِكَ<sup>٢٩</sup>، وَمَوَاضِعَ<sup>٣٠</sup> اَمْتَانِكَ<sup>٣١</sup> فِي الدَّرَجَةِ الرَّيْفَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ<sup>٣٢</sup> بِهَا قَدْ ابْتَرُؤُهَا<sup>٣٣</sup>، وَاَنْتَ الْمُقَدَّرُ<sup>٣٤</sup> لِذَلِكَ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يُجَاوِزُ<sup>٣٥</sup> الْمُخْتَوْمُ<sup>٣٦</sup> مِنْ تَدْبِيرِكَ، كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ، وَلِإِذَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَتَّهِمْ<sup>٣٧</sup> عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِإِرَادَتِكَ، حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ<sup>٣٨</sup> وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ<sup>٣٩</sup> مُبْتَرِزِينَ<sup>٤٠</sup>، يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا<sup>٤١</sup>، وَكِتَابَكَ مُتَبَوِّدًا<sup>٤٢</sup>، وَفَرَانِصَكَ<sup>٤٣</sup> مُحَرَّفَةً<sup>٤٤</sup> عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ<sup>٤٥</sup>، وَسُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً.

(١٠) اَللّٰهُمَّ اَلْعَنِ اَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالاٰخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ اَشْيَاعِهِمْ<sup>٤٦</sup> وَ اَتْبَاعَهُمْ.

(١١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، كَسَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى اَضْفِيائِكَ<sup>٤٧</sup> اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيمَ، وَ عَجَلِ الْفَرَجِ وَ الرُّوحِ<sup>٤٨</sup> وَ النُّصْرَةِ وَ التَّمَكُّينِ<sup>٤٩</sup> وَ التَّأْيِيدِ<sup>٥٠</sup> لَهُمْ.

(١٢) اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْاِيْمَانِ بِكَ، وَ التَّصْدِيقِ بِرِسُولِكَ، وَ الْاِثْمَةِ الَّذِيْنَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ، مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

(١٣) اَللّٰهُمَّ لَيْسَ يَزُودُ غَضَبَكَ اِلَّا جِلْمُكَ، وَ لَا يَزُودُ سَخَطَكَ اِلَّا عَفْوُكَ، وَ لَا يُجِيرُ<sup>٥١</sup> مِنْ عِقَابِكَ اِلَّا رَحْمَتُكَ، وَ لَا يُنْجِيْنِي مِنْكَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَيْكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ هَبْ<sup>٥٢</sup> لَنَا - يَا اِلٰهِي - مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا<sup>٥٣</sup> بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُخَيِّ اُمُوتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تَنْشُرُ<sup>٥٤</sup> مَيِّتَ الْبِلَادِ<sup>٥٥</sup>.

(۹) خدایا، مقام نماز جمعه و عید اضحی مربوط به برگزیدگان و جایگاه انبیای توست و تو آنان را به این درجات رفیع مختص فرموده‌ای، ولی حکومت‌های غاصب آن را غصب کرده‌اند، اگرچه تقدیر کننده تو هستی و هیچ کس بر تو غالب نیست و تدبیر مختوم تو مغلوب نمی‌گردد، بلکه هر چه و هر طور بخواهی همان است و هرگز بدگمانی به قدرت و علم تو در کار نیست؛ حتی در آن جاکه برگزیدگان تو مغلوب و مقهور شوند و ببینند که کتاب تو مبذل و حکم تو متروک و واجبات، تحریف شده و روش پیامبرت متروک است.

(۱۰) خدایا، دشمنان اولیای خود، اعم از گذشتگان و آیندگان و هر کس را که از افعال آنان خشنود است و از آنان پیروی می‌کند، مورد لعن و دوری از رحمت و برکات خود قرار بده.

(۱۱) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، زیرا تو ستوده و بزرگواری؛ همانند درودها و برکات و تهنیت‌هایی که بر برگزیدگانی هم چون ابراهیم و خاندان ابراهیم نثار فرمودی. خدایا، در فرج و گشایش و نصرت و سلطه و تأیید آل محمد تعجیل بفرما.

(۱۲) خدایا، مرا از اهل توحید و ایمان و تصدیق کنندگان به امامانی که اطاعت از آنان را واجب کرده‌ای، قرار بده؛ هم آنان که امت را به سوی ایمان و توحید رهنمون می‌گردند. اجابت فرما، ای پروردگار جهانیان.

(۱۳) خدایا، فقط بردباری و گذشت تو می‌تواند خشم و غضب تو را برگرداند و جز با رحمت تو، کسی از عقاب تو نجات نمی‌یابد و جز تضرع به سوی تو پناه‌گاهی نیست؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و از مقام الهیت خود، با قدرتی که مردگان را زنده و زمین‌های مرده را حیات می‌بخشی، عنایتی فرما که موجب گشایش امور ما گردد.



(١٤) وَلَا تُهْلِكْنِي - يَا إِلَهِي - غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَ أَذِقْنِي<sup>٥</sup> طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَلَا تُشْمِتْ بِسَى عَذْوِي<sup>٦</sup>، وَلَا تُمَكِّنْهُ<sup>٨</sup> مِنْ عُنْيِي، وَلَا تُسَلِّطْهُ<sup>٩</sup> عَلَيَّ.

(١٥) إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي<sup>١٠</sup>؟! وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي<sup>١١</sup>؟! وَإِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِنُنِي؟! وَإِنْ أَهْنَيْتَنِي<sup>١٢</sup> فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي؟! وَإِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي؟! وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَغْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ؟! وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نِقْمَتِكَ<sup>١٣</sup> عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَفْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْقَوْتَ، وَ إِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ<sup>١٤</sup> - يَا إِلَهِي - عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا.

(١٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلَنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا<sup>١٥</sup>، وَلَا لِتَقَمَّتِكَ نَضْبًا<sup>١٦</sup>، وَ مَهْلَنِي<sup>١٧</sup>، وَ نَفْسِنِي<sup>١٨</sup>، وَ أَقْلِنِي<sup>١٩</sup> عَثْرَتِي<sup>٢٠</sup>، وَلَا تَبْتَلِيَنِي<sup>٢١</sup> بِبَلَاءٍ عَلَى أَثَرِ<sup>٢٢</sup> بَلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ قِلَّةَ جِيلَتِي وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ.

(١٧) أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِزَّنِي، وَ اسْتَجِرْ بِكَ<sup>٢٣</sup> الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ<sup>٢٤</sup>، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجْزِنِي.

(١٨) وَ أَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ آمِنْنِي<sup>٢٥</sup>، وَ اسْتَهْدِيكَ<sup>٢٦</sup>، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اهْدِنِي، وَ اسْتَنْصِرْكَ<sup>٢٧</sup>، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ انصُرْنِي.

(۱۴) خدایا، مرا به واسطه اندوه و نومیدی از خود، نابود مکن، تا این که تمامی خواسته هایم را اجابت فرمایی و مرا از اجابت دعاهایم آگاه گردانی و نازنده هستم و در طول عمر من، طعم عافیت را به من بخشانی و مرا در اختیار دشمنانم قرار مده و آنها را بر من مسلط مگردان.

(۱۵) خدایا، اگر مرا رفعت دهی چه کسی می تواند مرا به پستی بکشاند؟! و اگر فرومایه ام گردانی چه کسی نجاتم می دهد؟! و اگر اکرام فرمایی چه کسی قدرت اهانت به من را دارد؟! و اگر خوارم کنی چه کسی مرا اکرام خواهد کرد؟! و اگر عذابم کنی چه کسی می تواند بر من رحم کند؟! و اگر هلاکم کنی چه فردی می تواند مانع بشود و از تو درباره من درخواست کند؟! و من می دانم که تو نه ظلم می کنی و نه در عذاب شتاب می فرمایی، بلکه کسی عجله و شتاب می کند که از فوت کاری بترسد و کسی ستم می کند که ضعیف و ناتوان باشد و حال آن که تو - ای معبود من - از هر منقصتی، متعالی و منزّه هستی.

(۱۶) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا هدف بلا و کیفر و عقوبت خود قرار مده و به من مهلت ده و اندوهم را برطرف ساز و از لغزش ها نگاه دار و هرگز به بلاهای پی در پی دچار مکن، زیرا تو ضعف و بیچارگی و زاری و التجایم را می بینی.

(۱۷) خدایا، از غضب تو به تو پناهنده ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و پناهم ده و از خشم تو به تو روی آورده ام، پس بر محمد و آل محمد درود نثار کن و مرا ببذیر.

(۱۸) خدایا، از تو ایمنی از عذاب را می خواهم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا ایمن دار و از تو طلب هدایت می کنم، پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و هدایت را نصیبم کن و از تو یاری می خواهم، پس بر پیامبر و اهل بیت او درود فرست و مرا یاری فرما.

(١٩) وَاسْتَرْجِمُكَ<sup>٧٨</sup>، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي، وَاسْتَغْفِرْكَ لِمَا سَلَفَ<sup>٧٩</sup>،  
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي، وَاسْتَرْجِمْكَ<sup>٨٠</sup>، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
ارْحَمْنِي.

(٢٠) وَاسْتَغْفِرْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي، وَاسْتَغْفِرْكَ لِمَا سَلَفَ<sup>٨١</sup>  
مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي، وَاسْتَغْفِرْكَ<sup>٨٢</sup>، فَصَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي، فَإِنِّي لَأُغْوَى<sup>٨٣</sup> لِسُنِّي كَرِهْتَهُ<sup>٨٤</sup> مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ.  
(٢١) يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا حَنَّانُ<sup>٨٥</sup> يَا مَنَّانُ<sup>٨٦</sup>، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ،  
وَأَرِدُهُ<sup>٨٧</sup> وَقَدَّرُهُ<sup>٨٨</sup> وَأَقْضِهِ<sup>٨٩</sup> وَأَمْضِهِ<sup>٩٠</sup>، وَخِزْلِي<sup>٩١</sup> فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ، وَبَارِكْ لِي  
فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَأَسْعِدْنِي<sup>٩٢</sup> بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ  
سَعَةِ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ<sup>٩٣</sup> كَرِيمٌ، وَصَلِّ<sup>٩٤</sup> ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا، يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ، وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ.  
هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ).



(۱۹) خدایا، از تو طلب ترحم می‌کنم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا مورد ترحم خود قرار ده و از تویی نیازی از همه چیز را می‌خواستم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و بی‌نیازم کن و از تو روزی معقول و مفید می‌خواهم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و به من روزی عطا کن.

(۲۰) خدایا، از تو یاری می‌خواهم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا یاری کن و از تو طلب آمرزش می‌کنم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا بیمارم و در کشاکش زندگانی از تو طلب نگاه داری می‌کنم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از لغزش‌ها نگاه دار، که اگر تو مرا در پناه خود قرار دهی و اراده کنی که رفتارم به کردار ناروا نینجامد، در همه حال از هر گزند در امان خواهم بود.

(۲۱) ای پروردگار ای پروردگار، ای مهربان ای مهرورز، ای صاحب جلال و کرم، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن چه را که از تو درخواست و طلب کرده و درباره آن به درگاه تو گریایم، به من کرامت کن و همه آنها را در قضای حتم و تقدیر خود مقرر بدار و تمامی خواسته‌هایم را مورد امضای خود قرار بده و آن چه را که بهتر است برای من برگزین و آنها را برای من پربرکت کن و خوش‌بختانه‌ترین زندگی را به من عطا بنما و افزون از خواسته‌هایم به من تفضل کن و مرا به واسطه آنها نیک‌بخت گردان و از تفضل و کرامت گسترده‌ات بر من بیغزای، که تو واسع و کریمی و این همه نعمت دنیا را به نعمت‌های آخرت پیوند ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

### واژه‌ها:

۱. مبارک: دارای خیر و برکت.
۲. اقطار: نواحی و اطراف.
۳. راغب: خواستار.
۴. راهب: دارای ترس با اضطراب.
۵. حَتَّان: کثیر الرحمة.
۶. بدیع السموات: آفریننده بی سابقه.

- آسمان‌ها. ۲۹. اصفیائک: برگزیدگان تو.
۷. تمنّ: منت می‌گذاری. ۳۰. مواضع: جایگاه‌ها.
۸. توفّر: زیاد می‌کنی. ۳۱. امنائک: امین‌های تو.
۹. حظّی: نصیب من. ۳۲. اختصاصهم: آنان را اختصاص دادی.
۱۰. صفوة: برگزیده. ۳۳. ابتزوها: آن را سلب کردند.
۱۱. احصاء: شمارش. ۳۴. مقفّر: تقدیر کننده.
۱۲. تمتدّ: قصد کردم. ۳۵. لا یجاوز: تجاوز نمی‌کند.
۱۳. اوقع: مطمئن‌تر. ۳۶. محترم: قطعی و حتمی.
۱۴. تولّ: برعهده گیر. ۳۷. مثمّ: مورد تهنّت.
۱۵. أصیب: رسیدم. ۳۸. صفوتک: برگزیدگان تو.
۱۶. تهنّا: آماده شده. ۳۹. مقهور: مغلوب.
۱۷. تمنّا: مهیا شده. ۴۰. مبتزّین: محرومان از حق خود.
۱۸. أعدّ: تهیه مقدمات کرده. ۴۱. مبدّل: تبدیل شده.
۱۹. استعدّ: طلب مقدمات نموده. ۴۲. منوفاً: طرد شده.
۲۰. وفادة: وارد شدن. ۴۳. فرائضک: واجبات.
۲۱. رجاء رفته: به امید عطای او. ۴۴. محرّفة: تحریف گردیده.
۲۲. نوافله: هبه و بخشش‌ها. ۴۵. اشرعک: طریق و راه‌های تو.
۲۳. لا تغیب: مرا مأیوس نکن. ۴۶. أشیاعهم: پیروان آنان.
۲۴. یحیفه: او را آزار و اذیت نمی‌دهد. ۴۷. اصفیائک: برگزیدگان تو.
۲۵. نائل: به حاجت رسیده. ۴۸. روح: راحت.
۲۶. لم آت: نیامده‌ام. ۴۹. تمکین: سلطنت و اقتدار.
۲۷. ثقة: اطمینان. ۵۰. تأیید: تقویت.
۲۸. خلفائک: نائبان تو. ۵۱. لا یجیر: پناه نمی‌دهد.

۵۲. هب: ببخش.  
۷۳. استجیر بك: به تو پناه می‌برم.
۵۳. فُرج: گشایش.  
۷۴. سخط: غضب.
۵۴. تشر: زنده کنی.  
۷۵. آمَنی: مرا در امن قرار ده.
۵۵. میت الهاد: سرزمین خالی از رویدنی.  
۷۶. استهدك: طلب هدایت از تو می‌کنم.
۵۶. اَذقنی: به من بچشان.  
۷۷. استصرک: از تو یاری می‌خواهم.
۵۷. لاَثمّت بی عدوی: دشمن مرا مسلط به شحاتت من مکن.  
۷۸. استرحمك: از تو ترحم می‌خواهم.
۵۸. لاَتمكّه: به او قدرت نده.  
۷۹. استكثك: از تو کفایت طلب می‌کنم.
۵۹. و لاَسلطه: او را مسلط نکن.  
۸۰. استرزقك: رزق از تو می‌خواهم.
۶۰. یضعی: مرا خوار کند.  
۸۱. ماسلف: آنچه گذشته.
۶۱. یرفعنی: مرا بلند کند.  
۸۲. استصك: از تو طلب عصمت می‌کنم.
۶۲. اهتنتی: به من اهانت کنی.  
۸۳. لن أعود: هرگز بر نمی‌گردم.
۶۳. نفكتك: غضب تو.  
۸۴. کرهته: دوست نداری.
۶۴. تعالیت: تو بس عالی هستی.  
۸۵. حَتّان: کثیر الرحمه.
۶۵. غرضاً: هدف.  
۸۶. مَتّان: کثیر العطا.
۶۶. نصبا: نشان قرار گرفته.  
۸۷. آرّه: او را اراده کن.
۶۷. مهلتی: مهلتم بده.  
۸۸. قدره: او را تقدیر کن.
۶۸. نفّسی: به من گشایش نصیب کن.  
۸۹. واقضه: آن را حتم فرما.
۶۹. اقلنی: مرا نگهدار.  
۹۰. أمضیه: آن را امضا کن.
۷۰. عفرنی: لغزش من.  
۹۱. یزلی: برای من خیر قرار بده.
۷۱. لاَتبلیّی: مبتلایم نکن.  
۹۲. واسعدنی: مرا خوشبخت کن.
۷۲. أثر: دنبال.  
۹۳. واسع: دارای گشایش و قدرت.
۹۴. صلّ: وصل کن.



## دعاؤه في دفع كيد الأعداء

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِفَاعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ، وَرَدُّ بَأْسِهِمْ:

(١) إِلَهِي هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ<sup>١</sup>، وَعَظَمْتَ فَقَسَوْتُ<sup>٢</sup>، وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ<sup>٣</sup>  
 فَقَصَيْتُ<sup>٤</sup>، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَضْدَرْتُ<sup>٥</sup> إِذْ عَرَفْتَنِيهِ<sup>٦</sup>، فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقْلَعْتُ<sup>٧</sup>، فَعُدْتُ<sup>٨</sup>  
 فَسَتَرْتُ، فَلَكَ - إِلَهِي - الْحَمْدُ. تَقَحَّضْتُ<sup>٩</sup> أَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ، وَحَلَلْتُ<sup>١٠</sup> شِعَابَ<sup>١١</sup>  
 تَلَفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ<sup>١٢</sup> وَبِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ. وَوَسَّيْتَنِي إِلَيْكَ  
 التَّوَجُّيدُ، وَذَرَيْعَتِي<sup>١٣</sup> أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا، وَلَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ إِلَهًا.

(٢) وَقَدْ فَوَزْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، وَإِلَيْكَ مَقَرُّ<sup>١٤</sup> الْمُسَىءِ، وَمَقَرُّ<sup>١٥</sup> الْمَضِيِّعِ<sup>١٦</sup>  
 لِحِظَاتِنَفْسِيهِ<sup>١٧</sup> الْمُلْتَجِي<sup>١٨</sup>. فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى<sup>١٩</sup> عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ<sup>٢٠</sup>  
 لِي ظُبَّةَ<sup>٢١</sup> مُدَّتِيهِ<sup>٢٢</sup>، وَأَرْهَفَ<sup>٢٣</sup> لِي شَبَا<sup>٢٤</sup> حَذِّهِ، وَدَافَ<sup>٢٥</sup> لِي قَوَاتِلَ<sup>٢٦</sup> سُمُومِهِ<sup>٢٧</sup>، وَ  
 سَدَّدَ<sup>٢٨</sup> نَخْوِي<sup>٢٩</sup> صَوَائِبَ<sup>٣٠</sup> سِهَامِيهِ<sup>٣١</sup>، وَلَمْ تَنْتَمِ<sup>٣٢</sup> عَنِّي عَيْنُ جِرَاسَتِيهِ<sup>٣٣</sup>، وَأَضْمَرَ<sup>٣٤</sup>  
 أَنْ يَسُومَنِي<sup>٣٥</sup> الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنِي<sup>٣٦</sup> زُعَاقَ<sup>٣٧</sup> مَرَارَتِهِ<sup>٣٨</sup>. فَتَنَظَّرْتُ - يَا إِلَهِي -  
 إِلَى ضَعْفِي عَنِ اخْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ<sup>٣٩</sup>، وَعَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِنْ قَصْدِنِي  
 بِمُحَارَبَتِيهِ، وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي<sup>٤٠</sup>، وَأَرْصَدَ لِي<sup>٤١</sup> بِالْبَلَاءِ فِيمَا

## دعای برای دفع کید و مکر دشمنان

(۱) خدایا، مرا هدایت فرمودی و من بیهوده گرایي کردم و تو نصیحتم کردی ولی من به سنگ دلی مبتلا شدم و نعمت‌های بزرگ به من عطا فرمودی و من به عصیان گذراندم. آن چه را که انجام داده‌ام می‌دانی، زیرا تو به خوبی مرا می‌شناسی و من پشیمان گردیده و استغفار نمودم و تو از لغزشم گذشتی و دوباره پیمانت را شکستم و تو سز مرا پوشانیدی. پس ای خدای من، ستایش سزاوار تو ست. من در وادی‌های هلاکت فرو رفته‌ام و بر مسیرهای پرآسیب جای گرفته‌ام و به استقبال قهر، خشم و عقوبت تو رفته‌ام. اینک یگانه وسیله نجاتم توحید است و دست آویزم شرک نورزیدن و هرگز با تو به خدای دیگری اعتقاد نداشته‌ام.

(۲) خدایا، به سوی تو گریخته‌ام و تو پناهگاه گناه کاران و کسانی هستی که خود را تباه کرده و به تو پناهنده شده‌اند. خدایا، چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوت خود را برهنه کرده و کارد خود را برای من تیز نموده و لبه آن را بران کرده و سموم کشنده را با آب مخلوط نموده و تیرهای اصابت کننده به هدف خود را متوجه من کرده است و چشمان جاسوسانش یک لحظه در خواب نیست و تصمیم دارد عوامل ناراحت کننده‌ای برای من فراهم آورد و جرعه‌های شور و تلخ را به گلوی من بریزد. پس ای خدا، تو از ناتوانی من در دفاع از خود آگاهی و عجز مرا در گزینش کسی که به یاری‌ام بشتابد می‌دانی و از تنهایی من در بین گروه بسیاری که به دشمنی با من برخاسته‌اند،

لَمْ أُغِيلْ فِيهِ فِكْرِي، فَابْتَدَأْتُ بِنَصْرِكَ، وَشَدَدْتُ أَزْرِي<sup>١</sup> بِقُوَّتِكَ.  
 (٣) ثُمَّ قُلْتُ<sup>٢</sup> لِي حَدَّهٖ، وَصَيَّرْتُهُ<sup>٣</sup> مِنْ بَغْدِ جَمْعِ عَدِيدِ وَحْدَهٗ، وَأَعْلَيْتُ<sup>٤</sup>  
 كَفْبِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتُ مَا سَدَّدَهُ<sup>٥</sup> مَزْدُوداً عَلَيْهِ<sup>٦</sup>، فَزَدَدْتُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ<sup>٧</sup>، وَ  
 لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ<sup>٨</sup>، قَدْ عَضَّ<sup>٩</sup> عَلَى شَوَاهِ<sup>١٠</sup>، وَأَذْبَرَ<sup>١١</sup> مُؤَلِّياً<sup>١٢</sup> قَدْ أَخْلَقْتُ<sup>١٣</sup>  
 سَرَايَاهُ<sup>١٤</sup>، وَكَمْ مِنْ بَاغٍ<sup>١٥</sup> بَغَانِي<sup>١٦</sup> بِمَكَائِدِهِ<sup>١٧</sup>، وَنَصَبَ لِي شَرَكاً<sup>١٨</sup> مَصَايِدِهِ<sup>١٩</sup>،  
 وَكُلَّ لِي<sup>٢٠</sup> تَفَقُّدِ عَائِيهِ<sup>٢١</sup>، وَأَضْبَأُ<sup>٢٢</sup> إِلَى إِضْبَاءِ السَّبْعِ<sup>٢٣</sup> لِطَرِيدِيهِ<sup>٢٤</sup> أَنْظَاراً  
 لِأَنْتِهَازِ<sup>٢٥</sup> الْفُرْصَةِ<sup>٢٦</sup> لِفَرِيَسْتِيهِ<sup>٢٧</sup>، وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلِكِ<sup>٢٨</sup>، وَيَنْظُرُنِي<sup>٢٩</sup>  
 عَلَى شِدَّةِ الْحَتِّ<sup>٣٠</sup>، فَلَمَّا رَأَيْتُ - يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتُ - دَغَلَ سَرِيرَتِيهِ<sup>٣١</sup>،  
 وَقُبِعَ مَا انطوى عَلَيْهِ<sup>٣٢</sup>، أَوْ كَسَتْهُ<sup>٣٣</sup> لِأَمِّ رَأْسِهِ<sup>٣٤</sup> فِي زُبَيْتِيهِ<sup>٣٥</sup>، وَرَدَدَتْهُ  
 فِي مَهْوِي<sup>٣٦</sup> حُفْرَتِيهِ<sup>٣٧</sup>، فَانْقَمَعَ<sup>٣٨</sup> بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ<sup>٣٩</sup> ذَلِيلًا فِي رَبِّي<sup>٤٠</sup> جِبَالَتِيهِ<sup>٤١</sup> الَّتِي  
 كَانَ يَقْدُرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَادَ<sup>٤٢</sup> أَنْ يَحُلَّ<sup>٤٣</sup> بِي لَوْلَا رَحْمَتُكَ مَا حَلَّ  
 بِسَاحَتِيهِ<sup>٤٤</sup>.

(٤) وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرَقَ<sup>٤٥</sup> بِي بِغُصَّتِيهِ، وَشَجَى<sup>٤٦</sup> مِنِّي بِغَيْظِيهِ، وَ  
 سَلَقَنِي<sup>٤٧</sup> بِحَدِّ لِسَانِهِ<sup>٤٨</sup>، وَوَحَرَنِي<sup>٤٩</sup> بِقَرْفِ<sup>٥٠</sup> عُيُوبِهِ، وَجَعَلَ عِزُّوِي<sup>٥١</sup> غَرْضاً<sup>٥٢</sup>  
 لِمَرَامِيهِ<sup>٥٣</sup>، وَقَلَّدَنِي<sup>٥٤</sup> خِلَالاً<sup>٥٥</sup> لَمْ تَزَلْ فِيهِ<sup>٥٦</sup>، وَوَحَرَنِي<sup>٥٧</sup> بِكَيْدِهِ، وَقَصَدَنِي  
 بِمَكِيدَتِهِ<sup>٥٨</sup>، فَنَادَيْتُكَ - يَا إِلَهِي - مُسْتَعِيثاً بِكَ، وَاتَّقَا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، عَالِماً أَنَّهُ  
 لَا يُضْطَهَدُ<sup>٥٩</sup> مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كُنْفِكَ<sup>٦٠</sup>، وَلَا يَنْفِرُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَقِيلِ<sup>٦١</sup>

آگاهی داری که آن چنان زمینه‌های عقوبت را برای من فراهم آورده‌اند که تصور نمی‌کردم، ولی تو ناگهان به یاری‌ام شتافتی و با قدرت خود نیروی مرا شدت بخشیدی. (۳) سپس تدبیر و تجمع آنان را شکستی و کثرت آنان را پس از آن که بسیار بودند، به تنهایی مبدل ساختی و آنها را زیر پای من قرار دادی و تمام استحقاقات آنان را علیه خود آنان برگردانیدی، در حالی که خشم آنان در سینه‌هایشان محبوس شده و حرارت انتقام‌گیری آنان تسکین نیافته و انگشتان خود را می‌گزیندند، صحنه را رها کرده و از تصمیم خود برگشته و عذّه و عذّه بازمانده خود را به جای گذارده و رفتند. چه بسیار ستم‌کارانی که با کید و کینه خود به من ستم کرده و دام‌های خود را برای شکار من گسترانیده و تمام همت خود را به مراقبت و خبریابی از من متمرکز کرده‌اند و همانند درنده‌ای که برای صید خود آماده می‌شود، به دنبال فرصتی می‌گردند که نیت شوم خود را پیاده کرده و به سوی من دست اندازی نمایند؛ اگر چه بارخ گشاده و محبت‌آمیز با من رفتار می‌کنند، ولی در انتظار آن‌اند که با ستم و بیدادگری خشم شدید خود را از سینه پر کینه‌شان تهی کنند. ای خدای منزّه و متعالی، زمانی که من خبیث باطن و زشتی پنهان آنان را دیدم آنان را به سوی حفره‌ای که کید و مکرش کنده بود، راندم و حيله‌شان را به سوی خود آنان و به سوی گودالی که کنده بودند، برگرداندم؛ پس از آن همه بلندپروازی‌ها خوار و خرد شده و در بندهای دام خود در مانده گردید. اگر فضل و رحمت تو نبود، نزدیک بود دامن‌گیر من شود و مرا در بندهای دام خود ببیند.

(۴) چه بسیار حشودهایی که من مانند جرعه‌ای در گلولی آنها گیر کرده و بسان استخوانی در حلق آنان فرو رفته بودم و مرا با زبان تند مخاطب می‌ساختند و با سینه پر کینه مرا به عیب‌هایم متهم ساخته و آماج تیرهای خود قرار می‌دادند و خصلت‌های غلط و نابه جای خود را به گردن من می‌انداختند و با کید و مکر خود به من طعن می‌زدند و با خدعه و نیرنگ مرا دنبال می‌کردند. در این هنگام بود که ای

انْتَصَارِكَ<sup>١٠٢</sup>، فَحَصَّنْتَنِي<sup>١٠٣</sup> مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ. وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ<sup>١٠٤</sup> مَكْرُوهٍ<sup>١٠٥</sup> جَلَّيْتُهَا<sup>١٠٦</sup> عَنِّي، وَسَحَابٍ نِعَمٍ<sup>١٠٧</sup> أَمْطَرْتُهَا<sup>١٠٨</sup> عَلَيَّ، وَجَدَاوِلٍ<sup>١٠٩</sup> رَحْمَةٍ نَشَرْتُهَا<sup>١١٠</sup>، وَعَافِيَةٍ أَلْبَسْتُهَا<sup>١١١</sup>، وَأَعْيُنٍ<sup>١١٢</sup> أَخْدَابٍ<sup>١١٣</sup> طَمَسْتُهَا<sup>١١٤</sup>، وَغَوَاشِي كُرْبَاتٍ<sup>١١٥</sup> كَشَفْتُهَا<sup>١١٦</sup>.

(٥) وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ<sup>١١٧</sup> حَقَّقْتُ، وَعَدَمٍ [عُذِمَ] جَبَزْتُ<sup>١١٨</sup>، وَصُرْعَةٍ<sup>١١٩</sup> أَنْعَشْتُ<sup>١٢٠</sup>، وَمَسْكَنَةٍ حَوَّلْتُ<sup>١٢١</sup>. كُلُّ ذَلِكَ إِنْْعَامًا وَتَطَوُّلًا<sup>١٢٢</sup> مِنْكَ، وَفِي جَمِيعِهِ اِنْهَامًا كَأَنَّ<sup>١٢٣</sup> مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، لَمْ تَمْنَعْنِي إِسَاءَتِي<sup>١٢٤</sup> عَنْ إِنْثَامٍ إِحْسَانِكَ، وَلا حَجَرَنِي<sup>١٢٥</sup> ذَلِكَ عَنْ اِزْتِكَابٍ مَسَاخِطِكَ<sup>١٢٦</sup>، لا تُسْأَلُ عَمَّا نَفَعَلْ. وَلَقَدْ سُنِلَتْ فَأَعْطَيْتَ، وَلَمْ تُسْأَلْ فَاِبْتَدَأْتَ، وَاسْتُمِيعَ<sup>١٢٧</sup> فَضْلُكَ فَمَا أَكْذَبْتَ<sup>١٢٨</sup>، أُبَيِّتُ - يَا مَوْلَايَ - إِلَّا إِحْسَانًا وَامْتِنَانًا وَتَطَوُّلًا وَإِنْْعَامًا، وَأُبَيِّتُ إِلَّا تَقَحُّمًا<sup>١٢٩</sup> لِحُرْمَاتِكَ<sup>١٣٠</sup>، وَتَعَدَّيَا لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ - إِلَهِي - مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ<sup>١٣١</sup> لا يَفْجَلُ.

(٦) هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوحِ<sup>١٣٢</sup> النِّعَمِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ<sup>١٣٣</sup>. اَللّٰهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمَحْدَرَةِ الرَّفِيعَةِ<sup>١٣٤</sup>، وَالْعُلُوِّيَّةِ الْبَيْضَاءِ<sup>١٣٥</sup>، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُبْعِدَنِي<sup>١٣٦</sup> مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيَّكَ<sup>١٣٧</sup> فِي وُجْدِكَ، وَلَا يَتَكَادَى<sup>١٣٨</sup> فِي قُدْرَتِكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَهَبْ لِي<sup>١٣٩</sup> - يَا إِلَهِي - مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلْمًا<sup>١٤٠</sup> أَعْرُجُ<sup>١٤١</sup> بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ<sup>١٤٢</sup>، وَآمَنْ بِهِ<sup>١٤٣</sup> مِنْ عِقَابِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



خلّاق متعال، تو را به کمک طلبیدم و به درگاهت استغاثه نمودم و امید به سرعت اجابت دعایم داشتم و می دانستم که هیچ کس نمی تواند بر کسی که به درگاه تو پناهنده شده، غلبه کند و هر کس که به دژ محکم تو جای گرفته است، دچار رنج نمی گردد و تو به قدرت خود مرا در دژ استوار خود از ستم مصون داشتی. چه ابرهای متراکم مصیبت که از حریم من زدودی و چه بسیار ابرهای کرامت و نعمت که بر من باراندی و چه بسیار رحمت های خود که از جدول ها و راه های گوناگون گستراندی و لباس عافیت را بر من پوشاندی و چه چشم های حوادث ناگوار را که کور کردی و پوشش های بلا و گرفتاری ها را از میان برداشتی.

(۵) چه بسیار حسن ظن و نیک اندیشی درباره من که محقق ساختی و چه بسیار فقر را (یا عدم حسن ظن) که جبران فرمودی و چه لغزش ها که دست مرا گرفتی و به پا خاستم و چه بیچارگی ها که بر طرف فرمودی و همه اینها از احسان و تفضّل تو بود، اگرچه من در همه این گشایش ها که لطف کردی، به معصیت روی آورده و غرق در نافرمانی بودم. با این حال، بی ادبی ها و بدی های من هرگز مانع تکمیل احسان های تو نشد و من از ارتکاب رفتارهای ناپسندی که تو را به غضب و امی داشت، دست نکشیدم. کسی نمی تواند از تو درباره آن چه انجام می دهی، سؤال کند. همگان از تو درخواست می کنند و تو عطا می کنی و نیز بدون سؤال مبادرت به اکرام بندگان می فرمایی و از تو طلب فضل می کنند و تو آنان را رد نمی کنی. خدایا، تو به جز احسان و امتنان و کرم و نعمت، به کار دیگری دست نمی زنی و من به جز غرق شدن در گناهان و تجاوز از حدود و غفلت از تهدیدهای تو کاری انجام نمی دهم. راستی ستایش بی پایان خداوندگاری را سزاست که مقتدر شکست ناپذیر است و صاحب صبر و مدارا با خلق می باشد، بدون آن که در عقوبت آنان شتاب کند.

(۶) خدایا، من در مقام کسی به نیایش می پردازم که به گستردگی نعمت های تو



اعتراف دارد و در ادای وظایف خود به کوتاهی اقرار می‌کند و خود گواه نباهی و هلاکت خویش است. خدایا، با توسل به منزلت و شرافت پیامبر بزرگوارت و ولایت بلندمرتبه و رفیع امیرمؤمنان به تو تقرب می‌جویم و به بلندای مقام آن دو بزرگوار از تو درخواست می‌کنم که مرا از شرّ فلان و فلان در پناه خود درآوری، که برای تو از هیچ روی تنگنایی نیست و برای قدرت تو مشکل ساز نیست و تو به همه چیز توانایی و نیز به من رحمت و دوام توفیق کرامت فرما، تا به وسیله آن به مقام رضا و خشنودیات عروج کنم و از عقاب تو ایمن باشم. ای مهربان‌ترین مهربانان.

### واژه‌ها:

۱. لهوئ: عمر به باطل گذراندم.
۲. قسوئ: به قساوت مبتلا شدم.
۳. ابلهئ الجبل: عطای زیبا و نیکو کردی.
۴. اصدرت: صادر کردی.
۵. عرفنته: به من آن را شناساندی.
۶. فاقلت: مسامحه کردی.
۷. فعدت: برگشت به عصیان کردم.
۸. تقصت: فرو افتادم.
۹. حللت: وارد شدم.
۱۰. شعاب: راه کوهستانی.
۱۱. سطواتك: قهر و غلبه‌های تو.
۱۲. ذریعتی: وسیله من.
۱۳. مفز: فرارگاه - پناه گاه.
۱۴. مفزع: جای فزع.
۱۵. المضیع: ضایع کننده.
۱۶. حظ نفسه: نصیب نفس او.
۱۷. ملتجی: پناهنده.
۱۸. انتضی: برهنه کرد.
۱۹. شعد: تیز کرده.
۲۰. طبة: تیزی شمشیر.
۲۱. مُذیتة: کاردش.
۲۲. ارفف: تیز کرد.
۲۳. شبا: طرف تیز.
۲۴. داف: مخلوط کرده.
۲۵. قواتل: کشنده‌ها.
۲۶. سموم: جمع سم.
۲۷. سدّ: محکم هدف گیری کرد.
۲۸. نحوی: دو طرف.

۲۹. صواب: تیرهایی که به هدف می‌رسد. ۵۲. مؤثراً: روی گردانید و برفت.
۳۰. سهام: جمع سهم، تیرهایش. ۵۳. أخلفت: بی ثمر ماند.
۳۱. لم تم: نخوابیده. ۵۴. سراپا: گوشه‌ای از لشکر.
۳۲. عین حراسته: چشم مأموران او. ۵۵. باغ: ظالم.
۳۳. اضر: قصد کرده. ۵۶. بغانی: به من ظلم کرد.
۳۴. یسومنی: مرا طلب کند. ۵۷. مکاید: کید و حيله‌ها.
۳۵. یجرعنی: به من می‌چشانند. ۵۸. شرك: بندهای دام.
۳۶. زعاق: آب. ۵۹. مصاید: دام‌ها.
۳۷. مرارته: تلخی. ۶۰. وکل بی: مأمورم ساخت.
۳۸. فواح: حوادث سنگین. ۶۱. رعایت: کسی که او را می‌نگرند و زیر
۳۹. ناوانی: قصد مرا نموده. نظر دارند.
۴۰. ارسدلی: مترقب من است. ۶۲. اخبأ: استار در زمین پیدا کرد.
۴۱. أزری: کرم را. ۶۳. اخباء السبع: همانند استار درنده.
۴۲. فلتت: شکستی. ۶۴. طریده: صیدی را که دنبال می‌کنند.
۴۳. صیرته: او را گردانیدی. ۶۵. انتهاز: به کمین نشستن.
۴۴. اعلیت: بلند کردی. ۶۶. فرصة: زمان مناسب.
۴۵. سده: آن را محکم کاری کرده بود. ۶۷. فریسته: شکاری که گردن او را شکسته.
۴۶. مردوداً علیه: بر خود او برگردانیدی. ۶۸. بشاشة الملق: گشادگی چهره به دوستی
۴۷. لم یشف غیظه: غیض او آرام نیافت. همراه حيله.
۴۸. غلیله: کینه‌اش. ۶۹. ینظرنی: به من می‌نگریست.
۴۹. عصف: گاز گرفت. ۷۰. شدة الحق: شدت غضب و کینه.
۵۰. شواء: اطراف دست (انگشتان). ۷۱. دغل سریره: فساد و حيله باطنی.
۵۱. أدبر: پشت کرد. ۷۲. مانطوی علیه: کتمان نیت.



۷۳. ارگسته: او را انداختم.  
 ۷۴. ام رأسه: مغز سر.  
 ۷۵. زبیته: حفره‌ای در آن شکار کنند.  
 ۷۶. مهوی: مرکز سقوط.  
 ۷۷. حفرته: لانه او.  
 ۷۸. فاتقمع: خوار شد.  
 ۷۹. استطالته: طلب علو او.  
 ۸۰. ربق: ریسمان.  
 ۸۱. حبالته: دام او.  
 ۸۲. قدکاد: نزدیک بود.  
 ۸۳. یحلّ: حلول کند.  
 ۸۴. ساحت: حریم.  
 ۸۵. شرق: فرو می‌برد.  
 ۸۶. شجی: می‌بلعید.  
 ۸۷. سلقی: به من خطاب توهین‌آمیز می‌کرد.  
 ۸۸. حدّ لسانه: تیزی زبانش.  
 ۸۹. وخرنی: به من کینه بسیار داشت.  
 ۹۰. قرف: تهمت.  
 ۹۱. عرض: آبرو.  
 ۹۲. غرض: هدف قرار داد.  
 ۹۳. مرامیه: تیرهایش.  
 ۹۴. قلّذنی: به گردن من انداخته بود.
۹۵. خلاّلا: خصلت‌ها.  
 ۹۶. لم تزل فیه: دایم در آن بود.  
 ۹۷. وخرنی: باکید مرا طلب می‌کرد.  
 ۹۸. مکیدته: کید او.  
 ۹۹. یضطهد: مغلوب شود.  
 ۱۰۰. کنفک: جانب تو.  
 ۱۰۱. معقل: دژ، پناهگاه.  
 ۱۰۲. انتصار: یاری.  
 ۱۰۳. حصّنتی: مرا منع کردی.  
 ۱۰۴. سحابب: ابرها.  
 ۱۰۵. مکروه: ناملایم.  
 ۱۰۶. جلّیتها: آنها را کنار زدی.  
 ۱۰۷. نعم: نعمت‌ها.  
 ۱۰۸. امطرتها: فرستادی - باراندی.  
 ۱۰۹. جداول: نهرها.  
 ۱۱۰. نشرتها: باز کردی.  
 ۱۱۱. البستها: پوشاندی.  
 ۱۱۲. اعین: چشم‌ها.  
 ۱۱۳. احداث: پیش آمدها.  
 ۱۱۴. طمستها: پوشاندی - محو کردی.  
 ۱۱۵. غواشی کربات: پوشش‌های غم و غصه.  
 ۱۱۶. کشفتها: زائل کردی.  
 ۱۱۷. ظنّ حسن: امید به رحمت خدا.

۱۱۸. جیرت: جبران کردی.  
 ۱۱۹. صرعة: زمین خوردن.  
 ۱۲۰. أنعشت: برپایش داشتی.  
 ۱۲۱. حوالت: دگرگون کردی.  
 ۱۲۲. تطوّل: تفضّل و کرامت.  
 ۱۲۳. انهماك: فرو رفتن.  
 ۱۲۴. اساءتی: بدی من.  
 ۱۲۵. حجرنی: مانع من شد.  
 ۱۲۶. مساخط: سخط‌ها.  
 ۱۲۷. استمیح: از عطاهایت سؤال کردم.  
 ۱۲۸. اكدیث: امساک از خوبی کردم.  
 ۱۲۹. تنعّمًا: دخول بدون فکر.  
 ۱۳۰. حرماثك: اعمال حرام.  
 ۱۳۱. ذی أناة: صاحب صبر و تحمل.  
 ۱۳۲. سبورغ: سعه و گشایش.  
 ۱۳۳. تضییع: ضایع کردن.  
 ۱۳۴. رفیعه: بلند و عالی.  
 ۱۳۵. البیضاء: سفید و نورانی.  
 ۱۳۶. تعیذنی: پناهم دهی.  
 ۱۳۷. لا یضیق علیك: برای تو مشکل نیست (تو عاجز نیستی).  
 ۱۳۸. لا یتکادك: برای تو مشکل نیست.  
 ۱۳۹. فهب لی: بر من ببخشای.  
 ۱۴۰. شلّمًا: نردبان.  
 ۱۴۱. اعرج: بالا روم.  
 ۱۴۲. رضوانك: مقام رضای تو.  
 ۱۴۳. آمن به: بدان وسیله ایمن گردم.



## دعاؤه فى الرهبة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ سَوِيًّا<sup>١</sup>، وَرَبَّيْتَنِيْ صَغِيْرًا<sup>٢</sup>، وَرَزَقْتَنِيْ مَكْفِيًّا<sup>٣</sup>. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ وَجَدْتُ فِيمَا اَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتَ بِهٖ عِبَادَكَ اَنْ قُلْتُ: (يَا عِبَادِيَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلَىْ اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا) وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّيْ مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّيْ، فَيَا سَوَّأَنَا<sup>٤</sup> مِمَّا اَخْصَاهُ<sup>٥</sup> عَلَى كِتَابِكَ!

(٢) فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ<sup>٦</sup> الَّتِيْ اُوْمِلُ<sup>٧</sup> مِنْ غَفْوِكَ الَّذِيْ شَجَلَ<sup>٨</sup> كُلَّ شَيْءٍ لَا تَلْقِيْتُ يَدِيْ<sup>٩</sup>، وَلَوْ اَنْ اَحْدَا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ<sup>١٠</sup> مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ اَنَا اَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ، وَ اَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ<sup>١١</sup> فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ اِلَّا اَتَيْتُ بِهَا<sup>١٢</sup>، وَكَفَى بِكَ جَازِيًّا<sup>١٣</sup>، وَكَفَى بِكَ حَسِيْبًا<sup>١٤</sup>.

(٣) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ طَالِبِيْ اِنْ اَنَا هَرَبْتُ، وَ مُذْرِكِيْ اِنْ اَنَا فَرَزْتُ<sup>١٥</sup>، فَهَ اَنَا ذَا بَيِّنٍ يَدِيْكَ<sup>١٦</sup> خَاصِعٌ ذَلِيْلٌ رَاغِمٌ<sup>١٧</sup>، اِنْ تُعَذِّبْنِيْ فَاِنِّيْ لِذَلِكَ اَهْلٌ، وَهُوَ - يَا رَبِّ - مِنْكَ عَذْلٌ، وَ اِنْ تَغْفُ عَنِّيْ فَقَدِيْمًا سَمَلَنِيْ غَفْوُكَ، وَ اَلْبَسْتَنِيْ عَافِيَتَكَ.

## دعای به هنگام بیم و خشیت

(۱) خدایا، مرا آراسته آفریدی و از کودکی پروریدی و در حد کافی روزی دادی. خدایا، در قرآن کریم تو یافتم که بر بندگان بشارت دادی و به آن دسته از آنان که با طغیان و عصیان به خود ظلم روا داشته‌اند فرمودی که هرگز از رحمت خدا مأیوس نگردید که او تمام گناهان را می‌بخشد و تو پیشینه مرا می‌دانی و از من به من آگاه‌تری؛ پس وای از گناهایی که کتاب تو از من به حساب آورده است!

(۲) خدایا، اگر نبود موافق عفو تو که همه چیز را شامل است، خود را از دست می‌دادم و اگر کسی می‌توانست از قدرت خدا بگریزد، من از همه سزاوارتر بودم که فرار کنم؛ ولی هیچ چیز در زمین و آسمان از نظر تو پنهان نیست، جز آن که آن را به حساب می‌آوری و تو برای پاداش دهی و حساب‌کشی کافی هستی.

(۳) خدایا، اگر فرار کنم، تو جوینده‌ای و اگر بگریزم، مرا درمی‌یابی. هان! اکنون من در کمال خضوع و ذلت خاک نشین و تسلیم تو هستم؛ اگر عذابم کنی مستحقم و تو به عدل رفتار فرموده‌ای و اگر عفو کنی، از دیرباز مشمول عفو تو بوده‌ام و در پوشش عافیت تو قرار داشته‌ام.



(٤) فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْرُوجِ<sup>٢٠</sup> مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ<sup>٢١</sup> الْحُجُبُ<sup>٢٢</sup> مِنْ  
بَهَائِكَ<sup>٢٣</sup>، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ<sup>٢٤</sup>، وَهَذِهِ الرَّمَّةَ<sup>٢٥</sup> الْهَلُوعَةَ<sup>٢٦</sup>، الَّتِي  
لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟! وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ  
رَعْدِكَ<sup>٢٧</sup>، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟

(٥) فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي امْرُؤٌ حَقِيرٌ، وَخَطِرِي يَسِيرٌ<sup>٢٨</sup>، وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا  
يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ  
الصَّبْرَ عَلَيْهِ، وَ أَخْبَيْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ  
مُلْكُكَ أَذْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ، أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَغْصِبَةُ الْمُذْنِبِينَ،  
فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَتُبْ  
عَلَيَّ<sup>٢٩</sup>، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.



(۴) خدایا، به حق اسمای پنهان و به تمام نور تو که در پس حجاب‌ها مستور است، این جانبی تاب و این استخوان‌های ناتوان را ببخشای، که قدرت حرارت خورشید را ندارند، چه رسد به حرارت جهنم و تاب شنیدن غَرَش ابرها را ندارند، چه رسد به شنیدن غَرَش بانگ خشم تو!

(۵) خدایا، به من رحم کن که بسیار ناچیزم و قدر منزلتم اندک است و عذاب من ذره‌ای به ملک تو نمی‌افزاید و اگر عذاب من موجب فزونی ذره‌ای بر عظمت و قدرت تو بود، قطعاً از تو صبر می‌خواستم و دوست داشتم که من در آن عذاب شکبیا باشم و بر ملک تو افزون گردد، لیکن سلطنت بزرگ تو فراتر از آن است که طاعت مطیعان و معصیت گناه‌کاران در آن اثری بگذارد؛ پس به رحمت خود بر من ترحم فرما و به جلال و کرامت خود از من درگذر و مرا بپذیر که تو بخشنده و پذیرنده‌ای.

#### واژه‌ها:

۱. سَوَى: معتدل.
۲. وَتَيْتِي: مرا پروانندی.
۳. مَكْنِيّاً: کفایت شده.
۴. لَا تَنْتَظِرُوا: مایوس نشوید.
۵. فَيَا سَوَاتِنَا: ای وای از این مسئله غم‌آور.
۶. احْصَاهُ: آن را شمرده.
۷. مَوَاقِف: جایگاه‌ها.
۸. اَوْثَقُ: آرزو و امید دارم.
۹. شَمِل: شامل می‌شود.
۱۰. لَا قَيْتَ بِيَدِي: خود را تسلیم عذاب می‌کردم.
۱۱. الْهَرَب: فرار.
۱۲. خَافِيَةً: پنهان.
۱۳. أُتَيْتُ بِهَا: آن را حاضر می‌ساختی.
۱۴. جَازِيّاً: جزا دهنده.
۱۵. حَسِيباً: حساب‌گر.
۱۶. مُذْرِكِي: مرا می‌گرفت (می‌یافتی).
۱۷. فَرَرْتُ: فرار می‌کردم.
۱۸. بَيْنَ يَدَيْكَ: حاضر در مقابل تو.
۱۹. رَاغِم: صورت به خاک مالیده.
۲۰. مَخْزُون: محفوظ.
۲۱. وَارْتَه: پوشانده‌اش.



۲۲. حجب: پرده‌ها.

۲۳. بهاء: حسن و جمال.

۲۴. جزوۀ: کثیر الجزع.

۲۵. رمة: استخوان پوسیده.

۲۶. هلوعه: بسیار جزع کننده.

۲۷. رعد: صدای ابرها.

۲۸. خطری یسر: شأنم قابل توجه نیست.

۲۹. تُبّ علی: مرا به بازگشت بپذیر.





## دعاؤه فى التضرّع والاستكانة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ:

(١) إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنِيعِكَ<sup>١</sup> إِلَهِي، وَسُبُوحُ<sup>٢</sup> نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، وَجَزِيلُ<sup>٣</sup> عَطَائِكَ عِنْدِي، وَ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَسْتَبْتَغِي<sup>٤</sup> عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدْ اضْطَنَعْتُ<sup>٥</sup> عِنْدِي مَا يَفْجُرُ عَنْهُ شُكْرِي.

(٢) وَلَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوحُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، مَا بَلَّغْتُ إِخْرَازَ<sup>٦</sup> حَقِّي، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِي، وَ لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ، وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ، وَ صَرَفْتَ عَنِّي<sup>٧</sup> جَهْدَ<sup>٨</sup> الْبَلَاءِ، وَ مَنَعْتَ مِنِّي مَخْذُورَ<sup>٩</sup> الْقَضَاءِ.

(٣) إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدِ<sup>١٠</sup> قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي، وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِقَةٍ<sup>١١</sup> أَفَرَزْتَ بِهَا عَيْنِي، وَ كَمْ مِنْ صَنِيعَةٍ<sup>١٢</sup> كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي. أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ<sup>١٣</sup> عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَ أَقَلْتَ<sup>١٤</sup> عِنْدَ الْعِثَارِ<sup>١٥</sup> زَلَّتِي<sup>١٦</sup>، وَ أَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظِلَامَتِي<sup>١٧</sup>.

(٤) إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بِخِيَلٍ حِينَ سَأَلْتُكَ، وَ لَا مُنْقِصًا<sup>١٨</sup> حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعًا، وَ لِمَطَالِبِي مُعْطِيًا، وَ وَجَدْتُ نِعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِقَةً، فِي كُلِّ شَأْنٍ<sup>١٩</sup> مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ رَمَانٍ مِنْ رَمَائِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَخْمُودٌ،

## دعای هنگام زاری و تضرع

(۱) خدایا، تو را ستایش می‌کنم؛ که تو در برابر احسان‌ها و نعمت‌های فراوان و عطا‌های بزرگ تو و کرامت‌هایی که به واسطه آن مرا برتری دادی و نیز در برابر رحمت و نعمت‌های فراوانی که بر من ارزانی داشتی، سزاوار ستایشی؛ اگر چه آن چنان لطفت فراگیر و نعمت‌هایت لحظه به لحظه در فزونی است که من از ادای شکر آنها ناتوانم.

(۲) خدایا، اگر احسان و نیکویی تو نبود، هرگز به هیچ توفیق و نصیب خیری دست نمی‌یافتم و به اصلاح حال خود موفق نمی‌گردیدم. تو بودی که به من احسان فرمودی و در حد کفایت بی‌نیازم کردی و رنج و گرفتاری‌ام را برطرف ساختی و حوادث سنگین و پرخطری که از قلم قضای تو در فضای این جهان جاری است، محفوظ داشتی.

(۳) خدایا، چه بلاها که برگرداندی و چه نعمت‌ها که چشم مرا بدان‌ها روشن ساختی و چه لطایف بسیار که برای من انجام دادی و هنگام اضطراب، دعایم را مستجاب و در لغزش‌گاه‌ها، برقرارم داشتی و حق مرا از دشمنانم باز گرفتی.

(۴) خدایا، هرگز هنگام درخواست از تو خودداری نورزیدی و در رحمت تو را بسته ندیدم، بلکه پیوسته دعای مرا شنیدی و خواسته‌هایم را عطا کردی و نعمت‌هایت را بر من فرو ریختی و در همه حال‌ها و زمان‌ها ستوده‌ای و همه



وَصَنِيْعُكَ لَدَىٰ مَبْرُورٍ<sup>٢٠</sup>.

(٥) تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ،  
حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ<sup>٢١</sup> عَنِّي، فَتَجِبْنِي مِنْ سَخَطِكَ<sup>٢٢</sup>.

(٦) يَا كَهْفِي<sup>٢٣</sup> حِينَ تُغَيِّبُنِي<sup>٢٤</sup> الْمَذَاهِبُ<sup>٢٥</sup>، وَيَا مُقِيلِي<sup>٢٦</sup> عَذْرَتِي<sup>٢٧</sup>، فَلَوْلَا  
سَتْرُكَ عَوْرَتِي<sup>٢٨</sup> لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ<sup>٢٩</sup>، وَيَا مُوَيْدِي بِالنَّصْرِ فَلَوْلَا نَصْرُكَ  
إِبْرَأَيْ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ<sup>٣٠</sup> لَهُ الْمُلُوكَ بَيْرَ الْمَذَلَّةِ<sup>٣١</sup> عَلَى  
أَغْنَاقِهَا<sup>٣٢</sup>، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ<sup>٣٣</sup> خَائِفُونَ، وَيَا أَهْلَ الثَّقَوَى، وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
الْحُسْنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفُو عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرَبِّئَا<sup>٣٤</sup> فَأَعْتَذِرُ<sup>٣٥</sup>، وَلَا يَذِي  
قُوَّةٍ فَأَتَنْصِرَ، وَلَا مَفَرَّ لِي فَأَفِرُ<sup>٣٦</sup>.

(٧) وَأَسْتَغِيْلُكَ<sup>٣٧</sup> عَثْرَاتِي<sup>٣٨</sup>، وَأَتَتَّصِلُ إِلَيْكَ<sup>٣٩</sup> مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي<sup>٤٠</sup>،  
وَأَحَاطَتْ بِي<sup>٤١</sup> فَأَهْلِكْنِي، مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ - رَبِّ - تَائِبًا قَتَبَ عَلَى، مُتَعَوِّذًا<sup>٤٢</sup>  
فَأَعِذْنِي، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلْنِي<sup>٤٣</sup>، سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْ نِي، مُغْتَصِمًا<sup>٤٤</sup> فَلَا تُسْلِبْنِي،  
دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا<sup>٤٥</sup>.

(٨) دَعَوْتُكَ - يَا رَبِّ - مُسْتَكِينًا، مُسْتَكِينًا<sup>٤٦</sup>، مُشْفِقًا<sup>٤٧</sup>، خَائِفًا، وَجِلًّا<sup>٤٨</sup>،  
فَقِيرًا، مُضْطَرًّا إِلَيْكَ.

(٩) أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ<sup>٤٩</sup> فِيمَا وَعَدْتَهُ  
أَوْلِيَاءَكَ، وَالْمَجَانِبَةَ<sup>٥٠</sup> عَمَّا حَذَرْتَهُ<sup>٥١</sup> أَعْدَاءَكَ، وَكَثْرَةَ هُمُومِي<sup>٥٢</sup>، وَوَسْوَسةَ  
نَفْسِي.

کارهایت، خیر و کرامت و رحمت است.

(۵) خدایا، جان و زبان و عقلم تو را سپاس می‌گویم، آن چنان که حق شکر تو را ادا کند و ستایشی که به رضای تو برسد؛ پس مرا از خشم و غضب خود دور و محفوظ بدار.

(۶) ای خدایی که هنگام رنج از پیش آمدها پناه من هستی و ای نگهدارنده من از لغزش، اگر تو عیب‌های مرا بنوشانی، رسوا می‌گردم و اگر تو یاری‌ام نکنی مغلوبم و ای کسی که پادشاهان متکبر عالم در برابر تو یوغ مذلت برگردن دارند و از سطوت تو بیمناک‌اند و ای کسی که همیشه جانب تو باید رعایت شود و اسمای حسنا فقط از آن توست. تقاضایم آن است که عفو و بخشش خود را نصیب گردانی، زیرا من هرگز از عیب‌بری نیستم تا عذر آورم و قدرتی ندارم تا از آن یاری بگیرم و گریزگاهی ندارم تا بدان سو بگریزم.

(۷) خدایا، از تو درخواست می‌کنم که لغزش‌هایم را نادیده‌گیری و از گناهانم به درگاه تویی‌زاری می‌جویم و نیز از گناهانی که مرا گرفتار کرده و بر من احاطه و هلاکم ساخته است، به درگاه تو گریخته‌ام، در حالی که توبه کرده و درخواستم آن است که توبه‌ام را بپذیری و پناهم دهی. به تو پناهنده‌ام، پس بیچاره‌ام مگردان و از تو درخواست می‌کنم، پس محروم مکن و به درگاه تو گرویده‌ام، پس نومیدم بر مگردان.

(۸) خدایا، تو را می‌خوانم، در حالی که مسکین و بیچاره‌ام و قلبم ترسان و تنم لرزان و هراس‌ناک است و درمانده و مضطربم.

(۹) خدایا، به تو شکایت می‌کنم از این که نتوانم به سوی وعده‌های تو که به اولیایت داده‌ای شتاب کنم و از وعده‌های عذابت که دشمنانت دریافت کرده‌اند بگریزم و از هموم بسیار و وسوسه‌های فراوان نفس خود به درگاهت شکوه می‌کنم.



(١٠) إِلَهِي لَمْ تَفْضَخْنِي بِسَرِيرَتِي<sup>٢</sup>، وَلَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي<sup>٣</sup>، أَدْعُوكَ  
فَتَجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِينًا جِئْتَ تَدْعُونِي، وَأَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي، وَ  
حَيْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي، فَلَا أَدْعُو سِوَاكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ.

(١١) لَيْتَكَ لَيْتَكَ<sup>٤</sup>، تَسْمَعُ مِنْ شَكَا إِلَيْكَ<sup>٥</sup>، وَ تَلْقَى<sup>٦</sup> مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَ  
تُخَلِّصُ<sup>٧</sup> مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ، وَ تُفَرِّجُ عَمَّنْ لَازِمُ<sup>٨</sup> بِكَ.

(١٢) إِلَهِي فَلَا تَخْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا  
تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِي.

(١٣) إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمُفْرُطُ<sup>٩</sup> الْمُصِيبُ الْآثِمُ<sup>١٠</sup> الْمُقْصِرُ الْمُضْجِعُ<sup>١١</sup>  
الْمُغْفِلُ<sup>١٢</sup> حَظَّ نَفْسِي، وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.





(۱۰) خدایا، به سبب بدی من، رسوایم مکن و به خاطر عصیانم، مرا هلاک مگردان. تو را می‌خوانم و دعایم را اجابت می‌کنی اگر چه در اطاعت تو سست باشم و هرگاه که حاجتی دارم و هر جاکه هستم و هر گونه سزای داشته باشم فقط خواسته‌ام را با تو باز می‌گویم و سزم را با تو در میان می‌گذارم و غیر تو را نمی‌خوانم و به جز تو، به کسی امید ندارم.

(۱۱) خدایا، در فرمان‌بری تو آماده‌ام. هر کس که به تو شکایت آورد، ندای او را می‌شنوی و هر کس به تو توکل کند، او را درمی‌یابی و آن که به تو اعتماد آورد، از گرفتاری رها می‌کنی و هر کس به تو پناهنده شود، به گشایش کارش اقدام می‌کنی.

(۱۲) خدایا، پس به سبب ناسپاسی من، مرا از خیر دنیا محروم مکن و گناهانی را که از آنها آگاهی بر من ببخشی.

(۱۳) خدایا، اگر عذابم کنی من تبهکاری هستم که کوتاهی و گستاخی کرده و در انجام وظایف سستی ورزیده‌ام و در انجام دستورهای بهره‌مندی خود غفلت نموده‌ام و اگر بخشایشت شامل من شود، تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.

### واژه‌ها:

۱. صنعك: ساخته‌تو.
۲. سبورغ: سعه و فراوانی فیض.
۳. جزیل: بزرگ.
۴. اسبغت علی: نعمت فراوان به من عطا کردی.
۵. اصطعت: انجام داده‌ای.
۶. اهراز: به دست آوردن.
۷. صرفت عتی: از من دور کردی.
۸. جهد: مشقت.
۹. محذور: مکروه (مورد کراهت).
۱۰. جاهد: پر مشقت.
۱۱. سابقه: نعمت وسیع فراوان.
۱۲. صنیه: کار انجام یافته.
۱۳. أجبث: جواب دادی.

۱۴. اَلْقَلْتُ: نگهداشتی.  
 ۱۵. عثار: سقوط.  
 ۱۶. زَلَّة: لغزش.  
 ۱۷. ظلماتی: حق مظلوم.  
 ۱۸. متقبضاً: گرفته.  
 ۱۹. شان: حال.  
 ۲۰. مبرور: نیکو و پسندیده.  
 ۲۱. مبلغ رضاک: منتهای رضای تو.  
 ۲۲. سخطک: غضب تو.  
 ۲۳. کھف: غار.  
 ۲۴. تمینی: عاجز سازد مرا.  
 ۲۵. مذاهب: راه‌ها.  
 ۲۶. مقبل: نگهدارنده.  
 ۲۷. هترة: سقوط.  
 ۲۸. عورة: قبیح، مخفی.  
 ۲۹. مفضوح: رسوا.  
 ۳۰. وضعت: نهاده است.  
 ۳۱. نیر المذلة: قلاده برگردن اسیران.  
 ۳۲. اھناق: گردن‌ها.  
 ۳۳. سطوات: قدرت‌ها.  
 ۳۴. بری: تبرئه شده.  
 ۳۵. فاعتذر: اظهار عذر کنم.  
 ۳۶. افر: فرار کنم.
۳۷. استغلبك: از تو طلب برگشت از گناه می‌کنم.  
 ۳۸. عثراتی: لغزش‌ها، سقوط‌ها.  
 ۳۹. اُنتقل اليك: از گناهان به سوی تو می‌آیم.  
 ۴۰. اوبقتی: هلاکم کرده.  
 ۴۱. احاطت بی: مرا در میان گرفته.  
 ۴۲. متوڈا: پناهنده.  
 ۴۳. فلاتخذلنی: بیچاره‌ام نکن.  
 ۴۴. معصم: چنگ زده.  
 ۴۵. خائباً: محروم.  
 ۴۶. مستکین: ذلیل.  
 ۴۷. مشفقاً: ترسان.  
 ۴۸. وجل: خائف.  
 ۴۹. مسارعة: به سرعت حرکت کردن.  
 ۵۰. مجانبة: دوری کردن.  
 ۵۱. حذرتہ: آن را دور داشتی.  
 ۵۲. هموم: حزن جان فرسا.  
 ۵۳. سریره: باطن جان.  
 ۵۴. جریره: گناه.  
 ۵۵. لبیک: تأکید در اعلان آمادگی.  
 ۵۶. شکا اليك: به سوی تو شکایت آورده.  
 ۵۷. تلقی: با او روبه رو شوی.

دعای پنجاهویکم: دعا به هنگام زاری و تضرع • ۴۲۹

۶۱. اَیْم: گنه کار.

۶۲. المَضْجِع: قاصر و مقصر.

۶۳. مَغْفَل: غفلت زده.

۵۸. تَخْلَص: نجات می دهی.

۵۹. لا ذ: پناهنده می شود.

۶۰. مَفْرُط: سستی گر همراه با تقصیر.



## دعاؤه فى الإلحاح على الله تعالى

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى:  
(١) يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَكَيْفَ  
يَخْفَى عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ؟! وَكَيْفَ لَا تُخْصِي<sup>١</sup> مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ؟!  
أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ؟! أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرُبَ مِنْكَ<sup>٢</sup> مَنْ  
لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ؟! أَوْ كَيْفَ يَنْجُو<sup>٣</sup> مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ<sup>٤</sup> لَهُ فِي غَيْرِ  
مُلْكِكَ؟!

(٢) سُبْحَانَكَ أَخْشَى<sup>٥</sup> خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ<sup>٦</sup> لَكَ أَعْمَلُهُمْ  
بِطَاعَتِكَ، وَأَهْوَنُهُمْ<sup>٧</sup> عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَغْبِطُ غَيْرَكَ.

(٣) سُبْحَانَكَ لَا يَنْقُصُ<sup>٨</sup> سُلْطَانُكَ<sup>٩</sup> مِنْ أَشْرَافِكَ، وَكَذَّبَ رُسُلَكَ، وَلَيْسَ  
يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ<sup>١٠</sup> قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ، وَلَا يَمْتَنِعُ<sup>١١</sup> مِنْكَ<sup>١٢</sup> مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ،  
وَلَا يَقُوتُكَ<sup>١٣</sup> مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ، وَلَا يُعَمَّرُ<sup>١٤</sup> فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ<sup>١٥</sup>.

(٤) سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ<sup>١٦</sup> شَأْنُكَ، وَأَفْهَرُ<sup>١٧</sup> سُلْطَانُكَ، وَأَشَدُّ قُوَّتَكَ، وَأَنْفَقَ<sup>١٨</sup>  
أَمْرَكَ!

## دعا به هنگام اصرار و پافشاری به درگاه خدا

(۱) خدایا، هیچ چیز در زمین و آسمان بر تو پوشیده نیست. چگونه مخفی باشد در حالی که تو خالق همه آنها هستی؟! و چگونه احاطه نداشته باشی در حالی که تو آنها را استوار کرده‌ای؟! و چگونه پنهان از تو باشد در صورتی که همه چیز در تدبیر تو است؟! و چگونه از تو بگریزد در صورتی که حیات آنها از تو است؟! و چگونه از تو راهی دارد آن که جز در ملک تو راهی دیگر ندارد؟!

(۲) خدایا، تو از هر نقصی منزهی و خشیت و بیم آن که به تو آگاه تر است، بیشتر است و آن که در عمل کوشاتر در برابر تو خاضع تر است و آن که پست ترین است، با وجود آن که پرستش دیگری را می نماید، از روزی تو برخوردار است.

(۳) خدایا، تو منزهی! هرگز شرک مشرکان و تکذیب کافران نسبت به پیامبران تو، نقصانی در اقتدارات ایجاد نمی کند و آن که به حکم تو خشنود نیست توان آن را ندارد که فرمانت را رد کند و آن که قدرت تو را نادیده گرفته، از اختیار تو بیرون نیست و کسی که غیر تو را ستایش می کند، توان گریز از قدرت تو را ندارد و هر کس از ملاقات تو رنجیده و دل خور باشد، عمرش ابدی نیست.

(۴) خدایا، چه قدر شأن تو عظیم و اقتدار تو غالب و نیروی تو شدید و امر تو نافذ

(٥) سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ<sup>١١</sup> عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ؛ مَنْ وَخَذَكَ<sup>١٢</sup> وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَكُلُّ ذَاتٍ<sup>١٣</sup> الْمَوْتَ، وَكُلُّ صَائِرِ إِلَيْكَ<sup>١٤</sup>، فَتَبَارَكْتَ<sup>١٥</sup> وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَذَكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ.

(٦) آمَنْتُ بِكَ، وَصَدَقْتُ رُسُلَكَ، وَقَبِلْتُ كِتَابَكَ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ، وَبَرِئْتُ<sup>١٦</sup> مِمَّنْ عَبْدَ سِوَاكَ.

(٧) اللَّهُمَّ إِنِّي أَضِيعُ<sup>١٧</sup> وَأُفْسِدُ<sup>١٨</sup> مُسْتَقِيلًا لِعَمَلِي<sup>١٩</sup>، مُغْتَرِفًا بِذَنْبِي، مُقِرًّا بِخَطَايَايَ، أَنَا بِإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَلِي أَهْلِكُنِي، وَهَوَايَ<sup>٢٠</sup> أَرْزَانِي<sup>٢١</sup>، وَشَهَوَاتِي خَرَمَتْنِي.

(٨) فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَا هَيْئَةَ<sup>٢٢</sup> لِيَطُولَ أَمَلِهِ<sup>٢٣</sup>، وَبَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِقِهِ<sup>٢٤</sup>، وَقَلْبُهُ مَفْتُونٌ<sup>٢٥</sup> بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، وَفِكَرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ<sup>٢٦</sup>.

(٩) سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَفَسَنَتُهُ الْهَوَى، وَاسْتَمَكَّنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا<sup>٢٧</sup>، وَأَظْلَمَهُ<sup>٢٨</sup> الْأَجَلُ، سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْفَرَ ذُنُوبَهُ<sup>٢٩</sup>، وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ، سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ، وَلَا وَلِيَّ لَهُ دُونَكَ، وَلَا مُنْقِذَ<sup>٣٠</sup> لَهُ مِنْكَ، وَلَا مُلْجَأَ<sup>٣١</sup> لَهُ مِنْكَ، إِلَّا إِلَيْكَ.

(١٠) إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ<sup>٣٢</sup> بِهِ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ<sup>٣٣</sup> الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبُولِي<sup>٣٤</sup> وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ<sup>٣٥</sup> وَلَا يَفْنَى<sup>٣٦</sup>، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُسَلِّىَ<sup>٣٧</sup> نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ.

(۵) تو منزهی و بر تمامی آفریده‌ها - اعم از کافر و مؤمن - حکم مرگ را مقدر فرموده و همگان مرگ را می‌چشند و به سوی تو روان می‌گردند. تو مبارک و متعالی هستی و جز تو خدایی نیست و هرگز شریکی نداری.

(۶) خدایا، به تو ایمان دارم و پیامبرانت را تصدیق می‌کنم و کتاب آسمانی‌ات را می‌پذیرم و به هر معبودی به جز تو کفر ورزیدم و از هر کس که غیر تو را می‌پرستند، بیزارم.

(۷) خدایا، هر صبح و شام عمل خود را کم دیده و به گناهان و خطاهایم اقرار و اعتراف دارم و به دلیل اسراف‌ی که بر خود روا داشتم، خوارم و اعمالم مرا هلاک و هوا و هوس مرا پست نموده و شهواتم مرا از رشد و تعالی محروم ساخته است.

(۸) پس ای مولای من، از تو درخواست می‌کنم همانند کسی که به سبب آرزوهای درازش بیهوده گراگشته و همانند غفلت زده بی‌تحرک عروقت بسته شده و قلبش به سبب کثرت نعمت‌ها از خود وامانده و رها شده و در اثر عکس‌العمل کردارش، فکری کم و کوتاه پیدا کرده است.

(۹) خدایا، درخواست من از تو همانند درخواست کسانی است که آرزوهای دور و دراز بر آنان غالب شده و هوای نفس گرفتارشان ساخته و دنیا بر آنها مسلط گردیده است و اجل بر سرشان سایه افکنده و گناهان بسیار دارند و به تمامی آنها اعتراف می‌کنند و جز تو خدایی ندارند و هیچ گونه سرپرست و نجات‌دهنده و پناه‌گاهی غیر از تو و به سوی تو ندارند.

(۱۰) خدایا، به آن حقی که بر همه آفریده‌ها واجب کردی و به آن اسم اعظمی که به رسالت امر فرموده‌ای تو را بدان تسبیح کند و به جلال و جهات که همیشه باقی است و تغییر و تبدیل نپذیرد، از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا با بندگی خود از همه چیز بی‌نیاز گردانی و نفس مرا با بیم و هراس از خود، از دنیا



وَأَنْ تُشِيتَنِي<sup>١٦</sup> بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ.

(١١) فَإِلَيْكَ أَفِرُّ<sup>٧</sup>، وَمِنْكَ أَخَافُ<sup>٨</sup>، وَبِكَ أَسْتَعِيْثُ<sup>٩</sup>، وَإِيَّاكَ أَرْجُو<sup>١٠</sup>، وَلَكَ

أَدْعُو، وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَبِكَ أَثِقُ<sup>١١</sup>، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِيْنُ<sup>١٢</sup>، وَبِكَ أُوْمِنُ<sup>١٣</sup>، وَعَلَيْكَ

أَتَوَكَّلُ<sup>١٤</sup>، وَعَلَى جُودِكَ<sup>١٥</sup> وَكَرَمِكَ أَتَكَلُّ<sup>١٦</sup>.





باز داری و بارحمت و کرامت بسیار خود مرا مورد تفقد و مهربانی قرار دهی.  
(۱۱) خدایا، گریزم به سوی تو و ترسم نیز از توست و به تو پناه می‌برم و به تو  
امیدوارم و تو را می‌خوانم و به تو روی آورده‌ام و تو تنها تکیه گاهم تویی و یار من،  
تویی و امن و امان من، به واسطه توست و بر تو توکل و اعتماد می‌کنم.

### واژه‌ها:

۱. لا یخفی علیہ شیء: هیچ چیز بر او پوشیده نیست.
۲. کیف لا تحصى: چگونه شمارش را نداری.
۳. تدبیره: آن را تدبیر می‌کنی.
۴. یهرب منك: از تو فرار کند.
۵. ینجو: نجات پیدا کند.
۶. مذهب: راه - طریق نجات.
۷. اخشی: خائف‌ترین.
۸. اخضع: خاضع‌ترین.
۹. اهلون: سست‌ترین - بیهوده‌ترین.
۱۰. لا ینقص: نقص ندارد.
۱۱. سلطان: اقتدار.
۱۲. کره: خوش ناید.
۱۳. لا یتقطع منك: از تو منقطع نشود.
۱۴. لا یفوتک: از تو بریده نیست.
۱۵. لا یعتر: عمر بلند ندارد.
۱۶. لقاه: مردن و از دنیا رفتن.
۱۷. ما اعظم: چه بسیار عظیم است.
۱۸. ما اقهر: چه بسیار قدرتمند است.
۱۹. قضیت: حتم کردی.
۲۰. من و عدك: آن‌که تو را یگانه داند.
۲۱. ذائق: چشنده.
۲۲. صائر الیک: به سوی تو بر می‌گردد.
۲۳. تبارکت: پربرکت هستی.
۲۴. برنت: بری هستم.
۲۵. اصبح: صبح کردم.
۲۶. امسی: شب کرده‌ام.
۲۷. مستقلاً لعلی: عمل خود را کم بینم.
۲۸. هوای: هوس من.
۲۹. ارهانی: مرا پست کرده.
۳۰. لاهیه: فراموش‌کار - بیهوده‌کار.
۳۱. أمله: آرزویش.
۳۲. سکون عروقه: آرامش بدن (عروق).



۳۳. مفتون: فکر صحیح از دست داده.  
۴۴. لافنی: فناپذیر نیست.
۳۴. صائراله: به سوی او گردیده.  
۴۵. تسلی: زائل کنی.
۳۵. استمکت منه الدنيا: دنیا را در اختیار دارد.  
۴۶. ثننی: با دست پر مرا برگردانی.
۳۶. اظله: بر او سایه فکنده.  
۴۷. افز: فرار می‌کنم.
۳۷. استکر ذنوبه: گناهان خود را بزرگ دیده.  
۴۸. أخاف: می‌ترسم.
۴۹. بك استغث: به تو التماس می‌کنم.  
۵۰. أرجو: امید بسته‌ام.
۳۸. منقذ: نجات دهنده.  
۵۱. بك اتق: به تو اطمینان دارم.
۳۹. ملجأ: پناهگاه.  
۵۲. استعین: یاری می‌طلبم.
۴۰. يستحک به: تو را به آن تنزیه کند.  
۵۳. بك أومن: به تو ایمان دارم.
۴۱. جلال وجهك: عظمت مظاهر الهی.  
۵۴. عليك أتوكل: به تو توکل می‌کنم.
۴۲. لا یبلی: کهنه نشود.  
۵۵. جود: بخشش بلا عوض.
۴۳. لا یحول: تغییر نیابد.  
۵۶. اتكل: اعتماد می‌کنم.





## دعاؤه في التذلل لله عز وجل

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّذَلُّلِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

(١) رَبِّ أَفْحَشْتَنِي<sup>١</sup> ذُنُوبِي، وَانْقَطَعَتْ مَقَالَتِي<sup>٢</sup>، فَلَا حُجَّةَ لِي، فَأَنَا الْأَيْسَرُ بَيْلَسِي<sup>٣</sup>، الْمُرْتَهَنُ<sup>٤</sup> بِعَمَلِي، الْمُرْتَدُّ<sup>٥</sup> فِي خَطِيئَتِي، الْمُنْتَخِرُ عَنْ قَضِي، الْمُتَقَطِّعُ بِي<sup>٦</sup>.

(٢) قَدْ أَوْقَفْتُ<sup>٧</sup> نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّةِ الْمُذْنِبِينَ، مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّينَ<sup>٨</sup> عَلَيْكَ، أَلْمُسْتَخْفِينَ<sup>٩</sup> بِوَعْدِكَ.

(٣) سُبْحَانَكَ أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيُّ تَغْرِيرٍ<sup>١٠</sup> عَزَّزْتُ بِنَفْسِي<sup>١١</sup>؟  
(٤) مَوْلَايَ، إِزْحَمْ كَبُوتِي<sup>١٢</sup> لِخُرٍّ وَجْهِي<sup>١٣</sup> وَزَلَّةَ قَدَمِي<sup>١٤</sup>، وَغُذِّ بِحِلْمِكَ عَلَى<sup>١٥</sup> جَهْلِي، وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِي، فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِي، أَلْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، وَهَذِهِ يَدِي وَنَاصِيَتِي<sup>١٦</sup>، أَسْتَكِينُ<sup>١٧</sup> بِالْقَوْدِ<sup>١٨</sup> مِنْ نَفْسِي، إِزْحَمْ شَيْبَتِي<sup>١٩</sup>، وَنَفَادَ<sup>٢٠</sup> أَيَّامِي، وَاقْتِرَابَ<sup>٢١</sup> أَجَلِي<sup>٢٢</sup> وَصَفْغِي وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي<sup>٢٣</sup>.

(٥) مَوْلَايَ وَارْخَنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثَرِي، وَامْحُ<sup>٢٤</sup> مِنْ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي<sup>٢٥</sup>، وَكُنْتُ مِنَ الْمُنْسِيَّينَ<sup>٢٦</sup> كَمَنْ قَدْ نَسِيَ<sup>٢٧</sup>.

## دعا به هنگام اظهار خاکساری در درگاه خدا

(۱) خدایا، گناهان و امانده‌ام کرده و سخنم گسیخته و حجت و دلیلی برایم نمانده است و اسیر گرفتاری‌های خویشتم و در گرو کردارهایم هستم و در گناهانم سرگشته و در مقاصدم سرگردان و در راه زندگی‌ام در مانده‌ام.

(۲) خدایا، نفس من به دلیل گناهان در موطن خواری قرار گرفته است و در جایگاه تیره بختان گستاخ که به وعده‌هایت توجه نمی‌کنند، جای دارد.

(۳) خدایا، تو منزهی! من در حال خود حیرانم که چگونه بر تو جرأت پیدا کرده‌ام و چگونه توانستم خود را گول زده و دچار غفلت گردم.

(۴) مولای من، زمین خوردن من با تمام قامت و به رو افتادن من و نیز لغزش پایم را ببخشای و با حلم خود جهلم را و با احسانت بدی‌هایم را عفو فرما، که من به گناهان و خطاهای خود اعتراف می‌کنم و این دست من و این موی جلو سر من است که در اختیار توست و با تمام بیچارگی آماده مجازاتم. به پیری و گذشت روزگار و نزدیکی اجل و ضعف و مسکنت و ناتوانی من ترخم بفرما.

(۵) خدایا، آن گاه که نام و نشانی از من در دنیا نماند و هیچ آفریده‌ای از من یاد نکند و در گروه فراموش شدگان قرار گرفتم، به من ترحم بفرما.



(٦) مَوْلَايَ وَ اَزْخَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي، وَ حَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي<sup>٢٨</sup>، وَ  
تَفَرَّقَتْ<sup>٢٩</sup> أَعْضَائِي، وَ تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي<sup>٣٠</sup>، يَا غَفْلَتِي عَمَّا يُرَادُ بِي!  
(٧) مَوْلَايَ وَ اَزْخَمْنِي فِي خَشْرِي وَ نَشْرِي، وَ اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ  
أَوْلِيَائِكَ مَوْفِقِي، وَ فِي أَجْبَائِكَ مَضْدَرِي، وَ فِي جَوَارِكَ مَسْكِنِي، يَا رَبَّ  
الْعَالَمِينَ.



(۶) خدایا، آن گاه که دگرگونی در صورت و حال پیدا می‌شود و جسم من به پوسیدگی می‌گراید و اعضا و بند بند بدنم جدا می‌گردد، به من رحم کن. وای بر من که از وظایف خود غفلت دارم!

(۷) خدایا، به من رحم کن آن هنگام که زنده و برانگیخته و در قیامت محشور می‌شوم و در آن روز مرا با اولیای خود محشور فرما و در میان دوستان جای و در قرب خود اسکان ده، ای پروردگار جهانیان.



## واژه‌ها:

۱. افحسّتی: وامانده‌ام کرده.
۲. واتقطعت مقالّتی: توان گفتارم بریده.
۳. بلّیّة: گرفتاری.
۴. مرثّهن: به گروگان رفته.
۵. متردّد: متحیر.
۶. المنقّطع بی: راه بر من بسته.
۷. اوقت: واماندم.
۸. المتجرّی: جرأت‌کننده بر خلاف.
۹. المستخف: سبک‌شمارنده.
۱۰. تغیر: وادار کردن بر گول.
۱۱. غرّرت بنفسی: خود را در معرض هلاک قرار دادم.
۱۲. کبوة: به صورت به زمین خوردن.
۱۳. حرّ وجهی: صفحه صورتم.
۱۴. زلّة قدمی: لغزش پایم.
۱۵. غُذّ بعلکم علی: با حلم خود به من احسان کن (برگرد).
۱۶. ناصیتی: پیشانیم.
۱۷. استکین: مسکین شده‌ام.
۱۸. قود: قصاص.
۱۹. شیهه: پیری، سفیدی مو.
۲۰. نقاد: تمام شدن.
۲۱. اقتراب: نزدیک شدن.
۲۲. اجل: مرگ، نهایت عمر.
۲۳. حیلّتی: ره یابی من.
۲۴. آمّعی: محو شود.
۲۵. وُکّری: یاد من.
۲۶. منّتی: فراموش شده.
۲۷. نُسی: فراموش شد.
۲۸. بلّی جسمی: پوسیدگی جسم - یا پیری حاصل شود.
۲۹. تفرّقت: جدا شود.
۳۰. اوصالی: مفاصل من.





## دعاؤه فى استكشاف الهموم

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِى اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ:

(١) يَا فَارِجَ الْهُمِّ، وَكَاشِفَ الْعَمِّ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْرِجْ هَمِّى، وَاكْشِفْ غَمِّى.

(٢) يَا وَاجِدُ<sup>٢</sup> يَا أَحَدُ<sup>٣</sup> يَا صَمَدُ<sup>٤</sup>، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، إِنْصَنِّى وَطَهِّرْنِى، وَادْهَبْ بِبِلَاسِى. وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِىِّ وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَ قُلْ:

(٣) اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اسْتَدَّتْ<sup>٥</sup> فَاسَقَتْهُ<sup>٦</sup>، وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ، سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغَيِّئًا، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا، وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَ يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ<sup>٧</sup> بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِى نَفَاذِ<sup>٨</sup> أَمْرِكَ.

(٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبِضْ<sup>٩</sup> عَلَى الصَّدَقِ نَفْسِى، وَ اقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِى، وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِى شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ، وَ هَبْ لِى صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.

## دعای پنجاه و چهارم

### دعا برای برطرف شدن ناراحتی‌ها

(۱) ای زاینده هم و غم و ای رحمت گستر و مهربان در دنیا و آخرت، بر محمد و آل محمد درود فرست و هم و غم مرا برطرف ساز.

(۲) ای یکتا و ای یگانه و ای کسی که همه به تو نیازمندند، ای کسی که هرگز نزیایده و زاییده نشده‌ای و شبیه و همانندی نداری، مرا نگاه دار و پاکیزگی نصیبم فرما و گرفتاری‌هایم را برطرف ساز. سپس آیه الکرسی و دو سوره معوذتین و سوره قل هو الله اُخذه را بخوان و آن گاه بگو:

(۳) خدایا، از تو همانند کسی که به خستگی افتاده و قوای او رو به ضعف گذاشته و گناهان او بسیار گشته، درخواست می‌کنم و نیز نیایشم همانند کسی است که برای گرفتاری‌اش فریادرسی نیست و برای جبران ضعفش قدرتی ندارد و برای گناهانش آمرزنده‌ای غیر تو ندارد. از تو می‌خواهم توفیقی به من عطا کنی که محبت تو را جلب کند و یقینی می‌خواهم که از آن بهره‌مند گردم و به حق یقین در نفوذ تدبیر و تقدیر تو نایل گردم.

(۴) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن گاه که مرا به سوی خود می‌بری، بر صدق و حق جانم را بستان و هرگز مرا در دنیا نیازمند قرار مده، بلکه رغبتم را در شوق به لقای خود قرار ده و توکل صادقانه به من عطا فرما.



(٥) أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا<sup>١٠</sup>، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا،  
أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَعِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ، وَبِقَيْنِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ،  
وَتَوَكُّلِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.

(٦) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ، وَ  
رَهْبَتِي<sup>١١</sup> مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَائِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي<sup>١٢</sup> فِي مَوْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ  
شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةً<sup>١٣</sup> أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.

(٧) اَللّٰهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي، وَأُظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي<sup>١٤</sup>، وَلَقِّنِي<sup>١٥</sup>  
فِيهَا حُجَّتِي<sup>١٦</sup>، وَعَافِ<sup>١٧</sup> فِيهَا جَسَدِي.

(٨) اَللّٰهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ<sup>١٨</sup> لَهُ يَقَّةٌ<sup>١٩</sup> أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَأَنْتَ يَقْتِي وَ  
رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، فَاقْضِ لِي<sup>٢٠</sup> بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً، وَنَجِّنِي<sup>٢١</sup> مِنْ مُضِلَّاتِ<sup>٢٢</sup>  
الْفِتَنِ<sup>٢٣</sup> بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ  
الْمُصْطَفَى وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

(۵) خدایا، از تو می‌خواهم که آن چه از اعمال من ثبت شده است، از بهترین نوع خود باشد و به تو پناه می‌برم که نامه‌ی عملم بدترین باشد و نیز خوف عابدان و عبادت خاشعان و نیز یقین متوکلان و توکل مؤمنان را از تو درخواست می‌دارم.

(۶) خدایا، رغبت مرا همانند رغبت دوستان خود و ترسم را هم چون خوف اولیایت قرار ده و مرا طوری به رضای خود موفق گردان که هرگز دستوری را برای خشنودی آفریده‌های تو از دست ندهم.

(۷) خدایا، درخواست‌هایی را که تاکنون از تو خواسته‌ام، رغبتم را در آنان بیشتر فرما و مرا در این خواسته‌ها سرزنش مفرما، بلکه به من بیاموز که در این درخواست‌ها بدون برهان و حجت نباشم و از کرامت عافیت محروم مکن.

(۸) خدایا، هر کس که سر از بالین برمی‌دارد، به کسی دل بسته است و من امروز روز تو را در حالی آغاز می‌کنم که فقط تو را دارم و در همه‌ی امور به تو امیدوارم، پس تو خود عاقبتم را به خیر گردان و از فتنه‌های گمراه‌کننده نجاتم ده، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان. درود تو بر سرور ما حضرت محمد مصطفی و بر خاندان پاک او!

### واژه‌ها:

۱. فارح: فرج‌کننده، برطرف‌کننده.
۲. کاشف الغم: زداینده‌ی غم.
۳. واحد: یکتا.
۴. احد: یگانه، بدون دومین.
۵. صمد: مورد حاجت خلق.
۶. اشتدت: شدت فراوان.
۷. فاقه: فقر، حاجت.
۸. مغیثاً: فریادرسی.
۹. مقوًی: تقویت‌کننده.
۱۰. استیقن: یقین پیدا کرد.
۱۱. نفاذ: جریان - واقع شدن.
۱۲. اقبض: نگهدار.

۱۳. قد خلا: گذشته است.  
۱۴. رهبه: خوف و خشیت.  
۱۵. واستعملنی: مرا موفق به عمل کن.  
۱۶. مخافة: ترس.  
۱۷. عذر: دفع ملامت.  
۱۸. لقی: به من تلقین کن.  
۱۹. حیثی: دلیل من.  
۲۰. عاف: مرا عافیت بده.  
۲۱. من اصیح: هر کس سر از بالین بردارد.  
۲۲. تقه: مورد اطمینان.  
۲۳. فاقض لی: برای من حتم کن.  
۲۴. نبجی: مرا نجات بده.  
۲۵. مضلات: گمراه کننده ها.  
۲۶. فتن: فتنه ها.

